



تبرستان  
www.tabarestan.info

# دو سال روابط محترمانه احمد شاه و سفارت شوروی

یادداشت‌های رضا هروی بصیرالدوله

به کوشش مجید تغرشی

---

دوسل روایت محرمانه احمدشاه

و سفارت شوروی

یادداشت‌های رضا هروی بصیرالدوله

به کوشش مجید تفرشی

---

تبرستان  
www.tabarestan.info



تهران تاریخ ایران

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، آپارتمان شماره ۳۰۴

دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

یادداشت‌های رضا هروی بصیرالدole

به کوشش مجید نفرشی

حروفچیانی: نشر تاریخ ایران

چاپ اول: بهار ۱۳۷۲

لیترگرافی: بیجاز

چاپ: چاپخانه کبری

تیراز: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

# دوسال روابط محروم‌انه احمدشاه و سفارت شوروى

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## فهرست موضوعات

۱	دیباچه.....
۱۵	مقدمه.....
۳۵	فصل اول: از ورود روتستین به ایران تا سفر دوم احمدشاه به اروپا.....
۶۹	فصل دوم: از بازگشت احمد شاه به آخرین سفر وی به اروپا.....
۱۴۵	ضمائمه.....
۱۶۰	فهرست اعلام.....

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## دیباچه

تبرستان  
www.tabarestan.info

با اینکه نزدیک به هفتاد سال از پادشاهی احمدشاه میگذرد چهره واقعی این پادشاه ایران برای اکثر مردم این کشور مجهول و ناشناخته مانده است. با در نظر گرفتن اینکه دوره سلطنت این پادشاه کوتاه بود و در این مدت هم توانست کار مهمی انجام دهد، مع هذا شخصیتی بس بحث انگیز و افسانه‌ای پیدا کرده است. علل اصلی آن را بایستی در عدم دسترسی به اطلاعات موثق و دست اوّل جستجو کرد که خود این امر منشاء شایعات و مطالب متناقض و متضاد گردیده است. برخی از این شایعات و افسانه‌هایی که نوشته و شنیده شده آنقدر در طول زمان تکرار گردیده که عame مردم آنرا به عنوان یک حقیقت تاریخی مورد قبول قرار داده‌اند.

ماحصل این شایعات حاکی است که سلسله قاجاریه منقرض شد زیرا احمدشاه زیربار قرارداد ۱۹۱۹ نمی‌رفت. هنگام نگارش مقدمه‌ای بر این کتاب به فکر نویسنده خطور کرد که وقت آن رسیده و فرصت مناسبی است که قرارداد ۱۹۱۹ مورد بررسی قرار گیرد بالاخص اکثر نویسنده‌گانی که در این هفتاد و اندی سال راجع به این قرارداد داد سخن داده و یا قلم‌فرسایی کرده‌اند بر اساس یک مختصراً اطلاعات ناقص و قدرت تخیل و سیاست‌بافی مطالبی به مردم ارائه داده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی تطبیق نمی‌کند و افکار عمومی ایران هم که مستعد بود برای جزئی ترین امر سیاسی هزار کاسه زیر نیمه کاسه بیند آنرا بی چون و چرا پذیرفته و تاکنون

## دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

هم نویسنده‌ای برای رفع ابهام چنین مسئولیتی را به عهده نگرفته است. بعنوان جمله معتبرضه باید اضافه کرد تحریفات و توهمنات تاریخی راجع یک موضوع نه نادر است و نه تازگی دارد و در سطح جهانی هم بسیار بیشتر نیست. در اینجا به ذکر یک نمونه اکتفا می‌شود که آشکارترین آن در رابطه با کشور یونان بوقوع پیوسته است.

برای قرون متعددی این کشور بعنوان مهد جهان متمدن و طلوع دانش و هنر و مهد دمکراسی قلمداد شده بود و جملاتی از قبیل معجزه مدنیت یونان و عظمت یونان و از این قبیل اظهارات آننوشته و شنیده می‌شد و مردم جهان هم بی‌کم و کاست پذیرفته بودند. اکنون پنهان از قرن‌ها نه تنها این گزاره‌گوئی‌ها مورد سؤال جدی قرار گرفته بلکه برخی از آنها از اصل باطل اعلام شده است.<sup>۱</sup>

نگارنده پس از نگارش مقدمه‌ای که شامل ارزیابی قرارداد ۱۹۱۹ بود متوجه شد که چه از نظر حجم و چه از نظر موضوع، مقدمه خارج از محدوده یک دیباچه است، علی‌هذا با تأیید ناشر و ویراستار صلاح در این دید که به لحاظ اهمیت موضوع، ارزیابی قرارداد ۱۹۱۹ جداگانه و در موقع مقتضی چاپ شود و در این مقدمه به ذکر مختصری از شرح حال صاحب خاطرات این کتاب اکتفا شود.

یادداشت‌هایی که اکنون از نظر خوانندگان می‌گذرد اطلاعات دست اولی است که برای اولین بار به کوشش محقق جوان آقای مجید تفرشی منتشر می‌گردد و مربوط به یک دوره کوتاه از یادداشت‌های مرحوم رضا هروی بصیرالدوله پدریز رگ مادری این‌جانب است که نزد پدرم مرحوم دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) بود. بصیرالدوله از ملاکین دوره خود بود و در تاریخ ۱۲۵۵ شمسی متولد شد و در تاریخ ۱۳۳۷ شمسی در سن ۸۲ سالگی درگذشت. او فرزند میرزا علی‌اکبرخان کجوری بود که در تکیه رضاقلی خان محکمه‌ای داشت و به شغل طبابت اشتغال می‌ورزید. مردی

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره ر.ک: فریدون آدمیت، عقل اجتماعی و سیاسی در جهان کهن، کتاب چران، ج ۵ مهر ۱۳۶۳، صص ۳۶-۱۷.

بود با قامتی بلند و بسیار جذاب و با حسن تدبیر و هوش سرشاری که داشت خیلی از اوقات مورد مشورت دوستانش قرار می‌گرفت.  
بصیرالدوله یکی از نزدیک‌ترین کسان به احمدشاه بود و به علت عدم علاقه به سیاست‌بازی هیچ‌گاه پست دولتی قبول نکرد. به‌طوری که نماینده شوروی در این یادداشتها بدان اشاره می‌کند و پدرم هم می‌گفت دو سه بار احمدشاه پست وزارت دربار را به بصیرالدوله تفویض می‌کند و او از قبول آن خودداری می‌نماید. از خصوصیات بارز <sup>بصیرالدوله</sup> زندگی بسیار ساده او بود و از هرگونه تظاهر و خودنمایی پیزار، و تا آخر عمر از این رویه پیروی می‌کرد. در سال ۱۳۰۱ احمدشاه نشانه‌گریه یک شیر و خورشید با حمایل سبز که از عالی‌ترین نشانهای دوره قاجار بود به او اعطا کرد.

بعد از کودتای ۱۲۹۹، سردار سپه به نزدیکی روابط بصیرالدوله و احمدشاه آگاهی داشت ولی هیچ‌گاه به عمق محرومیت آنها تا آخر سلطنتش پی نبرده بود، زیرا اگر رضاشاه می‌دانست او چه نقشی برای ابقاء احمدشاه ایفاه کرده است، تردید نیست که برای بصیرالدوله مشکلاتی ایجاد می‌کرد. تا مدتی بعد از کودتا ۱۲۹۹ هفته‌ها، بلکه ماهها خانه بصیرالدوله مخفیانه تحت نظر اداره آگاهی قرار داشت و حتی در یک مورد که بصیرالدوله دنبال پیشخدمتی می‌گشت، یک نفر که مراجعته می‌کند منتبه به اداره آگاهی بود که پس از کشف آن به بهانه‌ای عذر او خواسته می‌شود. همچنین از پدرم شنیدم که در سال ۱۳۰۲ سردار سپه به منظور جلب نظر بصیرالدوله وزارت فواید عامه را به او پیشنهاد می‌کند و او از قبول آن خودداری می‌نماید. بصیرالدوله به اطرافیان خود به‌طور خصوصی اظهار کرده بود که دیدم به در در در ش نمی‌ارزد و نمک‌خوردن و نمک‌دان شکستن کار من نیست. بصیرالدوله مرد حق‌شناسی بود و با این‌که به نقاط ضعف احمدشاه به خوبی واقف بود، همیشه از این پادشاه قاجار با نیکی و احترام یاد می‌کرد.

در اینجا بی‌مناسب نیست چند خاطره از بصیرالدوله بازگو شود:

## دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

مرحوم سپهبد امیراحمدی طی یک مصاحبه رادیویی در سال ۱۳۴۱ در رابطه با سردار سپه اظهار داشت بعد از کودتای ۱۲۹۹ یک روز احمدشاه من و سردار سپه و امیر موئن و طهماسبی را حضور کرد و ما همگی به کاخ رفیم و یک یک به حضور شاه شرفیاب شدیم و بصیرالدوله به درون اطاق رفت و آمد می‌کرد. شاه نظر ما را برای فرماندهی کل قوا جویا شد و هر یک از ما سردار سپه را پیشنهاد کردیم. بعد از این‌که از کاخ بیرون رفیم، متظر شدیم تا بصیرالدوله بیرون آید و چهار تغزی نزد او رفیم و پرسیدیم عکس العمل شاه چه بود. بصیرالدوله بیان اشاره به سردار سپه جواب داد: اعلیٰ حضرت فرمودند قد و هیکلش به این کماز می‌خورد. چند خاطره دیگر که از مرحوم بصیرالدوله در رابطه با احمدشاه شنیده‌ام باین شرح است. در یکی از سفرهای احمدشاه به اروپا هنگام اقامت در اسلامبول سران حکومت ترکیه پیشنهاد مساعدت و همکاری به احمدشاه برای مقابله با سردار سپه می‌کنند. احمدشاه مطلب را با بصیرالدوله در میان می‌گذارد و بعد چنین اضافه می‌کند: من سرنوشت خود را به تقدیر الهی واگذار می‌کنم مایل هم نیستم یک میرزا تقی خان دیگر از رضاخان درست کنم. خاطره دیگر در فرانسه اتفاق می‌افتد به این ترتیب که احمدشاه و همراهان در اطاقی نشسته بودند و شخصی که از ایران آمده بود شرفیاب می‌شود و یکی از اولین سوالاتی که احمدشاه می‌کند راجع به نرخ گندم بوده. بعد از خاتمه جلسه بصیرالدوله و احمدشاه که تنها می‌شوند بصیرالدوله می‌گوید: صلاح اعلیٰ حضرت نبود که چنین سوالی را می‌فرمودید و یا این‌که به من می‌گفتید من از او سوال می‌کرم. احمدشاه در جواب می‌گوید: بی خود نیست که پدر ما لقب بصیرالدوله به تو داد.

از طرف دیگر ذکر دو داستان زیر برای شناخت خصوصیات اخلاقی احمدشاه حائز اهمیت است. وقتی خبر درگذشت احمدشاه به تهران می‌رسد هر کسی در باره او چیزی می‌گفت. بصیرالدوله مطلبی را برای پدرم بازگو کرده بود که او هم سالیان بعد به مناسبتی برایم تعریف

کرد. بصیرالدوله گفته بود در یکی از سالهای خشکسالی روزی سلطان احمد شاه در حضور عده‌ای که اسمی آنان را برده رو بمن کرد و گفت: «بصیرالدوله اینطور که شنیده‌ام نان کمیاب شده و بدتر از این هم می‌شود. بگو حتی‌المقدور از حالا در توزیع آرد و گندم صرفه‌جوئی کنند و وقتی وضع وخیم‌تر شد آرد و گندم به اندازه کافی موجود باشد». بصیرالدوله اضافه کرده بود: «در حالیکه احمد شاه نهایت حسن نیت را داشت و منظورش کاهاش فشار به مردم بی‌پساعت بود. احمد شاه! معکوس جلوه داده و به مردم کوچه و بازار این طور تفهیم کرده بودند که احمد شاه گفته بود آرد و گندم را الان توزیع نکنید تا کمیاب شده و قیمت‌ها بالا رود و آن وقت توزیع کنید که سودش به جیب او برسد و پس از این واقعه بود که مخالفین آن اشعار هجو را برای او ساختند». در یکی از کتاب‌های منتشر شده راجع به احمد شاه برای تأثید این نظریه که احمد شاه همواره مراقب حفظ شنوایات پادشاهی بوده و بر خلاف شایعات نه آدم عیاشی بوده و نه عشرت طلب به حادثه‌ای اشاره می‌کند که روزی احمد شاه مطلع می‌شود که محمدحسن‌میرزا و لیعهد یک شب هنگام خروج از کاخ گلستان ویلونی با خود برده و به عیاشی پرداخته. شاه گفته بود خبر این جریان در شهر و بازار پخش شده و بقدرتی از این امر ناراحت و آشفته گردید که گفته بود برای ما دیگر آبروئی باقی نمانده و مفتضح شده‌ایم و اگر ولیعهد را بیستیم با عصا سروکله او را خرد می‌کنیم.<sup>۲</sup> کلیات این ماقع با حقیقت وقق می‌دهد زیرا بصیرالدوله یکی از کسانی بود که در آن روز در کاخ حضور داشته و شاهد عینی این تغییر شاه بود و در همان موقع و بعدها برای کسان خود تعریف کرده بود. برای تکمیل داستان این حادثه به نقل از مرحوم بصیرالدوله باید افزود آن شخصی که با محمدحسن‌میرزا به خوشگذرانی رفته بود مرحوم حسام‌السلطنه بوده که از موسیقی دانان و ویلونیست‌های آن زمان محسوب می‌شد.

بصیرالدوله دو همسر اختیار کرد. و دارای پنج فرزند بود که بترتیب سن

عبارة بودند. از زهرا بدرالسلطنه هروی (صدیق)، فخرالسلطنه هروی (مؤید خواجوی)، مهندس علی اکبر هروی، دکتر نصرت الله هروی و افسرالملوک هروی (دیهیم). مادر چهار نفر اول ماهرخسار خانم متین از نواده‌های دختری عباس میرزا بود. مادر آخرین فرزند، خانم فاطمه حاجی بود که در نوجوانی بعقد ناصرالدین شاه درآمد و به زیباروی شهرتی داشت و چون سوگلی ناصرالدین شاه بود او را خانم باشی خطاب می‌کرد و به همین اسم هم معروف شد. بعد از فوت ناصرالدین شاه خانم باشی با مرحوم حاجب‌الدوله ازدواج کرد و بعد از فوت نامبرده برای چند سالی همسر بصیرالدوله شد که ثمرة آن یک فخته بود. بصیرالدوله و خانم باشی بعد از چند سالی از هم جدا شدند.

بصیرالدوله از کارهای خیر غافل نبود و در زمانی که انجام کارهای عام المتفعه از طرف اشخاص خصوصی نادر بود مخارج احداث بخشی از بیمارستان سینا را تقبل کرد و یکی از ساختمان‌های آن بیمارستان به نام آن مرحوم بیادگار مانده است. به پاس خدمات اجتماعی آن مرحوم شهرداری تهران سالها پیش دو خیابان تهران را به نام وی نامگذاری کرد و تا این اواخر به نام او بود. در سال ۱۳۰۹ یعنی ۶۲ سال پیش به پیشنهاد و کمک پدرم مدرسه‌ای در لوریزان که در آن زمان یک روستای ششصد نفری بود تاسیس کرد که تنها مدرسه آن حوالی محسوب می‌شد و از روستاهای مختلف برای تحصیل بدان جا می‌آمدند، و این خود موجب شد که لوریزان به صورت محوری درآید. یکی از خصوصیات اجتماعی قابل تقدیر این مملکت این است که فرزندان اهالی آن نواحی که بدان مدرسه رفته‌اند بعد از آن به واسطه لیاقت و شایستگی خود به مقامات ارجمندی نائل شدند و این خود اجر بزرگی بود برای بانیان این مدرسه. در سال ۱۳۳۹ مدرسه مذبور از طرف وزارت فرهنگ بعنوان یک مدرسه نمونه انتخاب شد.

حال چگونه این خاطرات بدست پدرم رسید ماجرایی شنیدنی دارد. بصیرالدوله مدارک و عکس‌های زیادی از سلطنت قاجاریه بخصوص احمدشاه در اختیار داشت و از جمله یادداشت‌هایی که اکنون در دست

خوانندگان است. برخی از مدارک دیگر عبارت بودند از: یادداشت‌های بصیرالدوله در باره سفرهای احمدشاه به اروپا که بصیرالدوله همراه او بود. معمولاً رسم بر این بود که احمدشاه در اکثر اوقات با بصیرالدوله مشورت می‌کرد و گفتگوهایی که با شخصیت‌های داخلی و خارجی داشت با او در میان می‌گذاشت و بصیرالدوله هم نکات مهم آنرا در خاطراتش یادداشت می‌کرد. از وجود این یادداشت‌ها و مدارک احدي تا سال ۱۳۱۶ اطلاع نداشت و او آنها را در گاوصدقی نگهداری می‌کرد.

بصیرالدوله دو پسر خود را در سال ۱۳۰۱ شمسی بزایی ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده بود. پسر کوچکتر دکتر نصرت‌الله هروی پس از اتمام رشته طب در سال ۱۳۱۶ به ایران مراجعت می‌کند و این مقارن بود با اوج قدرت نظامی سپاس مختاری و توقیف، ۵۳ نفر. دکتر هروی پس از ورود از طرف شهربانی توقیف می‌شود و چون بصیرالدوله می‌دانست رضاشاه نظر مساعدی نسبت به او ندارد، احتمال می‌داد که منزل وی مورد تفیش نظامی قرار گیرد و این مدارک موجب گرفتاری او گردد. علی‌هذا با دو فرد مورد اعتمادش که ضمناً مورد اعتماد دستگاه هم بودند یعنی مرحوم مهدی دادرور (وثوق‌السلطنه) و پدرم که در آن موقع ریاست دانشکده‌های علوم و ادبیات و دانشسرای عالی را به عهده داشت مشورت می‌کند.

وثوق‌السلطنه علاوه بر این که با او دوست بود، پسر ارشد بصیرالدوله مهندس علی‌اکبر هروی داماد او نیز بود. وثوق‌السلطنه از رجال دوره قاجار بود و در آخرین کابینه مشیرالدوله قبل از کودتای ۱۲۹۹ عهده‌دار وزارت جنگ بود و بعدها مکرر به نمایندگی مجلس شورای ملی و نیابت ریاست مجلس انتخاب شد و چند بار هم والی استان‌های مهم کشور گردید و در سال ۱۳۲۶ ش درگذشت. پس از مطالعه اسناد و مدارک و عکسها وثوق‌السلطنه که از رابطه رضاشاه و بصیرالدوله مطلع بود احتمال می‌داد که توقیف دکتر هروی مقدمه‌ای است برای بازداشت بصیرالدوله. علی‌هذا پیشنهاد می‌کند همگی مدارک و عکسها فوراً سوزانده شوند و بصیرالدوله هم همین کار را می‌کند. پدرم با اجازه بصیرالدوله یک دسته از

## دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

مدارک را که همین خاطرات باشد در کیف خود می‌گذارد و به منزل می‌برد و هیچ کس دیگری هم از این امر مطلع نمی‌شود.<sup>۳</sup> دکتر هروی بعد از دو هفته بازجوئی چون بی تقصیر شناخته شده بود آزاد می‌گردد و معلوم شد که توقيف او مربوط به فعالیت‌های سیاسی محصلین ایرانی در اروپا بوده است. بصیرالدوله تا مدت‌ها از اینکه آن مدارک را سوزانده نادم بود و افسوس می‌خورد. روانش شاد باد.

نوشیروان صدیق  
تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

---

<sup>۳</sup>. برای اولین بار به وجود این یادداشت‌ها پدرم در خاطراتش بدان اشاره می‌کند. عبسی صدیق، یادگار عمر، تهران ۱۳۳۸ ش، ج ۱، صص ۲۵۸ و ۲۷۹.

## مقدمه

به دنبال پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه، تغییرات ناگهانی در سیاست خارجی آن کشور در قبال مسایل جهانی و به خصوص روابط با همسایگان پیش آمد. تعدادی از دیپلماتهای مجری سیاست خارجی دورهٔ تزاری این دگرگونی ناگهانی را پذیرفتند و به عنوان نمایندگان رژیم جدید به فعالیتهای خویش ادامه دادند. ولی بسیاری از دیپلماتهای روسی نخواستند با رژیم نویا همکاری کنند و بقیه نیز علی‌رغم میل خویش از وزارت امور خارجه کنار گذارده شدند.

چند ماه پس از سقوط تزاریسم در روسیه در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ / ۷ بهمن ۱۲۹۶ نیکلا براوین نخستین فرستاده دولت بلشویکی وارد تهران شد و چند روز بعد اعلامیه‌ای صادر و طی آن اعلام کرد که مدتی وارد تهران شده و پس از انجام دید و بازدیدها اعلام داشت که حاضر است برای الغای تمام معاهدات نامشروع که دولت تزاری به زور از دولت ایران گرفته، با هئیت دولت وارد مذاکره شده و پس از فسخ امتیازات سابق معاهده‌ای شرافتمدانه با ایران منعقد کند. چون در آن زمان تقریباً هیچ یک از دولتهای جهان حکومت جدید شوروی را به رسمیت نشناخته بودند. ایران نیز رژیم جدید را به رسمیت نشناخت و سفارتخانه را از

نماینده روسیه سابق به براوین تحويل نداد ولی برای براوین عمارتی اجاره کرد. دولت با براوین مناسبات رسمی برقرار نکرد ولی احترامات او را محفوظ می داشت.<sup>۱</sup>

براوین قبل از آن که با سمت نماینده جمهوری شوروی روسیه به ایران بیاید، در دستگاه وزارت امور خارجه سابق روسیه تزاری عنوان ویس کنسول یا کنسول یاری داشت و چندی هم در خود با همین سمت خدمت کرده بود و جزو آن عده قلیلی بود که حاضر شده بودند که نیرو و تجربیات خودشان را در اختیار رژیم جدید روسیه بگذارند.<sup>۲</sup>

براوین در ملاقات خصوصی با علی قلی خان مشاورالملالک انصاری وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که خط مشی سیاست دولت شوروی در ایران حمایت از نهضت آزادی خواهانه ملت ایران علیه استعمار است و سیاست شوروی در شرق تعریضی نیست. مشاورالملالک نیز در جواب اعلام کرد که اعتماد و دوستی به تدریج ایجاد می شود و شما باید سوء ظنها را به اعتماد تبدیل کنید.<sup>۳</sup>

در این زمان از جانب حکومت شوروی به اتر، آخرین سفیر روسیه تزاری در تهران دستور داده شده بود که سفارتخانه را به براوین تحويل دهد ولی اتر با حمایت از این کار خودداری می کرد و براوین نیز دستش به جای نمی رسید تا بتواند مقام سفارت را در تهران تصاحب کند.<sup>۴</sup> براوین بعدها از ایران به افغانستان رفت و در آن جا کشته شد.<sup>۵</sup> پس از براوین ایوان

۱. حتی از تروتسکی نقل شده که رژیم شوروی نیاز به دبلمات و دیپلماسی ندارد و در صورت لزوم وی با یک نطق جها را نکان خواهد داد و به طرف خود می کشاند. مع. منشور گرگانی، رقابت روسیه و انگلیس در ایران، چاپ دوم، به کوشش محمد رفیعی مهرآبادی، تهران ۱۳۶۸، صص ۴۶-۴۷.

۲. عبدالحسین، مسعود انصاری، زندگانی من و نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان، تهران، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۶.

۳. همانجا، صص ۲۳۰-۲۲۹.

۴. همانجا، صص ۲۵۱-۲۵۰.

۵. عبدالحسین، مسعود انصاری، اولین نماینده سیاسی دولت شوروی در ایران، سالنامه دنیا

کالومیتسف از طرف استپان شائومیان رئیس حکومت بلشویکی باکو به ایران آمد. وی مدتی در تهران به سر بردوی خود را رسمآ در ۳۰ شهریور ۱۲۹۷ به وزارت امور خارجه معرفی کرد. در این زمان دولت شائومیان سرنگون شده بود، لذا دولت ایران وی را به رسالت نشناخت.<sup>۱</sup> کالومیتسف جوانی پرشور و در اعتقاد اتش بسیار منصف بود و هنگاهی که به ایران آمد ۲۲ سال سن داشت.

انگلیس‌ها در این زمان علیه کالومیتسف دست به عملیات شدیدی زدند و می‌خواستند او را دستگیر کنند، ولی کالومیتسف خود را پنهان کرد. وی پس از مدت‌ها آوارگی در ایران موفق شد به باکو و مسکوبزود. او پس از مدتی با مأموریت جدیدی به عنوان مأمور فوق العاده حکومت شورویها به ایران عزمت کرد. وی در آن زمان فقط از طریق حاج طرخان که در دست بالشویکها بود می‌توانست خود را به ایران برسانند. کالومیتسف در اوایل اوت ۱۹۱۸ در جزیره آشوراده مورد اصابت گلوله انگلیسها واقع شد ولی خود را به بندر گز رساند و در نزدیکی آنجا توسط قزاقان تحت امر اسناد کمونیستی سرهنگ فلیپ اف دستگیر شد.<sup>۲</sup> و به دستور فلیپ اف در پشت باغ شاه ساری اعدام شد و پولها و جواهراتی که جهت مصارف تبلیغاتی به ایران آورده بود نیز به یغما رفت. از این زمان هیچ نماینده رسمی از جانب دولت شوروی در ایران حضور نداشت. تا آن که به دنبال عقد قرارداد ۱۹۲۱ رتشین به عنوان نخستین وزیر مختار رسمی شوروی به ایران آمد.<sup>۳</sup> در خلال مذاکرات مشاور اممالک و کاراخان (معاون وزارت خارجه شوروی) در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۰ / ۱۲۹۹ آذر ۱۲۹۹ تشدور (فتدور) آرونیچ رتشین از سوی دولت شوروی به عنوان نخستین وزیر مختار رسمی

سال ۲۴ (۱۳۴۷)، صص ۲۵۰-۲۴۸.

۱. منشور گرگانی، پیشین، ص ۴۷.

۲. مسعود انصاری، زندگانی من، ۶۵-۶۳ / ۲ و نیز ر.ک.: کاوه بیات فعالیتهای کمونیستی در ایران، تهران، ۱۳۷۰.

۳. منشور گرگانی، پیشین، ص ۴۷.

مسکو در تهران برگزیده شد.<sup>۱</sup>

مشاورالمالک انصاری نیز متقابلاً از سوی ایران بدین سمت برگزیده شد. رتشتین یهودی و متولد ۱۸۶۵ در جنوب روسیه بود. در ۲۶ سالگی به انگلستان مهاجرت کرده بود و حدود سی سال به عنوان روزنامه‌نگار در آن کشور به سر می‌برد. وی از اوایل ورودش به انگلستان با انقلابیون روس و نیهیلستها رابطه داشت. رتشتین در دوران روزنامه‌نگاریش در انگلستان با روزنامه‌های دیلی نیوز و منچستر گاردن متعلق به حزب لیبرال انگلیس همکاری داشت.<sup>۲</sup> چند سال سردبیر بخش خارجی<sup>۳</sup> و مدتی سردبیر منچستر گاردن بود.<sup>۴</sup> سربروس لکهارت دیپلمات برجسته انگلیسی و سفیر بعدی در شوروی که قبل از خروج رتشتین از انگلستان بر سر مسایل مورد اختلاف روسیه و انگلیس با او ملاقات‌های کرده بود وی را چنین توصیف می‌کند:

«وی یک انقلابی پشت‌میزنشین بود... و یک پسر داشت که از اتباع انگلیس بود و در ارتش بریتانیا خدمت می‌کرد... او که مردی کوچک‌اندام و ریشو بود و دیدگان سیاه با روحی داشت، یک جیرجیرک روشن‌فکر بود و جست و خیزهای دیالکتیکی او همان قدر که مارا گیج و سردرگم می‌کرد برای خود او او فرح‌انگیز بود. محققًا در طبع انقلابی او هیچ چیز که نشان

۱. جرج. لنچافسکی، غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت، ترجمه حررا یاوری، تهران

۸۷، ۱۳۵۱

۲. جواد شیخ‌الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران ۱۳۶۹، مقاله شماره پنج: مأموریت رتشتین در دربار ایران، صص ۹۳-۹۴. این مقاله نخستین بار در کتاب یادگارنامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، صص ۶۳۱-۶۴۲ چاپ شده است. آقای دکتر شیخ‌الاسلامی در این مقاله مأموریت رتشتین را تا مه ۱۹۲۱ می‌داند در صورتی که رتشتین چند ماه بعد نیز در تهران به سر برد و خاطرات بصیرالدوله حاکم از حضور قطعی او و ادامه مأموریتش در ایران می‌باشد. نیز ر.ک، عیسی صدیق، یادگار عمرج ۱، ص ۱۳۲.

۳. غلام‌حسین میرزا صالح، چنبش کلشن محمد تقی خان پسیان، بنا بر گزارش‌های کنسولگری انگلیس در مشهد، چاپ اول، تهران ۱۳۶۶، ص ۴۴.

۴. لنچافسکی، پیشین، ص ۸۷

دهد وی آدمی تشنگ به خون است وجود نداشت. اگر دولت انگلیس فقط او را راحت می‌گذاشت معتقدم تا امروز در انگلیس به آرامی می‌زیست.» رتشتین در آن زمان مترجم رسمی وزارت جنگ انگلستان بود<sup>۱</sup> و پیش از آن به عنوان مأمور اطلاعاتی به کار گرفته شده بود ولی از آن جایی که مشکوک به اتخاذ مواضع ضد متفقین بود خیلی زود برکنار شد. به دنبال اخراج و مبادله ماکسیم لیتوانیف سفیر شوروی در لندن با سر برروس لکهارت نماینده بریتانیا در مسکو، رتشتین همزمان باشیکها در بریتانیا تلقی می‌شد. وی نقش مهمی در سازماندهی حزب کمونیست بریتانیا بر عهده داشت. وی در معیت تجاری سیاسی کراسین در لندن به عنوان مشاور سیاسی عضویت داشت. رتشتین در اوت ۱۹۲۰ به مسکو بازگشت تا چیچرین را از مذاکرات روسیه و انگلستان با خبر سازد. ولی هنگام بازگشت به لندن اجازه ورود مجدد به انگلستان را نیافت.<sup>۲</sup>

رتشتین در بازگشت به روسیه شوروی به عنوان متخصصی بر جسته در امور بریتانیا به خدمت دولت درآمد. وی روی چیچرین نفوذ داشت و لینین و تروتسکی به قضاوتش در باب مسایل بریتانیا اعتقاد داشتند. ظاهرآ عامل اصلی واداشتن لینین به اتخاذ خط مشی نزدیکی و دوستی با بریتانیا رتشتین بوده است.<sup>۳</sup>

در فاصله میان انتصاب رتشتین به سمت وزیر مختار شوروی در ایران تا عزیمت او به تهران کودتای حوت ۱۲۹۹ به وقوع پیوست. به دنبال روی کار آمدن دولت سید ضیاء، صدور ویزای رتشتین منوط به خروج قبلی کلیه قوای شوروی از مناطق اشغالی ایران شد. ولی پس از مدتی کشمش،

۱. بروس لکهارت، خاطرات یک مأمور انگلیسی، ترجمه کاوه دهگان، تهران ۱۳۴۶، صص ۲۲۷-۲۳۰.

۲. نقل از پرونده اسکاتلند یارد رتشتین در وزارت امور خارجه / ۱۲ زانویه ۱۹۲۱. Houshang Sabahi به نقل از Fo. 371/6399/667

British Policy in Persia 1918-1925 LONDON, 1989, P 231.

16. Glenny, The Anglo Soviet Trade Agreement March 1921, Journal of contemporary history, vol 5(1970): PP 63-82 به نقل از Sabahi op'cit. PP 135, 233.

رتشتین بدون قید و شرط پذیرفته شد.<sup>۱</sup>

رتشتین روز هفتم آوریل ۱۹۲۱ / ۱۸ فروردین ۱۳۰۰ از عشق‌آباد وارد باجگیران شد تا از طریق مشهد عازم تهران شود. مقامات ایرانی با کالسکه‌ای که از اصطبل قواں‌السلطنه والی سابق خراسان بیرون کشیده شده بود وزیر مختار را از باجگیران تا مشهد همراهی کردند.

رتشتین در ساعت یک و نیم بعد از ظهر غرّه شعبان ۱۳۳۹ / ۲۲ فروردین ۱۳۰۰ وارد مشهد شد و مورد استقبال مقامات محلی خراسان قرار گرفت.<sup>۲</sup> همراهان رتشتین در بد و رواد به مشهد علاوه برنا در میرزا آراسته (کنسول ایران در عشق‌آباد که تا تهران می‌باند وی بود و بعدها سفير ایران در شوروی شد) عبارت بودند از نیکونونیچ، بیراکوف و برسکین. رتشتین طی ملاقات‌هایی با مقامات محلی از اعمال عمال روسیه تزاری در خراسان ابراز تنفر کرد و گفت: «... من به نام ملت واقعی روس از اهانت مأموران وحشی امپراتوری سابق روسیه به مرقد مقدس [امام رضا] از ملت ایران پوزش می‌خواهم.» همچنین به دعوت کلنل محمد تقی خان حاکم نظامی و معتقد‌السلطنه کارگزار خراسان به افخار ورود رتشتین ضیافت ناهاری برگزار شد.<sup>۳</sup> رتشتین پس از چند روز اقامت در مشهد در ۲۶ فروردین مشهد را به قصد تهران ترک کرد.<sup>۴</sup>

رتشتین در روز اول اردیبهشت به سمنان وارد شد<sup>۵</sup> و پنج روز بعد در ششم همان ماه در میان استقبال رسمی دولتی و احترامات نظامی وارد تهران شد.<sup>۶</sup> نخستین وزیر مختار شوروی در تهران سه روز بعد در نهم ثور

17. X.J Eudin and R.C North. Sovioet Rassia and The East 1920-1927 Stanford 1957.

۲. سندش ۲ ضمیمه کتاب حاضر، نامه معتقد‌السلطنه کارگزار خراسان به وزرات امور خارجه.

۳. میرزا صالح، جنبش کلنل محمد تقی خان، پیشین، صص ۴۴-۴۵.

۴. استنادش ش ۳ و ۴، ضمیمه کتاب حاضر.

۵. سندش ۶ ضمیمه کتاب حاضر.

۶. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۷، ج ۱، صص ۳۵۴-۳۵۵.

(اردی بهشت) ۱۳۰۰ رسماً با احمدشاه ملاقات و نامه لین به پادشاه ایران را تسلیم وی کرد. لین در این نامه چنین نگاشته بود که به رتشتین دستور داده شد که: ... مساعی جميله خود را برای حصول مقاصد خلل ناپذیر روسیه راجع به ازدیاد رضایت و وداد فی مایین مملکتین جداً مصروف دارد.».

رتشتین پس از تقدیم نامه لین به احمدشاه طی سخنان به عنوان نویسنده‌ای که سالها علیه تجاوزات و مظالم امپریالیستی دول بزرگ علی‌الخصوص نسبت به ایران قلم زده و با قلم خود از استقلال و آزادی ایران دفاع نموده، اعلام کرد که سعی خواهد کرد که وظایف خود را با صمیمیت و عشق فوق العاده انجام دهد. او در پایان سخنانش از احمدشاه درخواست کرد که: «... این دولتخواه را نه فقط مثل نماینده یک مملکت دوست صمیمی تلقی فرموده، بلکه مانند یک نفر طرفدار صمیمی منافع ملل محنت دیده شرق منظور نظر اعتماد خسروانه خود قرار دهنده.»

احمدشاه نیز طی سخنانی ضمن ابراز خوشحالی از دریافت نامه لین و ورود رتشتین به ایران اظهار امیدواری کرد که: «... در آتیه روابط حسن‌های بین دولتين بر یک مبانی مستحکمی استوار گردد و یقین داریم که قصه اسف آور گیلان در تیجه مساعی و اهتمامات شما هر چه زودتر خاتمه یافته و طوری نخواهد شد که سکته‌ای به روابط ودادیه بین دولتين وارد آورد.»<sup>۱</sup> وی بلا فاصله پس از این دیدار به ملاقات و لیعهد، رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه رفت و با آنان نیز گفتگوهایی به عمل آورد.

رتشتین مأموریت سیاسی خود را در تهران را با یک سخنرانی تبلیغی شروع نمود و اعلام داشت که محوطه بزرگ سفارت شوروی (پارک اتابک) به روی عموم مردم و کارگران ایرانی در روزهای جمعه باز است. فیلمهای روسی به طور رایگان برای مردم به نمایش در می‌آید و مدرسهٔ قدیمی روسها [پروکومنیاژ] را با آموزگاران کمونیست از نوگشایش یافت. سفارت شوروی اخبار مسکو را از طریق یک رادیو با موج کوتاه می‌گرفت

و در یک بولتین خبری روزانه به چاپ می‌رساند.<sup>۱</sup> رتشتین ظاهراً مبالغ هنگفتی پول وارد ایران کرده بود و بخش مهمی از این پول را صرف تبلیغات می‌کرد.<sup>۲</sup> گفته شده که وی به تناوب از ۱۵۰ تا ۷۵۰ تومان مقرری ماهانه جراید طرفدار مسکو پرداخت می‌کرد.<sup>۳</sup>

ظاهرآ بیشترین مبلغ به میرزا حسین خان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران پرداخت می‌شد. وزیر مختار همچنین دستور افتتاح یک کتابخانه را هم صادر کرده بود تا مردم بتوانند به راحتی به نشریات و متون ادبی چپ دسترسی داشته باشند.<sup>۴</sup> نقطه اوج این کوشش تبلیغاتی بستنشی میران جراید به عنوان اعتراض به سیاستهای خشونت‌بار دولت علیه روزنامه‌نگاران به رهبری فرخی بزدی در سفارت شوروی بود که نهایتاً با وساطت رتشتین و دخالت مستقیم سردار سپه بدون درگیری پایان پذیرفت.<sup>۵</sup>

به نظر دولت بریتانیا، مخالفان سید ضیاء الدین از حمایت رتشتین برخوردار بودند. هرچند برخی وی را مسؤول عدم سازش میان رئیس‌الوزرا و سردار سپه می‌دانستند.<sup>۶</sup> ولی سرنگونی سید ضیاء الدین بیشتر محصول درگیریهای داخلی بود تا تحریکات خارجی.<sup>۷</sup> در هر حال رتشتین از تنش میان دولتمردان ایرانی در جهت تقویت تبلیغات ضدانگلیسی بسیار استفاده کرد و توانست راه فعالیتهاش را تا حدی

۱. پیتر ایوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲. سرقالهٔ تایمز لندن ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۱ به نقل از فتح‌الله نوری اسفندیاری، رستاخیز ایران، تهران ۱۳۳۵، ص ۱۶.

۳. FO. 371/7806 به نقل از شیخ‌الاسلامی، پیشین، ص ۱۰۱.

۴. غلام‌حسین میرزا صالح، جنبش میرزا کوچک‌خان، تهران ۱۳۷۰، صص ۵۰-۴۹.

۵. هماجا، صص ۱۵۲-۱۵۰.

۶. میرزا صالح، جنبش کلتل محمد تقی‌خان، ص ۱۲۹.

هموارتر کند.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که احمدشاه در نقط خود خطاب به رتشتین اعلام کرده بود، دولت ایران به شدت خواهان حل و فصل ماجرای گیلان با کمک وزیر مختار شوروی بود. از طرفی رتشتین هم بدش نمی‌آمد که او لین قدم او در این تجدید روابط، وساطت در کار میرزا کوچک‌خان و دولت ایران باشد تا ضمن، راه تجارت بین تهران و مسکو را هم باز کند.<sup>۲</sup>

در ۹ مه ۱۹۲۱ نرمان سفیر انگلیس در تهران طی ملاقاتی با رتشتین اعلام کرد که نیروهای انگلیسی همگی قزوین را به سوی بین‌النهرین ترک کرده‌اند. ده روز بعد کلتلن بوریس رگاچف وابسته نظامی سفارت شوروی در دیدار با نایب سرهنگ ساندرز وابسته نظامی سفارت بریتانیا اظهار داشت: تمام نیروهای شوروی در حال ترک فوری ایران هستند و روسیه در هیچ سیاستی که دولت ایران احتمالاً علیه شورشیانی چون کوچک‌خان اتخاذ کند مداخله نخواهد کرد.<sup>۳</sup> با این حال انگلیسیها معتقد بودند که نهضت جنگل (و به خصوص جناح احسان‌الله‌خان) تحت کنترل روسهای بلشویک هستند که با رتشتین ارتباط دارند. وزیر مختار شوروی بارها سعی کرد به نرمان اطمینان دهد که با پیش‌روی کوچک‌خان به سمت تهران مخالف است و مصمم است که حد اکثر کوشش را برای جلوگیری از این کار مبذول دارد.<sup>۴</sup> علت عمدۀ تصور انگلیسیها راجع به حمایت رتشتین از جنگلیها، حمایت رهبران آذربایجان شوروی از کمونیستهای گیلان و عدم هماهنگی آنها با سیاستهای لینین و مسکو بود. در دوم جولای ۱۹۲۱ / ۱۱ تیر ۱۳۰۰ پانصد نفر از نیروهای کمونیست از باکو به اanzلی وارد شدند و دو روز بعد رشت را اشغال کردند. همزمان ۲۰۰۰ تنگچی که افسران

۱. میرزا صالح، جنبش میرزا کوچک‌خان، ص ۲۲.

۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۳، ج ۳، ص ۳۶۲.

33. Sabahi. O.P. cit PP 129-130.

۴. نرمان به کرزن ۱۰ زوئن ۱۹۲۱ FO 371/6406/9974 به نقل از Sabahi OP. cit PP

روسی هم آنها را همراهی می کردند تحت فرماندهی احسان‌الله خان و ساعدالدوله به سوی تهران پیشروی کردند. این امر وحشت زیادی را در تهران ایجاد کرد. رضاخان در دیداری با رتشتین از او به طعنه معنای بازگشت نیروهای شوروی از ایران را پرسید. رتشتین با اظهار بی‌اطلاعی از این موضوع آن را به مقامات باکو نسبت داد. با این حال دو هفته بعد روسها ایران را ترک کردند و بحران فروکش نمود. چنین به نظر می‌آید که وزیر مختار نقش مهمی در خنثی کردن فتنه‌های باکو برای مداخله نظامی در ایران داشته است. رتشتین نیز همانند لینین ایران را مستعد یک انقلاب شوروایی نمی‌دانست. علاوه بر این رتشتین اعتقاد داشت که مداخله شوروی در ایران، تفاهم و نزدیکی بریتانیا را به خطر می‌اندازد و ممکن است به مداخله بریتانیا در جنوب ایران منجر شود.

لینین در ۱۶ جولای ۲۵ تیر به چیچرین متذکر شد که کمیته مرکزی باکو را از نقض سیاست دولت شوروی در ایران بر حذر دارد.<sup>۱</sup> چیچرین نیز در سوم اوت ۱۲ مرداد به رتشتین نوشت که با سیاست محتاطانه او در باره ایران کاملاً موافق است ولی چه باید کرد که برخی عناصر افراطی حزب کمونیست باکو به بیراهه می‌روند و مداخلات بی‌جایی در امور ایران می‌کنند و آنها بتنه توییخ خواهند شد. چیچرین همچنین به کیروف دستور داد که کاملاً مراقب باشد و در پیکار قوای مرکزی با میرزا کوچک‌خان هیچ‌گونه مداخله‌ای از طرف ما نشود.<sup>۲</sup>

در این زمان همه تلاش رتشتین از تبلیغات کمونیستی و ضدانگلیسی معطوف به حل ماجراهی جنگل شده بود. حل مسئله گیلان راه‌گشای ارسال مواد غذایی از سوی ایران به شوروی قحطی‌زده بود.<sup>۳</sup> رتشتین مرتب‌با از حل مسالمت‌آمیز ماجرا و لزوم مذاکره کوچک‌خان با دولت مرکزی حمایت می‌کرد. از نظر او در صورت شروع عملیات علیه جنگل‌ها، مداخله نیروی

۱. همان‌جا، ص ۱۳۵.

۲. مسعود انصاری، پیشین ۲/۷۰.

۳. جنبش میرزا کوچک‌خان، صص ۲۴، ۲۷ و ۱۳۶ P Sabahi

با کو به نفع کوچک خان بود.<sup>۱</sup> او رضاخان را به گفتگو با میرزا کوچک خان ترغیب می‌کرد ولی سردار سپه به ختم ماجرا از طریق نظامی تمایل داشت.<sup>۲</sup>

دولت شوروی بر اساس موافقت نامه کراسین وزیر تجارت خارجی شوروی و لوید جرج نخست وزیر انگلستان در لندن، ملزم به عدم دخالت مستقیم سیاسی و نظامی در امور شرق و از جمله ایران بود.<sup>۳</sup> دقیقاً به همین دلیل رتشتین طی نامه‌ای به میرزا متذکر شد که: «از آن جایی که ما یعنی دولت شوروی در این موقع نه تنها عملیات انقلابی را بی فایده و بلکه مضر می‌دانیم، این است که فرم سیاستمان را تغییر [داده] و طریق دیگری اتخاذ کرده‌ایم...»<sup>۴</sup> در این هنگام او در تهران با سیاسیون ملی و دولتی گرم گرفته بود و بنابر این طبیعی بود که به خاطر باز شدن راه گیلان، ساعت به ساعت از مساعدتش به نهضت جنگل بکاهد.<sup>۵</sup>

رتشتین از ابتدای ورودش با رجال سیاسی تهران و از جمله احمدشاه مذاکراتی دوستانه داشت. روابط او با پادشاه صمیمی بود. احمدشاه هرگاه کشور را بحرانی می‌دید، رتشتین را برای مشاوره به حضور می‌طلبید و از فکر او چاره می‌جست.<sup>۶</sup> برای مثال در جریان قیام کلنل محمد تقی خان احمدشاه در حضور کلنل رگاچف و سردار سپه با رتشتین در حل ماجرا مشورت کرد.<sup>۷</sup>

این ملاقاتها به مرور ادامه یافت و کم‌کم حالت مرتب‌تری به خود

۱. جنبش میرزا کوچک خان، ص ۲۴.

۲. همانجا، ص ۲۴.

40. Lowe and dockrill, *The Mirage of Power*, vol. 2 - 1972 PP 328-331.

۴. ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، چاپ پنجم، تهران ۱۳۵۴، ص ۳۵۷.

۵. محمد تقی بهار، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۷، جلد اول، ص ۱۶۴.

۶. شیخ الاسلامی، پیشین، ص ۱۰۴.

۷. جنبش میرزا کوچک خان، ص ۴۸.

گرفت.<sup>۱</sup> در ۱۴ صفر ۱۳۴۰ / ۲۲ مهر ۱۳۰۰ احمدشاه با احضار رتشتین، میرزا رضاخان بصیرالدوله هروی که از دوستان و ملازمان محرم خود بود رسماً به عنوان رابط خود و وزیر مختار معرفی کرد تا پیامهای محramانه طرفین را رد و بدل کند. علی‌رغم حدسها و نظریاتی که برخی از مورخان پیرامون مناسبات و ملاقات‌های شاه و وزیر مختار کرده‌اند، این روابط تا سال‌ها پس از سقوط سلسله قاجار مکنوم مانده بود. نخستین و تنها اطلاعی که از یادداشت‌های بصیرالدوله وجود دارد مربوط به سال ۱۳۳۸ شمسی و ذکر دکتر عیسی صدیق در این باره می‌باشد.<sup>۲</sup>

این روابط تا دومین سفر احمدشاه به فرنگ آغاز شد. رتشتین از ابتدا مخالف سفر احمدشاه به اروپا بود و این امر را خلاف مصالح پادشاه و ایران می‌دانست، ولی احمدشاه که مرد مبارزه با رقبای سیاسی و به خصوص رضاخان نبود، هرگز نخواست و نتوانست از دوستی با رتشتین به نفع خود استفاده کند. برای مثال احمدشاه از ترس انگلیسها و سردار سپه تا مدت‌ها ارسال جواب‌نامه‌هایی را به تأخیر انداخت و یا علی‌رغم میل باطنی خود از ملاقات با رتشتین طفره می‌رفت و آن را به آینده موکول می‌کرد.

رتشتین پس از مدتی کلنچار رفتن با رجال سیاسی ایران چنین دریافت که ایرانیها ذاتاً خود پسند، دور و غیرقابل اطمینان هستند و انجام مذاکرات رسمی و سیاسی با آنها حاصلی جز اتفاف عمر ندارد.<sup>۳</sup> وی در یکی از دیدارهایش با بصیرالدوله چنین گفت: «دولت اعلیٰ حضرت همایونی ابدأ با ما همراهی ندارد و هرچه به ما می‌گویند و عده می‌دهند و پای خصوصیت را هیئت دولت به میان می‌آورد دروغ و بی‌اصل است، زیرا که تمامش را برخلاف وعده انتظار رفتار می‌کنند». هرچند رتشتین در

۱. مکی، پیشین ۱/۳۷۳

۲. عیسی صدیق، یادگار عمر، تهران ۱۳۳۸ ش، ج ۱، صص ۲۵۸ و ۲۷۹.

47. FO 371 / 7804 ۱۰۳ / به نقل از شیخ‌الاسلامی، پیشین، ص

۴. رجوع شود به کتاب حاضر

اظهارنظر نسبت به احمدشاه حق داشت، ولی می‌توان گفت شرایط حساس آن روز مملکت هیچ راهی جز دفع الوقت پیش روی رجال مملکت نمی‌گذاشت. در واقع در آن شرایط نه انگلیسها و نه روسها هیچ یک قابل اطمینان نبودند و هیچ رجیلی علی‌الخصوص احمدشاه امکان پشتگرمی به آنها را نداشت. آنان مسلمان مصالح خود را به مصالح ایران ترجیح می‌دادند و بارها ثابت کرده بودند که مذاکرات بین‌المللی ابرقدرتها در سطوح بالاتر لازم الاجرای از قول و قرارهای کوچک با سزان دول ضعیف است. با این همه احمدشاه که در بازی همه شوکت و اقتدارش را مختصر می‌دید، هیچ اقدامی در جهت پاسخ‌گیری به فعالیتهای رتشتین از خود بروز نداد و موقعیت را به نفع بریتانیا و رضاخان از دست داد.

روابط محروم‌مانه رتشتین و احمدشاه تا ۲۷ دی ۱۳۰۰ ادامه یافت و به دنبال سفر احمدشاه به اروپا قطع شد. پس از عزیمت احمدشاه، شوروی نیز رتشتین را به دلیل اعتراضات مدام انگلیسیها به نحوه فعالیتهای او از ایران خارج کرد و بورس شومیاتسکی کادر سفارت را به جانشینی رتشتین منصوب کرد.<sup>۱</sup> اکثر رجال ایرانی از خروج رتشتین که به هر حال دیپلماتی زیردست بود متأسف به نظر می‌رسیدند.<sup>۲</sup>

شومیاتسکی در ۲۸ آوریل ۱۹۲۲ / ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۱ به عنوان کاردار سفارت به تهران وارد شد. وی در ابتدا جهت امضای یک قرارداد تجاری با ذکاء‌الملک فروغی وزیر امور خارجه ایران به تهران آمد.<sup>۳</sup> دعوت وی به ایران از سوی اتاق تجارت مرکزی تهران صورت گرفته بود.<sup>۴</sup> بورس را خاریه‌ویچ شومیاتسکی (متولد ۱۸۸۶) با اسم مستعار آندره چرونی از بلشویکهای قدیمی، عضو کمیته حزبی بلشویک در کراسنو

۱. ابرج ذوقی، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۰۰-۱۹۲۵* تهران ۱۳۶۸، ص ۳۸۶.

۲. لنچافسکی، پیشین ص ۸۹  
۳. مکی، پیشین ۳/۷۷-۸۴

یارسک، عضو کمیته اعتصاب کارگران راه آهن در انقلاب ۱۹۰۵ بازداشت شد ولی از زندان گریخت و به فعالیتهای مخفی حزبی در سیبری پرداخت. در شورش کارگری ولادی وستک در ۱۹۰۷ از رهبران آن بود. پس از یک دوره کوتاه مهاجرت بار دیگر در گیر فعالیتهای انقلابی شد و مجدداً بازداشت و محاکمه شد. وی پس از محاکمه به ارتش پیوست و پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ بار دیگر در کراسنویارسک به فعالیت پرداخت و سردبیر جریده سیبریکا یا پراودا گردیده در سال ۱۹۱۷ سردبیری یک مجله کارگری در پتروزبورگ را بر عهده داشت و در کنگره ششم حزب به عنوان نماینده حاضر بود. پس از انقلاب اکبر در مقام صدر کمیته اجرایی شوراها به سیبری بازگشت. در جنگ‌های داخلی ۱۹۱۸-۱۹۱۹ شرکت فعال داشت و عضو دفتر سیبریایی و بعدها دفتر شرق دور کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه شد. شومیاتسکی در سیبری و همزمان در دولت شوروی، حزب کمونیست و کمیترن مقامات بالایی داشت و عضو شورای نظامی انقلابی ارتش پنجم سرخ بود. در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۱ نماینده تام‌الاختیار کمیساریای امور خارجه در سیبری و مغولستان بود. سپس سرپرستی دیپرخانه خاور دور کمیترن در ایرکوتسک و شورای وزرای جمهوری خلق را از فوریه تا مه ۱۹۲۱ بر عهده داشت. در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۵ وزیر مختار شوروی و نماینده تجاری روسیه در ایران بود.<sup>۱</sup> احمدشاه در مراسم معرفی شومیاتسکی به وی در ۱۷ سرطان<sup>۲</sup> در مورد رتشتین خطاب به وزیر مختار جدید گفت: «مشارالیه در مدت اقامت خود در تهران مأموریت خویش را با صداقت و فعالیت انجام داد و مراتب خوش وقتی و رضایت خاطر ما را نسبت به خود جلب نموده است».<sup>۳</sup>

شومیاتسکی در جریان ماجراهای جمهوری در تهران به سر می‌برد و در این امر ظاهراً توانست نقش فعال و مناسبی در برابر این موج به نفع

۱. همانجا، ص ۴۶۲

۲. مکی، پیشین، ۱/۳۵۴-۳۵۶

۳. بهار، پیشین ۱/۳۶۲

کشورش از خود نشان دهد.<sup>۱</sup> ملکالشعرای بهار در بخشی از جمهوری نامه خود (که در آن زمان به میرزا زاده عشقی منسوب شد) درباره شومیاتسکی می‌گوید:

فرستم پیش‌شان استاد فن را  
همان قهر نسیم رند عیار کریم رشتی آن شیاد طرار<sup>۲</sup>  
این اشعار اشاراتی روشن به اعتماد بی‌جهت سفارت شوروی (از زمان رشتین) به میرزا کریم خان رشتی است که طاهرآ طرفدار شوروی بود ولی عملأ سرسپرده انگلستان قلمداد می‌شد.

در دوم ماه مه ۱۹۲۳ / ۱۲ اردی‌بهشت ۱۳۰۲ دولت انگلستان التیماتومی به دولت مسکو فرستاد که طی آن شومیاتسکی سفير شوروی در تهران و راسکلنیکف سفير شوروی در کابل بیش از هر کس دیگری آماج حملات بریتانیا بودند. در این اولتیماتوم خواسته شده بود که هر دو نفر به مسکو فراخوانده شوند. در مورد شومیاتسکی چنین ادعا شده بود که: «دولت پادشاهی انگلستان به خوبی از میزان پولی که حکومت شوروی در دفعات گوناگون برای شومیاتسکی فرستاده است اطلاع دارد و می‌داند که بخش اعظم این پولها در برانگیختن احساسات ضدانگلیسی به کار گرفته می‌شود».<sup>۳</sup>

روابط محترمانه احمدشاه و شومیاتسکی به وساطت بصیرالدوله از چهارم بهمن ۱۳۰۱ آغاز شد و تا ۲۹ مهر ۱۳۰۲ (حدود ۹ ماه) ادامه داشت. در این فاصله شومیاتسکی نیز مانند رشتین سعی در ایجاد جبهه‌ای مشترک از شوروی و احمدشاه در برابر انگلستان و سردار سپه داشت. ولی علی‌رغم همه تلاش‌هایش، احمدشاه با ترک میدان، صحنه را

۱. مکی در تاریخ بیست ساله، ج ۳، صص ۳۸۸-۳۸۹ به غلط ادعا می‌کند که شومیاتسکی پس از این جریان در شوروی محاکمه و تیرباران شد. ضمناً وی نام کوچک شومیاتسکی را ماریش ذکر می‌کند که مبنی نقل غلط برخی دیگر از مولفان نیز شده است.

۲. محمد تقی بهار، دیوان اشعار، چاپ اول، تهران ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. لنچافسکی، پیشین ص ۸۹

برای رقیب خالی کرد. شومیاتسکی در مأموریت خود ناکام ماند و پس از واپسین سفر احمدشاه به اروپا و مدتها قبل از انقراض قاجاریه، تهران را ترک گفت.<sup>۱</sup>

آن چنان که از یادداشتهای بصیرالدوله بر می‌آید، احمدشاه اطمینان‌خاطری را که نسبت به رتشتین داشت، در مورد شومیاتسکی روا نمی‌داشت، درنهایت نیز احمدشاه او را به حمایت پنهانی از رضاخان و دورویی با شاه متهم کرد.

رتشتین و شومیاتسکی هر دو پس از اتفاق مأموریتشان در تهران به مشاغل دانشگاهی رسیدند. رتشتین رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه مسکو شد<sup>۲</sup> و شومیاتسکی نیز به ریاست کوتو (مدرسه زحمتکشان شرق) انتخاب شد.<sup>۳</sup>

\* \* \*

خاطرات بصیرالدوله هروی از جهات مختلف در روشن شدن زوایای پنهان تاریخ ایران در سالهای پس از کودتای ۱۲۹۹ اهمیتی فراوان دارد. در این خاطرات از سویی اقدامات پشت‌پرده رجال داخلی و قدرتهای خارجی را می‌توان ملاحظه کرد و از سوی دیگر اوضاع ناگوار و نابسامان می‌هنمان را در این نبرد قدرت.

جنگ میان شوروی و انگلیس در این صحته منازعه‌ایست میان دورژیم قدرتمند، یکی جوان، شتاب‌زده، پرنفس و دستخوش تغییرات و دیگری کهنه کار، دیریا، مآل‌اندیش و محافظه‌کار. از سوی دیگر مبارزه احمدشاه و سردار سپه صرف نظر از وابستگیها و پشت‌گرمیهای هر دو نشانگر نزاع دو

۱. منشور گرگانی، پیشین ۲۳۰

۲. مسعود انصاری، پیش ۲/۲۲۳

۳. یوسف افتخاری، خاطرات دوران سپری شده، به کوشش کاوه بیات و مجید نفرشی، تهران ۱۳۷۰، صص ۲۲ و ۲۷.

نسل مختلف از دو دوران متفاوت است. احمدشاه نمانیده زوال و پوسیدگی و فساد قاجاری است و حیله‌ها و سیاست‌بازیهایش یک‌سره به ترفندهای قرن نوزدهمی می‌ماند و رضاخان درست در نقطه مقابل او قرار دارد. سردار سپه در مواجهه با قاجاریه به شیوه‌های نوبن سیاسی مسلح بود و در این مبارزه تنها فرد قادرمند بالفعل قاجاری را که توان درافتادن با او را داشت (قوام‌السلطنه) را نیز با حیله و پرونده سازی از ایران تبعید کرده بودند. مشاوران سیاسی احمدشاه اکثراً از رجال کهنه‌اندیش از نفس افتاده نسل قدیم بودند و رضاخان از دستیارانی جوان، بالانگیزه، پرنشاط و تحصیل‌کرده برخوردار بود. این چنین بود که احمدشاه که خود نیز از مهله‌که گریزان بود، نبرد را به حریف غدّار خود واگذار نمود.

نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد شخصیت ظاهرآ حاشیه‌ای خود بصیرالدوله به عنوان یک رجل اجتماعی معتمد احمدشاه است که در عین حال سیاستمداری حرفه‌ای نیز تصور نمی‌شد. بحثها و گفتگوهای او با دیپلماتها و احمدشاه نشانگر هوش و فراتست ذاتی بصیرالدوله است. بصیرالدوله هر چند رسماً و علنأ در این مبارزه شرکت نداشت ولی از خلال مباحثتش می‌توان به خوبی دریافت که از بسیاری از رجال کهنه‌کار قاجاری و حتی اروپایی بهتر و عمیقتر مسایل و مصائب آن روزگار را می‌شناخته است. به طوری که گاه مشکلاتی را که آن سیاستگران کارآمد نمی‌توانستند حل کنند، او با مذاکراتش به حل و عقد آنها اقدام می‌کرد.

\* \* \*

چاپ این کتاب به لطف و اجازه خانواده‌های هروی و صدیق صورت می‌گیرد. آقای انوشیروان صدیق بی‌گمان بیشترین حق را در مراحل مختلف تدوین و چاپ کتاب بر گردن نگارنده داشته‌اند و مکرراً از راهنماییهای اصلاحی ایشان در ارائه بهتر کار بهره برده‌اند. علاوه بر آن ایشان با قبول زحمت نگارش شرح حال مرحوم بصیرالدوله و نیز

سرگذشت این یادداشتها به عنوان مقدمه‌ای بر چاپ خاطرات به بنده التفات نمودند. (ایشان ابتدا در مقدمه خود علاوه بر مطالب مذکور ارزیابی جدید و بکری از قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس نموده بودند که امید است همانطور که وعده داده‌اند در آینده نزدیک آن را به طور مفصل و علی‌حده منتشر کنند). همچنین آقایان مهدی، مرتضی و علی هروی و حسین مؤید خواجه‌ی، حکم اهدائی احمدشاه به بصیرالدوله و تصاویر خانوادگی از مجموعه شخصی خود را از سر لطف جهت چاپ در اختیار بنده گذارند.

دوست و برادر عزیزم آقای کاوه بیات خیمن مطالعه اثر، با راهنمایی‌هایش عملاً سر و سامانی به مقدمه کتاب داد. دوست مهریانم آقای غلام‌رضا سلامی در بازنویسی نسخه خطی زحمت بسیار کشید. دوستان محققم آقایان مصطفی زمانی‌نیا، محمد‌حسین منظور‌الاجداد و احمد عباسی با مطالعه متن پیش از چاپ کتاب و تذکر نکاتی چند به بنده محبت نمودند.

حداقل رسم ادب، سپاس مجدد از تمامی آنان و نیز دست‌اندرکاران نشر تاریخ است که با چاپ پاکیزه این اثر مانند دیگر خدماتشان، خدمتی مجدد به تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم می‌نمایند.

مجید تفرشی  
۱۳۷۱ / ۶ / ۱۲

از ورود روتستین به ایران  
تا سفر دوم احمدشاه به اروپا  
(۲۳ مهر ۱۳۰۰ - ۲۷ دی ۱۳۰۰)

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

تبرستان  
www.tabarestan.info

## فصل اول

۲۳ مهر ۱۳۰۰ - ۲۷ دی ۱۳۰۰

در تاریخ چهاردهم شهر صفر [هزار و] سیصد و چهل قمری [۲۳ مهر ۱۳۰۰ ش] ساعت چهار بعد از ظهر مسیو رشتین<sup>۱</sup> وزیر مختار سفارت روس به اتفاق مسیو چایکین مترجم اول سفارت، در قصر صاحبقرانیه حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیاب شده، پس از نیم ساعت که حضرات در خدمت شاه بودند، اعلیٰ حضرت صدا زدند، ناظم خلوت داخل اطاق شد، در مراجعت به بنده اظهار داشت: اعلیٰ حضرت شما را احضار فرمودند. بنده شرفیاب شده، به زبان فرانسه شرحی بیان فرمودند. پس از آن که فرمایشات شاه خاتمه یافت، وزیر مختار و مترجم توجهی به بنده نموده و شاه فرمودند: بصیرالدوله، من شما را به وزیر مختار معرفی نموده و همان طور که من نهایت اطمینان را به شما دارم، سفارت هم دارای همین عقیده باشد. واسطه فی ما بین من و وزیر مختار بعدها شما خواهید بود که پیغامات<sup>۲</sup> مرا به وزیر مختار برسانید و همچنین پیغامات ایشان را به

۱. اصل: Rotstein همه‌جا: رشتین.

۲. اصل: همه‌جا: پیغامات.

من. در ظرف دو سه دقیقه که اعلیٰ حضرت این فرمایشات را به بندۀ می‌فرمودند، وزیر مختار و مترجم به بندۀ توجه داشتند. پس از خاتمه فرمایشات شاه از اطاق خارج گردیدم. بعد از نیم ساعت دیگر وزیر مختار و مترجم از اطاق بیرون آمده در گالاری قصر صاحبقرانیه با بندۀ اظهار خصوصیت نموده و رفتند.

روز پانزدهم شهر صفر ۱۳۴۰ قمری [۲۴ مهر] ساعت ۹ صبح از سفارت روس تلفن نمودند که جناب وزیر مختار از جناب عالی خواهش می‌نمایند که برای ساعت ده صبح فردا تشریف بیاورید سفارت. روز بعد در ساعت موعد به زرگنده رفته، پس از اظهار خصوصیت، اظهار داشتند: دو روز قبل که حضور شاه بودم، چون پاره‌ای مطالب داشتم، لازم بود که به عرض برسانم. به واسطه مطالب زیاد و فرمایشات اعلیٰ حضرت و کمی وقت نتوانستم به عرض برسانم و حالابه توسط جناب عالی پیغام می‌دهم و همچو تصور میکنم [که] اعلیٰ حضرت همایونی خیال مسافرت به اروپا دارند. این مسافرت معايب زیاد دارد. بندۀ از نقطه نظر دوستی عرض می‌کنم که صلاح اعلیٰ حضرت در مسافرت به اروپا نیست. چنان‌چه میل مبارکشان باشد و اجازه بدهنند، معايب آن را به توسط جناب عالی به عرض برسانم. دوم: شیلات مازندران همه وقت با دولت روسیه بود و حالا مذتی است من از هئیت دولت خواهش نمودم با دولت روسیه قنطرات بکنند، به طفره می‌گذرانند. چه خوب است اعلیٰ حضرت تکلیف ما را با هیئت دولت معین فرمانید. مستنه دیگر استدعای برقراری حکومت گیلان ساعدالملک<sup>۲</sup> را بخواهم. زیرا که تاکنون فرمان حکومت به ساعدالملک داده نشده. خوب است اعلیٰ حضرت مقرر فرمایند فرمان حکومت گیلان صادر شود و در ضمن چنان‌چه صلاح بدانند در ظرف همین دو روزه ساعتی را معین فرموده شرفیاب شوم. مطالب وزیر مختار

<sup>۲</sup>. ساعدالملک در ۲۲ مهر هم زمان با تصرف رشت توسط سردار سپه، تسلیم خالوقربان و فرار میرزا کوچک‌خان به حکومت گیلان منصب شد. ساعدالملک قبل از این رئیس تشریفات وزارت امور خارجه بوده است.

خاتمه یافته، برخاسته به شهر مراجعت نمودم.<sup>۴</sup>

روز هفدهم شهر صفر [۲۶ مهر] حضور اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل [شد]. مطالب وزیر مختار را به عرض رسانیده، فرمودند: رتشتین را ملاقات نموده، بگوئید پیغامات شما را به شاه رسانیدم. اولاً در خصوص ملاقات من وقت خواسته بودید. چون سه چهار روز قبل ملاقاتی حاصل شد، فعلًاً صلاح نیست به این زودی ملاقات تجدید شود. چند روزی تأمل نموده خود من به توسط به شما اطلاع خواهم داد. در موضوع فرمان حکومت ساعدالملک خوب است کم صبری نکند، البته صادر خواهد شد. در مسئله شیلات با<sup>۵</sup> رئیس وزرا صحبت نموده، علت و سبب را سنجیده، بعداً به شما جواب خواهم داد.

روز هیجدهم شهر صفر [۲۷ مهر] به سفارت روس تلفن نموده، برای ملاقات وقت خواستم. جواب دادند: فردا ساعت شش بعدازظهر خود وزیر مختار به منزل جانب عالی تشریف خواهند آورد. در ساعت موعد آمده، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را بیان نموده، پس از یک ساعت توقف و اظهار خصوصیت رفند.

روز بیست و هشتم شهر صفر [۷ آبان ۱۳۰۰] از سفارت تلفن نمودند که اگر شما وقت دارید، فردا ساعت ده، وزیر مختار میل دارند به منزل جانب عالی تشریف بیاورند. از طرف بنده وقت داده شده، وزیر مختار و مسیو چایکین مترجم اول آمدند. پس از چند دقیقه اظهار خصوصیت و احوال پرسی از یکدیگر، وزیر مختار اظهار داشت: از طرف من خدمت اعلیٰ حضرت عرض سلام برسانید و پیغامات مرا به عرض برسانید.

اولاً: مسیو لینین عریضه‌ای عرض نموده که روز ورود تقدیم نمودم. تاکنون جوابی مرحمت نفرمودید. از قراری که شنیدم اعلیٰ حضرت جوابی دست خط فرمودند. موقعی که حاجی محتشم السلطنه وزیر

۴. اصل همه‌جا: برخاسته.

۵ اصل: به.

امور خارجه بودند،<sup>۶</sup> نزد ایشان فرستادند که ملاحظه نماید، پاک نویس شده فرستاده شود. تاکنون به عهده تأخیر است.

ثانیاً: در موضوع تلگراف‌چیهای ارمنی<sup>۷</sup> که در تلگرافخانه مستخدم هستند: لازم است خاطر اعلیٰ حضرت را مطلع سازم این حضرات خیلی شرارت می‌کنند، مخصوصاً در تلگرافات راجع بسفارت روس. به این معنی که چند روز تلگرافات رانگاه می‌دارند پس از آن که مطالبه می‌شود، یک مرتبه سی چهل تلگراف که در ظروف یک هفته از مسکو مخابره کرده‌اند می‌فرستند. این مسئله برخلاف قیاعده و قانون است. از اعلیٰ حضرت استدعا دارم مقرر فرمایند ارامنه را از تلگرافخانه خارج کنند.

ثالثاً: در مسئله شیلات چنانچه وعده فرمودند با رئیس‌الوزرا مذاکره فرمایند، انتظار انجام آن را دارم.

رابعاً: از اشخاصی که طرف اطمینان سفارت هستند شنیده‌ام رئیس‌الوزرا خیال دارد و ثوق‌الدوله را به ایران بخواهد و والی خراسان کند. این مسئله را بنده صلاح نمی‌دانم و رضایت نداریم، بلکه تصور می‌کنم ورود وثوق‌الدوله به ایران برای سیاست امروزه و شخص اعلیٰ حضرت همایونی صلاح نباشد، بلکه اسباب اغتشاش فراهم می‌گردد. مطالب و پیغامات وزیر مختار خاتمه [یافته] و از جابر خاست و به منزل مراجعت نمود.<sup>۸</sup>

روز سه‌شنبه سلخ شهر صفر ۱۳۴۰ قمری [۹ آبان] یک ساعت بعد از ظهر اعلیٰ حضرت همایونی بنده را احضار فرمودند و پیغامات وزیر مختار را به عرض رسانیدم. جواب فرمودند: به وزیر مختار بگویید خود من خیال داشتم بصیرالدوله را نزد شما بفرستم و حالا جواب پیغامات شما را می‌دهم:

۶. محتمل السلطنه از خرداد تا شهریور ۱۳۰۰ وزیر امور خارجه بود.

۷. اصل همه‌جا: ارامنه

۸. اصل: نمودم.

۱. در خصوص جواب کاغذ مسیو لین، این مسئله معمول است [که] جواب کلیه نامه هایی<sup>۹</sup> که سلاطین هم به هم می نویسنند شش ماه و هفت ماه طول می کشد. تأخیر شعیبی ندارد و البته وزیر مختار می دانند که جواب این طور نامه ها از مختصات تشریفات وزارت امور خارجه است. چند روز قبل صورت جواب کاغذ مسیو لین را از تشریفات وزارت خارجه آوردند، ملاحظه نموده، تصدیق نمود [که] بروند پاکنوس کرده بردند برای صحه. البته همین چند روزه نوشته می شود و به صحه من می رسد [و] به توسط وزارت امور خارجی مسیو لین فرستاده خواهد شد.

۲. در خصوص تلگراف چیهای ارمنی به رئیس وزرا سفارش می کنم که آنها را از تلگراف خانه خارج [کرده] و به جای ارامنه از ایرانیها بگذارند، البته بهتر خواهد بود.

۳. در مسئله شیلات، خودتان می دانید انجام این مطالب به عهده هیئت دولت است. به رئیس وزرا خواهم گفت؛ و البته می دانید انجام این نوع مطالب بدون اجازه و تصویب پارلمان و مجلس نمی شود. تکلیف دولت هم این است که به تصویب مجلس این کار را خاتمه بدهد. رئیس وزرا فته صورتی در این خصوص نوشته، بیاورد من ببینم و قراری داده شود که به مجلس هم رجوع بشود.

۴. در مسئله آمدن وثوق الدوله: اولاً گمان نمی کنم همچو خیالی دولت داشته باشد و احتمال نمی دهم وثوق الدوله هم فعلًا مایل باشد به ایران مراجعت نماید. پیش من این مسئله سابقه ندارد، البته تصدیق می کنند. مع هذا اگر هیئت دولت همچو پیشنهادی کنند تکذیب خواهم نمود.

روز پنج شنبه دوم شهر ربیع الاول ۱۳۴۰ [۱۱ آبان] به سفارت تلفن نموده برای ملاقات از وزیر مختار وقت خواسته، شش بعداز ظهر روز جمعه سوم ربیع الاول [۱۲ آبان] وقت دادند. در ساعت و روز موعود به سفارت روس [در] باغ مخبر الدوله رفته، عین فرمایشات اعلی حضرت

همایونی را به وزیر مختار بیان نمود. اظهارات و پیغامات وزیر مختار به قرار ذیل است:

۱. در خصوص تلگرافچیهای ارمنی که اعلیٰ حضرت می‌فرمایند به رئیس‌الوزرا سفارش می‌کنند، این مسئله باید فوراً انجام بگیرد زیرا تلگرافچیهای ارمنی پای شرارت را به جایی گذارده‌اند که جای صبر نیست. چنان‌چه به فوریت اینها از تلگراف‌خانه‌ها خارج نشوند جای این را دارد [که] به مقامات سوء‌ظن حاصل نماییم. سفارت نمی‌تواند خود را دچار این نوع اشکالات نماید. وقایع دو روتختی را برای جناب عالی تعریف می‌کنم که به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید که خاطر مبارکشان مستحضر باشد که با سفارت چه معاملاتی می‌شود: سه بعداز‌ظهر روز چهارشنبه قاصدی از مسکو آمده، سواد تلگرافی آورده که قبل از حرکت قاصد از مسکو مخابره شده. دیروز پنج بعداز‌ظهر تلگراف را برای من می‌آورند. حالا در این قسمت ملاحظه فرمایند دیگر جای صبر و حوصله می‌باشد؟ آیا سفارت حق دارد به هیئت دولت حاضره اطمینان نداشته باشد؟

۲. در مسئله شیلات که اعلیٰ حضرت همایونی فرمایش می‌کنند انجام این مسئله باید به اطلاع و استحضار مجلس بگذرد، خیلی جای تعجب است. تاکنون دولت در این خصوص با ما داخل در مذاکره نشده. تمامش را به طفره و تعلل و مسامحه گذرانیده‌اند. حالا پای مجلس را به میان می‌آورند. قانون این‌طور است [که] اول باید دولت پیشنهاد خود را در موضوع اجاره‌دادن شیلات روی کاغذ بیاورد و بفرستند پیش ما. سفارت هم نظریه و شروط خود را نوشته بفرستد. بعد از خاتمه عمل به طوری که رضایت طرفین باشد صورتی نوشته شود. آن صورت را هیئت دولت به مجلس بفرستند. در مجلس رد یا قبول خواهد شد. در صورتی که مقدمات این کار را فراهم نیاورده و از طرف دولت اقدامی نشده چگونه ما اطمینان داشته باشیم به اقوال همچو دولتی؟

۳. در مسئله وثوق‌الدوله اعلیٰ حضرت همایونی صحیح فرمودند،

اطلاعی ندارند. ولی آن‌چه را که ما اطلاع داریم قوام‌السلطنه در مجلس کار می‌کند، وکلا را با خود هم عقیده می‌نماید که اسباب حرکت و آمدن و ثوق‌الدوله را فراهم سازد.

۴. در مسئله جواب کاغذ مسیو لنین که اعلیٰ حضرت همایونی فرمودند، همین چند روزه فرستاده می‌شود، نهایت تشکر را دارم. مطالب و عرایض دیگر من در مسئله حکومت خراسان که نظام‌السلطنه را دولت والی نموده و از قراری که شنیدم می‌شود، اعلیٰ حضرت هم از این انتخاب اظهار رضایت فرموده، بلکه امر فرموده‌اند زودتر فرمان آن صادر شود و خود نظام‌السلطنه هم زودتر به مقر حکومت برود. ما از این انتخاب به‌هیچ وجه رضایت نداریم. زیرا که نظام‌السلطنه نوکر انگلیس هست و باید حاکم و والی امروزه خراسان کسی باشد بی‌طرف که بتواند میانه خراسان و ترکستان روس را از نقطه نظر روابط به خوبی برقرار بدارد و همیشه میانه ترکستان و خراسان وقایع ناگوار به میان نیاید. البته در صورتی که حاکم همان‌طوری که عرض کردم بی‌طرف و بی‌غرض<sup>۱۰</sup> باشد این رعایت منظور خواهد شد.

پس از بیانات وزیر مختار، بنده اظهار داشتم چه خوب است. مقصود بالاصله خودتان را به بنده بفرمایید. البته عین اظهارات جناب عالی را حضور اعلیٰ حضرت عرض خواهم نمود. البته بنده از مکنونات خاطر جناب عالی مطلع باشم بهتر است. آیا شخصی را در نظر دارید که کاملاً دارای اطمینان باشد از طرف جناب عالی معرفی بشود و یا این که شخص نظام‌السلطنه را به واسطه سوء‌ظنی که نسبت به او دارید صلاح نمی‌دانید برود، غیر از نظام‌السلطنه هر کسی را دولت معین کند حرفی ندارید؟ وزیر مختار در جواب بنده اظهار داشت: دولت، صمصادم‌السلطنه را والی خراسان نموده بود و تاکنون نه دولت رسماً او را معزول نموده و نه او استعفا کرده. میل شخص من این است که خود صمصادم‌السلطنه والی خراسان باشد.

مجددآ بندۀ اظهار داشتم غیر از صمصادم‌السلطنه دیگر به که اطمینان دارید؟

وزیر مختار جواب دادند: صمصادم‌السلطنه چه عیبی دارد؟ اظهار داشتم: بندۀ برای صمصادم‌السلطنه عیبی سراغ<sup>۱۰</sup> ندارم. ولی می‌خواهم عقیده جناب عالی را فهمیده باشم که به عرض اعلیٰ حضرت برسانم که اگر دولت، صمصادم‌السلطنه را به جهاتی صلاح ندیده برود به خراسان، از اشخاصی را که طرف میل و رضایت‌نشما باشد معرفی فرماید که شاید دولت هم موافقت نماید که هم رضایت‌جتناب عالی به عمل آمده باشد و هم میل دولت انجام شده باشد. جواب داد: ما به هیچ‌از صمصادم‌السلطنه به دو نفر دیگر اطمینان داریم. یکی از آن دو نفر ممتاز‌الملک و دیگری حکیم‌الملک است.

مسئله دیگر که باید به اعلیٰ حضرت همایونی عرض شود، راجع به راه شوسه‌اً انزلی و قوروتو<sup>۱۱</sup> [است]. همهٔ ما نظر داشتیم یک نفر ایرانی را دولت معین کنند. زیرا که شخصی که می‌خواهد این راه را اداره کند، باید زبان روسی بداند و هم روابط تجاری بین دولت ایران و روس را به طور خوبی مطلع باشد که همه وقت روابط بین دولتین محکم باشد. حالا می‌شنویم دولت به یک نفر از بلژیکیها این راه را واگذرا نموده‌اند. در این موضوع هم از طرف ما به اعلیٰ حضرت همایونی شکایت می‌شود و عدم رضایت خودمان را به عرض می‌رسانیم. بندۀ جواب داد: چه خوب است در این مسئله هم نظریات خودتان را اظهار دارید که بندۀ بتوانم حضور اعلیٰ حضرت همایونی [عدم] رضایت‌خاطر شمار را عرضه بدارم. وزیر مختار جواب داد: من میل دارم این کار<sup>۱۲</sup> به میرزا مجید‌خان<sup>۱۳</sup> که در

۱۱. اصل: سراق.

۱۲. قوروتو یا قوره‌تو یا فراتوره بخش حومه شهرستان قصرشیرین.

۱۳. این کار را.

۱۴. منظور مجید آمی است که پس از کودتا به معاونت و مدیرکلی وزارت علوم منصوب شد. وی به دلیل تحصیل در روسیه، داشتن همسر روسی، سابقه همکاری با لیانازوف‌ها در امر شیلات و نیز دانستن زبان روسی مورد توجه سفیر شوروی بود. آمی از اعضای مجلس

کابینه آقا سید ضیاءالدین، معاون وزارت علوم بود، رجوع شود. بنده اظهار داشتم: چه خوب است غیر از آقای میرزا مجیدخان یکی دو نفر دیگر را هم معرفی فرماید. جواب دادند: در صورتی که میرزا مجیدخان را دولت رد کند، بی میل نیستم این خدمت به فرزانه<sup>۱۰</sup> رجوع شود. مذاکرات خاتمه پیدا کرده، از سفارت به طرف منزل مراجعت نمودم.

قبل از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۴۰ قمری [اول آذر ۱۳۰۰] از سفارت تلفن نمودند. وزیر مختار بنده رفیعی صرف شام دعوت نمود که ساعت هفت بعد از ظهر بروم سفارت. به اعلیٰ حضرت همایونی عرض نموده، فرمودند: البته لازم است بروید.

سر وقت به سفارت رفته، به قدر نیم ساعت صحبت متفرقه با یکدیگر نمودیم. بعد بنده به اتفاق وزیر مختار و مسیو چایکین مترجم اول سفارت، سرشام حاضر شدیم. سر میز هم به ملاحظه این که پیش خدماتهای سفارت حضور داشتند پای صحبت متفرقه به میان بود. پس از صرف شام و برخاستن از سر میز به اطاق دیگر آمدیم.

وزیر مختار اظهار داشت: من مخصوصاً از جانب عالی دعوت نمودم شام را تشریف بیاورید اینجا که یکی دو ساعت وقت داشته باشیم که مذاکرات لازمه را با سر فراخت بنمایم، بنده جواب دادم: از این دعوت

---

مؤسان اول و از موافقان سلطنت پهلوی بود. مدتهاستشار دیوان عالی کشور، استاندار فارس، وزیر طرق، وزیر دادگستری و زمانی نیز مغضوب رضاشاه و زندانی بود. در واقعه شهریور بیست و یک کاندیدای اصلی نخست وزیری بود که نهذیرفت. بعدها وی مدتها وزیر دادگستری شد و مجدداً پس از فروغی برای نخست وزیری مطرح شد که این، بار سهیلی بدین مقام رسید. وی در اواخر عمر تا هنگام مرگ (۱۳۲۵ / ۶ / ۲۲) سفیر کبیر ایران در مسکو بود. ۱۵. میرزا اسماعیل خان دیبرالممالک فرزند علی نقی خان حکیم‌الممالک قمی است، فرزانه نیز همانند مجید آهنی روسی می‌دانست، در آنجا تحصیل کرده و همچنین در مناطقی از خاک آن کشور (عشق‌آباد و بادکوبه) مأموریت داشت. وی در دومین دوره مجلس شورا به نمایندگی برگزیده شد ولی پس از چندماه استعفا داد تا به کار دیپلماتیک ادامه دهد. فرزانه مؤسس سفارت جدید ایران در اسپانیا بود و خود از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ ش در آن کشور مأموریت داشت.

جناب عالی مسربت دارم که به طور مفصل خدمتمنان رسیده که بتوانیم صحبت نماییم. جواب داد: من خیلی او قاتم تلغخ است، بلکه فوق العاده پریشان احوال می‌باشم. علت این است که دولت و اعلیٰ حضرت همایونی ابدأ با ما همراهی ندارند و هر چه به ما می‌گویند و وعده می‌دهند و پای خصوصیت را هئیت دولت به میان می‌آورد دروغ و بی‌اصل است. زیرا که تمامش را برخلاف وعده و انتظار رفتار می‌کنند. شخص من نظر به تکلیقی که دارم و از نقطه نظر سیاستهای خود<sup>۱۶</sup> خودنمی‌دانم بیشتر از این کتمان نمایم.

بنده اظهار داشتم: مطلب تازه‌ای اتفاق افتاده که باعث رنجش خاطر جناب عالی شده یا انجام مطالب سابق شما به عهده تأخیر افتاده؟ چند روز قبل که حضور اعلیٰ حضرت همایونی تشریف داشتید، در موقع مراجعت به بنده اظهار داشتیدنها یت محبت را اعلیٰ حضرت فرمودند و از آن ملاقات اظهار رضایتمندی می‌فرمودید و دیگر در این چند روزه خبری ندارم چه وقایعی رخ داده و چه اتفاق برخلاف میل سرکار واقع شده که اسباب کدورت خاطر جناب عالی را فراهم ساخته؟

اظهار داشت: مطالب خود را به طور مفصل بیان می‌کنم. حضور اعلیٰ حضرت عرض کنید جواب قطعی برای سفارت بگیرید که من بعد تکلیف خود را بدانم و همچنین به مرکز تلگراف نمایم. زیرا از مسکو هم سوالاتی می‌نمایند. بایستی جواب کافی داد که بیشتر از این به عهده تأخیر نباید باشد و به تأخیر گذراند.

۱. در مسئله حکومت خراسان که به نظام‌السلطنه واگذار شده، در صورتی که به توسط خود جناب عالی پیغام دادم و خواهش نمودم، برای حکومت خراسان به غیر از نظام‌السلطنه، دونفر دیگر را که ما رضایت داریم و معرفی نمودیم که ممتاز‌الملک و حکیم‌الملک باشند،<sup>۱۷</sup> انتخاب کنند. زیرا ما ابدأ عقیده خوبی در باره نظام‌السلطنه نداریم. مخصوصاً روزی را هم که خود من حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیاب شدم،

خواهش نمودم حکومت خراسان را به نظام‌السلطنه ندهند و رضایت ما را در این انتخاب شرط بدانند. اعلیٰ حضرت همایونی قول صریح دادند که دست خط حکومت نظام‌السلطنه صادر نگردد و رضایت خاطر سفارت را منظور نظر بگیرند و برخلاف وعده صریح خودشان رفتار فرموده، حکومت خراسان را به نظام‌السلطنه دادند و او هم حرکت نموده رفت. خیلی جای افسوس و تعجب است از این خلف وعده.

۲. در مسئله راه شوسهٔ انزلی - قورتوبه توسط <sup>جنبش</sup> <sup>تبلیغات</sup> عالی پیغامات دادم و در همان روز شرفیابی این مسئله را هم به اعلیٰ حضرت خاطرنشان نمودم که این راه را دولت می‌خواهد به ویلهن هینسن<sup>۱۷</sup> بثربیکی واگذار کند. این جا هم جای تعجب است. چگونه رعایت این نکات را دولت نمی‌کند؟ در واقع این خط باید به کسی واگذار شود که رضایت خاطر ما باشد. به چه مناسبت بایستی به ویلهن هینسن بثربیکی داده شود؟ در این خصوص هم اعلیٰ حضرت قول دادند به این شخص واگذار نخواهد شد. با وجود این وعده صریح، دولت قرارداد بسته، خط راه را واگذار نمودند. این مسئله خیلی برای ما بد شده است؛ فوق العاده نگرانم.

۳. مطلبی که از همه اینها مهم‌تر است، این است: در چند ماه قبل معاہده فی‌مابین دولت روسیه و ایران بسته شده و دولت روسیه نهایت همراهی را با دولت ایران نموده، بانک و عمارت‌های ملکی خود را واگذار نموده، تمام مطالبات خود را از دولت ایران صرف نظر نموده، خط راه انزلی و غیره را بخشیده، تمام معاہدات سابق خود را لغو نموده و قراردادی از نو بسته و معاہداتی نمودند.

او لاً در این چند ماه دولت ایران عقدنامه را امضاء ننموده بدهند و به

۱۷. هینسن یا هنسنس (Heynsens) از اوایل ۱۹۰۰ م به ایران آمد و مأمور خدمت در تبریز شد. از ۱۹۰۵ رئیس گمرک خلیج فارس شد. از اوت ۱۹۰۷ / مرداد ۱۲۸۶ رئیس گمرک و پست کرمانشاه و در زوئیه ۱۹۱۳ / تیر ۱۲۹۲ رئیس ولایتی گمرک و مالیه انزلی شد. در سپتامبر ۱۹۱۴ / شهریور ۱۲۹۳ همزمان با شروع جنگ جهانی اول رئیس کل مالیه و چند ماه بعد در فوریه ۱۹۱۵ / بهمن ۱۲۹۳ رسماً جانشین مرنارد شد.

امروز و فردا گذرانیده‌اند. ثانیاً در عقدنامه در فصل سیزدهم قرار شده اگر دولت ایران بعدها بخواهد معاهده یا معامله‌ای با سایر دول بنماید آنچه را که قبلًا با دولت روسیه معاهده داشته، باید این مسائل را رجوع به خود دولت روسیه کند که دولت ایران حق تقدیم برای دولت روسیه در نظر بگیرد. در صورتی که سابقاً معادن نفت<sup>۱۸</sup> شمال با دولت روسیه بوده و در فصل سیزدهم عهدنامه جدید هم قید شده، چرا باید حالیه دولت ایران با دولت امریکا قنطرات بیندد و این یکی از مسائل مهم است که نمی‌شود صرف نظر نمود. بنابر قرارداد و معاهده در موضوع این قنطرات دولت ایران بایستی به<sup>۱۹</sup> دولت روسیه رجوع نموده و این معامله را باید کرده باشند. در این موضوع به هیچ وجه نمی‌توانیم صرف نظر کنیم. صریحاً به جناب عالی پیغام می‌دهم همان اقدامی که در موضوع آزالین کو کردم، در این مسئله هم خواهم نمود. یادداشت و التیماتوم<sup>۲۰</sup> با دولت ایران خواهم نمود و به واسطه سوءرفتار دولت ایران و شرح مطالب که بایستی تکلیف معاملات بعدهای خودمان را با دولت ایران معلوم کنیم.

تصور می‌کنم تا چند روز دیگر لازم بشود حرکت نموده و بروم به مسکو و به کلی قطع روابط دولت روسیه با دولت ایران خواهد شد. ما این همه همراهیها را که با دولت نمودیم از قبیل بانک، عمارت خط راه، و از تمام حقوقات حقه خودمان صرف نظر نمودیم، برای این بود و در مقابل همراهی ما، دولت ایران خط راه را به ویلن هنسن بلژیکی واگذار نماید و معادن نفت را به امریکایها. خیلی اسباب تعجب است. آنچه که دولت ایران به ما وعده می‌دهد دروغ و بی‌اصل است. مقصود دولت و شاه گول زدن است. یک کار جزئی برای ما صورت ندادند در خصوص مستخدمین تلگرافخانه که ارامنه باشند که چندان اهمیتی نداشت با شرح مطالب حقه‌ای که ما داشتیم و به اعلیٰ حضرت عرض شده تاکنون

۱۸. اصل در همه جا: نفت

۱۹. اصل: با

۲۰. اصل: الـتـی مـاطـرـوـم

آنها را خارج نکرده‌اند. ما چگونه می‌توانیم از این دولت اطمینان داشته باشیم؟

حق این بود هئیت دولت و اعلى حضرت اولاً عهدنامه را امضا نموده و تاکنون به سفارت روسیه داده باشند که فرستاده شود به مسکو و بعد در صورتی که صلاح خودشان را در این می‌دانستند که معادن نفت شمال را با دولت آمریکا قطرات بنمایند بایستی کمیسیونی<sup>۱</sup> تشکیل داده، یکی دو نفر را از طرف دولت ایران به مسکو بفرستند. آنجا مطالب را اظهار دارند و دولت روسیه را راضی نموده باشند. پس از اخذ رضایت، با دولت آمریکا داخل در مذاکرات شوند. ابدأ دولت ایران مراحلات این‌گونه مطالب مهم را نمی‌کند و تکلیف من همان است که قبلًا عرضه داشتم. چند روز قبل رئیس تشریفات وزارت خارجه به دیدن من آمده بود. خواهش نمودم که از اعلى حضرت همایونی وقت ملاقات برای مستشار دولت روسیه که به ایران آمده برای شرفیابی حضور اعلى حضرت وقت بگیرند و معرفی شده باشد. پس از دو روز رقعاهای به سفارت نوشته و اظهار داشته که اعلى حضرت همایونی کسالت دارند، پس از رفع کسالت وقت داده به سفارت اطلاع داده خواهد شد. این مسئله را حضور شاه عرض کنید سوتفاهم نشود. شخص من برای انجام مقاصد و مطالب خودم نیامده و مطالبہ انجامش را منتظر نبودم که اعلى حضرت همایونی پای کسالت به میان بیاورند. فقط معرفی مستشار لازم بود که خیال شرفیابی داشتیم.

پس از استماع مطالب وزیر مختار، بنده اظهار داشتم: البته از خاطر محترم جناب عالی محو نشده و در جلسات قبل هم بیان نمودم: اعلى حضرت همایونی شخصاً کمال همراهی را در پیشرفت مطالب حقه و مقاصد شما دارند؛ بلکه به شخص خودتان هم محبت مخصوص و اطمینان دارند. خود جناب عالی اگر دقت بفرماید، تصدیق خواهید فرمود. دولت ایران مشروطه و دارای مجلس شورای ملی [است]. در این

صورت اعلیٰ حضرت همایونی در انجام مطالب مهمه جناب عالی شخصاً همراه [می باشد]. ولی قانون اجازه نمی دهد که دخالت تمام و تمامی بنمایند. خود بنده اطلاع دارم در موضوع حکومت نظام‌السلطنه و راه انزلی و خارج کردن مستخدمین ارمی از تلگراف‌خانه، به رئیس‌الوزرا مخصوصاً" تأکید فرمودند. البته خاطر عالی مستحضر است که امورات مملکتی در هیئت وزرا طرح می شود. آنچه را هیئت تصویب کند به موقع اجراء گذارده می شود و در مجرای خود خواهد آمد.

البته به این عرایض بنده تصدیق می فرماید که اعلیٰ حضرت بی مرحمتی نفرمودند. هیئت دولت همچو صلاح دانستند. شخص بنده تصور می کنم اگر کارها تمام به عهده و میل شخص اعلیٰ حضرت همایونی انجام می گرفت، با عالم محبتی که درباره جناب عالی دارند، البته در پیشنهاداتی که می نمودید حتی المقدور در انجامش اوامر ملوکانه صادر می شد.

در مسئله معادن نفت که می فرماید به دولت آمریکا واگذار نموده‌اند بنده اطلاعی ندارم. چنان‌چه عرض کردم، این مسایل پس از تصویب هیئت دولت بایستی به مجلس شورای ملی بروند. در این موضوع اعلیٰ حضرت همایونی شخصاً بی طرف هستند. هیئت دولت و مجلس باید این معامله را با دولت آمریکا نموده باشند و در موضوع شرفیابی مستشار سفارت به طوری که فرمودید معاون‌الدوله<sup>۲۲</sup> رئیس تشریفات

۲۲. حسن علی غفاری (امین خلوت - معاون‌الدوله) از اعضای عالی رتبه وزارت امور خارجه وی پس از محمد ابراهیم خان معاون‌الدوله، ملقب به لقب او شد. وی مدنتی معاون وزارت امور خارجه بود و در اواسط سلطنت رضا شاه (۱۳۱۱-۱۳۰۰) نیز چندی به کفالت آن وزارت خانه منصوب شد. (بنابر قول عبدالحسین مسعود انصاری در کتاب "زنگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان" ج ۲ ص ص ۳۰۶-۳۰۵) وی پیش از ریاست تشریفات دربار احمدشاه و خدمات در مقامات عالی وزارت خارجه، وابسته سفارت و بعد نایب سوم سفارت ایران در روم و نایب سوم سفارت ایران در پترزبورگ بوده است. معاون‌الدوله در سنین کهولت اسناد خانواده امین‌الدوله کاشانی را به کتابخانه مركزی دانشگاه تهران اهدا کرد که قسمت‌هایی از این اسناد در پنج جلد تحت عنوان مجموعه اسناد و مدارک فخر خان امین‌الدوله

کاغذی نوشته و عذر خواسته بنده تصدیق می‌نمایم زیرا که چند روز است به واسطه کسالت مزاج، اعلیٰ حضرت از اندرون بیرون تشریف نیاورده‌اند و بندе هم تشرف حاصل ننموده‌ام. البته تمام مطالب جناب عالی را همین طور که بیان فرمودید فردا به فرح آباد رفته و حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض می‌نمایم. تقریباً یک ساعت بعد از نصف شب مجلس خاتمه پیدا کرده برخاسته، به منزل مراجعت نمودم.

روز پنج شنبه ۲۳ [ربيع الاول / ۲ آذر] رفتم به فرح آباد. اعلیٰ حضرت همایونی اندرون تشریف داشتند. به طور مختصر لظهارات وزیر مختار را نوشته، در پاکت سر لاک توسط اسماعیل خان خواجه فرستادم اندرون. پس از یک ساعت بنده را به اندرون احضار فرموده، تمام مطالب وزیر مختار را همان‌طور که صحبت نموده بود و جوابهایی که خود من داده بودم من حیث المجموع به عرض رسانیدم. اعلیٰ حضرت فرمودند: الساعه بروید سفارت، وزیر مختار را ملاقات نموده، بگوئید شاه به واسطه امتداد کسالت، اندرون هستند. فعلًاً بایستی صبر نمود. هر روزی را که بیرون تشریف آورند، مطالب شما را عرض کرده جواب خواهم گرفت و مخصوصاً بگوئید در این چند روزه یک مرتبه و به قدر نیم ساعت درب اندرون در موقعی که وزیر جنگ<sup>۲۳</sup> آمده بود و کار لازمی داشت بیرون تشریف آوردن. حالا اگر صبر می‌کنید تا موقعی که رفع کسالت شاه بشود و بیرون تشریف بیاورند، مطالب عرض می‌شود، جواب کافی برای شما تحصیل می‌نمایم و اگر عجله دارید، مطالب را همان‌طور که به بنده بیان فرمودید، به خط فرانسه بتوضیح بدھید به من، پاکت را به اندرون فرستاده، تحصیل جواب خواهم نمود.

عصر پنج شنبه حسب الامر از فرح آباد به شهر آمده به سفارت تلفن نموده، وقت ملاقات خواستم. ساعت ۱۱ صبح جمعه را وقت دادند.

(به) کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی زعفرانلو) و نیز بخش دیگر تحت عنوان سفرنامه فرخ خان امین‌الدوله (به کوشش حسین محبوی اردکانی) چاپ شده است.  
۲۳. رضاخان سردار سپه

سروقت به سفارت رفتم. عین فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را به همان طور که دستور فرموده بودند اظهار داشتم. وزیر مختار جواب داد: عجله نمی‌کنم. البته تا چند روز دیگر رفع کسالت از وجود مبارک شده مطالب ما را خودتان اظهار دارید که تکلیف قطعی ما معلوم شود. دو تلگراف دیروز و امروز از مسکو آمده جواب آنها را هم موکول به رفع نقاوت شاه می‌نماییم. این اظهارات را که می‌نمود یا نهایت اوقات تلخی و رنگ و روی برافروخته و اظهار عدم اطمینان به دولت بود.

بنده قدری پای نصیحت را به میان آورده‌ام اظهار داشتم: شما کمال اطمینان را از شاه داشته باشید، البته دولت مشروطه با داشتن مجلس برای شاه بیشتر از این که ملاحظه می‌فرمایید حقیقی نگذاشته که بتوانند در انجام امورات مهمه رضایت خاطر جناب عالی را جلب نمایند. تصور می‌کنم همان طور که فرمودید عجله نداریم، در مذاکرات و پرسشانی خیال و بدینی نسبت به دولت و شاه عجله نفرمایید. باتائقی و آرامی انجام مقصود خودتان را در صورتی که پای معذور به میان نباشد از شاه بخواهید زودتر و بهتر انجام خواهد گرفت.

پس از این مذاکرات وزیر مختار آرام شده، قبول نمود که به طور ملایمت مذاکره نماید و از آن خیالات منصرف گردد. از سفارت برخاسته به فرح آباد رفت، توی اندرون مطالب را به شاه عرض کردم و مراجعت نمودم.

روز یکشنبه چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ قمری [۱۲ آذر] از بازار به طرف منزل می‌آمد. وزیر مختار در اتومبیل شخصی خود طرف بازار می‌رفتند. بنده را که دید اتومبیل رانگاه داشته، بنده هم در شکه خود رانگاه داشتم. بنده و وزیر مختار و مسیو چایکین کنار خیابان جباخانه رفته، مشغول صحبت شدیم. پس از احوال پرسی سؤال نمودم: کجا می‌رفتید؟ اظهار نمود: می‌روم بازار برای مادام خود بعضی اشیا را خریداری نمایم و بعد اظهار نمود: با شما کاری دارم، فردا ساعت دوازده وقت بدھید بیایم آن‌جا. بنده هم وقت دادم. خدا حافظی نموده از یکدیگر جدا شدیم.

روز دو شنبه پنجم ربیع‌الثانیه ۱۳۴۰ [۱۳ آذر] وقت ظهر با مسیو چایکین مترجم اول سفارت به منزل بنده آمدند. مدت اقامت یک ساعت و نیم بود. پس از احوال‌پرسی از اعلیٰ حضرت، بنای گله و رنجش را از هیئت دولت به میان آورد. در خصوص معاهده دولت ایران با دولت روسیه از قرار معلوم صورت معاهده را برده‌اند به مجلس و قرار شده، هر یک از وکلا آن چه را اعتراضات دارند در هریک از مواد آن روی کاغذ بیاورند. من خیلی تعجب دارم.

معلوم می‌شود دولت ایران مقصودش این است که دولت روسیه را کاملاً منزجر و منصرف از دوستی با دولت ایران بنماید و مهیل است این دستور هم از مرکز مخصوصی است که وزرای ایران در آن مرکز مطبع و مستخدم هستند. افسوس می‌خورم، آخرالامر دیرتر یازودتر، تمام اقدامات هیئت دولت بر ضرر ملت و مملکت ایران خواهد بود. مگر دولت ایران آنوقت که مشاورالممالک<sup>۲۴</sup> را فرستاد به مسکو و این معاهده را بسته<sup>۲۵</sup> خیال نمی‌کردند بعد مجلس را خواهند داشت و پای این نوع صحبتها به میان خواهد آمد؟ پس از آن که مشاورالممالک صورت معاهده را برای دولت فرستاد، در یکی دو مواد آن دولت فی‌الجمله تغییرات داده، مجددآ اختیارات به مشاورالممالک دادند که هر طور خودش صلاح بداند معاهده‌ای بسته، خاتمه بدهد. به علاوه پس از آن که صورت معاهده را فرستاد، اگر دولت ایران تردیدی داشت، چرا در گذشته‌ها تصرفات نموده، علت این که بانک متصرف شده و راه را به دیگری واگذار نموده چه بوده؟ همین تصرفات دلیل بزرگی است برای امضای آن قرارداد. اگر دولت این معاهده را ناقص و ناتمام می‌دانست، خوب بود دخالت و تصرفاتی در هیچ‌یک از مواد آن نمی‌نمود. مطلب همان است که گفتم.

۲۴. علی‌قلی خان مشاورالممالک انصاری از اسفند ۱۲۹۹ تا تیر ۱۳۰۵ و از تیر ۱۳۰۷ تا اسفند ۱۳۰۹ رئیس قسمت دبلوماتیک ایران در مسکو بود. وی در فاصله دو مأموریت به وزارت امور خارجه انتخاب شد.

۲۵. منظور عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی است.

دستور از جایی دیگر است. من خیلی از دولت رنجش دارم، بلکه ناخوش می باشم. تمام مطالب بندۀ را که قبل‌بیان نمودم و امروز تصدیع دادم، حالا که اعلیٰ حضرت از اندرون بیرون تشرف آوردند عرض کنید و تحصیل جواب کنید. فوق العاده مایلم یک ساعتی را شاه معین بفرمایند، خودم خدمتشان برسم. از جناب عالی متوقع هستم وقت این ملاقات را تهیه نمایند.

روز سه‌شنبه [ششم ربیع‌الثانی / ۱۴ آذر] حضور اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل نموده، تمام مطالب را به عرض رسانده، فرمودند بروید سفارت از قول من از وزیر مختار احوال‌پرسی کنید و بگویید: ده بیست روز به واسطهٔ کسالتی که داشتم از اندرون بیرون نیامده بودم. خود من هم میل داشتم شما را ملاقات نمایم. روز شنبه سه ساعت بعد از ظهر باید فرح آباد و از ملاقات شما خوشوقتم. مطالبی را هم که به‌طور مشروح و مفصل به توسط بصیرالدوله پیغام داده بودید صحبت می‌کنیم و ان شاء الله طوری می‌شود که رضایت‌خاطر شما هم به عمل بیاید.

روز چهارشنبه [۷ ربیع‌الثانی / ۱۵ آذر] قبل از ظهر به سفارت رفت، فرمایشات اعلیٰ حضرت را به وزیر مختار اظهار داشته، قرار شد همان‌طور که امر فرمودند روز شنبه شرفیابی حاصل نماید.

روز پنج‌شنبه حضور اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل نموده، سؤال فرمودند به سفارت رفتید، چه صحبت کردید؟ عین وقایع را به عرض رسانیدم.

روز شنبه به‌طوری که قرار بود سه ساعت بعد از ظهر وزیر مختار شرفیاب شد. به قدر یک ساعت و نیم در خدمت شاه بود. در موقع مراجعت بندۀ هم خیال آمدن به شهر را داشتم. در خیابان فرح آباد به وزیر مختار اظهار داشتم؛ البته از خدمت شاه با رضایت‌خاطر می‌روید. ان شاء الله مطالب به‌طور دلخواه انجام گرفته؟

با حال تأسف اظهار نمود مطلب همان است که خود جناب عالی فرمودید. اعلیٰ حضرت چندان تقصیری ندارند. افسوس می‌خورم که

خيال دارند تشریف بیرون ده فرنگ و این مسئله فوق العاده و خیلی مهم است. در این مجلس وقت نبود که از حقایق، خاطر شاه را مستحضر دارم. به همین دو روزه از جناب عالی وقت می خواهم به منزل شما آمده مطالب را صحبت می کنم در این موقع رسیدیم درب باع از یکدیگر خدا حافظی نموده، جدا شدیم.

یک ساعت بعد از ظهر روز پنج شنبه پانزدهم ربیع الثانیه ۱۳۴۰ [۲۳] آذر] از سفارت روس تلفن نمودند که جناب وزیر مختار از سرکار احوال پرسی می کنند و می گویند: لازم است جناب عالی را ملاقات نمایم. فردا ساعت ده اگر وقت دارید بیایم خدمت شما. بنده هم وقت داده، در ساعت مذکور وزیر مختار با یک نفر دیگر که او را نمی شناختم آمدند منزل بنده. ابتدا سؤال نمودم علت این که مسیو چایکین در خدمت شما نیست چیست؟

اظهار داشت: سه، چهار روز است کسالتی پیدا کرده که توانسته بیاید. به این واسطه یک نفر مترجم دیگر همراه آوردم. پس از احوال پرسی اظهار داشت: از اوضاع و ترتیب کایenne چه اطلاع دارید؟ اعلیٰ حضرت تشریف می بیرون ده فرنگ یا خیر، به آن عقیده باقی هستند که به زودی تشریف بیرون ده جواب دادم: البته شخص جناب عالی بهتر و خوبتر از بنده با اطلاع هستید و اطلاعات کامل دارید. شخصاً نمی توانم اظهار اطلاعات بنمایم و از ترتیبات کایenne سؤال می فرمایید. تصور می کنم خودتان به طور خوبی مطلع و مستحضرید. بنده گمان می کنم کایenne قوام السلطنه خوب کار می کند. فعلًا در سیاست ایران جناب عالی شرکت می فرماید و می خواهد بعدها راه تجارت در ایران باز کنید و محبوب ملت شوید. چگونه می شود بی اطلاع باشید؟ در مسئله تشریف بردن اعلیٰ حضرت همایونی سؤال فرمودید. میل دارند چهار پنج ماهی برای اصلاح مزاجشان تشریف بیرون ده اروپا. اما ملت به واسطه شاه پرستی مایل نیستند و می خواهند استدعا کنند فعلًا مسافرت را موکول و موقوف به وقت دیگر بنماید. دو سه روز دیگر نتیجه به دست خواهد آمد.

وزیر مختار اظهار داشت: کایینه قوام‌السلطنه را جناب عالی برقرار می‌دانید گمان نمی‌کنید معزول شود؟ جواب دادم: فعلًاً راهی برای استعفای ایشان در نظرم و علتنی به میان نمی‌بینم که آقای قوام‌السلطنه استعفا کنند. اظهار داشت: من عقیده به هیچ یک از وزرای ندارم. آن‌چه را که تاکنون به من گفته‌اند دروغ بوده، هرچه را که قول دادند خلاف آن ظاهر شده.

**بررسی**  
www.tajarestan.info

جواب دادم: نسبت به کدام یک از وزرا این نظر را ذاردید و کدام یک از آنها این معامله را با سفارت نموده‌اند؟ جواب داد: با اغلب آنها طرف شدم امتحان نمودم، جز دروغ‌گوئی چیز دیگر بلد نیستند. با خود قوام‌السلطنه چقدرهای برای استحکام کایینه او همراهی نمودم. تمامش را با من خلف و عده نمود و دروغ گفت. در مستله گیلان چقدرهای کمک کرده که دولت ایران را از شر میرزا کوچک‌خان خلاص نمودم. در واقع همراهی در پیشرفت کارهای سردارسپه وزیر جنگ نموده، این پیشرفت به نام او تمام شد. مع‌هذا با من خلاف می‌کند و دروغ می‌گوید و درباره محتشم‌السلطنه نهایت همراهی را نمودم. در مستله آزالین کو دیدید چقدر خلاف نمود.

بالتجه تمام این وزراء را دروغ‌گو می‌دانم و ابدأ به اقوال آنها اعتمادی ندارم. الان می‌خواهند شاه را روانه فرنگ کنند. در صورتی که صلاح نیست و برای شاه، رفتن به فرنگ خیلی مضر است. در واقع این دستورالعمل انگلیسی‌هاست برای پیشرفت مقاصد خودشان و همراهی‌های فوق العاده‌ای که با سردارسپه دارند و می‌خواهند او را قدرت بدهنند و بودن شاه را در ایران مضر می‌دانند، اسباب چینی می‌کنند و تمایل شاه را به رفتن اروپا روز به روز بیشتر می‌کنند. شاه باید خودش این نکات را بدانند. چنان‌چه به اروپا تشریف ببرند بعدها نادم و پشیمان خواهند شد. حالا به هر طوری که خودتان صلاح می‌دانید عقاید ما را به شاه خاطرنشان کنید.

جواب دادم: ابتدا شکایت فوق العاده از وزرا می‌فرمودید که مخالفت

می نمایند و به اعتقاد خودتان دروغگو هستند. این قسمت را فهمیدم. خواهشمندم اشخاصی که معتقد هستند و آنها را دوستان خودتان می دانید و اعتماد دارید به بنده معرفی فرماید. از قراری که شنیدم فی الجمله کدورتی بین جناب عالی و وزیرجنگ به میان بوده، تازگی صلح نمودید. اگر این خبر حقیقت داشته باشد، باید آقای وزیرجنگ را جزو دولت خودتان محسوب دارید.

اظهار داشت: چند روز قبل به واسطه کلوزتی که میانه من و وزیرجنگ به میان بوده، آمدند اینجا دو ساعت هم ماندند. اظهار خصوصیت و صمیمیت فراوان نمودند. اما شخص من اعتمادی به اقوال اوندارم؛ زیرا که تاکنون چندین مرتبه تعهداتی نموده، چندی نگذشت خلف آن ظاهر شد. آنچه را که به زبان می آورد و می گوید، در قلبش راه ندارد. ابدأ اعتمادی به او نداریم.

جواب دادم: بنده معرفی دولت جناب عالی را خواستم و توقع نمودم و همچنین از رئیس وزرای کنونی شکایت [دارید]. که را دولت خودتان می دانید که مقام ریاست وزرایی را اشغال نماید و تشکیل کاینها بدهد، در آن کاینها مطالبی را که دارید پیشرفت کند؟

جواب داد: دولت ما زیاد است و برای ریاست وزرایی ما سپهسالار را خوب می دانیم و به عین الدوله هم میشود اعتمادی نمود؛ اما مجلس با اینها همراه نیست و رأی نمی دهند و به این ملاحظه کار از اینها پیشرفت ندارد.

جواب دادم: فعلًاً خوب است جناب عالی چندان توجهی به کارهای آنها نداشته باشید. در واقع بدینی را کنار گذارده، حسن ظن را به میان بیاورید. تصور می کنم کارها به طور دلخواه انجام بگیرد. البته مرا دولت خودتان می دانید. نسبت به وزرا و کاینها این طور بدین بودن صلاح نیست. این نظر بدینی فوق العاده که در جناب عالی است، بنده تصور نمی کنم هرقدر هم هیئت دولت در پیشرفت مطالب حقة شما همراهی کند باز اظهار رضایت بفرماید. زیرا بدینی و سوء ظن جناب عالی غلبه دارد.

پس از این مذاکرات بنده، وزیر مختار خنديديند و اظهار داشتند: یک چند روزی به طوری که نصحيت دادید رفتار می‌کنم بینم چه می‌شود و اظهار امتنان نمود. پس از خاتمه این مذاکرات وزیر مختار از اطاق بیرون رفته، به فاصله دو سه دقیقه مراجعت نمود. یک کتابچه به انضمام یک سنjac که عکس لینین به آن نصب شده بود آوردند به بنده دادند، اظهار داشت: چند روز قبل که خدمت اعلیٰ حضرت بودم و عده این یادگار را دادم. خواهش دارم ببرید حضور اعلیٰ حضرت تقلیل کنید. در موقع برخاستن خواهش نمود اگر وقت دارید روز دوشنبه، پنج بعدازظهر بیایم اینجا. قبول نموده و خدا حافظی کرده رفتند.

روز شنبه هفدهم ربیع‌الثانیه ۱۳۴۰ [۲۵ آذر] بعدازظهر حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیابی حاصل نموده، مطالب وزیر مختار را عرض نموده، کتابچه و سنjac را تقدیم اعلیٰ حضرت نموده، فرمودند فردا بروید وزیر مختار را ملاقات نمایید، از قول من بگویید بصیر الدوله سنjac و کتابچه را به من داد. ملاحظه نموده، فوق العاده خوشوقت شدم. مخصوصاً این سنjac را که بهترین یادگاری است و این هدیه شما را تصور می‌کنم که از بهترین دوست من رسیده، همه وقت این سنjac را نگاه داشته و مدنظر خواهم داشت و در سایر مطالب وزیر مختار چند روزی بعد جواب خواهم داد.

روز دوشنبه [۱۹ ربیع‌الثانیه / ۲۷ آذر] که وزیر مختار و عده کرده بود به منزل بنده آمدند. پس از احوال پرسی از یکدیگر اظهار داشت: حضور شاه شرفیاب شدید و مطالب بنده را به عرض رسانیدند؟ جواب داده شد شرفیاب شدم، سنjac و کتابچه را هم تقدیم داشته و عین فرمایشات شاه را جهت وزیر مختار بیان نموده. اظهار تشکر نمود و در خاتمه اظهار داشت: خواهش می‌کنم پس از سه چهار روز دیگر در موضوع مسافرت شاه به اروپا و اظهارات من مطالبه جواب نمایید. بعد از یک ساعت توقف حرکت کرده رفت.

روز پنج شنبه ۲۲ ربیع‌الثانیه ۱۳۴۰ [۳۰ آذر] ساعت ده صبح به

سفارت رفته، در موقع ورود به پایی عمارت، از عقب سر، کالسکه سپهسالار هم رسید. ایشان هم از کالسکه پیاده شده به اتفاق وارد عمارت شدیم. هر دو در اطاق انتظار نشسته از پیشخدمت سوال نمودیم. معلوم شد یک نفر اروپایی پیش وزیر مختار می باشد. بعد از نیم ساعت که با سپهسالار در اطاق مشغول صحبت بودیم، پیشخدمت آمد به بنده اظهار داشت جناب وزیر مختار می گویند تشریف بیاورید. بنده به ملاحظه خصوصیت و احترامات با آقای سپهسالار، تقدیم وزیر مختار ترفته و ایشان را بر خود مقدم دانسته، اظهار داشتم حضرت عالی تشریف بیاید. هر قدر سپهسالار اصرار<sup>۲</sup> نمود وزیر مختار شما را خواسته، بنده قبول ننموده ایشان را روانه نمودم پیش وزیر مختار. تقریباً یک ربع ساعت در اطاق انتظار نشسته، موقعي که سپهسالار از پیش وزیر مختار بیرون آمد، در اطاق انتظار از بنده فوق العاده اظهار امتنان نموده، تشریف برداشتند. بعد بنده نزد وزیر مختار رفت، پس از احوال پرسی با یکدیگر فرمایشات اعلی حضرت همایونی را در موضوع فرستادن دکمه و عکس لینی بیان نموده، فوق العاده مسرور و خوش وقت گردید و اظهار تشکر نمود و بعد اظهار داشت: حضور اعلی حضرت عرض کنید که این دکمه و سنjac را لازم است در کلکسیون خودتان باشد. موقعي می شود که این دکمه را به پیراهن خود و سنjac را در یقه خودتان بزنید. بعد شروع به صحبت‌های متفرقه نموده، بنده اظهار کمالت نموده، برخاسته، رفتم.

روز جمعه ۲۳ ربیع‌الثانیه [اول دی ۱۳۰۰] حضور اعلی حضرت همایونی شرفیابی حاصل نموده، شرح حال را عرض نموده، از صحبت‌های وزیر مختار خیلی خنده دیدند.

قبل از ظهر روز شنبه اول شهر جمادی الاول ۱۳۴۰ [۱۰ دی ۱۳۰۰] از سفارت تلفن نمودند اگر وقت دارید برای پنج ساعت بعد از ظهر جناب وزیر مختار می خواهند منزل شما ببایند. بنده وقت داده، سر ساعت وزیر مختار آمده، یک کله قند بزرگ و کارت خودش را به توسط

میرزا ابوالقاسم خان پیشخدمت خودش آورده، [پیشخدمت] اظهار نمود: وزیر مختار سر کوچه توی اتومبیل نشسته، اظهار می‌کنند: یک ساعت دیگر خدمت شما می‌آیم. به فاصله یک ساعت بعد آمدند با مسیو چایکین مترجم اول سفارت. پس از احوال پرسی، بنده علت فرستادن قند را از وزیر مختار سئوال نمودم. جواب داد: چون فردا روز اول سال و عید ما است، قند را آوردم به منزل جناب عالی که ان شاء الله در این سال به وجود شریف خوش بگذرد. بنده اظهار اتشکر و آمشان نمودم و بعد اظهار داشت: از قراری که شنیده می‌شود، اعلیٰ حضور همایونی تصمیم قطعی گرفته‌اند تشریف ببرند به اروپا، بلکه مجلس هم از این مسافرت اظهار رضایت نموده. <sup>www.tobarestan.info</sup> این مسئله حقیقت دارد یا خیر.

جواب دادم. ابیه خاطر عالی مستحضر است که اعلیٰ حضرت برای اصلاح مزاج خودشان مدت‌هاست که این خیال را دارند و مصمم هم‌جو مسافرتی هستند و غالباً هم صحبتش به میان است. انتشاراتی پیدانموده و در جراید هم نوشته‌اند و در مجلس هم صحبت شده، اما رأی قطعی از طرف اعلیٰ حضرت هنوز به محل ظهر نرسیده و دستور صادر نفرموده‌اند کی و چه روزی تشریف می‌برند.

اظهار نمود: از جناب عالی خواهش دارم دربار که تشریف می‌برید به طور دقت، نظر کنید اگر رفتن شاه واقعیت پیدا کرده و به زودی خیال حرکت دارند به ما اطلاع بدهید، متشرکر خواهیم شد؛ و بعد اظهار نمود: قندی را که فرستادم البته ملاحظه فرمودید و تصدیق می‌فرمایید که هیچ ریطی به قندهای انگلیس ندارد و تصور می‌کنم یک من قند روسی مطابق باشد با دو من قند انگلیس، به علاوه، در هر یک من دو هزار دینار تفاوت قیمت دارد. قند روسی را ارزانتر می‌فروشند و این مسئله برای ملت ایران خیلی افقه دارد.

جواب دادم: ملت ایران هم به واسطه ارزانی و صرفه‌حال خودشان مایل به خرید قند روسی می‌باشند و اظهار تمایل می‌نمایند که راه روسیه به زودی باز شود، باب تجارت روسیه وایران مفتوح گردد و واردات و

صادرات دولت ایران با دولت سویت<sup>۲۷</sup> کما فی الساق برقرار باشد و از طرفی هم خود جناب عالی تصدیق می فرماید، همان طوری که اجناس روسیه را که وارد ایران می کنند برای ایرانیها مناسب تمام می شود، آنچه را هم که از ایران به روسیه حمل می شود، مناسب و صرفه به حال آن دولت خواهد بود. پس در این صورت صادرات و واردات بین دولت ایران و روسیه نافع به حال هر دو دولت است.

وزیر مختار تصدیق نمود، اظهار داشت: شخص من خیلی مایلم با دولت ایران مساعدت و همراهی کنم و از مرکز هم همین طور دستور داده اند و عقیده دارند با ایرانیها باید همراهی نمود. اما دولت ایران و ایرانیها هیچ همراهی ندارند و خیلی بی عاطفه هستند. مثلًا حالی ما خیال داریم برنج و آذوقه<sup>۲۸</sup> خریداری نماییم. اولاً تجار ایرانی مجلس می کنند و اظهار می دارند آنچه را که دولت روسیه احتیاج به خریداری اجناس دارد، باید به توسط تجار معامله نماید. یعنی همه وقت کمیسیونی از تجار باشد که کلیتاً به آنها رجوع شود. ما حسابش را می کنیم برنجی را که از خود زارعین مثلًا خرواری سی تومان می شود خریداری نمود، پای تجار که به میان باشد خرواری سه چهار تومان علاوه تر باید پول داد. ثانیاً فعلًا دولت مانع از خریداری برنج و آذوقه شده، همین مسئله دلیل مخالفت دولت ایران است با دولت روسیه. حالا حق به ما می دهید که نظر موافقت را نایستی به میان داشته باشیم؟

جواب دادم: اولاً در مسئله برنج و غیره که می فرماید تجار ایران...<sup>۲۹</sup> روز سه شنبه یازدهم جمادی الاول ۱۳۴۰ [۲۰ دی] از سفارت روس به بنده تلفن نمودند. وزیر مختار احوال پرسی نموده و برای ملاقات روز چهارشنبه ۱۲، ساعت ده صبح را از بنده دعوت نموده که به سفارت بروم. بنده هم قبول دعوت نموده، دو ساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه

۲۷. اصل هم‌جا: سوت

۲۸. اصل هم‌جا: آزوغه

۲۹. حدود هشت سطر از اصل نسخه سفید و نانوشته ماند، و مطلب ناقص است.

رفتم به سفارت. [هنگام] ورود به اطاق انتظار ملاحظه شد سه نفر در اطاق انتظار نشسته‌اند که دونفر از آنها را نشناخته، یک نفر دیگر آقای سید محمد رضای مساوات، نماینده مجلس بود. به وزیر مختار خبر دادند. میرزا ابوالقاسم خان پیشخدمت خبر داد. بنده رفتم به اطاق وزیر مختار. مسیو چایکین مترجم اول هم حضور داشت، نشستیم. پس از احوال پرسی معمولی از طرفین، وزیر مختار اظهار داشت: اولاً چند روز بود جناب عالی را ملاقات نکرده بودم. مایل بودم ملاقاتی شده باشد و حالیه کاری دارم که مزاحم شدم.

جواب دادم: نهایت تشکر را دارم که اظهار میل ملاقات بنده را می‌فرمایید و در انجام مطالب جناب عالی که می‌دانم پیغام به اعلیٰ حضرت همایونی است البته حاضر.

بعد وزیر مختار اظهار نمود: دو مسئله دارم و لازم بود به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید. اولاً فوق العاده از اعلیٰ حضرت گله دارم که برای سال نو که اول ژانویه باشد به تمام سفارت‌خانه‌ها تبریک فرمودند مگر به دولت سویت روسیه، بلکه به دولت جمهوری آلمان هم تبریک سال نو را فرمودند، ولی به دولت جمهوری روسیه تبریک نفرمودند. نمی‌دانم چرا این بی‌مرحمتی را فرمودند. مسئله دوم: البته به خاطر دارید در چند ماه قبل در خصوص جواب نامه مسیو لنین که از طرف اعلیٰ حضرت تأخیر شده، به توسط خود جناب عالی پیغام دادم. فرموده بودند: از اداره تشریفات وزارت خارجه مبنوت نموده، آوردن ملاحظه شد. برond پاکنوس کنند یا ورنند برای امضاء، همین چند روزه به توسط وزارت امور خارجه فرستاده خواهد شد. تاکنون جواب نامه را نفرستادند. این مسئله دوم من است که حق گله دارم. چرا این قدر باید بی‌مرحمتی فرمایند، تاکنون جواب التفات نفرموده باشند. مخصوصاً این دو فقره را عرض کنید و جواب تحصیل فرمایید. خیلی تشکر دارم.

جواب دادم: البته مطالب جناب عالی را همان‌طور که تقریر فرمودید حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض خواهم نمود و تعجیل جواب

می نمایم ولی لازم می دانم اطلاعات و عقیده خود را بیان نمایم: اولاً در موضوع تبریک سال نو که اول ژانویه باشد می فرماید اعلیٰ حضرت همایونی به تمام سفارتخانه‌ها تبریک فرمودند، مگر به دولت روسیه. علت این را می دانم که در آن روزها بنده کسالتی داشتم. چند روزی حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیابی حاصل ننموده. البته تصدیق خواهید فرمود تبریک سال نو را اعلیٰ حضرت همایونی به توسط بنده که رابط می باشم باید بفرماید. به واسطه عدم حضور بنده بوده که اظهار مرحمت و یادآوری نفرمودند و پس از کسالت بنده هم از خاطر مبارکشان محظوظ شده که بنده را بفرستند نزد جناب عالی و اظهار ملاحظه فرموده باشند. در جواب نامه لئین مطالب مقدماتیش همان‌طوری است که فرمودید و فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی هم همان بود که تقریر فرمودید؛ اما علت این که تاکنون جواب نامه فرستاده نشده، تصور می‌کنم این کوتاهی و مسامحه از طرف وزارت امور خارجه باشد زیرا که در آن موقع از طرف جناب عالی حضور اعلیٰ حضرت همایونی یادآوری نمودم با نهایت شوق و میل امر به انجام فرمودند. فعلًا باز هم عرض می‌نمایم و این عقیده را دارم که از طرف وزارت امور خارجه مسامحه شده. مع‌هذا هر دو مسئله را عرض نموده جواب خواهم آورد.

در موقع برخاستن مجددًا وزیر مختار اظهار داشت: از قراری که شنیدم دو سه روز قبل اعلیٰ حضرت همایونی از فرح آباد تشریف فرمای شهر شده و در اطراف سفارت انگلیس با اتومبیل قدری گردش نموده، چند دقیقه هم پیاده شده، راه رفته و مراجعت فرمودند. گمان می‌کنم به واسطه محبتی که با دولت انگلیس دارند، موقعی که می‌خواهند گردش هم کرده باشند در اطراف سفارت انگلیس است جناب عالی خبر دادید یا خیر؟ جواب دادم این مطلب را شخص بنده به کلی تکذیب می‌نمایم. اولاً اعلیٰ حضرت همایونی شهر هم تشریف آورده باشند، گمان می‌کنم از دروازه دوشان تپه وارد شهر شده باشند. به طور گردش که خود تان اظهار می‌دارید از جلو سفارت انگلیس عبور کرده باشند و از دروازه بهجت آباد

به فرح آباد تشریف برد و خط عبورشان از جلو سفارت انگلیس بوده و مقصودی نداشته‌اند. ثانیاً این که می‌فرمایید از اتومبیل پیاده شده و گردش کرده‌اند. این مسئله خیلی واضح است که اعلیٰ حضرت در شهر پیاده راه نمی‌روند، خصوصاً تنها. هر کس این مطلب را اظهار کرده، خیلی ناشی و بی‌اطلاع بوده است. مخصوصاً خود بنده این مسئله را از اعلیٰ حضرت همایونی تحقیق خواهم نمود. در این موقع از وزیر مختار و مسیو چایکین خداحافظی نموده، به منزل مراجعت نمودم.

روز پنج شنبه ۱۳ جمادی الاول ۱۳۴۰ [۲۲ دی] به فرح آباد رفته و حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیاب [شده] و در موقع خلوت، تمام اظهارات وزیر مختار را با جوابهایی که خود بنده داده بودم عرض نموده، مطالبه جواب جهت وزیر مختار از اعلیٰ حضرت نموده، فرمودند: روز دیگر برای جواب یادآوری کنید تا جواب بدhem.

روز شنبه پانزدهم [جمادی الاول / ۲۶ دی] از سفارت روس، از طرف وزیر مختار به وسیله تلفن به بنده اطلاع دادند که روز یکشنبه شانزدهم [جمادی الثاني / ۲۷ دی] ساعت ۱۲ ظهر برای ملاقات به منزل شما می‌آیم. در ساعت مذکور به اتفاق مسیو چایکین و عبدالوهاب خان پیشخدمت حاضر و مدت یک ساعت صحبت‌های متفرقه که تمامش موضوع مسافرت اعلیٰ حضرت به اروپا که خلاصه آن اظهار دلتنگی از این مسافرت و رنجش از دولت حاضره می‌نمودند؛ در هر صورت مطالبه جواب مطلب خود را از اعلیٰ حضرت همایونی نموده، به ایشان اظهار کردم: الساعه به فرح آباد رفته، تحصیل جواب خواهم نمود.

پس از رفتن وزیر مختار، به فرح آباد رفته در موقع خلوت، حضور اعلیٰ حضرت عرض نموده و راپورت آمدن وزیر مختار را به منزل خود داده و مطالبه جواب نمودم.

فرمودند: بروید سفارت، اولاً از طرف من از وزیر مختار احوال پرسی نموده، بعد بگویید در موضوع جواب نامه مسیو لین که تاکنون در عهدۀ تاخیر مانده، کاملاً تصدیق می‌نمایم و اذعان می‌کنم حق با شما است. از

طرفی خودتان هم باید بدانید همان طور که وعده دادم، به زودی جواب نامه فرستاده خواهد شد. به همان عقیده ونیت بودم، بلکه به وزرات امورخارجه تأکید شده، من گمان می‌کردم تاکنون جواب فرستاده شده، نمی‌دانم چرا در این خصوص مسامحه شده؟ البته تصدیق خواهید نمود که خود من با آن محبتی که به شخص شما دارم، در انجام توقع و خواهش شما آنچه را که بتوانم کوتاهی نخواهم کرد و این مسئله جواب کاغذ از وظایف دولت است که باید داده شود. مقصود منظوری [www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info) ندارد. حالیه فرستادم علت تأخیر را از وزارت امور خارجه سوال نموده و تصدیق هم خواهید نمود که جواب نامه‌ها به تأخیر می‌افتد، چندان عیبی در همین چند روزه فرستاده شود. در این موضوع خاطرجمع باشند.

در مسئله تبریک سال جدید که گله نمودید چرا به سفارت روس فرستاده نشده، لازم است خاطر شما را مسبوق سازم: شخصاً معمول من نبوده که مستقیماً به سفارت‌خانه‌ها فرستاده و تبریک بگویم و به‌طور معمول همه‌ساله دو سه روز قبل [از] اول ژانویه از وزارت خارجه چند کاغذ راجع به تبریک سال نوشته، می‌آورند من امضاه می‌کنم و دیگر در جزئیات آن وقتی ندارم و این مسئله از وظایف وزرات امور خارجه است. اگر این مسئله معمول سنتی بوده و در هذه‌السنّه چرا غفلت نمودند؟ البته تصدیق خواهید نمود با رابطه حسن‌های که شخص من با شما دارم و دوستی با دولت روسیه، غیرممکن است اگر شخصاً خود من برای تبریک سال نو می‌فرستادم اول به سفارت روس فرستاده می‌شد. البته تحقیق کنید در این خصوص کی از طرف من رفته و تبریک گفته که خود من به کلی بی‌اطلاع می‌باشم. نسبت به شخص شما محبت داشتم، ولی به‌واسطه این پیغام گله آمیز شما بیشتر محبت پیدا کرده و دوستی شما را به شخص من ثابت و مدلل نموده. زیرا که تا پایی محبت و دوستی به میان نباشد پای گله به میان نخواهد آمد. اگر گله داشته باشد و از اظهار آن مضایقه کنید، اسباب سوء‌ظن برای من می‌شود.

روز شنبه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۰ سه ساعت قبل از ظهر به سفارت

رفته و در اطاق انتظار وارد شده [و] اظهار نمودم که بروید به وزیر مختار خبر بدھید. فوراً مسیو چایکین آمده، بنده را به اطاق خودش برده، وزیر مختار در آن جا آمده، تمام فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را مشروح و مفصل اظهار داشتم. وزیر مختار اظهار داشت: شخص جناب عالی را من یک نفر دوست واقعی خود و دولت روسیه می‌دانم و نسبت به جناب عالی عقیده پیدا کردم. حالا از خودتان سؤال می‌کنم که فرمایشات اعلیٰ حضرت از روی صدیقه بوده یا خیر؟

بنده جواب دادم: اولاً از حسن ظنی که درباره بنده پیدا کرده اید تشکر می‌نمایم که بنده را از دوستان واقعی خودتان محسوب می‌دارید. ثانیاً تمام فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را از روی محبت و دوستی واقعی با دولت سویت روسیه و شخص شما می‌دانم و می‌توانم قول بدhem که بعدها خود جناب عالی با بنده کاملاً هم عقیده شوید و اظهارات امروز بنده را تصدیق فرماید.

وزیر مختار اظهار داشت، از قول من حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید: نهایت تشکر را از اعلیٰ حضرت دارم و آن‌چه را توسط آقای بصیر الدوله پیغام فرمودید شخص بنده از طرف دولت روسیه قبول [کرده] و شکایت و گله خود را پس می‌گیرم. اما در مسئله تبریک سال جدید چه خوب است حالا امر فرمائید از طرف وزارت امور خارجه معذرت بخواهند که در واقع جبران شده باشد. مطلب دیگر که داریم و حتماً انجام آنرا از اعلیٰ حضرت همایونی توقع داریم این است: البته از خاطر مبارکتان محو نشده که در مسئله "آزالین کو" در صورتیکه قانوناً می‌توانستم سخت‌گیری‌ها کرده باشم تمامش را با دولت ایران و میل اعلیٰ حضرت همراهی و مساعدت نمودیم و دولت هم با ما قرارداده بود پاکی شف [را] که طرف آزالین کو بوده تبعید نماید. به عهد و وعده خودشان تاکنون وفا نکرده، حالا مدنی است که پاکی شف در هتل دوفرانس منزل نموده و مشغول دسته‌بندی و آتربیک می‌باشد. اتصالاً برخلاف سیاست دولت سویت روسیه اقدامات می‌نماید و برای اجزای سفارت اسباب چینی

می‌کند. اعلیٰ حضرت همایونی باید امر کنند که پاکی شف را تبعید کنند و اشخاصی را که دوره او جمع شده‌اند، آنها را هم تنبیه و سیاست نمایند. این مسئله را ما جداً از اعلیٰ حضرت همایونی توقع داریم.

می‌خواستم در این موقع حرکت نمایم که پیشخدمت سفارت آمد در اطاق، به وزیر مختار اظهار داشت شاهزاده عین‌الدوله آمدند. وزیر مختار به بنده اظهار داشت: تشریف داشته باشید، رفته ایشان را ملاقات کرده مراجعت نمایم و عذر هم می‌خواهم. وزیر مختار و مسیو چایکین رفتند. بعد از نیم ساعت مسیو چایکین آمده اظهار داشت: عین‌الدوله رفتند. شخصی دیگر وارد شد. وزیر مختار از او پذیرایی می‌کند. الان تشریف می‌آورند. با مسیو چایکین مشغول صحبت شدیم. پس از نیم ساعت وزیر مختار آمد و اظهار داشت: از جناب عالی عذر می‌خواهم که معطل شدید. شخصی که الان نزد من بوده از قراری که اظهار داشت، کایینه همین امروز و فردا مستعفی خواهد شد و رأی مجلس بر این است [که] مشیرالدوله رئیس‌الوزراء شود و ظاهراً می‌خواهد وزرا را از وکلا تشکیل بدنهند. یکی دو نفر از دسته اول و دو سه نفر از دسته اکثر. از دسته اقل سلیمان‌میرزا، فرزین<sup>۳۰</sup>، از دسته اکثر نصرة‌الدوله و سردار معظم خراسانی<sup>۳۱</sup>. وزارت داخله را هم به خود قوام‌السلطنه تکلیف نمایند.<sup>۳۲</sup> جناب عالی در این خصوص اطلاع و خبری دارید یا خیر؟ بنده در جواب اظهار بی‌اطلاعی نمود، پس از صرف چای و قلیان برخاستم.

---

۳۰. اصل: فرضیں

۳۱. عبدالحسین خان تیمورناش

۳۲. شش روز پس از این مذاکره، در ۲۱ جمادی الاول / ۱۳۴۰ دی ۱۳۰۰ دولت قوام‌السلطنه به دنبال مناقشه میان دکتر مصدق‌السلطنه وزیر مالیه و نمایندگان مجلس، در حمایت از مصدق مستعفی شد و قوام‌السلطنه علی‌رغم کسب اکثریت مجلس، حاضر به تشکیل کایینه جدید نشد و دو روز بعد در ۲۳ جمادی الاول / اول بهمن ۱۳۴۰ میرزا حسن مشیرالدوله دولت خویش را به مجلس معرفی کرد. از میان وزرای پیش‌بینی شده توسط رتشین، تنها عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی (تیمورناش) در این کایینه به وزارت عدلیه انتخاب شد.

## ۶۶ / دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

روز یکشنبه ۱۶ جمادی الاول ۱۳۴۰ [۲۷ دی] به فرح آباد رفته، من حیث المجموع تفصیل را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نموده و اعلیٰ حضرت فرمودند: دو سه روز صبر کن، فکر نموده جهت وزیر مختار جواب بدهم.<sup>۳۳</sup>

تبرستان  
www.tabarestan.info

از بازگشت احمدشاه به ایران  
تا آخرین سفر وی به اروپا  
(۴ بهمن ۱۳۰۱ - ۲۹ مهر ۱۳۰۲)

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

تبرستان  
www.tabarestan.info

## فصل دوم

(۴ بهمن ۱۳۰۱ - ۲۹ مهر ۱۳۰۲)

### ”صورت مذاکرات اعلیٰ حضرت همایونی پس از مراجعت سفر دوم از فرنگ با سفارت روس“

چون قبلاً هم رابط فی مابین اعلیٰ حضرت همایونی و سفارت، بنده بودم، در تاریخ ششم شهر جمادی الثانیه ایت ییل ۱۳۴۱ [۴ بهمن ۱۳۰۱] قمری، اعلیٰ حضرت همایونی به بنده فرمودند: بروید سفارت روس از قول بنده از شومی یاتسکی شارژدافر<sup>۱</sup> احوال پرسی کنید و بعد بگوئید شاه مرا نزد شما فرستاده، فرمودند چون سابق رابط فی مابین من و سفارت، بصیرالدوله بوده، حالا هم او را فرستادم نزد شما، من بعد شما او را بشناسید، هر وقت و موقع کاری دارید مستقیماً به توسط بصیرالدوله برای من پیغام بدھید. میان من و شما، غیر از بصیرالدوله نبایستی رابط باشد و دیگری هم نباید از مطالب ما مسبوق باشد. بنده آمدم منزل و به وسیله تلفن از سفارت (شومیاتسکی)<sup>۲</sup> وقت خواسته، روز هفتم ماه جاری

۱. اصل همه‌جا: شارژدافر

۲. اصل: شومی تسکی

[جمادی الثانی / ۵ بهمن ۱۳۰۱] ساعت پنج بعدازظهر وقت داد. در ساعت مقرر به سفارت رفته، وارد اطاق شدم. خبر دادند، ورود به اطاق دفتر نموده، بعد از دو سه دقیقه یک نفر ایرانی آمد که مترجم فیما بین بنده و شارژ دافر باشد. اظهار داشت: جناب شارژ دافر از جناب عالی احوال پرسی می‌کنند و می‌فرمایند فرمایشات خودتان را بفرمایید. جواب گفت: به جناب شارژ دافر بگویید نظر به این که قبلاً مترجم فیما بین بنده با وزیر مختار روس مسیو چایکین بوده، حالیه باید ایشان باشند، زیرا که مطالب و فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را نباید به غیر از یک نفر از روسها که مترجم اول سفارت است، کسی مطلع باشد و از نقطعه نظر دیگر، سابق هم مترجم چایکین بوده، حالا خواهش می‌کنم بفرستید مسیو چایکین بباید که مترجم باشد. شارژ دافر اظهار داشت: بسیار خوب، باید قدری صبر بفرمایید چون چایکین رفته است بیرون، الساعه می‌فرستم او را بیاورند.

شخص ایرانی رفت. خود شارژ دافر چند ورق روزنامه آورده، روی میز گذارده و به توسط پیشخدمت سفارت اظهار داشت: مشغول خواندن روزنامه بشوید تا چایکین بیاید. بنده مشغول خواندن روزنامه شده و شارژ دافر مشغول چیزنوشتن و کارهای شخصی خود شد. بعد از یک ربع ساعت، مسیو چایکین آمد. بنده و شارژ دافر و چایکین هر سه نزدیک یکدیگر نشسته و فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را همان طور که فرموده بودند بیان نمودم. شارژ دافر اظهار داشت: اولاً کمال تشکر را دارم که [در] دوره من هم اعلیٰ حضرت همایونی جناب عالی را رابط فیما بین خودشان و سفارت قرار داده‌اند. زیرا که شرحی از اخلاق جناب عالی برای من تعریف نموده بودند و مخصوصاً خود من خیال داشتم از اعلیٰ حضرت استدعا کنم آقای بصیر الدوّله را که سابق رابط بوده، باز هم ایشان را رابط قرار دهند. حالا خوش وقت هستم که جناب عالی رابط شدید. البته بایستی روابط فیما بین سفارت و اعلیٰ حضرت و دربار را همه وقت خوب نگاه بدارید.

بنده هم اظهار تشکر نمودم از حسن ظنی که شارژ دافر نسبت به بنده دارند. البته شخص بنده آن چه را که بتوانم نسبت به شما و دوستی شما که با اهلی حضرت محکم باشد، کوتاهی نخواهم نمود. بعد شارژ دافر اظهار داشت: چند روز قبل که خدمت اهلی حضرت همایونی شرفیاب شده بودم، از کابینه قوام‌السلطنه<sup>۳</sup> شکایت نمودم که روابط ما را با دولت ایران به کلی تیره نموده. با نهایت میل و شوق مقصود داریم همه وقت روابط دولت ایران و روس خوب باشد. به واسطه دروغگویی و بدرفتاری قوام‌السلطنه به کلی از عقیده خودمان برگشتم. مقصود دولت روسیه این است که روابط تجاری با دولت ایران را به طوری که صلاح و صرفه دولت ایران باشد، پیشنهاد کند که خاتمه داده شود. این کابینه نظر به دوستی با انگلیسها مانع هستند. عزل قوام‌السلطنه را خواستم از اهلی حضرت همایونی.

جواب فرمودند: البته تصدیق می‌کنم که همه وقت لازم است فی مایین دولت روسیه و دولت ایران دوستی و اتحاد باشد مخصوصاً روابط تجاری، خیلی لازم است که به زودی مواد آن را دولت ایران تسویه نموده خاتمه بدهد. زیرا که صلاح دولت ایران هم می‌باشد. اما کابینه قوام‌السلطنه مخالفت می‌نماید. نمی‌دانم به چه دلیل است و علت چیست. مخصوصاً در این خصوص تحقیقات کامل به عمل خواهم آورد و بعد فرمودند: این که عزل قوام‌السلطنه را از من می‌خواهید البته مطلع هستید که در دولت مشروطه بدون تقصیر ثابت و رضایت مجلس، قوام‌السلطنه را به رئیس‌الوزرا را عرض نمود. چون من به اکثریت مجلس، قوام‌السلطنه را به ریاست وزرایی منصوب نمودم. حالا باید طوری شود که خود مجلس هم او را رد کنند. چه خوب است شما چندی صبر کنید. گمان می‌کنم چندان طولی نکشد این کابینه؛ و همچنین با این کابینه هم مخالفت نکنید بلکه شخص من صلاح می‌دانم در خصوص روابط تجاری هم با همین کابینه

۳. مطلب مریوط به دومین کابینه قوام‌السلطنه در دوره قاجار می‌باشد که از ۲۰ شوال ۱۳۴۰ خرداد ۱۳۰۱ تا ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۴۱ / ۵ بهمن ۱۳۰۱ به طول انجامید.

باز مشغول کار باشید. چون میل اعلیٰ حضرت همایونی این بوده که با کابینه قوام‌السلطنه مخالفتی نشود، من هم قبول نمودم و حالا خود کابینه از میان رفت. حضور اعلیٰ حضرت عرض کنید همان‌طور که میل مبارک بوده رفتار نمودم. حالا کابینه حاضر پس از آن که آقای مستوفی‌الممالک کابینه خودش را معرفی نمود، مشغول مذاکره روابط تجاری بین دولت روسیه و ایران خواهم شد.<sup>۴</sup> مسئله دیگر از قراری که شنیدم و شهرت دارد روزنامه طوفان آرگان سفارت روس است و در این چند روزه شرحی که از اعلیٰ حضرت همایونی بد نوشته تحریک سفاقت بوده. لازم دانستم این مطلب را هم به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کرده باشم: مدیر طوفان<sup>۵</sup> در موقعی که روتین وزیر مختار بوده، چون [روتین] بسیار شخص ملايم و اخلاقی است، اين شخص آمد در سفارت روس متخصص شد و روتین هم همراهی نمود و او را نگاهداری کرد که دولت صدمه‌ای به او وارد نیاورد. از نقطه نظر این که در سفارت تحصین اختیار کرده بود و تأمین برای او گرفت و مطالب دیگر که اظهار می‌کرده از سفارت مکاتباتی راجع به مدیر طوفان به هیئت دولت نوشته بودند. در موقعی که من آمدم به ایران، ملاحظه اخلاق و احوال مدیر طوفان را کرده و از سابقه او مطلع و مستحضر شدم، فوق العاده درباره او بدین شدم و هر چه از من خواهش همراهی نمود، اعتنا نکردم. مخصوصاً اظهار می‌داشت به واسطه توقيف

۴. مذاکره فوق در آخرین روز از عمر دولت قوام‌السلطنه صورت گرفته است. کابینه مزبور در هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۴۱ / ۵ بهمن ۱۳۰۱ سقوط کرد. بیست روز بعد مستوفی‌الممالک دولت خویش را به مجلس معرفی کرد. علت این تأخیر مخالفت مدرس و یارانش با کابینه مستوفی بود. آنان قوام‌السلطنه را برای حل معضلات اجتماعی مناسبتر از مستوفی‌الممالک می‌دانستند.

۵. منظور از مدیر طوفان محمد فخری بزدی، ادیب، سیاست‌مدار و روزنامه‌نگار دوره مشروطه به بعد است.

فرخی به دنبال سخت‌گیری حکومت نظامی کودتا و همزمان با تحصن برخی از مدبران جراید، به همراه هفت روزنامه‌نگار دیگر در ۱۸ اسفند ۱۳۰۰ / ۹ ربیع اول ۱۳۴۰ به سفارت شوروی پناهنده شدند.

روزنامه طوفان مبلغ زیادی به من خسارت وارد شده است، باید سفارت روس از دولت ایران مطالبه کند و همچنین اظهارات دیگری می‌نمود. چون من ملاحظه نمودم، سفارت روس سابق یعنی در زمان رتشتنی فی‌الجمله همراهی بامدیر طوفان نموده و رفعه‌هایی به دولت نوشته به اختصار آن کوشیده، فقط تأمینی از قوام‌السلطنه برای او گرفته، او را از سفارت خارج نمودم. دیگر به هیچ‌وجه من الوجوه سفارت روس با او همراهی ندارد. اگر اعلیٰ حضرت همایونی به اوراق طوفان ملاحظه فرمایند، تصدیق خواهند فرمود صدق عرض مرا. زیرا که مطالبی در جریبدۀ طوفان درج نموده که برای دولت روسیه مضر است. اگر ارگان سفارت روس باشد، دیگر بر ضرر سفارت روس نباید چیزی بتلویس و همین دلیل بزرگی است، مقصود این است خاطر مبارک اعلیٰ حضرت همایونی مسبوق باشد که مدیر طوفان مردود سفارت است.

مسئله دیگر در همین دو سه روزه که تغییر کابینه شده، چند نفر از ایرانیها آمدند نزد من، اظهار می‌کردند کاندید شما برای ریاست وزرا کیست؟ چه خوب است اقداماتی بنمائید شخص رئیس‌الوزرا کسی باشد که طرفدار دولت روس باشد و همچنین مطالب دیگر بنا به خیرخواهی دولت روسیه اظهار می‌کردند. جواب دادم: فعلًاً دولت روسیه صلاح خود را نمی‌داند دخالتی در اوضاع و سیاست مملکت ایران بنماید، خودش را بی‌طرف نگاه می‌دارد. این سئوال و جواب من است با ایرانیها، خاطر اعلیٰ حضرت مسبوق باشد.

مسئله دیگر، سفارت روس دشمن زیاد دارد. اعلیٰ حضرت همایونی باید مسبوق باشند. خیلی مطالب است که انگلیسها شهرت می‌دهند و همچنین چیزهایی در جراید درج می‌شود، من جمله همین جریده طوفان را تحریک می‌کنند بتلویسید و شهرت بدنهند که القای شبهه و مغلطه به کار برده باشند، سفارت روس را بدنام کنند، ایرانیها را از دولت روس منزجر نمایند. این مطالب را خوب است دقت فرمایید، در هر صورت فعلًاً عرایض من همین است. به اعلیٰ حضرت همایونی پس از معرفتی کابینه،

البته در مسئله روابط تجاری فیما بین دولت روسیه و ایران با کاینہ مستوفی المالک داخل در مذاکره خواهم شد. در این موقع که مذاکره خاتمه پیدا کرده، خدا حافظی نموده از سفارت آمد.

فردادی آن روز یازدهم شهر جمادی الثانیه [۹ بهمن] می‌باشد<sup>۶</sup> تمام مذاکرات و صحبت‌های با شارژ‌دافر را در موقع خلوت به اعلیٰ حضرت همایونی مفصلأً عرض نموده، فرمودند: بعد جواب می‌دهم. چهار، پنج روز گذشت.

در تاریخ پانزدهم شهر جمادی الثانیه [۱۳۴۱ بهمن] اعلیٰ حضرت فرمودند: بروید سفارت به شومیاتسکی از قول امن احوال پرسی کنید، بگوئید: مطالب را به طوری که به من گفتید به شاه عرض کردم. گفتند: فوق العاده از نیت پاک و محبت واقعی و حقیقی شما خوش وقت شدم. در موقعی که رتشتین در ایران مأمور خدمت بوده، خیلی من از اخلاق او خوش وقت بودم. همه وقت مایل بودم در ایام ماه دو مرتبه با او ملاقات کرده باشم. گذشته از صحبت‌های سیاسی، صحبت‌های شخصی خودم را هم به او می‌کردم و حالا میل دارم همان عوالم را با شما داشته باشم، البته به طور خوبی دقت نمودم آنچه را که اظهار داشتید تصدیق می‌نمایم و شخص شما را نسبت به خودم صمیمی می‌دانم و باز هم می‌گویم من بعد هر مطلبی دارید بصیر الدوّله را بخواهید، مطالب خودتان را به او بگوئید و به من می‌گویید و به شما حالی خواهم کرد. عملاً من نهایت همراهی را با شما دارم و در مسئله روابط تجاری خودتان با دولت ایران، همان‌طور که خودتان اظهار داشتید با هیئت دولت مشغول مذاکره بشوید و مخصوصاً به رئیس‌الوزرا سفارش می‌کنم در پیشرفت مقاصد شما کمال همراهی را بکند که روابط تجاری دولت روسیه با ایران به زودی خاتمه پیدا کند و خود من هم نهایت همراهی را دارم.

فردادی آن روز یک نفر نوکر به سفارت فرستاده، وقت خواستم. برای چهار ساعت بعد از ظهر روز شنبه سلغن جمادی الثانیه [۲۸ بهمن]

۶. مطلب قبل مربوط به چهار روز پیش بوده و کلمه فردای آن روز غلط است.

[۱۳۰۱] وقت معین نموده، در ساعت مقرّره در سفارت حاضر شده، پس از احوال پرسی طرفین از یکدیگر، شارژدار اظهار داشت: مطالب بنده را به اعلیٰ حضرت عرض کردید، جواب چه فرمودند؟ عین فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را که فوقاً نوشته شد بدون کم و زیاد بیان نمودم و مسیو چایکین ترجمه نمود. شارژدار فوق العاده اظهار تشکر نمود و به این عبارت اظهار داشت: بی نهایت از مرحمت اعلیٰ حضرت همایونی سلطان ایران تشکر می‌کنم که بدین اندازه با نماینده دولت روسیه بذل مرحمت می‌فرمایند و مقصودشان واقعاً روابط حسنی بین دولت روسیه و ایران است.

بعد شارژدار از خود من سؤال نمود کاینسته مستوفی الممالک را جناب عالی بادوام می‌بینید؟ جواب دادم: این قبیل مسائل سیاسی دو رو دارد. یک روی ظاهر و دیگری باطن. اما روی ظاهرش را ملاحظه می‌کنم. تمام ارباب جراید و اکثریت وکلا و توده‌ملت از قوام‌السلطنه رنجیده خاطر بودند و به همین واسطه کاینسته او سقوط پیدا کرده و بعداز چند روز به گفتگو و مشاوره با اکثریت مجلس، مستوفی الممالک رئیس‌الوزرا شد و البته تصدیق خواهید فرمود مستوفی الممالک شخص بالاطلاع و بی‌طبع ملایمی است. بنده تصور می‌کنم افلأً چهار پنج ماه دوام داشته باشد از این نقطه نظر که عرض کردم. اما روی باطنش را اشخاصی می‌دانند و اطلاع پیدا می‌نمایند که درخواستهای وکلا از مستوفی واز معاملات ایشان با حضرات و همچنین توقعات سفارت انگلیس از مستوفی و تعهدات مستوفی با آنها و همچنین با هوجیهای این شهر چه معاملاتی داشته باشند و بالاطلاع باشند. شخص بنده نوکر اعلیٰ حضرت همایونی می‌باشم. یکی از شرایط و وظایف اجزای دربار این است که بایستی داخل در سیاست نباشند. به این دلیل بنده داخل در سیاست نمی‌باشم. زیرا که خارج از وظیفه خود می‌دانم. در این صورت نمی‌توانم خدمت جناب عالی اظهار عقیده نمایم.

شارژدار اظهار داشت: خود من درباره این کاینسته خیلی خوش‌بین

می باشم و از برای تشکیل خیلی همراهی نمودم. جواب دادم: امیدوارم این کابینه بادوام باشد. و همیشه به همین خوشبینی باقی باشید و دوام کابینه به طول انجامیده که اسباب رضایت جناب عالی فراهم باشد. بعد اظهار نمود: قوام السلطنه واقعاً فوق العاده به دولت ایران خیانت نموده و به کلی پای لجاجت را با ما به میان آورده بود، به طوری که در صرف و صلاح دولت ایران صرف نظر می کرد. در مسئله روابط تجاری بین دولت روسیه و ایران، در زمان وثوق الدوّله <sup>مشیر الدوّله</sup> قرار شده بود تعریفه گمرکی ۱۹۰۱ را طرفین یعنی دولت روسیه و ایران مجری دارند، موقتاً تا موقعی که تعریفه گمرکی جدید و قرارداد ثانوی بسته شود. در زمانی که رتشتین در ایران بود، موفق به خاتمه دادن قرارداد نشده، خود من هم هرقدر کوشش نمودم شاید بتوانم در کابینه قوام السلطنه این مسئله را خاتمه بدهم موفق نشدم. آخرالامر ناچار شده به دولت متبعه خودم به شرحی شکایت از قوام السلطنه نوشت و پیشنهاد کردم تعریفه گمرکی اروپایی را با دولت ایران مجری کنند. این معامله را با دولت ایران می نعایند.

بنده اظهار داشتم: تعریفه گمرکی اروپایی چه ترتیبی دارد؟ جواب داد: از یک پوت<sup>۷</sup> پنبه، چهار میلیون<sup>۸</sup> طلاکه دو تومان و دو هزار پول ایران باشد، گمرک گرفته می شود. نوشتم همین معامله را با دولت ایران بنماید. این پیشنهاد من به مرکز مسکو به واسطه پیش نرفتن و خاتمه پیدا نکردن روابط تجاری با کابینه قوام السلطنه بوده، در صورتی که من تهیه یک تعریفه گمرکی نمودم که به دولت ایران پیشنهاد نمایم. تفاوت گمرکی این پیشنهاد با تعریفه گمرکی اروپایی این میزان است که تعریفه و قرارداد گمرکی از یک پوت پنبه، دو تومان و دو هزار پول ایران گمرک می گیرند و این پیشنهاد من از یک پوت به پول ایران سی شاهی باید گمرک گرفته شود و همچنین چیزهای دیگر. حالا ملاحظه کنید چه قدر دولت روسیه همراهی می کنند

۷ واحد وزن روسی معادل ۳۸۰ کیلوگرم

۸ واحد پول روسیه قبل از انقلاب اکابر و چند سال پس از آن.

و تا چه اندازه خیال مودت با دولت ایران دارند و مایلند همه وقت روابط بین خودشان با دولت ایران حسنی باشد و قوام السلطنه هم با ما معامله به مثل کرده است. سه روز قبل از سقوط کابینه، تلگرافاتی صادر نمود و دولت ایران نسبت به دولت روسیه تعرفه گمرکی ۱۹۲۰ را به موقع اجرا بگذارند. از سرحدات به ما تلگراف نمودند و حالا مطالب من این است. از شخص اعلیٰ حضرت نهایت تشکر را دادم. این مطالب را هم عرض کنید: در همین دو سه روزه در خصوص روابط تجاری و پیشنهاد [ای] که من تهیه نمودم با هیئت دولت داخل در مذاکره می شوم، البته در این موقع اختلاف جزئی پیدا خواهد شد. شخص من حکمیت این اختلافات را به اعلیٰ حضرت اقدس شهریاری واگذار می نمایم. اختلاف فی ما بین دولت خودشان و دولت روسیه را اعلیٰ حضرت حکمیت<sup>۱</sup> فرمایند. پس از مذاکره با هیئت دولت، می فرستم به جناب عالی اطلاع می دهم تشریف بیاورید مطالب را بیان می کنم که به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید. مذاکره به اینجا رسیده، یک ساعت از شب گذشته بود، خدا حافظی، نموده از سفارت آمد.

روز یکشنبه اوّل رجب ۱۳۴۱ [۲۹ بهمن] اطاق خلوت، تمام مطالب و مذاکرات با شارژدافر را برای اعلیٰ حضرت همایونی تعریف و عرض نموده و خاطر مبارکشان را مسبوق و مستحضر داشتم.

در تاریخ دوازدهم رجب ۱۳۴۱ [۱۰ اسفند ۱۳۰۱] صبح زود از سفارت یک نفر پیشخدمت آمد و اظهار داشت: چنان چه وقت دارید، برای چهار ساعت بعداز ظهر فردا جناب شارژدافر با مترجم اول می خواهند بیایند منزل جناب عالی. بنده وقت دادم و برای پنج ساعت بعداز ظهر درب خانه رفته، در موقع شرفیابی به اعلیٰ حضرت همایونی عرض نمودم که خاطر مبارکشان مسبوق باشد. ساعت پنج بعداز ظهر روز سیزده رجب جناب شارژدافر به اتفاق مسیو چایکین مترجم اول سفارت آمدند منزل بنده. پس از چند دقیقه احوال پرسی با یکدیگر، جناب

شارژدافر اظهار داشتند: ما کمال رضایت را در کابینه حاضر داریم. زیرا که کارهای ما به طور خیلی سهل و آسان رو به اصلاح هست. در مسئله روابط تجاری و قرارداد گمرکی با هیئت دولت داخل در مذاکره شدیم. تاکنون با کمال سهولت پیشترفت می نماید. ابداً اختلافاتی به میان نیامده، مخصوصاً دو روز قبل تلگرافاً شرحی مبنی به رضایت از کابینه حاضر به دولت متبوعه خود مخابرہ نمودم و از مسکو هم جواب رضایت و مسرت نسبت آقای مستوفی الممالک مخابرہ نمودند. خواهش دارم شرح حال را حضور اعلیٰ حضرت اقدس شهرباری عرض کنم<sup>۱۰</sup>. در ضمن مذاکرات صحبت قوام‌السلطنه به میان آمد. باز هم شارژدافر شرف<sup>۱۱</sup> نمود از معظم له شکایت نمودن نسبت به خودشان.

بنده اظهار داشتم: جناب آقای قوام‌السلطنه را نسبت به پیشرفت نکردن کارهای خودتان در ایران آدم بدی می شناسید یا به کلی یعنی جنساً او را آدم بد و دروغ‌گو می دانید. در این خصوص چند دقیقه صحبت نمودیم. آخرالامر شارژدافر اظهار داشت: قوام‌السلطنه دو مرتبه رئیس‌الوزرا شده و خدماتی نسبت به دولت نموده، در کابینه او اصلاحاتی شده و عقیده من این است: فقط در پیشرفت کارهای ما کوتاهی می کرده نظر به این که انگلیسی است؛ البته دستورالعمل از انگلیسها داشته.

بنده اظهار داشتم: خدماتی را که جناب عالی عقیده دارید که نسبت به دولت ایران نموده و قبل از فرمودید چه بوده؟ جواب داد: در دفعه اول منع افتشاش<sup>۱۲</sup> "گیلان"<sup>۱۳</sup> را به کلی نموده. اگرچه نهایت همراهی را در این موضوع سفارت روس داشته ولی در کابینه او خاتمه پیدا کرده و همچنین دفع انقلاب خراسان<sup>۱۴</sup> را [که] خیلی اهمیت داشته نموده. و آن صفحه را منظم نمود. پلیس جنوب را منحل نمود. مطرح نمودن آمدن مستشارها را در

۱۰. اصل: اختشاش

۱۱. منظور نهضت جنگل است.

۱۲. منظور قیام کلتل محمد تقی خان پسیان است.

مجلس او پیشنهاد کرد.<sup>۱۳</sup> سیاست بین دولتین روس و ایران را روشن نمود. مطرح نمودن نفت شمال در مجلس، سه ماهه آخر تقریباً جمع و خرج دولت را هم منظم نموده که حقوق نظام و سایر دوازه دولتی را می‌رساند. در دفعه ثانی آمدن مستشارها و مشغول به کار شدن و تهیه پیشنهاد نمودن در مسئله نفت شمال و به مجلس فرستادن، رفع انقلابات صفحه آذربایجان. این خدمات را نموده که من اطلاع دارم ولی در کارهای ما خیلی کوتاهی نمود.

بنده جواب دادم: با این ترتیبات که خود جناب عالی می‌دانید و خدماتی که خودتان اظهار فرمودید نموده، می‌توانم عرض کنم آقای قوام‌السلطنه را فعال و کاردار و خادم می‌دانید فقط شکایت شما نسبت به عدم پیشرفت کارهای خودتان است. هیچ احتمال نمی‌دهید شاید مانع و معدوری داشته. زیرا که شخصاً غرض و مرض تصور نمی‌رود داشته است.

جواب داد: به هیچ وجه از طرف دولت ایران مانع نداشت، به دلیل این که تمام وزارت‌خانه‌ها هم به عهده خود او بوده و اداره می‌کرده. به این معنی [که] اشخاصی که وزیر بودند ارگان و بستگان خودش بوده فقط یک وزارت جنگ بود که مستقیماً می‌توانسته کار و خدمت را خودش انجام بدهد. در این صورت هیچ اشکالی به میان نبوده، فقط به‌واسطه این که طرفدار انگلیسها بوده و میل آنها نبوده، کارهای ما در ایران پیشرفت کند، ایشان اطاعت میل و دستورالعمل آنها را می‌کردند. در اینجا صحبت قوام‌السلطنه خاتمه پیدا کرده اظهار داشت: جهت تعریف گمرکی و یک نفر متخصص که قرار شده از مرکز بیاید به ایران از قراری که خبر تلگرافی داریم حرکت نموده و به‌زودی خواهد آمد.

در مسئله فرخی مدیر جریده طوفان، شرحی توسط جناب عالی حضور اعلیٰ حضرت عرض شده، باز هم خاطرنشان می‌نمایم که این شخص خیال انقلاب دارد و پاره‌ای پیشنهاد غلطی به سفارت روس

.۱۳. منظور استخدام مستشاران عالی امریکا به ریاست آرتور میلسپو است.

می‌کند و ابدآ سفارت تکلیف خود را نمی‌داند گوش به حرفهای فرخی بدهد و به همین واسطه مردود ما است و ابدآ سفارت روس او را به خود راه نمی‌دهد و خاطر مبارک شاه مسیوبق باشد که اگر مطالبی در جریده خود می‌نویسد، سفارت بی‌اطلاع و بی‌خبر است. این مذاکرات که تمام شد، یک ساعت و نیم از شب گذشته بود شارژدار حركت نموده رفتند. روز چهاردهم شهر رجب ۱۳۴۱ [۱۲ اسفند] شرح ماقع را تمام و

کمال حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نموده‌اند.<sup>۱۴</sup> روز هفدهم رجب ۱۳۴۱ [۱۵ اسفند] از طرف سفارت پیشخدمت آمد. برای سه ساعت بعد از ظهر روز هیجدهم بنده را دعوت نمود که بروم سفارت. حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیابی حاصل نموده عرض کردم. در ساعت موعد به سفارت رفته، شارژدار و مسیو چایکین مترجم منتظر بنده بودند. پس از ورود و احوال پرسی طرفین، شارژدار اظهار داشت: از قراری که شایعات دارد و می‌گویند، در گیلان عده‌ای از روسها آمده که اشرار آن صفحه را با خود برداشته بروند به سواحل<sup>۱۵</sup> بندر خزر بنای انقلاب را بگذارند و همچنین جمعی از روسها در اطراف نخجوان بنای شرارت را گذارده‌اند و با جمعی از ایرانیها هم دست شده‌اند. ما به کلی این مطالب را تکذیب می‌کنیم و دروغ و بی‌اصل می‌دانیم و تصور می‌کنیم دشمنهای ما این شهرتها را می‌دهند، بلکه تحریک می‌کنند ارباب جراید چیزی بنویسنده و مقصود بالاصله آنها این است که به واسطه نشر این مطالب اذهان ملت ایران را نسبت به ما بدین کنند و همچنین شخص اعلیٰ حضرت را از ما برنجانند و شاه را از ما و ملت ایران رنجانند. و درین این انقلاب تیجه مطلوبه خود را گرفته باشند. خواهش دارم شرح حال را حضور اعلیٰ حضرت عرض کنید که خاطر مبارکشان مسیوبق باشد.

بنده در جواب اظهارات شارژدار اظهار نمودم: البته همین طور که بیان فرمودید حضور اعلیٰ حضرت عرض خواهم نمود. اما می‌توانم قبل از هم به جناب عالی اطمینان داده باشم اعلیٰ حضرت همایونی در دوستی

شما باعقیده می باشند که فوق آن تصور نمی رود و این مسائل را باور نخواهند فرمود. البته همین طوری که جناب عالی اظهار می دارد، دشمنهای شما این مطالب را شهرت می دهند. اعلیٰ حضرت هم بالاطلاع هستند از اوضاع مملکت خودشان تا این اندازه ها بی خبر نیستند. البته خاطر محترم خودتان را در این خصوص آسوده دارید که مطالب را به اعلیٰ حضرت عرض نموده، جواب خواهم آورد.

روز نوزدهم شهر رجب [۱۷ اسفند] مطالب را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نموده، جواب فرمودند: از طرف من بروید سفارت و از شارژدارف احوال پرسی نموده و بگوئید شخص من به طور خوبی حس کرده و می دانم روابط بین دولت ایران و روسیه خیلی خوب است. بعدها هم بهتر و خوبتر خواهد شد. شخصاً خود شما را هم نسبت به خودم صمیمی و دوست می دانم. خاطر جمع باشید شباهات احدي به خرج من نخواهد رفت و مخصوصاً من عقیده نسبت به شخص شما دارم و لازم است در هر مورد چنان چه برای شما سوءتفاهمی پیدا شود، فوراً به توسط بصیرالدوله برای من پیغام بفرستید که رفع شود و اگر برای من هم اشکالاتی که تحقیق آن لازم باشد [ایجاد شود] به توسط بصیرالدوله از شما سؤال خواهم نمود که بعدها به هیچ راه و وسیله ای نتوانند پای اشکال و اختلافاتی به میان بیاورند. این که شما را کمتر می خواهم بیاید دربار، نمی خواهم پُر در انتظار مردم روابط من را با شما مسبوق باشند. البته طرفین یک نفر آدم امینی به میان داریم که مطالب را می رساند. مخصوصاً باز هم تأکید می نمایم از جزئی یا گلی هر موقع مطلبی دارید مضایقه نکنید و به توسط بصیرالدوله پیغام بفرستید. همین چند روزه عید، روز رسمی شما را ملاقات خواهم نمود. در بین ایام عید هم روزی را تلفن می کنم بیاید حضوراً هم صحبت کرده باشیم.

روز بیستم شهر رجب [۱۸ اسفند] ساعت ۱۱ صبح به سفارت رفته، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را عرض نموده، شارژدارف نهایت تشکر را نموده و فوق العاده اظهار مسرّت و خوش وقتی نموده، [پس از]

مراجعت از سفارت شرح حال و تشکرات شارژدافر را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نمودم.

در تاریخ یوم شنبه بیست و نهم شهر ربیع اول ۱۳۴۱ [۲۷ اسفند] از سفارت یک نفر پیش خدمت آمد منزل بنده و اظهار نمود: چنان چه وقت داشته باشید برای فردا که روز یک شنبه سلحنج باشد، ساعت پنج بعدازظهر جناب شارژدافر با مترجم اول می خواهد بیایند منزل شما. جواب دادم: البته تشریف بیاورند منتظر خواهم بود. حضور اعلیٰ حضرت شرفیاب شده، خاطر مبارکشان را مسبوق نمودم و رزوی یک شنبه موقع حرکت از دربار برای پذیرایی شارژدافر اجازه حاصل نموده به منزل آمدم. سر ساعت شارژدافر و مسیو چایکین مترجم اول حاضر شده، پس از احوال پرسی طرفین از یکدیگر اظهار داشتند: از وزارت امور خارجه برای سلام روز عید و شرفیابی حضور اعلیٰ حضرت دعوت خواستند. مناسفانه من معذورم و نمی توانم حضور به هم رسانم و درک فیض از شرفیابی خود نمایم. علت را سؤال نمودم. جواب دادند: برای نواقص استقرار روابط تجاری بین دولت متبوعة خود و ایران لازم است چند روزه به انزلی بروم و قرار شده که در ۲۲ مارس حرکت نمایم. به همین واسطه نمی توانم شرفیاب شوم. خوب است قبلاً مراتب را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید که خاطر مبارکشان مسبوق باشد.

جواب دادم: اگر ممکن است دوروزی تأخیر بیندازید حرکت خودتان را که در روز سلام تشریف داشته باشید. اظهار داشت: نمی توانم و ناچارم، بایستی بروم.

در موقعی که این اظهار را می نمود بنده مشاهده نمودم که مقصد از مسافرت طفره می باشد و می خواهد حضور نداشته باشد. با کمال صفا و از درب یک جهتی داخل شده و اظهار داشتم: من مطلب را غیر از این می دانم چنان چه علت و سببی دارد بفرمائید شاید بتوان رفع نمود.

پس از دو سه دقیقه تأمل عنوان نمود: مطلب این است. این که اظهار داشتم خیال حرکت به انزلی را دارم بی اصل نبوده ولی در این موقع

خواستم دو روز زودتر رفته باشم که روز سلام نباشم و علت این است [که] دستور شرفیابی به حضور اعلیٰ حضرت را این طور داده‌اند که اول سفيرکبیر عثمانی شرفیاب می‌شود و بعد سفير افغانستان و بعد کلیه گردپلماتیکها من جمله ما را هم جزو کردپلماتیکها نوشته‌اند که باید حضور اعلیٰ حضرت برویم. در صورتی که ابدآ من نمی‌توانم با حضرات یک‌جا برویم [به] حضور. زیرا که میانه ما با انگلیس خصوصاً، سایر دول عموماً خیلی بد است و در موقعی که حضور به هم رسانندیم بایستی وزیر مختار انگلیس از طرف دولت خودش رسایی دول عرض تبریک بگویند و با این روابط غیرحسنه چگونه می‌توانم حاضر شویم. به همین جهت است و نخواهم آمد. خواهش دارم حضور اعلیٰ حضرت عرض کنید و بنده را معذور بفرمایید از شرفیابی روز عید نوروز. استدعا دارم در ظرف روز سه‌شنبه و چهارشنبه یک ساعت وقت معین فرمایید که بنده شرفیابی حاصل نمایم و بروم والا ناچارم کاغذی به وزارت امور خارجه رسمتاً بنویسم و از طرف دولت متبعه خود و سفارت عرض تبریک سال جدید را می‌گویم. جواب دادم: البته مطالب را به طوری که اظهار داشتید حضور اعلیٰ حضرت عرض خواهی نمود. البته خاطر محترم عالی مسبوق است فردا روز دوشنبه است و [دربار؟] در ایام هفتة دور روز تعطیل است، روز دوشنبه و جمعه. در این دو روز اعلیٰ حضرت همایونی بیرون تشریف نمی‌آورند این مسئله موکول می‌شود به روز سه‌شنبه که پس فردا باشد. در موقعی که اعلیٰ حضرت بیرون تشریف می‌آورند مطالب را به عرض می‌رسانم. تحصیل جواب نموده، خاطر شریف را مسبوق می‌سازم. پس از یک ساعت و نیم بعد از منزل بنده رفتند.

روز سه‌شنبه قبل از ظهر مطالب را به اعلیٰ حضرت همایونی عرض نمودم. فرمودند: فوراً همین آن بروید سفارت. از قول من احوال پرسی کن و بگو شاه فرمودند: من خیلی مایلم که شخص شما روز سلام عید باشید. خیلی ممنون می‌شوم که رفتن خودتان را به تأخیر بیندازید و در روز عید باشید. این‌که برای روز سه‌شنبه و چهارشنبه وقت خواسته بودید

اگر چند روزی قبل وقت خواسته بودید البته ممکن بود ولی روز سه شنبه را به دیگران وقت دادم، ساعتی برای خود ندارم و روز چهارشنبه هم عید سیدالشہدا است و روز سلام است. البته اگر داشتم مضایقه نمی‌کردم اما این نکته را هم باید تصدیق کنید با روابط حسنی‌ای که فعلًاً مابین دولت روسیه و ایران بهمیان آمده و محبتی که شخص خود من با شما دارم چنان‌چه روز عید نیاید سلام، اسباب سوء‌تفاهم و سوء‌ظن برای مردم خواهد شد. من میل دارم که شما ملاحظه و مراقبات این نکات را نموده حرکت خود را موقوف [کرده] و برای روز عید حاضر شوید.

خود بنده به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کردم، همین طور که امر می‌فرمایند الساعه می‌روم و فرمایشات ملوکانه را اظهار می‌دارم. اما این طور که غلام ملاحظه نمودم و [شارژدافر] صحبت می‌کند، تصور نمی‌کنم حاضر شود. اعلیٰ حضرت فرمودند: پس در این صحبت ثانی اگر قبول نکرد از قول خودت بگو بین چه می‌گویند، جواب بیاور.

فوراً از دربخانه سوار درشکه شده رفتم به سفارت. ابتدا فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را اظهار داشتم. [شارژدافر] جواب داد: از طرف دولت متبعه خود امر شده حرکت نموده بروم. متسافانه نمی‌توانم رفتن خود را تأخیر بیندازم. پس از دو سه دقیقه صحبت که مأیوس شدم ترتیب اول را قبول کند، فکری کردم و اظهار داشتم: چه صلاح می‌دانید حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنم قرار بدنه شما با سفیر کبیر عثمانی اول شرفیاب شوید که به کلی رفع اشکالات شده باشد و بعداز رفتن شما و سفیر کبیر عثمانی، سایر گردی‌پلماتها یک‌جا بیایند. اگر صلاح می‌دانید به شاه عرض کنم این طور قرار بدنهند.

پس از دو سه دقیقه سکوت اظهار داشت: خیلی خوب است اگر این طور بشود که ما با شیخ‌السفر ابتدا شرفیاب شویم. گذشته از این که شیخ‌السفر است و قرار است اول حضور شاه برود و ما هم با او رفته باشیم خوب است، میانه دولت روسیه و دولت عثمانی خیلی خوب است و روابط ماها حسنی است و مخصوصاً از مرکز دولت خود من هم دستور

نوشته‌اند که روابط سفارت روسیه و عثمانی خیلی باید حسنی باشد. فقط چیزی که هست این است: شخص من خصوصیتی با سفیرکبیر ندارم. زیرا موقعی که آمد به طهران، رفتم دیدن او، هنوز اینجای نیامده. به این ملاحظه، جزئی اشکالاتی دارد. بعد بنده جواب دادم: این مسئله اهمیتی ندارد در صورتی که خودتان اظهار می‌کنید میان دولت روسیه و عثمانی خوب است و متفق هستند دیگر این مسئله گله‌های شخصی است. عقیده بنده اینست: کارهای دولتی را باید گروکشی کارهای شخصی نمود.

فکری کرد، با روی خوش تصدیق نمود. دو مرتبه اظهار داشت: شاید سفیرکبیر عثمانی قبول نکند که با هم رفته باشیم حضور اعلیٰ حضرت و بگوید من تنها بایستی بروم. جواب دادم: این مسئله را هم بنده تکذیب می‌کنم. زیرا که قبل<sup>۱۵</sup> با سفیرکبیر عثمانی در این خصوص، دولت مصلحت و مشourt نمی‌کند. در اطاق موزه هستند، در موقعی که از طرف وزارت تشریفات خبر می‌دهند، سفیرکبیر عثمانی با شما بیاید. این مسئله را هم تصدیق نمود. دو مرتبه اظهار داشت: در موقعی که حضور می‌رویم، نطق به عهده کی خواهد بود؟ اگرچه قاعده بر این است سفیرکبیر عثمانی نطق کند، تکلیف این جانب چه خواهد شد؟ جواب دادم: خود جانب عالی فرمودید میانه دولت روسیه و عثمانی خوب است به همین دلیل هم راضی شدید با هم بروید. کلیتاً سفیرکبیر عثمانی حق دارد نطق را به عهده خود بگیرد و قانون هم بر این است. گذشته از اینها با عوالم یک‌جهتی دولت روسیه و عثمانی البته اگر سفیرکبیر عثمانی از طرف دولت خودش و از طرف دولت روسیه عرض تبریک نمود، بسیار به جا خواهد بود و اگر فقط از طرف دولت خودش تبریک عرض کرد، نطق او که تمام شد شما نطق کنید.

فکری کرده اظهار داشت: تمام فرمایشات سرکار را تصدیق می‌نمایم، بلکه اظهار تشکر می‌نمایم. خواهش دارم این پیشنهاد که فرمودید به اعلیٰ حضرت عرض کنید قرارش را همین طور بگذارند ممنون هم خواهم

شد. از جناب عالی جواب هم زود به بنده التفات کنید که تکلیف خودم را بدانم.

از سفارت حرکت نمودم رفتم حضور اعلیٰ حضرت. شرفیابی حاصل [شد و] مطالب را من حیث المجموع عرض نمودم. فرمودند: فوراً یکی را بفرست معاون رئیس تشریفات وزارت خارجه، صورت ترتیب روز سلام هیئت گردپیلماتیک را بیاورد. یک نفر رفت عقب او، صورت را آورد. اعلیٰ حضرت همایونی همان طوری که خودشان دستور داده بودند و قرار شده بود امر فرمودند مجری گردد. پس از ساعتی، مطالعه جواب از اعلیٰ حضرت همایونی نمودم. فرمودند: معاون‌الدوله وا فرستادم پیش رئیس‌الوزرا همان‌طور مجری کنند.

از طرف وزارت امور خارجه غروب سه‌شنبه تلفن شد به سفارت روس [که] یک‌ربع از وقتی که در رقصه اول معین شده بود، زودتر حاضر شوید با سفیر کبیر عثمانی باید حضور اعلیٰ حضرت بروید!۱۶

در تاریخ شنبه هشتم شهر ذی‌قعده‌الحرام ۱۳۴۱ [اول تیر ۱۳۰۲] اعلیٰ حضرت همایونی به بنده فرمودند: بروید سفارت روس از طرف خودتان، به عنوان این که مدتی است از شما خبر نداشتم آدم احوال‌پرسی شما. در ضمن صحبت اظهار می‌کنی آن‌چه را که من احساس می‌کنم شاه نسبت به شخص شما خیلی محبت دارد و مخصوصاً هر موقعی که اسم شما به میان آید می‌فهم محبت قلبی با شما دارد. چنان‌چه مطلبی دارید بگویید فردا می‌روم به دریخانه به شاه عرض کنم یا اگر خودتان مایل باشید بیایید پیش شاه. گمان نمی‌کنم شاه نپذیرد، احساسات خود من این است. مدتی بنشین خصوصیت بکن، این مطالب را هم بگویید.

حسب الامر اعلیٰ حضرت اقدس شهریاری آدم منزل، به سفارت تلفن نمودم، از شارژ‌دافر وقت خواستم. روز یک‌شنبه ساعت ۹ وقت دادند، رقم به سفارت. همان‌طور که اعلیٰ حضرت دستور داده بودند به

۱۶. در اصل سند حجمی به اندازه ده سطر خالی مانده و مطلب نیز ناتمام به نظر می‌رسد.

عمل آوردم. شارژدار اظهار داشت: خود من می‌خواستم جناب عالی را ملاقات نمایم. دو سه روز قبل فرستادم منزل شما، تحقیق نمودم، معلوم شد رفید به ساوجبلاغ. مطلبی داشتم، می‌خواستم برای اعلیٰ حضرت پیغام بفرستم. بعد سؤال نمود: ساوجبلاغ برای انجام چه کاری تشریف برده بودید؟ جواب دادم: رفته بودم به دهات اعلیٰ حضرت همایونی برای بازدید حاصل و محصول آن‌جا. اظهار داشت: خوش گذشت؟ جواب دادم: فقط بهواسطه زیادی پشنه بد گذشت، والا اسباب آسایش فراهم بود. جواب داد: شما آن‌جا گرفتار پشنه بودید، ما هم در شهر گرفتار پشنه‌های سیاسی بودیم که کایینه را برهم زدند. تغیر کایینه مستوفی‌الممالک را پشنه‌های سیاسی فراهم ساختند.<sup>۱۷</sup> خواهش دارم از قول من خدمت اعلیٰ حضرت همایونی عرض سلام برسانید و عرض کنید دو سه ماه است در کایینه مستوفی‌الممالک مشغول مذاکره بودم در مسئله سفارت کبری که دولت شوروی روسیه پیشنهاد نموده که در مرکز ایران، دولت روسیه دارای سفارت کبری باشد و من را معرفی کند به دولت ایران به سفیری کبیری. در این موضوع دو سه ماه مذاکره به طول انجامید تا در این موقع که کایینه مستوفی‌الممالک از میان رفته از مسکو تلگراف نمودند که من به دولت ایران یادداشتی بفرستم به این معنی که در تاریخ ۳۱ مارس هذه السنه که تقریباً مطابق ۱۱ حمل<sup>۱۸</sup> تنگوزئیل است مراسله‌ای به آقای مشاورالممالک<sup>۱۹</sup> که در مسکو به سمت سفارت فوق العاده معرفی شدند نوشتند شده که دولت شوروی روسیه تقاضا می‌کند در ایران سفارت کبری داشته باشیم و نماینده خود را معرفی می‌نمایم [که] سفیر کبیر خواهد بود. از آن تاریخ تاکنون این مسئله حل نشده که حالیه دولت روس می‌نویسد:

۱۷. دولت مستوفی‌الممالک در ۲۲ خرداد ۱۳۰۲ مستعفی شد و دو روز بعد در ۲۴ خرداد / اول ذی قعده ۱۳۴۱ میرزا حسن مشیرالدوله کایینه خویش را به مجلس معرفی کرد.

۱۸. اصل: ۹ حمل

۱۹. اصل: مشارالملک. میرزا حسن مشارالملک در این تاریخ به دلیل انها شرکت در توطنه ترور رضاخان خانه‌نشین و متزوی بود، ولی در سال ۱۳۰۳ در کایینه خود سردار سپه به وزارت امور خارجه منصوب شد.

چنان‌چه تا ۲۵ ماه زوئن [۱۹۲۳] که چهارم سرطان ۱۳۰۲ است الی هشتم سرطان در مسئله سفارت کبری که دولت روسیه تقاضا نموده از طوف دولت ایران جواب کافی داده نشده، ما امر می‌کنیم نماینده خودمان از ایران حرکت نموده باید به مسکو و همان حکایت معامله با دولت لهستان خواهد شد، معامله دولت ایران. زیرا که دولت روسیه به دولت لهستان همین اظهار را نمود که باید نماینده خود را به سمت سفیرکبیری بشناسید دولت لهستان قبول نکرد.<sup>۲۰</sup> پس از تقاضا دولت لهستان، فوراً دولت روسیه امر نمود نماینده خودش از لهستان حرکت نموده، رفت به مسکو. پس از مدتی خود دولت لهستان تقاضای نمود از دولت شوروی روسیه که نماینده خودتان را به سمت سفیرکبیری بفرستید و دولت روسیه هم فرستاد. حالیه اگر دولت ایران تقاضای دولت روسیه را قبول نکند، همان معامله را دولت روسیه خواهد نمود.

مسئله دیگر، چندی قبل لرکرزن یادداشتی به دولت روسیه فرستادند که نماینده فعلی شما در ایران و افغانستان برخلاف سیاست و منفعت دولت انگلستان اقدامات می‌نماید. بایستی نماینده خودتان را از این دو جا بردارید، دیگری را بفرستید، در واقع اولتیماتوم کرده بود. دولت روسیه جواب اولتیماتوم و یادداشت لرکرزن را داد. در واقع این مسئله تطبیق و تصادف می‌کند و در قبول نکردن و مسامحه گذراندن جواب پیشنهاد و تقاضای دولت روسیه در خصوص سفارت کبری که می‌خواهد در ایران داشته باشد. دولت روسیه همچو می‌فهمد که دولت ایران بنا به دوستی با دولت انگلستان، جواب تقاضا و پیشنهاد را به مسامحه می‌گذارد. از اعلیٰ حضرت همایونی تقاضا می‌کنم در ظرف دو سه روزه مرحمت کنند والا بنا به امر دولت متبعه خود از ایران حرکت می‌کنم. عین مطالب را رفته، خدمت اعلیٰ حضرت همایونی عرض نمودم. بعداز ظهر روز سه‌شنبه یازدهم شهر ذی‌قعده ۱۳۴۱ [۴ تیر] اعلیٰ حضرت همایونی

۲۰. اصل: سوم سرطان

۲۱. اصل: نکردن

فرمودند: بروید به سفارت پیش شومیاتسکی از طرف من احوال پرسی کرده و بگوئید: شما در یک ماه قبل پیش من بودید. مطالب خصوصی فی مایین آن چه را که لازم بود صحبت کردیم. از قرار که که الان مشیرالدوله رئیس وزرا آمده پیش من می گوید از سفارت یاداشتی فرستادند در مسئله سفارت کبری که: « دولت روسیه در ایران تقاضا نموده [که] قبولی آن را تا فردا عصر مکتوپاً دولت ایران بدهد. [والا] بر حسب دستوری که دارم از دولت متبعه خودم، باید حرکت نموده بروم.» من مایلم آن چه را که شما مطالب دارید و پیغام می دهید حتی المقدور سعی نمایم که اسباب سهولت انجام آن را فراهم سازم و همچنین مایلم که شما هم معامله به مثل کنید، مطالب مرا از راه خصوصیت، اسباب سهولتش را فراهم کنید که اسباب اشکالات فراهم نگردد. موقع دارم مطالب را از روی نظر خوش میلی و به طور خیلی سهل انجام داده باشید. در مسئله سفارت کبری که دولت شوروی روسیه با دولت سابق داخل در مذاکره بودند، البته خود شما می دانید که این مسئله بایستی به مجلس پیشنهاد شود و مطرح مذاکره قرار بدهند. به علاوه یک بودجه علاوه مخارج پیدا می کند برای سفارت کبری که ما بایستی در مسکو داشته باشیم. آنرا هم باید مجلس تصویب به میان است. بایستی با یک آرامی و صبری این کار را انجام داد. البته تصور می کنم با عالم خصوصیتی که شخص من با شما دارم ابدآ مقتضی نباشد این طور عجولانه یاداشت از سفارت برای دولت فرستاده شود. اگر چه دولت در این خصوص مستقیماً با شما طرف سؤال و جواب خواهد شد، ولی من انتظار دارم در این خصوص عجله نداشته باشید، با مدارا انجام این مقصود را بخواهید و من هم در این موضوع اتود<sup>۲۲</sup> کنم و انجام تقاضای شما را به طوری که پای اشکالات به میان نیاید فراهم سازم.

فوراً رفتم به سفارت، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را به مسیو شومیاتسکی شارژ دافر سفارت روس بیان نمودم. جواب دادند: حضور

۲۲. اصل: اتوت / etude در اینجا به معنی مطالعه به کار رفته است.

اعلیٰ حضرت اقدس شهریاری از قول بندۀ سلام برسانید، احوال پرسی کنید. اظهار تشکر از مرحمتهای اعلیٰ حضرت نسبت به بندۀ نماید، عرض کنید در مسئله سفارت کبری که دولت روسیه تقاضا نموده، دیروز و امروز بندۀ یادداشتی فرستادم برای وزارت امور خارجه. تفصیلش این است [که] در سه روز قبل به توسط آقای بصیرالدوله حضور اعلیٰ حضرت پیغام عرض کردم و شرح حال را به عرض رساندم. در همان روز مطالب خود را به آقای مشیرالدوله رئیس‌الوزراء عرض گردم. از آن روز تا کنون جوابی از طرف وزارت امور خارجه برای سفارت نرسیده. لازم دانستم به طور رسمی و قدری فشار مطالبه نمایم. زیرا <sup>که</sup> همه روزه از مسکو تلگراف می‌کنند و مطالبه جواب می‌نمایند. حالیه تجدید می‌نمایم مطالب را که به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید. متجاوز از سه ماه است که با هیئت دولت سابق داخل در مذاکره بودیم. در واقع این کار را خاتمه گرفته تصور می‌نمودیم. دولت سابق [ایجاد] سفارت کبری<sup>۲۳</sup> دولت روسیه در ایران را تقریباً قبول نموده بود و حالیه که هیأت دولت تجدید شده، از دولت حاضر مطالب را از سر گرفته در همان تاریخ که دولت سابق سفارت کبری دولت روسیه را در ایران تقریباً قبول نموده بود. روزی که در وزارت امور خارجه در مسئله معاہده تجاری بین دولت روسیه و ایران مذاکره به میان بوده، فصول و مواد آن را طرفین می‌گفتیم و روی کاغذ می‌آمد در ضمن نمی‌بايستی صحبت سفارت کبری دولت روسیه در ایران به میان آمد و در همان صفحه نوشته شده، دولت ایران تصور نمی‌رود اشکالاتی به میان داشته باشد. من هم مطالب را به مسکو تلگراف نمودم و از طرف دولت روسیه خیلی اظهار رضایت از دولت سابق نمودم و منتظر تیجه تلگراف رسمی دولت ایران بودند. چند روز قبل تلگرافی از مسکو برای من رسیده مشعر به این که از قراری که در جراید انگلیسها درج است و اطلاعات خارجی داریم و مذاکره می‌نمایند، دولت ایران در مسئله داشتن سفارت کبری دولت روسیه مخالفتی ندارد، ولی اعلیٰ حضرت شاه ایران

رد کرده و قبول نکرده. حالیه دستورالعملی که از مسکو دارم این است: چنان‌چه تا ۲۵ ژوئن در مسئله قبولی سفارت کبری که دولت روسیه با دولت سابق ایران<sup>۲۴</sup> مذاکرات نموده و تقریباً خاتمه پیدا کرده می‌دانسته دولت حالیه در تعقیب همان نوشته دادند تشكیر داریم والا شما حرکت کنید از ایران بیایید، زیرا پس از مذاکرات قبلی دیگر اسباب سخربیت و خجالت خواهد بود در ایران باشید. من هم به مشیرالدوله اظهار داشتم. حالا از اعلیٰ حضرت همایونی خواهش دارم ارسیماً بفرمایید تا چند روز دیگر این کار خاتمه پیدا کند و هشت دولت حاضره به رسمیت سفارت کبری و تقاضای دولت روسیه را قبول بکنند و اعلیٰ حضرت قول بدنهند که من عین قرارداد اعلیٰ حضرت و دولت حاضره را به مسکو تلگراف نمایم و فعلاً رفتن خود را بنا به میل اعلیٰ حضرت همایونی که بایستی اسباب سهولت را فراهم آورد موقوف می‌نمایم تا روز موعد که قول صحیح و صریحی که اعلیٰ حضرت بدنهند. زیرا که این مسئله طوری پیش آمد کرده که بنده نمی‌توانم از خود دارای رأی باشم. آن‌چه را که مرکز به من امر می‌کنند باید مجری دارم. فقط من می‌توانم قبول فرمایش و قول اعلیٰ حضرت را بنمایم و حرکت خود را فعلاً موقوف سازم به واسطه قرارداد ثانوی که خود اعلیٰ حضرت همایونی و دولت حاضره می‌گذراند. منتظرم فوراً تشریف ببرید و مطالب را عرض کنید و جواب بیاورید.

چون خیلی عجله داشتند اتو میل خودشان را حاضر نمودند برای من، سوار شده به دربار آمد. در موقعی که رسیدم، وزیرجنگ و مشیرالدوله خدمت شاه بودند. قدری صبر نموده حضرات که رفتند شرفیاب شدم و اظهارات شارژدار را کاملاً عرض نمودم. اعلیٰ حضرت فرمودند: صبر کن تا یک ساعت دیگر جواب می‌دهم. فرستادند عقب مشیرالدوله. مدتی با ایشان خلوت نمودند. پس از رفتن مشیرالدوله بنده را احضار فرمودند: می‌روی سفارت از قول من احوال پرسی می‌نمایی و می‌گویی خود شما باید تصدیق کنید که شخص من خیلی میل دارم تقاضای دولت روسیه

انجام پذیردو خصوصاً در موقعی که شخص شما در ایران هستید و با محبتی که به شما دارم مایلمن انجام تقاضای شما بشود. ولی قانون مجمع اتفاق بین‌المللی اجازه نمی‌دهد و همچنین باید در این خصوص با دول کامله‌الوداد<sup>۲۵</sup> که دولت انگلستان و فرانسه ورم و سویت باشد مذاکره کنیم که آنها هم راضی باشند، به اشکالات برخوریم. حالا ز شما می‌خواهم که در انجام مقاصد خودتان را نهایت ملایمت با دولت ایران راه بروید و طوری کنید که دولت بتواند با صبر اسباب سهولت و انجام تقاضای شما را قبول کند. زیرا که گذشته از سیاست خارجی، یووچه سفارت کبری هم همان‌طور که قبل<sup>۲۶</sup> گفتم پای اشکال به میان است. در خاتمه باز هم توقع دارم در این مسئله مدارا کنید و پای فشار را از گلوی سیاست بی مورد بردارید. ان شاء الله بهزودی خود من رضایت خاطر شما را فراهم می‌کنم و با سایر دول مذاکره می‌کنم که مطالب شما انجام شود.

یک ساعت از شب گذشته لیله چهارشنبه دوازدهم شهر ذی‌قعده ۱۳۴۱ [۵ تیر] در اتومبیل خود سفارت که سوار بوده و به شمیران آمد. درب شمس‌العماره ایستاده بود برای این که تحصیل جواب از اعلیٰ حضرت همایونی نموده مراجعت کنم به شمیران. در اتومبیل فوق سوار شده به زرگندۀ رفت و تمام فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را به مسیو شومیاتسکی گفته؛ اظهار داشت: در جواب اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید: اولاً در موضوع مجمع اتفاق بین‌المللی که می‌فرمایید این فقره مانع از پیشرفت این مقصود و تقاضای دولت شوروی روسیه است و همچنین بایستی با دول کامله‌الوداد مذاکره بفرمائید و آنها را راضی بفرمایید که آنها هم رضایت داشته باشند که دولت روسیه در ایران دارای سفارت کبری باشد. جواب عرض می‌نمایم: از روی چه سند و چه قانونی

۲۵ اصل: کامله‌الوداد. منظور دولی هستند که در قراردادها و معاهداتشان قید می‌کنند که هرگونه امتیاز موقعی که برای اتباع هر دولت دیگری قائل می‌شوند، عین آن مزایا را به دولت طرف قرارداد اعطای کنند. این اصل می‌تواند یک طرفه باشد و یا نسبت به هر دو دولت بکسان اجرا شود.

مجمع اتفاق بین‌المللی حق مداخله در این قسم کارها دارند؟ در موضوع سفارت‌خانه‌های دول، فقط دولتها<sup>۲۶</sup> می‌توانند به اختیار خودشان تبادل افکار نموده قراردادی بین خودشان در دولت یکدیگر بگذراند. مجمع اتفاق فقط در عالم سیاست یک صلحیه است برای دول در کارهای جزئی از قبیل تعیین تبعه دولت خودشان و غیره وغیره. در این خصوصیات با دولت که بخواهند نماینده خودشان در دولت یکدیگر معین و مشخص کنند و سمت آنها را در دولت یکدیگر بدانند و بشناسند حق دخالت ندارند.

در مسئله این که فرمودید در این خصوص بایستی با دولت انگلستان و فرانسه و رم و سویت مذاکره کنیم که از آنها هم رضایت حاصل شود، اعلیٰ حضرت همایونی باید به طور خوبی خاطر مبارکشان مسیو و مستحضر باشد که دول مذکور با دولت روسیه میانه خوشی ندارند، بلکه روابط دولت انگلستان با دولت روسیه خیلی تیره و تار است. دولت انگلستان امروز نسبت به سایر دولتها<sup>۲۷</sup> باقوت است و همچنین دولت فرانسه. پس چگونه می‌توان پای مشورت را در این موضوع با دول مذکور به میان آورد؟ البته صلاح نخواهد داشت، بلکه منع و ملامت هم دولت ایران را خواهند نمود و البته دولت ایران هم به واسطه خصوصیتی که با دولت انگلستان دارد مجبور خواهد بود حرف‌شتوی نموده، پس از مدتی معطلی تقاضای دولت شوروی روسیه را رد می‌نمایند.

ثانیاً در مسئله تفاوت بودجه سفارت کبری فرمایش فرمودند. این مسئله را هم تصور نمی‌کنم چندان اهمیتی داشته باشد. زیرا که فعلاً در مسکو آقای مشاورالممالک به سمت سفیر فوق العاده است و بودجه آن را هم مجلس تصویب نموده و وزارت امور خارجه ایران تصدیق دارد و می‌پردازد. اگر به سمت سفارت کبری معرفی شود، خرجی علاوه پیدا نخواهد کرد. پس در این فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی معلوم می‌شود

۲۶. اصل: دولت

۲۷. اصل: دولت

مایل نیستند تقاضای دولت شوروی روسیه<sup>۲۸</sup> انجام بگیرد. چون از مسکو همین امروز تلگرافی رسیده، مطالبه جواب نموده‌اند و من شرحی نوشتم که در این موضوع با دربار اعلیٰ حضرت همایونی یعنی با خود شاه به‌توسط آقای بصیرالدوله که واسطه فی‌مایین سفارت روسیه و اعلیٰ حضرت همایونی از قدیم‌الایام بودند و حالیه هم هستند داخل مذاکره شدیم و جواب اعلیٰ حضرت و فرمایشات ایشان اینست و جای نوشتن آن کلمات را باقی گذراده و تارفاً داعصری جواب مخابره نمی‌کنم، منتظر فرمایشات اعلیٰ حضرت می‌باشم که راه عملی‌تری را به‌خطر مبارکشان بیاورند که به‌طور سهولت این‌کار خانم پیدا کند و جواب به مسکو داده شود. چه خوب است مطالب من را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید تا فردا ساعت پنج بعداز‌ظهر منتظرم جواب بدهند که بایستی به مسکو تلگراف نمایم. چهار ساعت از شب گذشته با اتومبیل از سفارت بیرون آمده، رفتم به منزل.

روز چهارشنبه دوازدهم ذی‌قعده قبل از ظهر به صاحب‌قرانیه رفت، مطالب را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نموده، فرمودند: بروید سفارت، پس از احوال‌پرسی از طرف من بگویید البته خود شما تصدیق خواهید نمود که حتی‌المقدور مایلیم تقاضای دولت شوروی مسکو را انجام داده باشم. خصوصاً که مثل شما آدمی که فعلًاً نماینده در طهران هستید، به‌طور خوبی می‌فهم که مقصود بالاصله شما جز روابط حسنے بین دولت ایران و دولت روسیه چیز دیگر نیست و شما فعلًاً به سمت سفیری‌کبیر خواهید بود.

شما در مسئله معاہدات ما با دولت انگلستان و فرانسه و رم و سویت اهمیتی نمی‌دهید و ما این مسئله را خیلی اهمیت می‌دهیم که اگر بدون این که فعلًاً مذاکراتی با آنها در این خصوص شود و تقاضای دولت روسیه را قبول کینم، دچار اشکالات فوق‌العاده خواهیم شد. شخص من با خصوصیتی که با شخص شما دارم، صلاح می‌دانم که این مسئله را

بگذارید به طور خیلی آرامی و مدارا انجام شود. خود من با آنها داخل در مذاکرات خواهم شد و دول کامله الوداد را حاضر خواهم نمود که [در] انجام تقاضای شما اسباب اشکال فراهم نیاورند.<sup>۲۹</sup> بعد اعلیٰ حضرت فرمودند همان طور که خود شما صلاح می دانی که اظهار مهربانی و خصوصیت باشد و اظهار کن: امروز از طرف دولت <sup>۳۰</sup> در این خصوص نوشته اند، البته به شما رسیده.

روز پنج شنبه شهر ذی قعده ۱۳۴۱ [۶ آئین]<sup>۳۱</sup> ساعت عصیان از ظهر به زرگنه و فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را عرض کرد. شارژدار در جواب اظهار داشتند: خیلی از مرحمتهاي اعلیٰ حضرت همایونی نسبت به خود تشکر می کنم. به قدری تشکر دارم که نمی توانم به زبان بیاورم و عرض کنم. این مسله را به جانب عالی واگذار می نمایم، هر طور که لازم است حضور اعلیٰ حضرت عرض کنید:

۱. در مسئلله تلگراف که قرار بود مخابرہ کنم به مسکو، نظر به امر اعلیٰ حضرت، مخابره آن تلگراف را تا حال هم به تعویق انداختم. اما باز هم امروز از مسکو تلگراف رسیده که تعجیل و اصرار دارند جواب تقاضا را زودتر و به طور فوریت از دولت مطالبه نموده مخابرہ نمایم. دولت روسیه یک تفاوت بزرگی می بیند بین رویه دولت سابق و دولت لاحق آن قرارداد بشود.<sup>۳۲</sup> اساساً تقاضای دولت روسیه را قبول دارند، اما اجرای آن را به عهده تعویق انداخته اند. امروز همان طور که اعلیٰ حضرت همایونی فرمودند متنی فرستاده، در آنجا می نویسد دولت حاضر است در مسئلله تقاضای دولت شوروی روسیه داخل در مذاکرات بشود.

پس به این واسطه معلوم می شود فرق بزرگ در رویه دولت سابق و لاحق در میان است که دولت حاضره نمی خواهد تعهدات دولت سابق را به عهده خود بگیرد و همچنین فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی حاکی

۲۹. اصل: نیاورد

۳۰. اصل: نیس (تصحیح در حاشیه نسخه صورت گرفته است).

۳۱. حسن: دقیقاً مفهوم نیست، هیچ‌آنکه ای

است که فعلًاً نمی‌خواهند تعهدات دولت سابق را مجری دارند و بنده مایل هستم که برای تمام مسائل متنازع فیه راه حلی پیدا کنم. می‌توانم به دولت خود تلگراف کنم که چند روزی جواب را به عهده تعویق انداده باشم و مدارا کنند. اگر وزارت خارجه واعلیٰ حضرت همایونی راجع به انجام این مطالب می‌نوشتند یا اعلیٰ حضرت قول صریح می‌دادند که تقاضای دولت شوروی روسیه را قبول نمودند [ولی] اجرای آن را مهلت بخواهند، حالا مایلم با اعلیٰ حضرت همایونی ملاقات نمایم و راجع به این موضوع صحبت نمایم به امیدی که در ضمن صحبت راه حلی پیدا شود واعلیٰ حضرت منتظرم اساساً این تقاضا را قبول فرمایند و همچنین وزارت خارجه می‌تواند در تعقیب مراسله امروز خودش مراسله دیگری بنویسد که آن‌جا باز هم اساساً قبول تقاضا را نموده باشد، برای اجرای آن یک مدت معین معقولی بخواهد.

روز پنج شنبه ساعت ۸ بعدازظهر از زرگنده برگشته، مراتب را حضور اعلیٰ حضرت اقدس شهریاری عرض نمودم. به خود بنده فرمودند: مسئله تعهد دولت سابق را بی‌ربط می‌گویند. فقط در پروتکلی که در وزارت خارجه در موقعی که مسئله روابط تجاری دولت روسیه و ایران صحبت بوده و مذاکرات می‌نمودند، صحبتی از سفارت کبری و تقاضای دولت روسیه به میان آمد و آن کاغذ هم قلم خورده است و ابدًا صورت رسمی ندارد. بعد به عبارت فرانسه برای بنده فرمایشات فرمودند. مقصود اعلیٰ حضرت این بود: اگر دولت قبول می‌کرد باید این طور نوشته شده باشد یا این طور از بنده سوال فرمودند: مگر مسئله مذاکرات و مشکلات با دول کامله‌الوداد را برای آنها شرح ندادید؟ عرض کردم: عین فرمایشات اعلیٰ حضرت را به طور مفصل بدون کم و زیاد بیان نمودم. فرمودند: می‌روی سفارت. از قول من می‌گویی: ان شاء الله برای روز شنبه که می‌آیم به شهر، برای ملاقات شما وقتی را معین می‌نمایم و خبر می‌دهم بیایی شما را ملاقات نمایم و قدری هم خصوصیت من را با او صحبت کن.

برای ساعت ۱۱ بعدازظهر روز پنج شنبه به سفارت مراجعت نمود. در این موضوع حکیم آف قونسول<sup>۲۲</sup> رشت مترجم بود. مسیو چایکین کسالت پیدا کرده بود، رفته بود منزل خودش. فرمایشات اعلیٰ حضرت را بیان نمود. فوق العاده اظهار تشکر واز خود من به قدری اظهار انفعال و تشکر نمود و اظهار داشتند از زحماتی که در این چند روزه برای اصلاح این مسئله به جناب عالی وارد آوردیم خجل و شرمنده هستیم و بعد بانهایت ملایمت و صمیمت و یک جهتی که از بشرف او دیده شد اظهار داشت: از این تاریخ به بعد بر ذمه سفارت روسی است در هر موقع که کاری و توقعی داشته باشید<sup>۲۳</sup> و اظهار مطلبی بفرماینده سفارت روس در انجامش خودداری نخواهد کرد و جناب عالی را دولت روسیه اولین دوست و بامحبت‌ترین مردم نسبت به خودش می‌شناسد. امید داریم بعدها کاری بکنیم که دولت روسیه مقر وض جناب عالی نباشد در مقابل این محبت‌های فوق العاده که نسبت به ما می‌نماید. به قدر یک ساعت تمام اظهار خصوصیت و امتنان و تشکر از خود من و وعده‌های زیاد دادند.

پس از خاتمه بیانات جناب شارژ‌دافر، بنده فقط به اختصار کوشیده، اظهار داشتم: از محبت‌های صمیمی جناب شارژ‌دافر نماینده دولت روسیه نهایت تشکر را دارم که بنده را شخص صادق و راستگو به شمار می‌آورند. امیدوارم همه اوقات بین دولت روسیه و ایران و همچنین بین نماینده محترم سفارت روس با اعلیٰ حضرت پادشاه ایران اتحاد و یک جهتی به میان آید. بعد اظهار کردن: خوبست قبل از آن که حضور اعلیٰ حضرت شرفیاب شوم، وقتی رامعین فرمایند که رئیس التجار دولت شوروی که در این دو روزه وارد شده، برای معرفی حضور اعلیٰ حضرت بیاورم. در این خصوص هم اظهار داشتم: تعیین وقت لزومی ندارد. در موقعی که خود جناب عالی شرفیاب می‌شوید، رئیس التجار را هم همراه بیاورید. اول او را معرفی کنید و مرخص شود. بعد داخل در مذاکرات خصوصی شوید. از

۲۲ اصل: قونسلگری

۲۳ اصل: باشد

این رأی و سلیقه بنده اظهار خوش وقتی نمود. ساعت یک از سفارت با تومبیل خودشان حرکت نموده به شهر مراجعت نمود.

روز یکشنبه ۱۶ شهر ذی قعده ۱۳۴۱ [۹ تیر] خود بنده حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کردم: قرار بود روز شنبه برای شرفیابی شارژدار سفارت وقت معین بفرمایید، البته فراموش فرمودید. در جواب فرمودند: همین الساعه به وزارت خارجه گفتم برای روز چهارشنبه چهار ساعت بعد از ظهر وقت معین کند یا بیند <sup>پرستان</sup>[www.sabartan.info](http://www.sabartan.info)

بنده علی حده پیغام دادم که از وزارت خارجه رسماً به شما وقت می‌دهند، برای روز چهارشنبه شرفیاب شوید. (روز چهارشنبه سر ساعت مزبوره حاضر شده سه ربع ساعت با اعلیٰ حضرت خلوت داشتند و مرخص شد).<sup>۲۲</sup>

روز سهشنبه ۱۲ ذی قعده [۱۸ تیر] از وزارت امور خارجه تلفن نمودند به توسط بنده که حضور اعلیٰ حضرت عرض شود که از سفارت روس فرستاده‌اند سواد نطق اعلیٰ حضرت همایونی را که فردا در موقع شرفیابی وزیر مختار خواهند فرمودند خواسته‌اند. اجازه می‌فرمایید داده شود یا خیر؟ حضور اعلیٰ حضرت عرض شد. فرمودند: سئوال کنید معمول بوده سواد نطق داده شود یا خیر؟ سئوال نمودم، جواب دادند: معمول بوده. به عرض رسانیده، بعد اجازه فرمودند داده شد.

روز چهارشنبه ۲۶ [ذی القعده] چهار ساعت بعد از ظهر، مسیو شومیاتسکی شارژدار به سمت وزیر مختار به قصر صاحبقرانیه با اختیار شرفیابی حاصل نمود.

روز جمعه [۲۸ ذی قعده / ۲۱ تیر] سه ساعت قبل از ظهر بنده برای تبریک [به] وزیر مختار به سفارت رفته و ضمناً این مطالب را برای اعلیٰ حضرت پیغام داد. استدعا دارم از اعلیٰ حضرت همایونی [بخواهد] که در موضوع خاتمه قرارداد تجاری بین دولت شوروی روسیه و ایران تأکیدی بفرمایید به هیئت دولت که زودتر خاتمه بدنهند. بنده سئوال

۲۴. مطلب داخل پرانتر مربوط به وقایع دو روز بعد است که در اینجا ذکر شده است.

نمودم: مگر تاکنون عمل قرارداد خاتمه پیدا نکرده؟ جواب داد: مستلهه قرارداد گذشته به امضای کمیسیونی که در مسکو بوده رسیده. حالیه بایستی دولت ایران امضاء کند. معطلی برای امضای هیئت دولت است. در این خصوص اعلیٰ حضرت همایونی بایستی تأکید فرمایند. بنده سوال نمودم: علت چیست که هیئت دولت مسامحه می‌نماید و زودتر خاتمه نمی‌دهند؟ در صورتی که دیگر کاری ندارد. جواب داد: همچو می‌فهم [که] خودشان خیلی سستی می‌کنند. موقع دارم به طور خیلی بازراحت و ملایمت به اعلیٰ حضرت عرض کنید در این خصوص تأکید فرمایند.

مستلهه دیگر؛ البته خاطر جناب عالی مسبوق است [که] در موقع سقوط کایینه مستوفی‌الممالک یا مصادف با سقوط کایینه، دولت جمعی را توقيف و دستگیر نموده به‌نام این که این جمعیت مجلس داشتند و خیال دارند اسباب اغتشاش فراهم سازند و خیال سوء‌قصدی نسبت به وزیر جنگ داشتند.<sup>۳۵</sup> من جمله یک‌نفر از آنها را که توقيف نمودند تبعه دولت روسیه بوده و اهل فقفاز است. اولاً سفارت روس این شخص را نمی‌شناسد و تبعه دولت شوروی روسیه نمی‌داند. ثانیاً در کایینه قواه‌السلطنه مکرر از طرف سفارت روس به هیئت دولت نوشته شده که اگر از تبعه دولت شوروی روسیه کسی داخل در نظام است خارج کنید زیرا که قانون بین دول بر اینست [که] هیچ دولتی نمی‌تواند از تبعه دولت [غیر] خودش داخل در نظام کند. به‌واسطه همین نکات، پاره‌ای صحبت‌ها که شنیده می‌شد، مکرر به دولت نوشته شده اگر کسی از تبعه دولت روسیه داخل در قشون ایران است خارج کنید. جواب دادند: از تبعه دولت شوروی روسیه کسی را در قشون نداریم. سواد مکتوب که از طرف سفارت نوشته شده در دفتر ضبط موجود است و همچنین جوابی که از طرف دولت ایران رسیده و حالیه می‌شنویم معروف است و در آن نوشته

۳۵. اشاره به ماجراهی اتهام ظهیرالاسلام و مشارالملک و عده‌ای دیگر از رجال مبنی بر تشکیل کمیته سری جهت ترور قواه‌السلطنه و سردار سپه می‌باشد. سه ماه بعد نظیر همین اتهام (جنان) که در ادامه خاطرات آمده) به قواه‌السلطنه نیز وارد شد.

یک نفر قفقازی تبعه دولت روسیه که خیال سوءقصد شاید نسبت به وزیر جنگ و اغتشاش در مملکت داشته دستگیر شده که با جمعی از ایرانیها مجلس داشتند.

از طرف سفارت در این موضوع تحقیق به عمل آمده معلوم شد آقامیر قفقازی که ملقب به امیر منتظم است این شخص را برد، معرفی نموده و داخل قشون شده واو را جزء تبعه دولت شوروی قلمداد نموده است. این حرکات از این نوع اشخاص نامعقول ناشی می‌شود. در همان تاریخ شرحی هم در روزنامه اتحاد نوشته بلومند: در چندی قبل به نام...<sup>۳۶</sup> خونین. البته ملاحظه فرمودید. مستله دیگر در سه چهار روز قبل از قرار معلوم جمعی خیال داشتند در جلو سفارت بر علیه انگلیسیها می‌تینگی بدھند و نطقی کنند. تقریباً صد نفری هم جمع شدند. بعد از آن می‌آید متفرق می‌سازد آنها را، و در شهر شهرت دادند روسها خیال داشتند بر علیه انگلیسیها اذهان مردم [را] مشوب<sup>۳۷</sup> کنند و می‌تینگی داده باشند. ما در این خصوص کاملاً تفتیش نموده، معلوم شد خود انگلیسی‌ها این اقدامات را می‌نمایند. برای این که شبیه و مغلطه به کار برد باشند دستور داده بودند جمعی در جلوی سفارت جمع شوند و یک نطقی هم بنمایند و این مستله را نسبت به سفارت شوروی بدھند.

چون آژانها از این مقدمه بی‌اطلاع بودند، فقط برخلاف نظم که می‌دانستند مردم را متفرق می‌ساختند. این مطالب را از طرف بنده حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید که خاطر مبارکشان مسبوق باشد که دشمنهای ما چه انگلیسیها و چه آنگلوفیلها باشند<sup>۳۸</sup> اتصالاً در صدد می‌باشند اسباب چینی و بدنام نمودن عملیات سفارت و دولت روسیه را در ایران فراهم سازند.

روز یک شنبه غره شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۴۱ [۲۴ تیر] تمام مطالب

.۳۶. جای یک کلمه در اصل خالی است.

.۳۷. اصل: مشورت

.۳۸. اصل: باشد

وزیر مختار را به طور مفصل در صاحبقرانیه به اعلیٰ حضرت عرض نموده، فرمودند: فعلًاً لازم است برای این مذاکرات و پیغام وزیر مختار جوابی داده شود.

روز سه شنبه ۱۶ ذی الحجه [۸ مرداد ۱۳۰۲] نایب شرق دو مرتبه آمدند از سفارت منزل بنده و برای یک ساعت بعد از ظهر روز چهارشنبه بنده را به سفارت دعوت نمودند. نایب شرق اظهار داشت: وزیر مختار کار لازمی دارد. بنده هم سر و عده در سفارت حاضر شده، وزیر مختار منتظر بنده بودند. پس از احوال پرسی و اظهار مودت و دوستی عنوان نمود باز کارهای ما خوب نمی‌گذرد و دولت همراهی نمی‌کند. لازم شد جناب عالی را زحمت داده، مطالب و پیغام بنده را به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید از قول بنده حضور اعلیٰ حضرت، عرض بنده کی برسانید و عرض کنید: البته خاطر مبارک مسبوق است [که] در تاریخ یازدهم ماه ژوئن هیئت اعزامی که از طرف دولت علیه ایران برای بستن قرارداد تجاری بین دولت علیه ایران و دولت مشروطه شوروی روسیه به مسکو رفته بودند، با هیئت انتخابیه دولت روسیه زحمت کشیده، قرارداد تجاری فی ما بین دولتين را بسته و پروتکل آن را هم نوشته، این دو هیئت امضاء نمودند و تلگراف نمودند. منتظر امضای هیئت دولت بودیم. تقریباً خاتمه پیدا کردن قرارداد، تصادف پیدا نمود با سقوط کابینه مستوفی‌الممالک. بعد از چهار ماه زحمت، این قرارداد خاتمه پیدا کرد و از روزی که آقای مشیر الدوله کابینه خود را معرفی نموده تاکنون از طرف سفارت روس مکرر مطالبه امضاء قرارداد می‌شود. پس از مذکوی که عذر تکمیل کابینه را می‌آورد، جواب می‌دهند دولت حاضره نمی‌تواند این قرارداد را امضاء کند، مگر این که یک فصل بر فصول این قرارداد اضافه و ملحق شود و یا یک نوشته خارجی دولت شوروی بدهد و آن شرط آزادی تجارت است که باید این مسئله را در قرارداد نوشت که تجارت آزاد باشد. اگر این فصل اضافه بر فصول قرارداد نشود من نمی‌توانم

قرارداد را امضاء نمایم، زیرا که فردا در موقع افتتاح مجلس همین مسئله<sup>۳۹</sup> مورد تنقید و ایراد برای من می‌شود و وکلای مخالف تعرض خواهد نمود که چرا این قرارداد را دولت امضاء کرده است؟ عمدۀ مطلب آزادی تجارت است. به این ملاحظه من از امضاء مضایقه مینمایم. چنان‌چه حاضر هستید این مسئله در جزو قرارداد شرط شود و نوشته می‌شود تا موقعی که دولت شوروی روسیه تجارت را آزاد بداند دولت ایران هم... به رسمیت می‌شناسد هر موقعیکه مخالفت نمودند به دولت علیه ایران هم ...<sup>۴۰</sup> به رسمیت نمی‌شناسد. مذاکرات مشترک‌الدوله با سفارت شوروی روسیه چنین است و این مسئله خیلی اسباب تعجب‌بادشده که بعد از چهار ماه با هیئت دولت، این‌طور مذاکرات می‌کنند، در صورتی که می‌دانند دولت روسیه حاضر است در مسئله آزادی تجارت همه نوع با دولت علیه ایران همراهی کند، ولی این مسئله را رسماً نمی‌تواند در جزو معاهده و قرارداد ذکر نمایند. زیرا که در قانون مشروطه دولت شوروی روسیه مقید است که پای آزادی تجارت بین دولت و سایر دول اروپا به میان نباشد، به مجرد این‌که این قرارداد را به<sup>۴۱</sup> دولت ایران دادیم سایر دول همین اظهار را می‌نمایند و اجرای این قرارداد را می‌خواهند و این مسئله برای دولت روسیه مضر است. جهت این‌که عمل صناعتی و تجارتی دولت روسیه پیش سایر دول خیلی کوچک است، از اعلیٰ حضرت همایونی خواهش دارم قدغن فرمایند هیئت دولت این مسئله را تعقیب نکنند و بهزودی قرارداد را خاتمه بدھند. پس از یک ساعت که در سفارت بودم، برخاسته به صاحب‌قرائیه رفته، تمام مطالب وزیر مختار را به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کرده، فرمودند: خبر کنید روز شنبه خود وزیر مختار باید این‌جا، حضوراً جواب خواهم داد. از طرف کاینه سلطنتی رقعه‌ای نوشته شد که برای چهار ساعت بعد از ظهر روز شنبه ۲۰ شهر ذی‌حجہ وزیر مختار باید

۳۹. اصل: مسئله را

۴۰. اصل: دو کلمه ناخوانا

۴۱. اصل: با

صاحبقرانیه حضور شاه. خود بنده هم علی حده رقمهای به وزیر مختار نوشت که مطالب را هم به اعلیٰ حضرت عرض کردم.  
روز شنبه [۲۰ ذیحجه / ۱۲ مرداد] در ساعت مقرره وزیر مختار و مسیو چایکین مترجم اول به صاحبقرانیه آمدند و به قدر یک ساعت با اعلیٰ حضرت در خلوت مذاکره بود.

روز سهشنبه ۲۳ شهر ذیحجه [۱۵ مرداد] اعلیٰ حضرت همایونی فرمودند: بروید سفارت، وزیر مختار را ملاقات کن، از قول من احوال پرسی کرده و بگو: شاه می فرمایند فوق العاده از شما ممنونم که در موقع حرکت و عبور وزیر دربار در خاک روسیه نهایت همراهی و احترامات را دولت شوروی روسیه برای او فراهم ساخته بود. شخص من از شما ممنونم و چون می دانم شما همه وقت راحتی خیال من و بستگان تزدیک مرا می خواهید و یک صمیمیت فوق العاده که از روی محبت حقیقی است با من دارید، در این موقع که شاهزاده نصرةالسلطنه<sup>۲</sup> برای روز ۲۸ ماه خیال حرکت و مسافت به اروپا را دارند برای معالجه متوقع هستم که از طرف سفارت تلگرافی به مسکو بشود که در موقع ورود شاهزاده نصرةالسلطنه در خاک روسیه اسباب آسایش خیال و نهایت احترامات را در باره معزی الیه منظور دارند و من از شخص شما ممنون خواهم بود.

همان ساعت از صاحبقرانیه حرکت نموده به سفارت رفته و مطالب را به وزیر مختار بیان نمودم. اظهار داشتند: از مرحمت‌های ملوکانه اعلیٰ حضرت اقدس شهرباری کمال تشکر را دارم و همه روزه اوامر مطاعه را حاضرم که اطاعت نمایم. بعد خنديده و اظهار داشت: حالا اعلیٰ حضرت همایونی درباره نصرةالسلطنه فقط سفارش می فرمایند. به انگلیسیها هم سفارش می کنند. جواب دادم: تصور نمی کنم شاهزاده نصرةالسلطنه چندان سر و کاری با انگلیسیها داشته باشد. بنده هم با قیافه

۴۲. حسن علی میرزا نصرتالسلطنه (نصرت مظفری) فرزند مظفر الدین شاه و عنوی احمدشاه برد. وی در اولین سفر احمدشاه به اروپا جزو ملازمان او بود.

باز و خنده این مسئله را بیان نمودم و بعد از این مذاکرات، خود بنده از وزیر مختار سوال نمودم: امید دارم که روز شنبه که حضور شاه شرفیاب می‌شوید در مسئله کارها اسباب آسایش خیال فراهم شده باشد.

جواب داد: شاه و عده فرمودند و سفارشات اکید که هئیت دولت عمل قرارداد تجاری را زودتر خاتمه بدهند. فعلاً ما را مقاعد فرمودند و منتظر انجامش هستیم و مخصوصاً در مسئله بی اعتدالیها که از طرف وزارت جنگ نسبت به تبعه دولت روسیه در ولایات فراهم <sup>من</sup> شود به شاه گفتم، پس از خاتمه کار قرارداد شرفیاب می‌شوم، مطالب را عرض خواهم نمود. شاه قدری فکر کردند و بعد خنديدند. گزارشات فی مایین ما و اعلیٰ حضرت روز شنبه از این قرار بوده. در موقع برخاستن بنده، وزیر مختار سوال نمود: شاهزاده نصرة‌السلطنه از بادکوبه و باطوم<sup>۲۳</sup> به طرف اسلامبول خواهند رفت یا روسیه؟ زیرا از هر طرفی حرکت کنند باید به همان نقطه سفارشات شود. جواب دادم: این مسئله را شاه نفرمودند، تحقیق نموده رقعه‌ای به شما خواهم نوشت و خاطرتان را مستحضر می‌دارم.

در مراجعت، مراتب را حضور شاه تمام و کمال عرض نموده، فرمودند: بله. روزی که آمدند، از اداره وزارت جنگ و قشون صراحتاً شکایتی نکردند. فقط به من گفت: شکایتی هم دارم از مراکز. من ملتافت شدم مقصودش چیست. دیدم اگر بگویم باید برای شکایت صلاح نیست و اگر هم رد کنم و تکذیب نمایم آن هم صلاح نبود، پس سکوت و خنده کردن بهتر است. خط عبور شاهزاده نصرة‌السلطنه را می‌خواهد از بادکوبه به باطوم و اسلامبول می‌بود، به این خط سفارش نمایند. در مسئله این که وزیر مختار اظهار داشته بود که به انگلیسی‌ها هم سفارش نمودند در باره نصرة‌السلطنه، اعلیٰ حضرت فرمودند: جواب این مسئله را بفرمایند. فوراً بنده عرض کردم این مطلب را پیغام نداده، به خود بنده صحبت داشته؟ فرمودند: بسیار خوب، پس بروید و خاطر وزیر مختار را مسبوق کنید که از

چه خطی می‌روند، سفارش کنند. عرض کردم قرار شده شرحی بنویسم. فرمودند: خودت برو، نمی‌خواهد بنویسی. مجدداً از صاحبقرانیه به سفارت آمده، مطالب را اظهار داشتم. وزیر مختار جواب داد: عرض کنید فقط برای اطاعت امر و فرمایشات اعلیٰ حضرت اطاعت می‌نمایم. همین امروز و امشب تلگراف مخابره خواهد شد. در موقع مراجعت اعلیٰ حضرت همایونی را در بین راه صاحبقرانیه در دزاشوب زیارت نمودم که تشریف می‌بردند منزل آصف‌السلطنه.<sup>۲۲</sup> امر فرمودند اتومبیل را نگاه داشتند. بندۀ از اسب پیاده شده، تفصیل را عرض کردم.

در تاریخ صبح سوم شهر محرم ۱۳۴۲ [۲۴ مرداد] وزیر مختار از بندۀ وقت خواسته که به سفارت رفته، ملاقاتی حاصل شود. با تعیین وقت به سفارت رفت، پس از احوال‌پرسی اظهار نمود: خواهش دارم در همین دو سه روزه وقته را معین فرمائید که حضور اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل نمایم، فوق العاده متشرک خواهم شد. باز قدری شکایت از اوضاع نموده و مطالب دوستانه مذاکره می‌شد. به قدر نیم ساعت در سفارت بوده و مراجعت نمودم.

روز چهارم محرم [۲۶ مرداد] در صاحبقرانیه مطلب را حضور اعلیٰ حضرت عرض نموده، فرمودند: چنان‌چه مطالبه جواب نمود، بگویید در این چند روزه عاشورا، شاه اجزای درباری را مرخص نموده و اعلیٰ حضرت را ملاقات نخواهم نمود. فردای آن روز مسیو والدین نایب شرق سفارت آمد. عین فرمایشات اعلیٰ حضرت را که فعلاً در این چند روزه خدمت اعلیٰ حضرت نمی‌رسم، بگذارید بعد از عاشورا [اول شهریور ۱۳۰۲] مجدداً مسیو والدین به منزل بندۀ آمده و اظهار داشت: ایام عاشورا تمام شده، البته جناب وزیر مختار خواهش دارند وقت بگیرند.

۴۴. محمدولی خان آصف‌السلطنه (دولوقاجار) از رجال دربار قاجار از عهد مظفرالدین شاه تا انفراض سلسله مزبور، پدر امیرهونشگ دولو قاجار، داماد کامران‌میرزا و شوهر خاله احمدشاه.

روز یکشنبه سیزدهم [محرم / ۳ شهریور] که رفتم به صاحقرانیه مطلب را حضور اعلیٰ حضرت عرض نمودم. فرمودند: باز هم اظهار کن شاه را ندیدم. چهار پنج روز به مسامحه بگذران. خوب نیست زود به زود وزیر مختار را ملاقات کنم. هصر همان روز اعلیٰ حضرت بنده را احضار [کرده] و فرمودند: بروید به سفارت، از قول من احوال پرسی کنید و بگو شاه با کمال میل از ملاقات شما فرمودند: چون نمی‌خواهم کسی مطلع شود که میانه من و شا ربط سری هست، اگر من وقت معین کنم بدون این که شما رسمی از وزارت امور خارجه وقت بخواهید، البته سوه ظنی حاصل می‌شود. حالا خوب است به<sup>۵</sup> وزارت امور خارجه یا به<sup>۶</sup> وزیر دربار رقعه‌ای نوشته وقت بخواهید. من وقت ملاقات می‌دهم یا باید هم دیگر را ملاقات نمائیم.

روز دوشنبه ۱۴ محرم [۴ شهریور] رفته، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را بیان نمودم. وزیر مختار خیلی اظهار تشکر از خود من نمود و در حضور من به مسیو والدین نایب شرق دستور داد رقعه‌ای از طرف سفارت به اداره تشریفات وزارت امور خارجه بنویسید و وقت ملاقات از اعلیٰ حضرت همایونی استدعا کنید.

روز پانزدهم محرم ۱۳۴۲ [۵ شهریور] در حضور خودم، آقای صاحب اختیار<sup>۷</sup> به اعلیٰ حضرت همایونی عرض کردند از وزارت امور خارجه تلفن نمودند که وزیر مختار روس وقت شرفیابی استدعا نموده و اعلیٰ حضرت همایونی هم چهار ساعت بعد از ظهر روز هیجدهم را وقت تعیین فرمودند. سر ساعت مقرر وزیر مختار حاضر به قدر دو

۴۵. اصل: از

۴۶. اصل: از

۴۷. میرزا غلامحسین صاحب اختیار غفاری است که برادرزاده فرخ خان امین‌الملک فرزند میرزا هاشم خان امین‌الدوله بود که از دوره ناصری تا پایان سلطنت قاجار از درباریان مهم بود. وی در دوره مظفری مدتی وزیر دربار بود. در دوره مشروطه والی فارس، کرمان، خراسان و تهران شد. دربار در کابینه‌های مستوفی‌الاعمال و وزیر جنگ شد و مدتی نیز رئیس دفتر احمدشاه بود.

ساعت با اعلیٰ حضرت همایونی خلوت داشتند. مترجم هم مسیو والدین نایب شرق بود.

روز سهشنبه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۴۲ [۱۲ شهریور] دو ساعت بعداز ظهر اعلیٰ حضرت همایونی فرمودند: بروید سفارت، وزیر مختار را ملاقات نموده، از قول من احوال پرسی کن و بگو از قراری که شنیدم، دیروز و امروز برای شما تغییر ماموریتی پیدا شده و از مسکو تلگراف کرده‌اند شما از ایران حرکت کرده، به طرف چین بروید. من که این مسئله را شنیدم، فوق العاده نگران شدم. با آن محبت و صدمتی که نسبت به شما در خودم سراغ دارم به هیچ قسمی نمی‌توانم دوری شمارا بفروشم. در این موقع بنده حضور اعلیٰ حضرت عرض کردم: این مسئله به کلی بی‌اصل و دروغ است. زیرا که غلام هم این مسئله را شنیده بودم. دو سه روز قبل از مسیو والدین سوال نمودم، تکذیب نمود. اعلیٰ حضرت فرمودند: به وزیر مختار بگو در صورتی که بصیرالدوله شهرت این مطلب را تکذیب نمود و گفت این مسئله بی‌اصل است، مع‌هذا برای اطمینان خاطر خود که از خود شما شنیده باشم، بصیرالدوله را فرستادم تحقیق کنند. مسئله دیگر دو روز قبل که به منزل وزیر جنگ رفته بودند، چه مذاکرات نمودند؟ شرح آن مجلس را به بصیرالدوله بگویند که خاطر من مسبوق باشد.

فوراً سوار شده رفتم به زرگنده سفارت روس. وزیر مختار را ملاقات نموده، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را بیان نمودم. جواب داد: اولاً تغییر ماموریت خود را تکذیب می‌کنم. این مطلب بی‌اصل است و گمان می‌کنم شهرت این مسئله از این راه باشد [که] چون مدتها من در حدود چین مشغول خدمت بودم، موقعي که می‌خواستند مأمور آن صفحه را تغییر بدنهند از مسکو اسمی و مذاکراتی هم از من نموده بودند. آخرالامر مسیو کارا [خان، معاون] وزیر امور خارجه را مأمور آن صفحه نمودند و از مسکو حرکت نموده عملاً التقریب هم وارد به آن صفحه خواهد شد. عرض کنید این شرح حال است.

ثانیاً در مسئله ملاقات من با وزیر جنگ، دو روز قبل من آنجا بودم. شرحی با وزیر جنگ صحبت نمودم که حکومت ایران خیلی حالیه بی نظم و بی ترتیب است و ابداً قاعده و قانونی برای آنجا متصور نیست و ابداً کاری از پیش نمی‌رود. در واقع هیئت دولت بکوشندو اسباب تسهیل احکامات هیئت دولت را فراهم سازند، برخلاف آنچه را در ایالات و ولایات شنیده می‌شود خود قوای نظامی اسباب تخریب احکام هیئت دولت را فراهم می‌سازند. در مرکز هم به همین ترتیب دیده می‌شود. خصوصاً در آذربایجان و شمال ایران که ما در منافع شریک هستیم و دخالت‌های بی‌رویه در امورات می‌نمایند و این مسائل اسباب ضرر فوق العاده برای دولت شوروی روسیه هم می‌شود. شما به این ترتیبات که خودتان خوب می‌دانید چه عقیده و سلیقه‌ای دارید؟ از این قبیل صحبتها نمودم. تمامش را وزیر جنگ در جواب به طفره و تعلل گذرانیده، اظهار می‌داشت ان شاء الله کارها به زودی اصلاح و خاطر شما آسوده می‌شود و به کلی رفع نگرانی شما خواهد شد.

آن قسمتی را که راجع به هیئت دولت بود تصدیق می‌نمود و آن قسمتی را که راجع به قوای نظامی بوده به وعده اصلاح آتیه می‌پرداخت و در ضمن مذاکرات گفتم، از قراری که می‌شنوم خیال کودتا در نظر است و این مسئله حقیقت دارد یا خیر؟ جواب داد: به کلی این مطلب بی‌اصل [است]. و اگر از طرف خود من باید این اقدام بشود تاکنون همچو خیالی نکردم و اگر از طرف دیگری است آن هم بی‌ربط است. زیرا که امروز کسی قدرت این اقدام را ندارد. مطالب من و وزیر جنگ از این قرار بوده، از قول من حضور اعلیٰ حضرت سلام برسانید و بگویید استدعا دارم در ظرف همین دو روزه وقتی را معین فرمایند و خود من شرفیاب می‌شوم، یک سلسله مذاکراتی دارم، عرض خواهم نمود. مراجعت نموده مراتب را به خاکپای مبارک عرض نمودم. فرمودند: از وزارت خارجه وقت بخواهد. این مسئله را هم به مسیو والدین پیغام فرستادم.

روز پنج شنبه ۲۵ محرم [۱۵ شهریور] ساعت ۷ مسیو والدین نایب

سفارت به اتفاق میرزا عبدالحسین خان<sup>۲۸</sup> مترجم آمدند منزل بندۀ، اظهار نمود: پیغام شما به ما رسید که بایستی رسماً به توسط وزارت امورخارجه از اعلیٰ حضرت همایونی وقت ملاقات بخواهیم. چون چند فقره کارهای فوق العاده داشتیم. قرار شد صبح شنبه رقهای به وزارت امورخارجه نوشته شود. از قول وزیر مختار به اعلیٰ حضرت همایونی سلام برسانید، عرض کنید: پس از رسیدن خبر، زودتر وقت معین فرمایند. به قدر سه ربع ساعت نشسته و برخاسته، رفتند.

روز شنبه ۲۷ محرم ۱۳۴۲ [۱۷ شهریور] حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کرد. فرمودند: از قول من احوال پرسی نکنید و بگویید البته از وزارت خارجه از من وقت خواهند خواست. اگر من یکی دور روز در دادن وقت ملاقات مسامحه کردم تصور نکنید از روی بی میلی و بی مهری بوده، بلکه خود من مایلم زودتر شما را ملاقات نموده باشم. فقط مقصودم از تأخیر یکی دور روز وقت دادن این است که دیگران تصور نکنند پای مذاکرات خصوصی یا مطالبی به میان است که به مجرد وقت خواستن فوراً به عجله وقت دادم. این مسئله را به این ملاحظه خاطر نشان می نمایم.

مجدداً روز یکشنبه ۲۸ محرم [۱۸ شهریور] ساعت ۷ بعداز ظهر مسیو والدین و میرزا عبدالحسین خان آمدند منزل بندۀ، عین فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را بیان نمودم. خود مسیو والدین تصدیق نمودند. مدتی نشست و مشغول صحبت شد. در ضمن مذاکرات اظهار داشت: از قراری که آقای مشیرالدوله اظهار می کرد موفق شده برا این که میانه اعلیٰ حضرت و وزیر جنگ را اصلاح کند. همین طور است؟ شما چه اطلاع دارید؟ جواب دادم: بندۀ اطلاعی ندارم. اظهار داشت: امروز یک

۲۸. مقصود عبدالحسین هزیر است که بعدها به مقام وزارت و نخست وزیری رسید. کلمه هزیر با قلم دیگری در اصل نسخه بالای جمله فوق نگاشته شده است. وی در زمان فوق علاوه بر مترجمی در سفارت روس، سردبیر روزنامه پیکان به مدیریت پدرش (محمدوثوق همایون) بود.

نفر از دوستان وزیرجنگ آمده بود سفارت. در ضمن مذاکرات مثل این که مأمور بوده این حرف را بزنند، اظهار می‌کرد خوب است سفارت روس هم تصمیم بگیرد تا موقعی که درب مجلس باز شود، مشیرالدوله به ریاست وزرایی برقرار باشد. در صورتی که آن شخص سابقاً با قوام‌السلطنه فوق العاده دوستی داشته و امروز حمایت از مشیرالدوله می‌کرد. بنده فقط مستمع بودم. به قدر یک ساعت نشسته، برخاسته و رفند.

روز دوشنبه ۲۹ محرم ۱۳۴۲<sup>۱۹</sup> [شهریور ۱۹۸۷] ساعت ۸ بعداز ظهر مسیو والدین نایب شرق سفارت روس با میرزا عبدالحسین خان مترجم آمدند منزل بنده و اظهار داشت: جناب وزیر مختار خیلی اظهار تشکر از مرحتمه‌ای جناب عالی دارند و همچنین از زحماتی که به شما می‌دهیم و احوال پرسی کردند. و این پیغامات را که حالیه بنده خدمت جناب عالی عرض می‌کنم به اعلیٰ حضرت همایونی دادند:

۱. دو روز قبل مشیرالدوله پیش ما اظهار کرد که بحمد الله موفق شدم بین اعلیٰ حضرت همایونی و وزیرجنگ را اصلاح نمایم. این خبر صحت دارد یا خیر؟ ۲. از قراری که سه چهار روز قبل شنیدم مسیو...<sup>۵</sup> از وزارت فوائد عامه برای تفتیش و سرکشی راه شوسه انزلی حرکت نموده قبل از حرکت معزی‌الیه از طرف وزارت فوائد عامه حکمی برای امیرپنجه که فعلاً رئیس راه است نوشته فرستادند که مسیو... می‌آید و شما باید مطیع اوامر او باشید و هر چه را بگویند اطاعت کنید.

بعد از رفتن، مسیو... به امیرپنجه اظهار می‌دارد: شما دیگر لازم نیست اینجا باشید و بایستی سر راه، مستخدم دیگر باشد. جواب می‌دهند من به دستورات شما رفتار نخواهم کرد و شما را هم رئیس خود نمی‌شناسم. اگر شما گفتگویی دارید بروید وزارت جنگ. مسیو... می‌آید به شهر با عدل‌الملک<sup>۲۰</sup> معاون وزارت فوائد عامه می‌روند پیش وزیرجنگ، شرح

۱۹. اصل: ۲۸ محرم

۲۰. در اصل همه جا اسم این شخص ذکر نشده و خالی است.

۲۱. میرزا حسن خان عدل‌الملک دادگر در آن تاریخ معاون وزارت فواید عامه بود ولی ۱۸ روز

حال را بیان می‌کند. جواب می‌دهد فعلًاً لازم نیست مسیو... دخالتی بکند چون مشاهده می‌کند فی الجمله حال مسیو... تغییر نمود به عدل‌الملک می‌گوید راه تحويل مسیو... داده شود و به اختیار او باشد. چنان‌چه تایک هفتة دیگر از هر جهت منظم نگاه داشت چه بهتر والاگرفته خواهد شد و به دست امیر پنجه داده می‌شود، با حال خشونت این صحبت را می‌کند. عدل‌الملک و مسیو... از اطاق بیرون می‌آیند.

۳. امروز وزیر جنگ سه چهار نفر از حضرات ملیون را خواسته اظهار کرده من یک مقصدی دارم که صلاح مملکت و دولت و ملت ایران است و حتماً بایستی مجری گردد و حالیه به شماها می‌گوییم چه با من همراهی کنید و چه همراهی نکنید مقصد خود را انجام خواهم داد البته بهتر آن است در این نیت خیر و صلاح مملکت با من همراه باشید و آن خیال است [که] اوضاع مملکت خیلی بی‌نظم است و خیلی کارها را روی بی‌ترتیبی پیش می‌رود و از این وزرا بی کاری بلد نیستند و مطلع از سیاست امروز که نافع برای مملکت است نمی‌باشند و همچنین شاه و ولی عهد وجودشان بهدرد این مملکت نمی‌خورد. در این موضوع هم معایب زیاد است. شخص من عقیده دارم ولی عهد برود پیش محمدعلی میرزا و شاه برود اروپا زندگانی کند. وزراء باید از قبیل آقایان تدین و شیخ العراقین زاده و داور [و] عدل‌الملک [و] رهمنما باشند. اوضاع کلیتاً باید تغییر کند. غیر از این هیچ چاره‌ای ندارد. مذکورات وزیر جنگ از این قرار بوده.

حالاً خیال وزیر جنگ این است: به عنوان ترمیم کابینه حضراتی فعلًاً اسم بردہ که داخل در کابینه کند و مشیرالدوله را به حواله ریاست وزرا بی نگاه بدارد و به مرور همان مقصدی که داشت کودتا کرده باشند مجری کنند و اگر این نیت پیشترفت نکند، با کمال فشار و تندي مشغول کودتا بشود و مقاصد خود را کاملاً انجام بدهد. در این موضوع اگر با ملایمت و به عنوان ترمیم کابینه این اشخاص را بیاورد و داخل کابینه کند مقصود

بالاصله او همان منافقی را می خواهد که در کودتا مقصود دارد.<sup>۵۲</sup> نهایت این است به این ترتیب و با ملایمت کار خودش را انجام داده و حالا اگر از این راه داخل بشود و شاه قبول کند ما به هیچ وجه نمی توانیم داخل در مذاکراتی بشویم. زیرا که می گوید کاینه ترمیم می شود و خوب است این پیشنهادها را شاه قبول نکند و راضی نشود که گفته های وزیر جنگ مجری می شود. اگر غیر از این باشد، ایراد قانونی نداریم. آنوقت شاه باید متوقع همراهی در سفارت روس باشد و آقای مشیرالدوله به ملاحظه حفظ مقام و ثروت خودش نمی خواهد با وزیر جنگ طرف بشود. مایل است به طور خیلی ملایمت و برداری و دوستی با او کنار برود. شاه باید فکر خودش باشد.

مسئله دیگر این است چرا باید شاه ابدآ با کسی مشورت نکند و از ملیون [کسی] را نخواهد با آنها مذاکراتی بکند و همین طور که وزیر جنگ با داشتن این قوه پاره ای با ملیون می خواهد خصوصیت کند و رضایت و افکار اینها را هم جلب کند. اما شاه برخلاف، کناره گیری اختیار کرده به هیچ وجه خود را آشنا نمی کند. ما می ترسیم با ما هم رفیق نیم راه باشد. اگر صحبت ترمیم کاینه کردند، لازم است شاه هم دو سه نفر از ملیون را داخل کنند از قبیل سلیمان میرزا<sup>۵۳</sup> و طباطبایی<sup>۵۴</sup> و مساوات. مذاکرات خاتمه

<sup>۵۲</sup> سردار سپه برای انجام مقصود خویش، هیچ یک از دو راه فوق را اجرا نکرد، بلکه در سوم آبان ۱۳۰۲ سه روز پس از استعفای دولت مشیرالدوله، خود به نیس وزیر ای رسید.

<sup>۵۳</sup> سلیمان میرزا اسکندری لیدر سوسیالیست های ایران و از بنیان گذاران حزب توده. وی مدتها بعد رأساً پیمان اختوت و همکاری با رضاخان و جمعی دیگر از رجال سیاسی بست. (من) این پیمان در دفتر اول گنجینه سازمان اسناد و نیز خاطرات سلیمان بهبودی آمده است.

<sup>۵۴</sup> سید محمد صادق طباطبایی فرزند آیت الله سید محمد طباطبایی سنگلچی نماینده و رئیس چند دوره از ادوار مجلس شورای ملی، مدیر روزنامه مجلس و لیدر حزب وطن پس از شهریور ۱۳۲۰. وی در بیک سال پس از ماجراهی فوق به عنوان سفیر کبیر ایران به ترکیه فرستاده شد و در طول مدت سلطنت رضا شاه خانه نشین و منزوی بود.

<sup>۵۵</sup> سید محمد رضا مساوات از رهبران صدر مشروطه، نماینده ادوار مختلف مجلس و مدیر روزنامه مساوات. وی در هفتم شهریور ۱۳۰۴، دو ماه قبل از انفراض فاجاریه و سلطنت رضا شاه درگذشت.

پیدا کرد.<sup>۵۶</sup>

۴ بهمن ۱۳۰۱ - ۲۹ مهر ۱۳۰۲ / ۱۱۳

عصر روز سه شنبه بدون این که بنده شرح مذاکرات مسیو والدین را حضور اعلیٰ حضرت عرض کنم، تقریباً سه ربع به غروب مانده، بنده را احضار فرمودند. فوراً برو به شهر پیش وزیر مختار از قول من احوال پرسی کن و بگو قرار بوده امروز وزیر جنگ باید به صاحبقرانیه. عصر اعتلاء السلطنه<sup>۵۷</sup> رفته اورا بیاورد. جواب داده، من نمی‌توانم بایام شمیران. کار زیاد دارم و صبح زود می‌خواهم بر روم به اصفهان. دهدوازده روز آنجا خواهم بود. برای اطلاع می‌گویم اگر حکمی هم به نظام و اداره قشون بشود، اطاعت نخواهند نمود. اگر کاری داشتند بایستی تلگرافاً به من اطلاع بدهند و در ضمن گله‌های زیاد از من کرده، من جمله گفته؛ شاه یک خصوصیت و سر و سرّی با روسها پیدا کرده و همچنین با مليّها و سلیمان میرزا سر و سرّی پیدا کردن. این مسائل را هم گفته. حالیه اعتلاء السلطنه از شهر آمده و این طور از طرف وزیر جنگ پیغام آورده. البته می‌دانید وزیر جنگ بی‌ربط این مسافت را اختیار نمی‌کند و نمی‌دانم چه مقصد و خیالی دارد. البته یک خیالاتی دارد. اگر شما اطلاعاتی دارید که برای چه می‌رود و چه منظوری دارد که من هم با اطلاع باشم و البته هوشیار باشید که بیستیم در این موقع چه می‌شود. مستنه دیگر، از من وقت خواسته بودید برای ملاقات. روز شنبه را قرار دادم که بیاید و حالا هر مطلبی دارید به توسط بصیرالدوله بگوئید. اگر کار لازم و فوری هم باشد تلفن می‌کنم برای فردا عصری خودتان بیاید. البته مطالب به توسط بصیرالدوله باشد بهتر است که چندان در انتظار طرف توجه واقع نمی‌گردد.

---

۵۶ اصل: کرده

۵۷ میرزا حمدخان اعتلاء السلطنه فرزند میرزا عبدالحسین خان اعتلاء السلطنه و پسرعموی میرزا حسن خان مشیرالدوله بود. وی در کابینه‌های مختلف مشیرالدوله در سلطنت احمدشاه به ترتیب وزیر فواید عامه، وزیر پست و تلگراف و در زمان مطلب فوق، کفیل وزارت داخله بود.

شب را از شمیران آمد و به سفارت رفت، وزیر مختار نبودند. در اطاق مسیو چایکین نشسته، تا ساعت ۱۰ از آمدن وزیر مختار مأیوس شدم. قرار دادم فردا که روز چهارشنبه باشد ساعت ده صبح بروم به سفارت و از آنجا به صاحبقرانیه بروم. برخاسته، آمدم منزل.

ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه به سفارت رفت، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را که فرموده بودند گفته، وزیر مختار چوab داد: از قول من حضور اعلیٰ حضرت اقدس شهریاری عرض سلام برسانید و عرض کنید: من دو سه روز است که مطلع و مستحضرم وزیرجنگ خیال دارد برود به اصفهان و بانهایت خوبی نقشہ خیال او را هم می‌دانم. بصور می‌کند از عدم حضور خود در مرکز تمام کارها و ادارات دولتی معوق و تعطیل خواهد شد.<sup>۵۸</sup> در واقع حیله بکار می‌برد و اعلیٰ حضرت همایونی از این مسافت ابدآ در تشویش نباشند، بلکه خوش بین هم باشند و دیگر این که هیچ تصور نفرمایند [با] نبودن وزیرجنگ در طهران اسباب اغتشاش بتواند فراهم کنند و ابدآ و به هیچ وجه من الوجوه در این حرکت وزیر جنگ بدین باشند. خاطر مبارکتان اطمینان داشته باشد. در مسئله شرفیابی خود من البته کار لازمی است، زودتر وقت بدنهنده برای<sup>۵۹</sup> فردا که روز پنجشنبه<sup>۶۰</sup> است بهتر است که وقت معین کنید خدمت اعلیٰ حضرت شرفیاب شوم و از قراری که الان برابر سفارت خبر آوردن بعد از آمدن اعتلاء السلطنه به صاحبقرانیه، خود مشیرالدوله رفت و وزیرجنگ را آورده است خدمت شاه. بنده جواب دادم: تا موقعی که بنده از صاحبقرانیه حرکت کردم نیامده بود. جواب داد: خبر صحیح است، خدمت شاه رفته زیرا که اطلاع ما کامل است. در موضوع تعیین وقت برای شرفیابی و خدمت شاه البته روز

<sup>۵۸</sup> شبیه مسافرت سردار سپه پس از عزل از ریاست وزرایی به رودهن که با تبلیغات وسیع طرفدارانش به تهران بازگشت و مقام گذشته را به چنگ آورد. (۱۸ تا ۲۱ فروردین ۱۳۰۴)

<sup>۵۹</sup> اصل: برداری

<sup>۶۰</sup>. اصل: چهارشنبه

پنج شنبه<sup>۶</sup> را تعیین کنند زیرا که روز شنبه را به والاحضرت ولی عهد و عده ملاقات دادم که خدمتشان برسم.

از سفارت حرکت نموده، به صاحبقرانیه رفت، عصر همان روز در موقعی که اعلیٰ حضرت مشغول قدم زدن بودند، در کناری ایستاده، مطالب را به عرض رسانیدم. جواب فرمودند: بروید سفارت از قول من از وزیر مختار احوال پرسی کرده و بگو: مطالب شما را بصیرالدوله به من گفت؛ ممنون شدم. در این موقع لازم است عقاید خود را با خاطرنشان شما نموده؛ در موقعی که وزیر جنگ آمد پیش من، در ضمن مطالبی که بیان می کرد من جمله اظهار داشت: اعلیٰ حضرت با روسها در این چند روزه خصوصیت فوق العاده ای پیدا کرده اند و معلوم است این خصوصیت بر علیه کی خواهد بود و روسها در طهران مشغول دسته بندی هستند و اقدامات فوق العاده در تخریب کار من می کنند و حالا چاکر چند روزی از طهران می روم بینم چه کار و چه اقداماتی می نمایند. شما مسبوق باشید وزیر جنگ تمام قوای خودش را صرف اطلاعات و اخبار نموده و خیلی سوء ظن دارد.

در این صورت چه خوب است سفارت هم قدری ملایمت کند و بانهایت بی طرفی و به سادگی و بی خیالی چند روزی رفتار کند که ابداً طرف توجه واقع نگردد که به کلی خاطر وزیر جنگ و دوستانش اطمینان حاصل نمایند که اقداماتی بر علیه [آنها] نمی شود. وقتی که آنها اطمینان پیدا کردن و ظاهر مسئله را پاک دیدند، در باطن مشغول کار خودتان هستید البته من این طور صلاح می دانم و از قراری که شنیدم در حدود آستارا - بین دولت ایران و روسیه - نزاعی مابین قزاقها و روسها واقع شده، سه چهار نفر از قزاقها را هم کشته اند و دو نفر از آنها هم صاحب منصب بوده اند. در این مسئله هم خوب نبوده، خوب است جلوگیری کنید. در خصوص ملاقات خود من، چون امروز وعده کرده ام بروم منزل حاجی

مجدالدوله<sup>۶۲</sup> روضه و فردا هم به وزیر مختار انگلیس وقت داده ام عذر می خواهم. به وزیر مختار بگو روز شنبه را از ملاقات و لیعهد عذر بخواهد و برای ساعت چهار بیانند صاحبقرانیه پیش من و روز یکشنبه را برود پیش ولی عهد.

روز پنج شنبه که از صاحبقرانیه به شهر آمد، از وزیر مختار وقت ملاقات خواسته، روز جمعه را وقت داد که ساعت پنج بعداز ظهر بروم سفارت. سروقت حاضر شده، وزیر مختار سوار شده بود با مسیو والدین و میرزا عبدالحسین خان مترجم قدری نشسته مشغول صحبت شدیم. وزیر مختار آمد فرمایشات اعلیٰ حضرت را تمام و کمال بیان نموده، جواب دادند: در قسمت اول فرمودید باید خودداری شود و بانها یات ملایمت و بی طرفی فعلًاً رفتار شود، کاملاً فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را تصدیق می نمایم و به همین میزان و ترتیب هم رفتار خواهد شد و صلاح سفارت هم بر همین است. غیر از این طریق سفارت راه دیگری اتخاذ نکرده، اطاعت می شود. در قسمت دوم راجع به کشته شدن قزاقها در سرحد، این مسئله تازگی ندارد. در سه چهار هفته قبل عده ای قزاق که مامور سرحد کرده بودند، وزیر جنگ از حدود خودشان تجاوز نموده و عنوان می کردند قراول خانه خرابه که در سرحد است متعلق به ایران بوده و حالیه دولت روسیه تصرف نمود، می خواهیم آن جا را بسازیم. دو سه روزی در این موضوع صحبت کردند.

از طرف سفارت چندین مرتبه با<sup>۶۳</sup> هیئت وزراء و وزیر جنگ مذاکره شد [که] جلوگیری کنید که از طرف مأمورین ایران در سرحد شرارت نکنند و برخلاف حقوق و حدود خودشان تجاوز و اقدامی نکنند. در این سه چهار هفته تمامش به مسامحه و امروز و فردا که انشاء الله درست می شود گذراندند. از قرار معلوم نزاعی فی مایین مأمورین روسیه و ایران

۶۲. میرزا مهدی مجدالدوله پدر عیسی خان مجدالسلطنه و پدر بزرگ ملکه توران (سومین همسر رضا شاه) و بزرگ خاندان امیرسلیمانی قاجار.

۶۳. اصل: به

واقع شده. این مسئله تازگی ندارد که بتوانند پاره‌ای صحبتها در اطرافش نمایند. در این دو سه روزه اتفاقی رخ نداده است، خاطر مبارک اعلیٰ حضرت مسیو باشد. در مسئله شرفیابی خود بنده همان‌طور که فرمودید روز شنبه را حضور اعلیٰ حضرت شرفیاب خواهم شد و روز یکشنبه خدمت ولی عهد خواهم رفت و فردا کاغذی به ولی‌عهد می‌نویسم. مسئله دیگر، از قرار معلوم وزیرجنگ در موقعی که از قم سوار شده برود به اصفهان، چهار پنج فرسخ طرف کاشان می‌بود و بر می‌گردد و سه چهار فرسخ هم از راه دیگر می‌بود باز هم مراجعت می‌نماید، آن وقت از راه اصفهان می‌رود. ملتافت نشدم این کار برای چه بوده و تصور می‌رود این هم خدعاً بوده. روز پنج شنبه حضور اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل نموده و مطالب وزیر مختار را عرض نموده و روز شنبه وزیر مختار و مسیو والدین برای ساعت چهار بعد از ظهر شرفیاب شدند. تقریباً یک ساعت و نیم حضور اعلیٰ حضرت بودند. در تاریخ شنبه ۱۷ شهر صفر ۱۳۴۲ [۶] مهر ۱۳۰۲ برای ساعت ۹ که سه قبل از ظهر باشد بنده را دعوت نموده به سفارت. اظهار داشت: فردا عصر برای مرخصی حضور اعلیٰ حضرت شرفیاب خواهم شد. زیرا که یک ماهه باستی بروم به مسکو. چون پاره‌ای مذاکرات به میان بوده، به نوشتن و تلگراف انجام پذیر نمی‌باشد، چاره‌ای جز رفتن خود نبود به مرکز. اظهار داشتم: یک ماه مرخصی نمودند که برrom و مراجعت نمایم. فعلًاً در ایران ترتیبی پیش آمده که به کلی سیاست ما در اینجا نزدیک است به اشکالاتی بربخورد.

حل این مطالب و اتخاذ نمودن رأی قطعی، چاره‌ای جز رفتن خود من به مسکو نبوده. اگرچه خود من فردا خدمت اعلیٰ حضرت شرفیابی حاصل می‌نمایم، ولی وقت این نخواهد شد که تمام مطالب را عرض کنم. حالا بر جناب عالی عرض می‌کنم به اعلیٰ حضرت عرض کنید. در این چند روزه، دو مرتبه وزیر جنگ را ملاقات نمودیم. همان‌طور که میل و رأی مبارک بود و قبلًاً سفارش فرموده بودند رفتار شد. حالا باستی با وزیرجنگ به مدارا راه رفت. خیلی وعده مساعدت به او دادم و اظهار

خصوصیت نمودم. من جمله از صحبت‌های من با او این بوده که سفارت روس با شما خیلی دوستی دارد و ابدأً غیر از خصوصیت و دوستی راه دیگری در نظر نگرفته است. شاهد بر این ادعا این است [که] اسلحه دولت ایران را از راه روسیه حمل نمودند، نهایت مساعدت را دولت روسیه نموده، در همین چند روزه در اتزلی تحويل شما کرد. اگر غیر از صمیمیت مقصودی داشتیم این مساعدت را در این مورد نمی‌نمودیم و اگر بعدها هم محتاج به اسلحه شدید، باز هم دولت روسیه حاضر است با شما همراهی کند.

فقط در مسئله پاره‌ای مطالب که برخلاف قانون اساسی است اگر وزارت جنگ نخواهد اقدامی کند، دولت روسیه و سفارت نمی‌تواند همراهی کند والا در کلیه کارهای وزارت جنگ نهایت همراهی را سفارت با شما می‌کند. این مذاکرات فی‌مایین من با وزیر جنگ بوده. تمام این مذاکرات با وزیر جنگ برای این بوده که ما را دوست خودش بداند که امیدی برای انجام مقاصد خود داشته باشیم. این مسئله را به اعلیٰ حضرت عرض کنید. مسئله دیگر، لازم است در طهران مجالسی از اعیان و اشراف و علماء تشکیل کنید. صورت عده آنها را هم نوشتیم، تقریباً سی نفر هستند. خوب [است] شخص شما هم در این موضوع با مسیو والدین همراهی کنید که خیلی لازم است این نوع اشخاص مجمعه داشته باشند، مطابق دستورات کار کنند. جواب دادم: البته این تکلیف را به خود بمنه می‌فرمایید [با] اگر صلاح بدانید [به] اعلیٰ حضرت هم عرض کنیم. جواب دادند: البته عرض کنید.

مسئله دیگر در این دو سه روزه [این است که] چند نفر از ایرانیها که به طور خوبی آنها را می‌شناسیم [و] دوستان وزیر جنگ هستند، آمدند پیش ما و مقصودشان انقلاب فی‌مایین سفارت و اعلیٰ حضرت همایونی است. یک نفر می‌گوید از قراری که شنیدم سفارت فوق العاده خصوصیت با شخص شاه پیدا کرده و این مسئله برخلاف مردم بلشویک است. زیرا که بلشویک آزادی خواه است. با شاه همدست شدن برخلاف قانون است

آنهم با شاه [ای] که به کلی عقایدش برخلاف تصورات سفارت روس است. سفارت روس شاید شاه را نسبت به خودش صمیمی بداند، اما اگر دارای این عقیده است بدانید غلط است و شاه سرتا پا همدست انگلیسها است و هم عقایدش با آنها می‌باشد. سفارت روس راگول می‌زند. زیرا که در صورتی که مستوفی‌الممالک یک نفر آدم شاه پرست وطن دوست بود و با سفارت روس خصوصیت داشت و سفارت روس با او همراهی می‌کرد و این مسئله برخلاف میل و رضایت انگلیس بود و خود شاه برای برداشتن او و استعفایش اسباب چیزی‌ها کردند و از طرفی نصرت‌الدوله را همه روزه احضار می‌کردند و دستورالعمل می‌دادند برای این که برود در مجلس پروپاگاند<sup>۶۴</sup> باشد و بر علیه مستوفی‌الممالک، قوام‌الدوله<sup>۶۵</sup> را احضار می‌کردند و تشویق می‌نمودند که برود با دستهٔ مخالفین سازش کند، بلکه یکی دو نفر از اقوام و کسان خودش را که وکیل بود و جزو دولستان مستوفی‌الممالک بودند پروپاگاند کند و از این خیال منصرف نماید و بر عهدهٔ مخالفین مستوفی‌الممالک همراهی کنند. تا آخر هم همین طور شد. قوام‌الدوله رفت یک طرف، دو نفر دیگر را با مخالفین مستوفی همراه نمود و شاهزاده نصرت‌السلطنه شب و روز در منزل وکلا می‌رفت، بلکه وکلا را به منزل خودش دعوت می‌کرد و همه را تشویق می‌نمود و دستور می‌داد. پروپاگاند می‌کرد که جمعی از وکلا را با مستوفی‌الممالک مخالف کند. این عملیات اعلیٰ حضرت همایونی بود نسبت به سفارت. پس از روی این مسائل معلوم می‌شود دوستی و صمیمیت شاه چگونه است و شما چه طور اطمینان حاصل می‌نمایید. حالا چون با وزیر جنگ میانه خوش ندارد با شما اظهار مهربانی می‌کند.

#### ۶۴. اصل همه‌جا: پروپاگان

۶۵. میرزا شکرالله خان قوام‌الدوله صدری (معتمد‌خاقان) فرزند محمدحسین خان صدرالدوله وی در ابتدا از پیش خدمتهای مظفرالدین شاه بود. در دوره مشروطه به صفت مشروطه طلبان پیوست. پس از فتح تهران وی مکرراً به والی‌گری و وزارت رسید. در مجلس پنجم ظاهراً از یاران مدرس بود ولی در خفا با سردار سپه تبانی کرده بود. قوام‌الدوله مدتها پیشکار شیخ خزعل در خوزستان به شمار می‌رفت.

یک نفر دیگر مطالب دیگری را بیان کرد. ما به طور خوبی مقصود همه را دانستیم. می خواهد میانه سفارت و شاه را به هم بزنند و حالا همان کسی که این نقشه را کشیده، تحریک می کند اشخاصی را پیش می فرستند و این نوع بیانات را می کنند. از طرفی هم پیش شاه صحبتها خواهد نمود. چون ما مقصود آنها را مختلف شدیم و قعی<sup>\*</sup> به صحبتها آنها نمی گذاریم و احترامی به خود آنها نمی کنیم اعلی حضرت هم مسبوق باشند که پارهای مذاکرات را گوش ندهند و از نقشه کشی مسبوق باشند. رفیق نیمه راه نشوند. وزیر جنگ هم هر قدر خصوصیت گفت دروغ می گوید و تقلب می کند. می خواهد در ظاهر خودش را آرام و دوست و خدمتگزار قلم بدهد. در واقع اغفال کند و در باطن مشغول انجام مقاصد خودش باشد. خیلی شاه باید دقت کنند و گول نخورند.

مسئله دیگر که لازم است اعلی حضرت همایونی اقدامات نمایند این است: وزیر جنگ در انتخابات و کلا خیلی دقت دارد و می خواهد ترتیبی بدهد که دوره پنجم، دوستان و رفقا و اشخاصی را که طرف اطمینان و دوستی خود او هستند انتخاب شوند. به تمام ایالات و ولایات و امیرلشکرها دستورالعمل داده است. حتی المقدور نخواهد گذاشت از طرف ملیون و کیل انتخاب کنند. چنان‌چه این مسئله همین طوری که تا کنون وزیر جنگ اقدام نموده تا آخر برود، البته دو ثلث از وکلا، دوستان و طرفداران وزیر جنگ خواهند بود و [اگر] این طور بشود معایش معلوم است. هرچه را که مقاصد وزیر جنگ داشته باشد با یک صورت خوبی پیشنهاد مجلس می کند و رفقای خودش وکیل خواهند بود و به اکثریت آن مطالب رأی گرفته خواهد شد و پذیرفته می شود. اگر برخلاف قانون اساسی هم باشد با داشتن قوه، مجری خواهد نمود. چه خوب است همه روزه اعلی حضرت از ترتیب پیشرفت انتخابات در ولایات اطلاع کامل داشته باشند. هر قدر بتوانند کوشش کنند که مقصود وزیر جنگ پیشرفت نکند و اسباب فراهم بیاورید که از ملیون و بی طرفها وکیل شوند که اقلًا

اکثریت با بی طرفها و ملیون بشود، حال تعادلی پیدا کند. شاه باید در این موضوع خیلی دقت داشته باشند، بلکه خود جناب عالی او قاتی صرف فرموده و همه روزه به طور راپورت یومیه اطلاعات حاصل نموده، به شاه بگوئید اگر نواقص داشته باشد اطلاع کنید. مطالب من این است حضور شاه عرض کنید.

خود من اظهار نمودم: تصور می کنم شما بروید به مسکو تغییر مأموریت بدھید و دیگر به ایران مراجعت نکنید. جواب داد: به شما اطمینان می دهم برگردم و به طور شوخی اظهار داشت مadam [و] بچه های خود را به شما گرو می دهم تا یک ماه دیگر برگردم. چنان چه مراجعت ننمودم، شما نگذارید فامیل من بیایند به مسکو. روز شماری کنید سی روز تمام مسافرت من خواهد شد و بعد از سی روز خدمت شما خواهم بود. بعد از این صحبتها یک قطعه عکس از خود من و یک قطعه عکس از اعلی حضرت همایونی خواست؛ آمد منزل فرستادم.

از آن جا برخاسته به صاحبقرانیه رفته تمام مذاکرات وزیر مختار را حضور اعلی حضرت همایونی عرض نمودم. در جواب فرمودند: بروید سفارت، از قول من احوال پرسی کنید. به وزیر مختار بگو از صمیمیت شما نسبت به خودم ممنون خواهیم بود و تمام اظهارات شما را دوستانه می پنداشیم. از طرف من خاطر جمع باشید. امیدوارم نواقصی در کارها پیدا نشود و اما در مسئله مجالسی که می خواهید تشکیل بدھید و سی نفر ایرانی را در این مجالس داشته باشید و از شما همراهی خواسته اند، از طرف خودت جواب بده: من تاکنون داخل در این کارها نبودم و تصور می کنم چندان آشنا نباشم. یک فقره از کارهای عمدۀ شما، دوستی و روابط صمیمی با اعلی حضرت همایونی است که یکی از مسائل بزرگ و شخص من عهده دار شدم و بحمد الله تاکنون هم به انجامش موفق شده ام و من در این مدت طوری میانه شما و شاه را صمیمیت انداخته ام که فوق العاده است و اگر با این نزدیکی من به اعلی حضرت داخل این نوع مسائل شما هم بشوم، شاید توانم آن طوری که میل شما باشد از عهده

برآیم. گذشته از این که کاری نتوانم از پیش برده باشم، اسباب تخریب کار هم شده باشم. زیرا که من در کارهای درباری عامل می‌باشم. همین روابط بین خودتان و اعلیٰ حضرت را به عهده من واگذار نمائید، ان شاء الله تعالى خدمت خواهم نمود. کارهای دیگر را من دخالت نمی‌کنم. این مطالب را از قول خودت بیان کن و بگو فردا متظرم بیائید. برای ساعت ۱۰ دو ساعت قبل از ظهر وزیر مختار برای خداحافظی حضور شاه شرفیاب و در همان روز از طهران حرکت نموده، به طرف مسکو رسپار شد.

صبح یوم جمعه ۲۳ شهر صفر ۱۳۴۲ [۱۳۰۲] اعلیٰ حضرت همایونی از صاحبقرانیه تلفن فرمودند: چهار ساعت بعد از ظهر من می‌روم فرح آباد. صورت حساب بنایی جدید را حاضر نموده همراه بیاورید فرح آباد قبل از آمدن بیایید آن جا حاضر باشید تا من بیایم. بنده هم برای یک ساعت بعد از ظهر رفتم فرح آباد. عمارت جدید را از میرزا نصرالله خان گرفته حاضر نمودم. یک ساعت به غروب مانده اعلیٰ حضرت تشریف آوردن. پس از آن که گردش نمودند و بناهای را ملاحظه فرمودند و فرمایشات راجع به عمارت را فرمودند، در کنار حوض ایستاده، بنده را صدا زده، امر فرمودند: فردا بروید سفارت روس. مسیو والدین را ملاقات بکن از طرف من بگو: چهار روز قبل وزیر جنگ به توسط یک نفر از دوستانش برای ولی عهد پیغام فرستاده، از قراری که شنیدم، اعلیٰ حضرت با سفارت روس خصوصیت و صمیمیت فوق العاده‌ای پیدا کرده، با وزیر مختار قرار نمودند که برود به مسکو قشون وارد خاک ایران کند. وزیر مختار برای انجام این کار به مسکو رفت. چنان چه این مطلب حقیقت داشته باشد و این مسئله به محل بروز و ظهور بررسد، من یک نفر از قاجاریه را باقی نخواهم گذاشت و به توسط یک نفر دیگر برای خود من پیغام فرستاده، از قراری که شنیدم اعلیٰ حضرت همایونی معاهده‌ای با وزیر مختار روس فرمودند که برود به مسکو قشون وارد خاک ایران بنماید و یک همچو قراردادی فی ما بین اعلیٰ حضرت با وزیر مختار روس برقرار گردیده. چنان‌چه این مسئله صورت وقوع پیدا

کند دیگر توقع خدمت از چاکر نداشته باشد.

خود وزیرجنگ هم دیروز آمد پیش من. اولاً اصرار داشت دستخط ریاست وزرایی به او بدهم که برود تشکیل کابینه بدهد و من به کلی این مسئله را رد کرده، قبول نکردم و بعد در خصوص همان پیغامی که داده بود صحبت به میان آمد و تجدید همان پیغام راتمود. به او گفتم: این مسئله به کلی بی اصل است و مطلب به این پوچی و بی اصلی را کی به شما اظهار داشته؟ جواب داد: این مسئله را از مسیو والدین شنیدم که اعلیٰ حضرت همایونی همچو قراردادی با سفارت روس فرمودند. جواب دادم: من الان حاضرم بفرستم مسیو والدین باید اینجا ببینم این حرف وا او زده و از روی چه مأخذی همچو بیانی را اظهار نموده و در ضمن دلیل و برhan آورده شد که این مطلب خیلی بی ربط و بی اصل است. وزیرجنگ متقادع شد و تصدیق نمود که من متقادع شدم. برای شما پیغام دادم که مسبوق و مستحضر باشید و ابدآ شما هم خودتان را آشنا به این مذاکرات نکنید تا ببینم چه می شود.

بنده از فرح آباد آدمد به شهر، وارد منزل شدم. اظهار داشتند: از سفارت روس تلفن کرده بودند شما را می خواستند. بنده تلفن کردم با من چه کار داشتید؟ جواب دادند: قصد احوالپرسی بود. اظهار داشتم: فردا صبح مسیو والدین تشریف بیاورند منزل بنده. ساعت ۹ آمد، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را اظهار نمودم و خیلی اظهار تعجب نمود از این صحبت وزیرجنگ. عنوان نمود حالیه بایستی به مکانی بروم. زیرا که قبل از وعده داده ام. برای عصر خدمت شما می آیم. فقط مطلبی که حالیه به شما دارم بگوییم این است: وزیرجنگ شب یکشنبه ساعت ۱۰ در سفارت انگلیس بوده، مدت سه ساعت و شب سه شبیه هم آنجا بوده، توقفش دو ساعت و نیم. معلوم است این مطالب دستورش از کدام کارخانه بیرون می آید. حالا من مرخص می شوم، برای ساعت ۶ می آیم اینجا و از منزل من رفت.

ساعت ۶ تقریباً اول غروب آفتاب آمد و اظهار داشت: عین سه ساعت

را ساعت ۴ به مسکو به طور رمز تلگراف نمودم و حالا باز می‌روم برای تحقیق. مطالب را به اعلیٰ حضرت عرض کنید. بعد از چند دقیقه برخاسته ورفت. [هنگام رفتن] عنوان نمود: فردا چه<sup>۶۷</sup> ساعتی می‌روید به شمیران؟ جواب دادم: برای ساعت ۹. گفت من برای ساعت ۸ می‌آیم پیش شما. فردا سر وقت آمد. در موقعی که آقای نصیردفتر<sup>۶۸</sup> هم آمدند پیش من و آقای نصیردفتر در اطاق دیگر نشست. ایشان اظهار داشت: به اعلیٰ حضرت عرض کنید: از این تهدیدات<sup>۶۹</sup> وزیرجنگ ترسید و خیالی نکنید. هیچ کاری نمی‌تواند بکند، بلکه بی‌شیک به خاطرش رسیده که ببیند اعلیٰ حضرت همایونی همچو معاوه‌های با ستاره ای کردند یا خیر؟ مسئله دیگر، رئیس سوار نظام به اداره خودش گفته یعنی به صاحب منصبان اظهار داشته: شاه با سفارت روس اتحاد کرده از روسیه قشون وارد کند، در همین چند روزه از طرف وزیر جنگ جلوگیری خواهد شد. مسئله دیگر، وزیرجنگ با دوستانش صحبت نموده و مصلحت یینی کرده که بایستی من رئیس‌الوزرا بشوم. بعضی گفته‌اند صلاح است باشد در موقع باز شدن مجلس، یکی دو نفر با خودش گفته‌اند همین دو سه روزه باید اقدام نمود و از شاه دست خط ریاست وزرایی صادر نمود. آخرالامر تصمیم قطعی نگرفته‌اند. این مطالب را هم عرض کنید که خاطر مبارکشان مسبوق باشد. عمدۀ مطلب این است که از مذاکرات وزیرجنگ در تشویش نباشد.

بنده از منزل حرکت نموده به صاحبقرانیه رفتم. از صبح تا عصر موقع نشد. اول شب اعلیٰ حضرت بنده را احضار، سئوال فرمودند رفتید سفارت؟ جواب دادم: رفتم و فرمایشات اعلیٰ حضرت را به مسیو والدین گفتم و پیغامات مسیو والدین را هم گفته بود عرض نمودم. بعد تشریف برداشتند اندرون.

۶۷. اصل: سه

۶۸. احتمالاً منظور میرزا محمدعلی نصیردفتر می‌باشد.

۶۹. اصل همه‌جا: تهدیدات

روز پنج شنبه ۲۹ شهر صفر ۱۳۴۲ [۱۸ مهر] چهار ساعت قبل از ظهر مسیو والدین نایب شرق به اتفاق میرزا عبدالحسین خان مترجم آمدند منزل بنده. اولاً از بنده گله کردند [که] سه چهار روز قبل قرار بود خبر بدھید که من بیایم خدمت جناب عالی، چرا خبر ندادید و چرا منتظر گذاردید؟ ناچار امروز خود من بدون اطلاع و خبر آمدم. در جواب اظهار داشتم: بنده هم خیلی مایل بودم خدمت جناب عالی رسیده باشم، بهواسطه گرفتاری فرصت پیدا نکردم برای ملاقات جناب عالی. پس از این مذاکره و احوال پرسی با یکدیگر اظهار داشتند اوضاع روزگار چه خبر دارید؟ جواب دادم: در دربار خبری نیست و اعلیٰ حضرت همایونی هم مزاج و حالشان خوب است. اظهار داشت: اخبارات تازه چه خبر دارید؟ جواب دادم: البته شما بهتر و خوبتر از بنده مسبوق می‌باشید و فقط مطالبی را که بنده اطلاع دارم در تمام شهر شهرت گرفتاری قوام‌السلطنه و سردار انتصار است و علت گرفتاری حضرات را هم هر کس یک جور شرح می‌دهد. در خود دربار هم این نوع مطالب مطرح و مذاکره نمی‌باشد.<sup>۷۰</sup> اطلاعات بنده همان مطلبی است که در شهر شهرت دارد. حالا جناب عالی بفرمائید [که] از حقایق مطلب بهتر و خوبتر مسبوق می‌باشید. [اوی] اظهار داشت: من برای همین مطالب آمدم خدمت

۷۰. مظفر اعلم (سردار انتصار) از ابتدای مشروطیت با معاونت بیرم خان در نظمیه به مقامات دولتی راه یافت. پس از آن در اصفهان به سر می‌برد. در ماجراهای فوق، وی متهم به تشکیل یک کمیته سری ترور برای از بین بردن سردار سپه شد. به اقرار او این کمیته تحت امر قوام‌السلطنه اداره می‌شد. بعدها معلوم شد که اساساً این اتهام ساختگی از سوی سردار سپه و با تبانی سردار انتصار جهت خارج کردن قوام‌السلطنه از دایره قدرت (به عنوان تنها رقیب قدرتمند و بالفعل رضاخان) صورت گرفته بود. ماجراهای فوق مآلًا با دستگیری قوام‌السلطنه در ۱۶ مهر ۱۳۰۲ و تبعید او از ایران خاتمه یافت و راه برای زمامداری سردار سپه گشوده شد. جالب آن است که سردار انتصار که رئیس کمیته مزبور بود، پس از این ماجرا در زمان سلطنت رضاشاه مکرراً به مقاماتی چون حکمرانی، سفارت و وزارت رسید و مدت‌ها نیز وزیر امور خارجه بود. وی در آخرین پست دبلوماتیک خود در سینه کهولت به سال ۱۳۳۲ سفیر ایران در عراق شد که به دلیل عدم استقبال از محمد رضا شاه هنگام خروج وی از ایران در ۲۵ مرداد آن سال، پس از بازگشت شاه به ایران، مطرود و مغضوب گشت.

جناب عالی که اطلاعات و مطالب خود را به جناب عالی عرض کنم که حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کنید.

اولاً: خاطر مبارک اعلیٰ حضرت مسیو باشد که بلکه تردید هم نداشته باشند که تمام رفتار و گفتار و اقدامات وزیرجنگ دستورالعمل انگلیسها است. چنان‌چه چند روز قبل به جناب عالی عرض کردم که در این چند روزهٔ اخیر، دو سه مرتبه وزیرجنگ در سفارت انگلیس بوده و در هر جلسه دو ساعت مشغول مذاکره و نقشه‌کشی بودند. یعنی وزیر مختار<sup>۷۱</sup> مشغول دستورالعمل دادن به وزیر جنگ بوده، گرفتاری قوا مسلطه هم دستور انگلیسها است، بلکه دستورات دیگری هم دادند و تصور می‌کنم وزیر مختار انگلیس نقشه‌کشی به طور کامل نموده و دستورالعمل کافی به وزیرجنگ داده و مسافت نموده که آن‌چه را مقاصد داشته، انجام شده باشد؛ در صورتی که خودش در طهران نباشد و آن مسئله از دو نقطه نظر است. اولاً در انتظار مردم، بدنام نباشد و شبیه نماید وزیرجنگ که در نبودن من در طهران اقداماتی نموده و به همین دلیل ثابت و مدلل کند اگر معروف است که وزیرجنگ از ما شده و هر چه او می‌کند به دستورالعمل ما است دروغ و بی‌اصل است. ثانیاً اگر در طهران باشد، اشخاصی را که وزیرجنگ دستگیر می‌کند یا خودشان طرف دوستی و خصوصیت با سفارت انگلیس هستند یا کسان و بستگانشان طرف خصوصیت می‌باشند، در این موقع به سفارت انگلیس خواهند رفت. بعضی توقع و تمناها خواهند نمود اگر سفارت رد کند بد است و اگر قبول کند مانع از اجرای مقاصد خودشان شده است. از هر نقطه نظر صلاح خودشان را بر این دیدند که دستورات به وزیرجنگ بدهنند، چند روزی مسافرت کند. این مسئله را کاملاً به اعلیٰ حضرت عرض کنید که مستحضر باشند ویرای شاه شبههای نباشد و در این موضوع تردیدی پیدا ننمایند.

---

۷۱ منظور سرپرسی لورن است که در فاصله سالهای کردنی ۱۲۹۹ تا به سلطنت رسیدن رضا شاه وزیر مختار انگلیس در ایران بود. وی جانشین هرمان نرمان بود و پس از لورن، سر را برت کلایو به این سمت منصوب شد.

مسئله دیگر، مانع دانیم با این اوضاع فعلی اعلیٰ حضرت همایونی در چه نقشه‌ای می‌باشند و چه خیال دارند؟ از طرفی با ما اظهار خصوصیت و مهربانی می‌فرمایند و پای صمیمیت فوق العاده را به میان آورند و ما هم کمال اطمینان را داشته و داریم. اما این مطلب را هم خاطر مبارکشان باید مطلع باشد که دو نفر دوست یک‌دل و یک‌جهت و شریک‌المنفعه که در یک کار واحد و انجام یک مقصد اقدامات می‌نمایند و مقاصدی دارند بایستی هر نقشه‌ای که می‌کشند هم‌دیگر را مطلع نمایند و هر اقدام و کارهایی که می‌کنند به اطلاع واستحضار یک‌دیگر باشند. زیرا که مخالفتی با هم ندارند. چنان‌چه یکی از این دو نفر از نقشه و اقدامات دیگری بی‌خبر باشد، بسا می‌شود هر اقدامی که یکی از آنها می‌نماید، طرف دیگر مخالفت می‌کند و به واسطه نداشتن اطلاع، انجام آن کار و مقصد به تأخیر خواهد افتاد. البته لازم است اعلیٰ حضرت همایونی مقاصد خودشان را کاملاً بفرمایند که ما هم دنباله همان مطلب را گرفته باشیم. البته آن‌چه را در شهر شهرت دارد مسبوق هستند که می‌گویند قوام‌السلطنه با ولی عهد مشغول پروری‌گاند و آتشیک بر ضد وزیر جنگ بوده و کمیته‌ای تشکیل داده بودند بر اعدام وزیر جنگ و حالیه کشف شده و قوام‌السلطنه را گرفته‌اند و در وزارت جنگ جس نموده‌اند. این مسئله را مردم این طور اظهار می‌کنند که اعلیٰ حضرت هم مسبوق بودند، بلکه دوستان و رفقای سفارت روس به ما می‌گویند که شاه از روی خدعاً با شما خصوصیت می‌کند؛ در واقع با قوام‌السلطنه مشغول نقشه‌کشی بودند، در ضمن با شما هم خصوصیت می‌نمایند. انجام مقصود خودشان را کاملاً از راه قوام‌السلطنه می‌خواستند و از طرف آنها اطمینان داشته‌اند. برای این که شما هم نرنجیده باشید خصوصیت می‌کنند و این مسئله خیلی بداست. واقعاً اگر اعلیٰ حضرت با سفارت روس عالم یک‌جهتی را به میان آورده، بایستی کلیتاً نقشه و اقدامات خودشان را در سیاست بفرمایند. چنان‌چه همین مسئله سابق‌الذکر البته به مسکو مذاکره خواهد شد و برای اعلیٰ حضرت خوب نیست این‌طور جلوه گر شود. دو روز قبل

از گرفتاری قوام‌السلطنه، شرح حال را به مسکو تلگراف نمودم و در ضمن نوشتم اعلیٰ حضرت مستوفی‌الممالک را احضار و مشغول مشورت و مصلحت می‌باشند و این مسئله هم برای این بوده که وزیرجنگ هر اقدامی می‌کند این طور شهرت می‌دهد که میل و رضایت ملت را انجام می‌دهم. ما برای این که به مرکز ثابت کنیم دروغ می‌گویند و همچنین دوستان وزیرجنگ که در مسکو هستند توانند شبهه و مغلطه‌ای به کار بزنند، این تلگراف را مخابره نمودیم که تفکیک بین ملیون و وزیرجنگ شده باشد که بدانند عقاید و کارهای وزیرجنگ برخلاف میل ملت ایران است و همچنین اعلیٰ حضرت در این موقع با مستوفی‌الممالک که طرف اطمینان دولت روسیه هم می‌باشد و طرف اطمینان ملت ایران است طرف مشورت اعلیٰ حضرت واقع شده و حالیه خوب است اعلیٰ حضرت مستوفی‌الممالک را بخواهند و با ایشان در این موضوع مصلحت بفرمایید لازم است و مجدداً همین مسئله را به مسکو تلگراف می‌کنم که آن‌جا بدانند با مستوفی‌الممالک که طرف اطمینان آنها است رجوع می‌فرمایند. اگر دیگران بخواهند شباهی به کار بزنند و اعلیٰ حضرت را در نظر مسکو بداخللاق و راستگو قلم بدهند، به خرج بروند.<sup>۷۲</sup>

مسئله دیگر، از قراری که شنیدیم در این دو سه مرتبه اخیر که وزیرجنگ آمده خدمت شاه و تکلیف نموده اعلیٰ حضرت بروند فرنگ، بلکه اظهار داشته که: من حاضرم حقوق یک‌ساله دربار را از وزارت جنگ به‌طور مساعده بدhem که اعلیٰ حضرت با کمال آسایش بتوانند تشریف ببرند و اختیارات تامه هم به من بدهند. همچنین دستخط ریاست وزرایی را مرحمت فرمایند کارها را به‌طور خوبی انجام خواهم داد و این مسافرت هم برای اعلیٰ حضرت بسیار خوب و به‌جا است و شاه هم قبول این پیشنهاد وزیر جنگ را نموده؛ این مسئله حقیقت دارد یا خیر؟ از جمله در این دو روزه اظهارات وزیر جنگ این بوده که از قدیم‌الایام تا کنون

۷۲. به نظر می‌رسد در جمله سهی رخ داده است. شاید منظور این بوده است:  
...اعلیٰ حضرت را در نظر مسکو بداخللاق و دروغ گو قلم بدهند به خرج نزود.

اشخاصی که زمامدار بودند، توانستند یک قدم برای خدمت به ملت ایران بردارند. و تمامش را به این آب و خاک خیانت کردند و ابدآ تصور نمی‌کنند در ایران بتوان دارای خط‌آهن بود و انجام این مسئله را از جمله محالات می‌دانند. امیدوارم از دارایی سردار اقدس<sup>۷۳</sup> و همین قوام‌السلطنه من بتوانم اگر یک فرصت راه‌آهن شده بکشم که بدانند می‌توان خدمتی به ملت ایران نمود. این مطلب را هم به شاه عرض کنید.

مسئله دیگر از قراری که شنیدم در این دو جلسه<sup>۷۴</sup> اخیر که وزیر جنگ خدمت شاه آمد، اظهار داشته صلاح بر این است. تشریف ببرید به اروپا و مصلحت اعلیٰ حضرت را بر این دیده، بلکه وعده و قول صریح داده از بابت ماهی چهل هزار تومن حقوق دربار چند برج به طور مساعده وجه حاضر نموده به اعلیٰ حضرت بدھند که شاه به طرف فرنگ حرکت نماید و اعلیٰ حضرت هم مقاعده شده، قبول این پیشنهاد وزیر جنگ را نموده. این مطلب را هم تحقیق نماید. زیرا که این مسئله را خیلی لازم است مطلع باشیم. به واسطه این که در سیاست تغیر پیدا می‌کند، تشریف داشتن شاه در ایران با حرکت به اروپا. مطلب دیگر من این است: وزیر جنگ به واسطه استعمال قوه قشون و نظام، نمی‌تواند سیاست خودش را مجری کند. زیرا که در این موضوع اگر می‌توانست و از پیش می‌رفت، در دو ماه قبل اوایل محرم این خیال را داشت و می‌خواست کودتا کند. در این مسئله کاملاً خاطر مبارک شاه مطمئن باشد. ما جلوگیری کردیم و باز هم مانع [هستیم] و جلوگیری می‌نماییم. از این خیال خام که به هیچ وجه من الوجه پیشرفت ندارد منصرف است. فقط یگانه راه که برای خودش اتخاذ کرده، می‌خواهد از مجرای سیاست داخل در پیشرفت مقاصد خودش بشود مثلاً با میلیون سازش کند و از ارباب نفوذ خصوصیت نماید و یکی دو نفر از اشراف را حبس و بدنام کند. شاه را گاهی به تحیب و گاهی به تهدید بترساند، اختیارات تامه بگیرد. در واقع عین مقاصد خودش را انجام داده باشد، بدون این که پای قشون و نظام و

کودتا را به میان آورده باشد. پس در این صورت وقتی قوه قضائیه و نظام از بین رفت، فقط مجرای سیاست کار می‌کند. شاه می‌تواند از مجرای سیاست داخل در عملیات شده، جلوگیری از اقدامات او بکند و ما هم همراه بوده و می‌باشیم. این مطالب را به شاه عرض کنید که یگانه راه، با ملیون ساختن و همراه کردن آنها است.

مسئله دیگر، از قراری که شنیده می‌شود اوضاع خود دربار چندان منظم نیست و از اجزای شاه و عمله جان خلوت و از اشخاصی که اطراف اعلیٰ حضرت هستند خیلی بد شنیده می‌شود. گذشته از این که مردمان عوام بی‌اطلاعی هستند، تحریب در امورات شاه می‌کنند و هر کدام با یک دسته از مردمان دوستی دارند و قدمی بر منفعت آقای خودشان برنمی‌دارند. خنده داد و اظهار داشت: چه خوب است شما در دربار کودتا کنید. اجزای نامناسب را از اعلیٰ حضرت دور کنید. یعنی خود شاه این اقدام را بفرمایند. مذاکرات و صحبت‌های مسیو والدین تمام شد. صحبت‌هایی که خود من نمودم به قرار ذیل است: اولاً در موضوع گرفتاری قوام‌السلطنه و مذاکراتی که مردم می‌نمایند و شهرت دارد و قبلًا خودتان اظهار داشتید. شما قوام‌السلطنه را داخل در این نوع اقدامات و آنتربیکها می‌دانید یا خیر و اگر می‌دانید، آیا ولی عهد را هم می‌دانید و او با این عقیده و خیال همراه بوده و یا خیر؟ و اگر او را هم همراه می‌دانید شاه را از این وقایع مطلع می‌دانید یا خیر؟

جواب دادند: ابدآ نمی‌توانم در این موضوع اظهار عقیده و رأی نمایم. در قدم اول، اقدام قوام‌السلطنه را نمی‌توانم تصدیق کنم. دیگر چه طور می‌شود در سایر مسائل اظهار عقیده نموده باشم. اما در انتظار مردم و مذاکره، این صحبتها عقاید سفارت را نسبت به اعلیٰ حضرت مست می‌نماید و تردید پیدا می‌شود. چنان‌چه قبلًا عرض کردم و دولت روسیه سوءتفاهم حاصل نکند البته مانهایت اطمینان را از شاه داریم. [من گفتم]: ولی باز هم چه خوب است مقصود بالاصاله را بیان فرمایند که اصلاح دربار را همان‌طور که شرح بی‌انتظامی آنرا دادید راه

اصلاح آنرا هم بفرمایید.

جواب داد: ما عقیده داریم شخص کامل بالاطلاعی را وزیر دربار کنند. بنده دیدم نظر به این که از آقای مستوفی الممالک راضی هستند عنوان کردم به آقای مستوفی الممالک عقیده دارید وزیر دربار شود؟ جواب داد: خیر. ما دارای این عقیده نیستیم. بلکه تصور می‌کنیم اگر ایشان وزیر دربار شود، شب و روز اوقات خودش را صرف اختلافات دربار کند و از هر کاری باز می‌ماند. فقط اعلیٰ حضرت باشتن از او استفاده‌های مهمتری بگیرد و در کلیه امورات مملکتی طرف شور و مصلحت باشد. جواب دادم: پس عقیده شما نسبت به کی خواهد بود؟

اظهار داشت: در دربار دوکار مهم هست یکی وزارت دربار یکی دیگر ریاست کابینه. اعلیٰ حضرت و ما بیش از دو نفر لایقر سراغ نداریم که نسبت به شاه هم خدمت‌گزار باشند. یکی خود جناب عالی هستید یکی دیگر هم صاحب اختیار است. این دوکار را خوب است اعلیٰ حضرت بین شما دو نفر تقسیم نماید.

بنده جواب دادم: من خود را لایق نمی‌دانم و ابدآ همچو خیالی هم نداشت و ندارم. ولی از حُسن ظن و دوستی شما نهایت تشکر را دارم. در این موقع نگاه به ساعت کرده، اظهار داشتم یک ساعت بیشتر به ظهر باقی نمانده، بنده الآن می‌روم به صاحبقرانیه، مطالب شما را به اعلیٰ حضرت همایونی عرض خواهم نمود. حضرات از جا برخواسته و رفته‌اند.

بنده سوار درشکه شده، به‌طرف صاحبقرانیه رفت، نیم ساعت بعد از ظهر وارد صاحبقرانیه شدم. والاحضرت اقدس ولی عهد در حضور اعلیٰ حضرت مشغول خوردن ناهار<sup>۷</sup> تقریباً یک ساعت به غروب مانده خلاصه پیغامات مسیو والدین را در موقعی که جلوی صندوق خانه شاه ایستاده بودند عرض کردم. به این معنی که خود اعلیٰ حضرت بنده را صدای زده و فرمودند: حضرات را در این روزها ندیدید؟

جواب عرض کردم: همین امروز تا قبل از ظهر منزل غلام بودند. مطالب را عرض کردم، ولی در ضمن به اعلیٰ حضرت عرض کردم: روسها خیلی بی‌ربط هم حرف می‌زنند. چندان به حرف آن‌ها نباید اعتماد کرد. بلکه بنده و شاه خنديديم و اعلیٰ حضرت هم تصدیق فرمودند. پس از استماع فرمودند: اولاً در موضوع دستورات سفارت انگلیس به وزیر جنگ که عقاید شما بر این است که تمام رفتار و اقدامات وزیر جنگ به نقشه سفارت انگلیس است، بر خود من هم پوشیده و پنهان نیست. کاملاً مطلع و مستحضرم که وزیر جنگ نوکر آنهاست. هر چه را که میل آنهاست او انجام می‌دهد. این مسئله را خاطر جمیع باشید و به هیچ وجه شباهای ندارم و مطلعم و بلکه بیشتر از آن‌چه که شما می‌دانید من عقیده دارم.

و اما در مسئله گرفتاری قوام‌السلطنه و این صحبتها که نسبتش را به او می‌دهند بلکه می‌گویند پای ولی عهد هم به میان بوده و شاید من خبر داشته باشم. لازم است خاطر شما را مستحضر نمایم از قراری که اظهار می‌دارید واقعه این مطالب در صورت صحت در موقعی بوده که قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء بوده و من در فرنگ بودم و ولی عهد در تهران نیابت داشته، می‌گویند این اقدامات شده بوده، نسبت اطلاع هم کسی به من نمی‌دهد. اصلاً این مذاکره هم بی‌ربط است. در خصوص ولی عهد اگر صحبتی کنند من می‌توانم صریحاً به شما قول بدهم که به هیچ وجه من الوجهه ولی عهد از نوع مذاکرات و آنتریک و دسته‌بندیها اطلاعی نداشته، ندارد و به کلی در باره‌ای این مطلب صورت خارجی پیدا نمی‌کند و به کلی در باره‌ای عهد و قرع همچو خیال و عقیده‌ای را تکذیب می‌کنم و نهایت اطمینان را هم از طرف او دارم. راجع به قوام‌السلطنه آن‌چه را که از ترتیبات عقل و شعور قوام‌السلطنه استنباط می‌کنم این مسئله را خیلی بعيد می‌دانم که او داخل در همچو پروپاگاندی بشود و یک همچو اقدام غلطی بنماید. بلکه خیلی متغير و متوجهم که چه گونه عقل و اطلاعات قوام‌السلطنه اجازه می‌دهد که یک همچو اقدامی بکند و از طرفی هم نمی‌توانم اطمینان پیدا کنم که در باره‌ای قسم یاد نمایم. چیزی

که هست از قرار که اظهار می‌کنند: این اقدام در شانزده ماه قبل بوده چرا تا کنون به محل بروز و ظهور نرسیده؟ عیناً همان حکایت مشارالملک و ظهیرالاسلام<sup>۷۵</sup> است. این همان ظهیرالاسلام است که در آن تاریخ بدناست بوده و بعضی نسبتها به او می‌دادند و حبس نموده بودند چرا حالاً دوست صمیمی حضرات شده و بعد از رفتن مشارالملک مطلب معلوم شد که اظهارات حضرات از درجه اعتبار ساقط بوده حالاً من نمی‌توانم دارای یک عقیده بشوم و خود را یک طرفی کنم که آباق قوام السلطنه داخل بوده و همچو قصدی داشته یا خیر؟ دلایلی به دست ندارم بلکه دلایلی برای رد کردن آن می‌توان تصور کرد. خدا می‌داند. و اما در مستعلمه دوستی و یک جهتی من با شما تصور می‌کنم محتاج به دلیل و برهان دیگر نباشد و ابدأ نقشه‌ای ندارم و مشغول نقشه‌کشی هم نبوده و نیستم که از شماها پنهان باشد. خصوصاً در این ایام به طوری اوقات من تلغخ است که به هیچ عنوان نمی‌دانم تکلیف من چیست؟ و ابدأ راه فکر و خیالی برای من باقی نگذاشته‌اند که بتوانم خیالی کنم. کلیتاً میانه من با انگلیسها بر هم خورده و رابطه من با آنها از هم گسیخته شده و دیگر اطمینانی به آنها ندارم. فقط امیدواری من به سفارت روس است. شما باید مشغول نقشه‌کشی باشید که چه باید کرد و به چه راهی باید اصلاحات امورات را نمود. هر روز دچار<sup>۷۶</sup> یک اشکالی می‌شوم. یک روز می‌رود به اصفهان یک روز می‌گویند کودتا می‌کند. روز دیگر مانور می‌دهد. روز دیگر حکایت قوام السلطنه را به میان می‌آورند و پایی عهد را به میان می‌آورند. یک روز مانع از رفتن ولی عهد می‌شوند که به آذربایجان نزود. باید منتظر شد فردا چه قصد و خیالی را دارد. در این موقع وزیر مختار رفته است به مسکو.

در این موقع بنده حضور اعلیٰ حضرت عرض کردم: شما خوب است به انگلیسها قرار قاطعی بدھید که آنها چه می‌خواهند و چه مقصودی دارند. هر چه را می‌خواهند از خودتان تمنا کنند و قول به آنها بدھید که

.۷۵. ر.ک. به پانویس ۶۷

.۷۶. اصل: دوچار

محاج به دیگری نباشند.

جواب فرمودند: آنها همین وزیر جنگ را می‌خواهند الان کار وزیر جنگ به جایی رسیده که قادرتش از ناصرالدین شاه بیشتر شده.

جواب عرض کرد: زیاد هم به خیال نروید و خود را در وحشت نیندازید که خود وحشت خیلی بد است و قدری دلداری به شاه دادم. بعد فرمودند: در موضوع مستوفی‌الممالک بگویید: این مسئله برای شما سوءتفاهمی حاصل ننماید. من نهایت ضایت و اطمینان را به شخص مستوفی‌الممالک دارم و خیلی نسبت به او عقیله دارم. به قول ایرانیها من او را پیراهن تن خود می‌دانم. در موقعی که زمام‌دار بود و به من نسبت می‌دادند که با او بی‌میل هستم و مایل استعفا بدهد، بلکه اسبابش را خود من فراهم کردم و کمک در استعفای او نمودم این مطلب را به کلی تکذیب می‌کنم دروغ است. خود وزیر جنگ همه روزه می‌آمد شکایت می‌کرد و برای استعفای او اسباب چیزی می‌نمود؛ ابداً مایل نبودم. البته باز هم می‌فرستم عقب او و در امورات از او مصلحت خواهم نمود و کمال اطمینان را هم دارم. در مسئله آمدن وزیر جنگ پیش من و تکلیف رفتن فرنگ که می‌گویند مرا مقاعده نموده، این طور نیست. دو سه مرتبه اخیر صحبت رفتن فرنگ به طور خیلی ساده به میان آمد ولی تصمیم گرفته نشده و در جزئیات آن ابداً صحبتی به میان نیامده که بتوانم خاطر شما را مسبوق نمایم فقط دو مرتبه صحبت اروپا شد در ضمن مذاکرات، بدون این که رأی قطعی گرفته شود. در مسئله این که باید به قوه سیاست کار کرد البته تصدیق می‌کنم همین طور است. فعلًاً مطلب همان است که قبلًاً گفتم. خود من فعلًاً نمی‌توانم فکری بکنم و خیالم راحت نیست شما بهتر می‌توانید تفکر نمائید.

شب را از صاحقرانیه به شهر آمده، فردای آن روز ساعت دوازده ظهر مسیو والدین و میرزا عبدالحسین خان آمدند منزل بنده. مختصرًا بلکه خیلی مختصر فرمایشات شاه را بیان کردم. چون بچه‌هایم می‌خواستند بروند به فرنگ و کار داشتم، چندان خود را برای استماع صحبت آنها

حاضر ننمودم. بعد از چند دقیقه برخاسته و رفتند. فقط مسیو والدین بعد از پیغام اظهار داشت: در این دو روزه وزیر جنگ همان طوری که ما می خواستیم بکنیم او مشغول است. جواب دادم: شما چه کار می خواستید بکنید؟

جواب داد: خیال زمام افکار ملت را به دست گرفته باشیم. حالا او عملأ مشغول شده است. بنده گفتم: مثلاً چه طور داخل شده؟ جواب داد: با دسته سید ضیاء اظهار موذت می کند. من گوید: من می خواهم سید ضیاء را بیاورم. با دسته وثوق الدوله خصوصیت می کنند. من گوید: من مایلمن وثوق الدوله باید رئیس وزرا شود و کاینه تشکیل بدهد، با میلیون اتحاد می کند. من گوید: من می خواهم اسبابش را طوری فراهم بیاورم که مستوفی الممالک رئیس وزراء شود و با علما پای یک جهتی را به میان می آورد، اظهار می دارد من می خواهم دین و شریعت را ترویج کنم و همچنین دوستانش در این شهر مشغول این نوع پروپاگانده هستند و مردم را می خواهند گول بزنند. تفصیل وزیر جنگ از این قرار است. برخاسته، خدا حافظی کرده رفتند.

در تاریخ عصر یوم چهارشنبه شش ربیع الاول [۲۴ مهر] ۱۳۴۲  
اعلی حضرت همایونی بنده را احضار فرموده که از سفارت روس چه خبر دارید؟ جواب عرض شد: اطلاعی ندارم. فرمودند: بروید سفارت از قول من احوال پرسی کن و بگو: اولاً از وزیر مختار چه خبر دارید و کی می آید؟ ثانیاً این مسئله را به طور رمز به مسکو تلگراف کنید که انگلیسها در مسکو مفترش دارند و از اقدامات شما با اطلاع و باخبر هستند در کارهای خودشان هشیار باشند.

بنده عرض کردم: تصور می فرمائید در کجا و در کدام یک از ادارات خودشان انگلیسها مفترش دارند؟ فرمودند: تصور می کنم در وزارت امور خارجه یا در دربار خودشان باشد. باید بی خبر نباشد.

مسئله دیگر، بگو من به کلی از انگلیسی ها مأیوس و ناامیدم و میانه ای ندارم بلکه روابط خود را تقریباً قطع نمودم. فقط امیدوار به دوستی

وصمیمیت شما می‌باشم. ما را رفیق بین راه نگذارید. مستله دیگر در جریده طوفان در شماره ۲۱۰ که مورخه سه شنبه پنجم شهر ربیع الاول [۲۳ مهر] درج شده، در صفحه سوم در ستون دوم جزو اخبار بی‌سیم مسکو نوشته و به عنوان کشف توطئه در طهران در موضوع گرفتاری قوام‌السلطنه و حبس او در اداره قشون شرحی نوشته. من جمله این عبارت را درج کرده: مقصود برداشتی وزیر جنگ بوده. این توطئه و بنابر مدارکی که از تحقیقات به دست آمده بعضی از منصب‌داران عالی داعیان درباری در توطئه شرکت داشتند. در صورتی که بی‌صیم مسکو مطالبی را که می‌دهد باید بالاطلاع سفارت روس باشد، چه گونه این مستله را ملتفت نشدید و درج کردید؟ تصور می‌کنم مترجم اشتباه کرده باشد و بد ترجمه کرده است. مطلب دیگر در همین ستون می‌نویسد: به عنوان وضعیت کایenne طهران در محافل سیاسی طهران وضعیت کایenne را فوق العاده بی‌ثبات می‌شمارند و تصور می‌کنند که کایenne در آتیه نزدیک سقوط خواهد کرد. برای کاندیدهای مقام ریاست وزرا رضاخان وزیر جنگ را می‌نامند و از قرار که می‌گویند تحويل حکومت به وزیر جنگ بدون هر گونه کودتایی که جراید طهران اخیراً با کمال حرارت در اطراف آن قلم فرسایی می‌کردند انجام خواهد گرفت. درج این مطلب در روزنامه مناسب نبود. همچو می‌فهماند که روسها هم با وزیر جنگ همراه هستند. تصور می‌کنم درج کردن و نوشتمن این مستله صلاح نبود. از حضور اعلیٰ حضرت همایونی مرخص شده آدمد به شهر.

روز پنج شنبه هفتم شهر ربیع الاول [۲۵ مهر] ساعت هشت صبح تلفن نمودم به سفارت. مسیو والدین نایب شرق آمد منزل بندۀ، شرح فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را بیان نمودم. جواب داد: در مستله مقتش انگلیسها در مسکو که اعلیٰ حضرت فرموده‌اند و سفارت روس را با خبر و بالاطلاع نمودند نهایت تشکر را داریم. اما استدعا داریم اگر اطلاعات کاملتر از این دارند بفرمایند. زیرا که نمی‌شود سوء‌ظن در باره تمام مستخدمین حاصل نماییم. چه خوب است هر قدر بتوانند ما را به راه

راست تری راهنما شوند که مفترش را بشناسیم و اسم او را بدانیم. البته اعلیٰ حضرت همایونی اخبار صحیحی [که] دارند التفات کنند که سفارت بتواند اقدامی نموده و به مسکو تلگراف نماید. در مسئله قطع رابطه خودشان با انگلیسها و در ضمن اشاره نمودند که سفارت روس و دولت رفیق بین راه نباشد. این مطلب را اعلیٰ حضرت همایونی خاطر جمع باشند. همان طوری که قبل از قرارداد شده، قصوری نخواهد شد. ما هم می‌توانیم این مسئله را بیان کنیم اعلیٰ حضرت همایونی ما را رفیق بین راه نگذارند. در هر صورت نهایت خاطر جمعی را به اعلیٰ حضرت بدھید که خاطر میارکشان اطمینان داشته باشد. راجع به مسئله توطه‌ای که نسبت به قوام اسلطنه داده‌اند و در روزنامه طوفان درج شده، مطلب همان است که خود اعلیٰ حضرت همایونی فرمودند. مترجم اشتباه کرده و بد ترجمه کرده که منصب داران و اعیان در باری را اسم برد، این اشتباه است.

در موضوع وضعیت کاینه و حکومت و زمامداری رضاخان وزیر جنگ که در جریدة طوفان نوشته شده، در جزو مطالب و اخبار بی‌سیم مسکو، البته از خاطر مبارک اعلیٰ حضرت همایونی محظوظ نشده که چندی قبل مصلحت و مشورت نمودیم و قرار شد ظاهرآ با وزیر جنگ خصوصیت و اظهار همراهی نمود و باطنآ مشغول انجام کارهای خود باشیم. این مسئله را نظر به همان قرارداد و اغفال کردن وزیر جنگ بوده و نوشته شده. به همین دلیل که اعلیٰ حضرت فرمودند: شبهه می‌شود و تصور می‌کنند که دولت روسیه با وزیر جنگ همراه است همین خیال را خود او هم می‌کند و دارای این عقیده می‌شود که سفارت روس با او پای دوستی به میان آورده و ما دارای همان عقیده هستیم که قرار بوده و مشغول کار خودمان خواهیم بود. درج این مطلب نافع بوده. صحبت تمام شد و دو ساعت قبل از ظهر از منزل بنده رفت.

بنده به صاحبقرانیه رفته، مطالب را حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض نمودم. فرمودند: جواب می‌دهم. روز پنج شنبه را فرصت نکردن جواب بدھند. روز جمعه را هم بنده شهر بودم.

روز شنبه نهم ربیع الاول ۱۳۴۲ [۲۷ مهر] چهار ساعت قبل از ظهر مجدداً مسیو والدین با میرزا عبدالحسین خان مترجم آمدند منزل بنده و مطالب ذیل را اظهار نمود: اولاً - سئوال نمود: حضور اعلیٰ حضرت همایونی شرفیاب شدید، مطالب بنده را عرض کردید؟ بیان واقع را اشعار داشتم که تاکنون فرصت نشده زیرا که روز پنج شنبه اعلیٰ حضرت وقت نداشتند. روز جمعه را هم بنده نرفتم بالا، به واسطه این که روز تعطیل بوده. الساعه خیال رفتن به صاحقرانیه را داشتم. عنوان نمود از اعلیٰ حضرت جویا شوید وزیر جنگ باز دنباله ریاست وزرایی خودش را دارد و در خواست دستخط می‌نماید که بدھید یا بخیر؟ و در خارج شهرت دارد که مشغول زمامداری می‌باشد. رأی اعلیٰ حضرت در این خصوص چیست و چه عقیده دارند و چه تدبیری فرموده‌اند؟

مسئله دیگر، البته در این ایام انگلیسها و سردار سپه نقشه‌ای در پرده دارند و مشغول کار و انجام مقصد خودشان هستند و ما هم مشغول کشف قضیه می‌باشیم که بدانیم تازگی چه کار می‌کنند. اما اعلیٰ حضرت باید تا اندازه‌ای مسبوق و مستحضر باشند. زیرا که وزیر جنگ همه روزه می‌آید خدمت شاه. البته از صحبت‌های او می‌توان فهمید چه مقصود[ای] در نظر گرفته‌اند. در مذاکرات سردار سپه با خودشان بفرمایند که مطلب را بفهمیم. مسئله دیگر چند روز قبل وزیر مختار امریکا<sup>۷۷</sup> پیش وزیر جنگ بوده، در ضمن مذاکرات اظهار داشته: از قراری که شنیده می‌شود، حضرت عالی خیال داشتید در طهران کودتا بی کنید. این مسئله خیلی بی‌ربط بوده. چنان‌چه اقدام در این امر می‌کردید یا بعدها همچو اقدامی نمایید، دولت امریکا شما را به رسمیت نخواهد شناخت. بنده به مسیو والدین گفتم: این مسئله حقیقت دارد. همچو صحبتی فی‌مایین وزیر مختار امریکا و وزیر جنگ شده؟ جواب داد: عین صحبت بدون کم و زیاد شده. مخصوصاً به اعلیٰ حضرت عرض کنید مطلع باشند.

۷۷. در آن هنگام وزیر مختار امریکا در ایران ژوژف کورنفلد بود که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ش در تهران به سر می‌برد.

مسئله دیگر، وزیر جنگ اسمعیل خان نام را به مسکو مأمور کرده که مذاکراتی در مسکو نموده پروپاگاندایی بنماید و به دولت روسیه خودش را وطن‌پرست، ملت‌دوست و خادم دولت روسیه قلمداد نماید. مدتهاست این مسئله خان در مسکو مشغول کار می‌باشد بلکه می‌خواهد به خرج بددهد تمام ملت ایران به جان و دل وزیر جنگ را می‌خواهند. وزیر جنگ با دولت دوستی دارد و می‌خواهد مقام اتحاد و یک جهتی خودش را نسبت به دولت روسیه بیشتر نموده باشند و من مخصوصاً برای همین مأمور شدم آمدم به مسکو که مطالب را حالی و خاطرنشان نمایم. از این قبیل صحبتها در مسکو می‌کند و مشغول پروپاگاند است؛ چنان‌چه وزیر جنگ هم در اینجا کمال اطمینان را پیدا کرده. مطالب را به شاه عرض کنید.

بنده جواب دادم: البته در مسکو از سفارت خودشان سئوالاتی خواهند نمود و از تمام مطالب مطلع و مستحضر خواهند بود چگونه می‌شود اسمعیل خان بتواند مغلطه و شباهی به کار بردا که به هیچ وجه من الوجه صورت خارجی نداشته باشد. شما هم خوب است جلوگیری نموده باشید. خصوصاً حالا که وزیر مختار در مسکو است. البته تمام مطالب را حالی نموده و شرح مقدورات ایران و اقدامات وزیر جنگ را مفصلآ خاطرنشان کرده. باز هم تا وزیر مختار حرکت نکرده این مسئله را اشاره کنید که جلوگیری از اقدامات و پروپاگاندایی اسمعیل خان کند. جواب داد: البته اقدامات خودمان را نموده و باز هم مشغول هستیم. خوب است اعلیٰ حضرت هم از این قضیه مسبوق باشند و به مشاورالمالک رمزاً تلگراف کنند و از مطلب مسبوقشان نمایند که او هم جلوگیری کند. برای فلجه کردن خیالات وزیر جنگ خیلی خوب است.

مسئله دیگر وزیر جنگ در طهران شهرت داده من می‌خواهم قوام‌السلطنه را تحت استنطاق درآورم و جمعی از ملیون را در آن مجلس حاضر کنم که به طور خوبی همه مستحضر باشند از توطنه. شاه نمی‌گذارد و اصرار دارد که او را بفرستند فرنگ و این مسئله هم برای این است که

چون پای ولی‌عهد در این توطئه به میان بوده، شاه نمی‌خواهد مردم مستحضر شوند. فعلاً وزیر جنگ در میان مردم این شهرت را داده که شاه را بدnam کند. عرض کنید که مسبوق باشند. در این موقع بنده به ساعت نگاه کرده، مسیو والدین اظهار خجلت نمود که ما خیلی اسباب صدمه برای شما فراهم می‌کنیم و عذر می‌خواهیم وقت شما را گرفتم. برخاسته، خدا حافظی نموده، رفتند.

بنده رفتم به صاحبقرانیه. در موقعی که اعلیٰ حضرت مشغول راه رفتن بودند، بعد از ناهار صحبتهای مسیو والدین را همیان طور که اظهار کرده بود حضور شاه عرض کرد. اعلیٰ حضرت فرمودند: برویله سفارت از قول من احوال پرسی نموده، بگو وزیر جنگ در این چند روزه اخیر هر چه را که پیش من آمد، بیشتر از مذاکرات راجع به قوام‌السلطنه بوده که او را استخلاص نموده باشیم.

البته از واقعه ظهیرالاسلام و مشارالملک کاملاً و به طور خوبی خاطر شماها مسبوق است. در صورتی که نسبت به ظهیرالاسلام در حبس آنطورها حرکت کردند و آنچه را که خودشان مایل بودند او بگویید که اقرار او سند باشد، در حبس آب جوش روی شکم او ریختند و مطالبی را که میل خودشان بود تلقین او می‌کردند که اظهار کند. شخص من می‌دانم که این گرفتاری قوام‌السلطنه بی‌ربط و او بی‌قصیر است، اما احتیاط کردم که همان اقداماتی را که در باره ظهیرالاسلام در محبس کردند در باره قوام‌السلطنه نکنند که او هم از روی ناچاری و بنابر میل طرف صحبتهایی که سوءتفاهم بشود نسبت به ولی‌عهد بنماید و این مسئله اسباب بدnamی بشود، اقدام در استخلاص او نمودم و همچنین مشیرالدوله هم از همین نقطه نظر اقدام نمود. مقصود این است در ملاقاتهای وزیر جنگ مذاکرات از این قبیل مسائل بوده و صحبتهای دیگر به میان نبوده اما راجع به نقشه انگلیسها با سردار سپه سوال نمودند، فعلاً چیزی که تازگی داشته باشد نفهمیدم و اما راجع به فرستادن اسماعیل خان به مسکو و پروپاگاند نمودن، خوب شد مرا مستحضر نمودید البته باید مشاورالممالک را مطلع نمود.

(در بین همین صحبت، اعلیٰ حضرت کتابچه کوچک که برای یادداشت در جیب خودشان داشتند درآورده، همین مسئله اطلاع و دستور به مشاورالممالک را یادداشت فرمودند).

روز یکشنبه دهم ربیع الاول [۲۸ مهر] از صاحبقرانیه به شهر آمده، فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را به مسیو والدین نایب شرق اظهار داشته، یعنی در منزل خود بنده که در ساعت ۶ بعد از ظهر که یک ساعت از شب گذشته باشد، مدت یک ساعت مشغول صحبت بودیم.

روز دوشنبه یازدهم ربیع الاول [۲۹ مهر] ساعت از شب گذشته، از قصر صاحبقرانیه اعلیٰ حضرت همایونی تلفن فرمودند: فردا سه ساعت قبل از ظهر بیایید به صاحبقرانیه. عرض کردم اطاعت می‌نمایم. مجدداً بعد از چند دقیقه تلفون فرمودند: برای سه ساعت قبل از ظهر باید در صاحبقرانیه حاضر باشی. جواب عرض کردم: البته در ساعت مقرر حاضر خواهم بود. حسب الامر بلکه نیم ساعت هم زودتر در صاحبقرانیه حاضر شده، فوراً پیغام فرستادم اندرون حاضرم. بلافضله اعلیٰ حضرت همایونی از اندرون بیرون تشریف آوردند و بنده را در اطاق احضار فرمودند که الان می‌روید به فوریت سفارت روس، مطالب مرا بگو جواب بیاور زیرا که وزیر جنگ سه ساعت بعد از ظهر می‌آید پیش من. بایستی بروی به شهر جواب بیاوری که قبل از آمدن وزیر جنگ بیاید.

عرض کردم: درشكه حاضر نیست. فرمودند: اتومبیل وزیر دربار را سوار شوید و بروید و برگردید. عرض کردم: اطاعت می‌نمایم. فرمودند: بروید سفارت از قول من بگو: من تصور می‌کردم همان طور که با من معاهده کردید و قرار گذاشتید، بر سر قول و عهد و پیمان خودتان باقی هستید. حالا معلوم می‌شود وزیر جنگ شما را هم گول زده و اطمینان داده که شما را با خودش همراه و هم عقیده نموده در این دو روزه مشیرالدوله استغفا نمود و وزیر جنگ هم مرا ناچار کرده است ریاست وزرایی را به او بدhem. خیلی فشار آورده و این فشار را از هیچ راهی من نمی‌دانم مگر به اطمینان شما زیرا که خودم حس می‌کنم شما هم سست شده‌اید. وزیر

جنگ پیش شما هم شبهه و مغفله به کار برده و متلاعنه شدید. اما به شما می‌گوییم و بعدها عملآ خواهید دید. هر قدر قدرت او زیاد شود، اسباب تضعیف شما و سیاست دولت روسیه در ایران فراهم‌تر خواهد بود و بعدها تجربه خواهید کرد. فعلآ سردار سپه کار را به جایی رسانیده که ناچار تمثیل کاینها را به عهده او واگذار نمایم. زیرا که شخص من نمی‌توانم با او طرفیت نمایم و تاب مقاومت ندارم. اگر من بخواهم هزار تومان خرج کنم او ده هزار تومان خرج می‌کند. قوه و قدرت هم در دست است. چاره‌ای جز تفویض زمامداری به او نیست، زیرا که از شما ملاحظه می‌کرد، حالا اطمینان پیدا کرده. در سه چهار روز قبل ۶ ساعت تمام شارژ‌دافر آپرسف پیش وزیر جنگ بوده، ناچار در همین موضوع صحبت می‌کردند و همه روزه مشغول می‌بینندگ دادن است و روزنامه بی‌سیم مسکو که شرحی در چند روز قبل نوشته بود که پیغام دادم. همان هم دلالت به همراهی شما می‌کرد و همچنین سوسیالیستها هم برای اینکه داخل در کاینها او شده و وزیر شوند با او همراه و هم عقیده شدند. در هر صورت مطالب همین است که گفتم ولی مسئله عده این است پس از آنکه دستخط زمامداری به وزیر جنگ دادم به هیچ وجه من الوجوه نمی‌توانم در ایران بمانم. در ظرف هفت الی هشت روز حرکت نموده، به اروپا خواهم رفت و نقشه من این خواهد بود. زیرا که یک ساعت نمی‌توانم در ایران توقف نمایم. موقعی که وزیر جنگ، رئیس‌الوزراء باشد این مسئله غیرممکن است. حالا شما نظر دیگری دارید یا با من هم سلیقه هستید؟

فوراً سوار شده، آدم شهر فرمایشات اعلیٰ حضرت همایونی را به مسیو آپرسف شارژ‌دافر در موقعی که مسیو والدین نایب شرق و مسیو چایکین مترجم اول سفارت حضور داشتند بیان کردم. شارژ‌دافر جواب داد: به اعلیٰ حضرت عرض کنید: سفارت و دولت روسیه برخلاف تعهدات خودش نسبت به اعلیٰ حضرت رفتار نخواهد نمود. ابداً مخالفت در اتحاد و دوستی نداشته و نخواهد داشت. همان رویه‌ای را که داشتیم و با

شاه هم عقیده بودیم حالیه هم بدون کم و زیاد داریم. در موضوع استعفای مشیرالدوله می فرمائید، البته مشیرالدوله ناچار است استعفا بدهد زیرا که تمام طبقات مردم از او ناراضی هستند و همه از او شاکی می باشند و هیچ کاری در کابینه او خاتمه پذیر نبوده، اعمال و افعال او اسباب دلتنگی را فراهم نموده. البته وزیر جنگ بر علیه او اقدامات نموده ولی مطالب صحیح را اظهار می نماید سفارت روس به کلی بی طرف بوده نه برله او و نه برعلیه او اقدام نموده و به کلی کناره گیری اختیار کرده و همچنین سوسيالیستها؛ و خاطر مبارک اعلی حضرت مسیو باشند. این که فرمودند در سه چهار روز قبل من ۶ ساعت پیش وزیر جنگ بودم به کلی بی اصل و دروغ است. هر کس این مطلب را حضور شاه عرض نموده، مقصودش دو چیز بوده، اولاً: اشخاصی را که عقیده داشتند به واسطه همراهی نکردن دولت روسیه، وزیر جنگ به فشار نمی تواند زمامدار مملکت ایران بشود، آنها را از این خیال منصرف و مأیوس از اقدامات کنند.

ثانیاً: اعلی حضرت را نسبت به سفارت روس ظنین نمایند که اطمینان و یک جهتی فی ما بین را فلجه کنند و این مسئله، تحریک انگلیسها است. در سه روز قبل من رفتم پیش وزیر جنگ. به قدر یک ساعت و نیم صحبت کردیم. ابدآ حرفی از این قبیل مطالب به میان نبوده. مذاکرات راجع به مطالبی که غالباً سفارت طرفیت به هیئت دولت دارد به میان بوده مطلب همان است که عرض کردم و خاطر مبارک اعلی حضرت مسیو باشد. در مسئله ای که می فرمایید، ناچارم او را <sup>۷۸</sup> رئیس وزراء نمایم، ما هم تصدیق می کنیم مطلب همین طور است که اعلی حضرت می فرمایند زیرا که شرح حال مشیرالدوله را بیان کردم. اگر بخواهد کار هم بکند وزیر جنگ مانع است. به هر کس هم که تکلیف شود باز وزیر جنگ اسباب چینی می کند و نمی گذارد کار بکند و همچنین تمام اقدامات هر زمامداری را فلجه می کند.

پس صلاح بر این است قبل از فرمان و دستخط ریاست وزرایی،

اعلیٰ حضرت بفرمایید: اولاً شما باید پروگرام و مرامنامه خودت را به من بدھید که بدانم چه در نظر گرفته اید و چه مقصودی دارید و چه اشخاصی را داخل در کابینه خواهید کرد. البته اعلیٰ حضرت همایونی باید خودداری فرمایند تا او پروگرام خودش را بدهد و وزرای صالح که از میلیون باشد معرفی بکند و بعد بگوید دستخط بدھید و مخصوصاً چیزی را که باید اعلیٰ حضرت خاطرنشان او بکنند این است: معدن نفت شمال را باید به استاندار او بیل<sup>۷۶</sup> و اگذار نمایند که قبل از میان بوده این مطلب را اهمیت بدھید. بعد از دادن پروگرام و تعیین وزرای صالح عیسی ندارد دستخط مرحمت کنند و در مسئله حرکت خود اعلیٰ حضرت همایونی به اروپا، ما صلاح نمی دانیم این فرمایش را بفرمایید. بلکه خوب است شاه بفرمایند خود من در این کابینه می خواهم همه نوع دخالت داشته باشم و باید از کلیه امورات، مطلع و مستحضر باشم و با یک نوع خونگرمی با وزیر جنگ صحبت فرموده که نهایت اطمینان حاصل نماید و مخصوصاً در خاتمه صحبت، لازم است به اعلیٰ حضرت عرض کنید و تجدید نمائید که سفارت روس همه نوع نسبت به شاه همراه خواهد بود و ابداً از این پیش آمد رنجش نداشته باشند و کمال امیدواری را داشته باشند. در همین چهار پنجم روزه وزیر مختار وارد خواهد شد. دیروز از مسکو حرکت نموده، ان شاء الله به زودی وارد می شود و شرفیابی حاصل می نماید. ساعت ۱۲ ظهر از سفارت بیرون آمد، رفتم به قصر صاحبقراینه، مطالب شارژ دافر را تمام و کمال حضور اعلیٰ حضرت همایونی عرض کردم.

[اذیل دست نویس با خط دیگر]

چون رابط بین اعلیٰ حضرت مرحوم سلطان احمدشاه و سفارت روس سویت بودم، مطالب را یادداشت نمودم. تمام صحیح است. بصیر الدوله [امضا]

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

ضمائن

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## ۱

**[تلگراف حکومت مازندران به فرمانده قوای اعزامیه مازندران، در  
مورد دستگیری کالامیتسف]**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از ساری به بندر جز، نمره تلگراف ۱۷، تاریخ اصل ۲۶ [اسد]،  
تاریخ وصول ۲۷ اسد ۱۳۳۷

آقای کلدل فیلیپوف ریس کل قوای اعزامیه مازندران. سه نفر از  
رؤسای بالشویک که در جنگل هزار جریب دستگیر و دیروزن راپرت دادم،  
قبل از آن که حکم من راجع به تحويل آنان به اردوی محترم برسد، آنها را  
طرف ساری حرکت داده، ساعت ۱۲ صبح وارد شدند. خواستم فوری  
آنها را بفرستم چون ریس آنها سادت نام که خود را سفیر دولت بلشویک  
روس در ایران معرفی می‌کند سخت مریض است، ممکن نشد در ضمن  
هم به اطلاع می‌رساند که مشارالیه درخواست می‌کند اولاً از ساری  
مستقیماً به طهران فرستاده تسلیم دولت نماییم. منتظر رأی عالی می‌باشم.

نمره ۱۲۳۳

فرج الله. [مهر] اخبار تلگرافخانه مبارکه دولت علیه

## ۲

**[تلگراف حکومت مازندران به فرمانده قوای اعزامیه مازندران، ۲۷  
اسد ۱۳۳۷]**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از ساری به بندر جز، نمره تلگراف ۱۸، تاریخ اصل ۲۷ [اسد]،  
تاریخ وصول ۲۷ اسد ۱۳۳۷

آقای کلدل فیلیپوف. سه نفر بالشویک‌ها بر حسب حکم ایالت جلیله در  
ساری محبوس هستند تا دستور شما برسد.

نمره ۱۲۴۰

فرج الله، [مهر] اخبار تلگرافخانه مبارکه دولت علیه

۳

[تلگراف حکومت مازندران به فرمانده قوای اعزامیه، ۲۷ اسد ۱۳۳۷ در مورد دستگیری کلامیتسف]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از ساری به بندر جز نمره تلگراف ۲۰، تاریخ اصل ۲۷ [اسد] تاریخ وصول ۲۷ اسد ۱۳۳۷

جناب اجل آقای پالکونیک فیلیپوف ریس کل اردودی دولتی دام اقباله دیروز ۲۶ اسد سه نفر از رؤسای بالشویک که یکی از آنها سادت نام دارد و خود را سفیر دولت بالشویک در ایران معرفی می کند در جنگل هزار جریب به دست مامورین ژاندارمری دستگیر و به ساری آورده است به محض این که به من را پرست رسید فوراً تشکیل مجلس از ریس تلگراف و کلنل حصن الدوّله و نماینده ژاندارمری در حضور خودم و معاون حکومت داده سه نفر بالشویک ها را هم فوراً در همان مجلس خواستم حاضر نمودند با حضور آنها رسیدگی شد. صدهزار منات بسته بانک ملتی مسکو و مقداری جواهر که آنها همراه داشتند موافق صورتی که به مهر حضار مجلس نوشته شد در جعبه لاک و مهر کرده پر تکل بسته شد. امروز صبح می خواستم با جنابعالی حضوری مذاکره کرده تکلیف آنها را معین نمایم، معلوم شد سیم خراب شده این است که بوسیله مامور ژاندارم اشرف این تلگراف فوری را به جنابعالی مخابره می کنم.

تلگراف یساول یلکین که از اشرف به من [مخابره] کرده برای اطلاع خاطر جنابعالی عیناً درج می کنم:

به حکمران آقای ظهیرالملک. خواهشمندم مواظبت کامل نمایند در خصوص نگاه داشتن بالشویک ها که از رؤسae هستند تا آن که حکم بدhem زیرا که اینها از خائنین عمدۀ دولت به شمار می روند. نقطه. در صورتی که برخلاف این نمایید تمام اتفاقاتی که ممکن است بیافتد البته مسئولیتش تا اندازه ای به گردن شما هم خواهد بود.

با اختیار تامی که از طرف دولت به اینجانب داده شده ابدآ انتظار نداشتم یساول همچو تلگرافی به من بکند. تصور می‌کنم در پیشگاه دولت مسئول بشود. ابدآ از این بی‌احترامی صرفنظر نخواهم کرد، همین هم تلگراف سختی به ریس ژاندارمری کرده که باعث استعفا و کناره‌جویی او را از کار فراهم نموده. در تعقیب این تلگرافات هم خود او به طرف ساری حرکت کرده، همچو به نظر می‌آید خیال طرف شدن با ژاندارمری را دارد خیلی من از این پیش آمد منقلب هستم. صراحتاً به جنابعالی اطلاع می‌دهم که اگر برخلاف انتظار رفتاری بکند مسئول پیزرسگی فراهم خواهد کرد. با صمیمیت و دوستی که اینجانب با جنابعالی دارم منتظر اقدامات فوری جنابعالی در جلوگیری هستم راجع به دستگیر[ای] رفقای این سه نفر بالشویک و به دست آوردن بقیه اشیایی که خود آنها اظهار می‌کنند در جنگل گم کرده‌اند ژاندارم مشغول اقدامات است و این جانب هم دستورات لازمه را داده‌ام.

نمره ۲۳۶، ۲۷ اسد

ظهیرالملک حکومت مازندران

[مهر] اخبار تلگرافخانه مبارکه دولت علیه ایران

#### ۴

[تلگراف حکومت مازندران به فرمانده قوای اعزامیه، ۲۸ اسد  
[۱۳۳۷]

اداره علیه ایران، از ساری به بندر جز، نمره تلگراف ۲۲، تاریخ اصل ۲۸ [اسد] تاریخ وصول ۲۸ اسد ۱۳۳۷

آقای کلنل فیلیپوف حسب‌الحکم بالشویک‌ها را با مقداری اسباب که همراه آنها بود تحويل روتستر نمودم بقیه اسباب‌ها را هم از اشرف خواسته هر موقع بر سد با استنطاق او مطابق کرده می‌فرستم. یقین می‌دانم بیشتر خودم ساعی خواهم بود که آنچه اشیاء داشته‌اند کشف و تحويل شود به یساول یلکین خواهش می‌کنم حکم کنید برای آن که سوء‌تفاہی

## ۱۵۰ / دو سال روابط محترمانه احمدشاه و سفارت شوروی

حاصل نشد در این امر دیگر مداخله نمایند تا من از اقدام خود نتیجه  
گیرم.

نمره ۱۲۶۲

فرج الله، [مهر]

خبر اخبار تلگرافخانه مبارکه دولت علیه ایران

برستان  
www.tabarestan.info

[تلگراف کارگزاری خراسان به تهران به تاریخ ۱۵ حمل ۱۳۰۰ ش  
در مورد استفسار در باره چگونگی لباس مستقبلین از وزیر مختار  
شوری در مشهد]

وزارت خارجه، [تلگراف] ۷۱۶۵ زیارت [شد]. وزیر مختار روس را  
مثل سایر وزرای مختار باید با لباس رسمی پذیرایی نموده یا خیر؟ منتظر  
دمتور است.

نمره ۶۸/۵۸ - معتصم السلطنه [ محل مهر ]

[حاشیه]

فوری

تشrifات: وزیر مختار سویت باید لباس رسمی داشته باشد. مع ذلک  
ممکن است جواب داد که اگر وزیر مختار با لباس رسمی است کارگزار و  
سایر مأمورین نیز باید لباس رسمی داشته باشند.

انتظام الملک [امضا]

۶

[تلگراف کارگزاری خراسان به وزارت امور خارجه ۲۱ حمل  
۱۳۰۰ در مورد وزیر مختار شوروی به مشهد]

وزارت خارجه، یک ساعت و نیم بعد از ظهر غرہ شعبان [۱۳۳۹ / ۲۱]  
فروردین ۱۳۰۰] جناب وزیر مختار روس با احترامات فایقه وارد مشهد

شدند. فدوی از طرف اولیای دولت ورود ایشان را به مرکز ایالت خراسان تبریک گفت. جناب وزیر مختار...<sup>۱</sup> از بنده تقاضا کردند مراتب امتنان ایشان را از حسن پذیرایی مأمورین عرض راه و احساسات مودت آمیز عموم اهالی به عرض حضرت اشرف اعظم آقای رئیس وزرا<sup>۲</sup> دامت عظمته و حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه<sup>۳</sup> برسانم.

نمره ۱۴۲/۱۳۲ - معتصم السلطنه [ محل مهر ]

تبرستان

۷

[تلگراف کارگزاری خراسان به وزارت امور خارجه<sup>۴</sup> شعبان / ۲۶  
حمل در مورد حرکت رتشتین به طرف تهران]

وزارت خارجه، دو ساعت و نیم قبل از ظهر ۵ شعبان جناب اجل آقای وزیر مختار روس با احترامات لازمه از طرف مشایعت کنندگان طرف تهران حرکت فرمودند.

نمره ۱۸۴/۱۹۳ - معتصم السلطنه [ محل مهر ]

۸

[تلگراف نادر میرزا آراسه به وزارت امور خارجه در مورد ورود وزیر مختار روسیه به مشهد و عزیمت او به تهران - ۲۶ حمل ۱۳۰]

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه، روز یکشنبه ۲۱ حمل با جناب وزیر مختار وارد شدم. از طرف ایالت محترم نظامی و ادارات دولتی موافقت پروگرامی که قبلاً تهیه شده بود، استقبال شایان به عمل آید. جناب وزیر مختار از مودت و میهمان نوازی هشتیت معظم دولت فوق العاده

۱. یک یادو کلمه ناخوانا

۲. سید ضیاء الدین طباطبائی

۳. میرزا محمود خان مدیر الملک

ممنون و خوشوقت شدند. البته تفصیل را مأمورین محترم خراسان مشروحاً به عرض اولیای عظام رسانیده‌اند. امروز از مشهد حرکت خواهیم کرد.

حمل - نادر آراسته [ محل مهر ] ۲۶

## ۹

[دستورالعمل اداره تشریفات وزارت امور خارجه مورخه ۲۹ حمل ۱۳۰۰ نمره ۵۹۰ در مورد ترتیب ورود وزیر مختار روسیه به تهران و چگونگی پذیرایی از وی]

ترتیب ورود وزیر مختار روس به دارالخلافة طهران و پذیرایی ایشان چون ترتیب پذیرایی که سابقاً بر طبق قرارداد ترکمان‌چای در باره مأمورین سیاسی معمول بوده، تا درجه‌ای متروک مانده و اساساً نیز مفید وزارت امور خارجه اینست که تجدید ترتیبات سابقه جز سوء‌ترتیب تیجه‌ای ندارد و حالا که کلیه عهود دولت علیه با روسیه لغو شده، البته بهتر است که پذیرایی مأمورین سیاسی تا درجه‌ای که مقدور است به همان عادات و رسوم پیش معمول گردد و به علاوه در ماده (۱۷) قرارداد جدیدی که بین دولت علیه و حکومت سویت برقرار شده، مُصرح است که طرفین در پایخت یکدیگر با رعایت حقوق بین‌الملل نماینده خواهند داشت. نظر به مراتب فوق ترتیب پذیرایی وزیر مختار روس را وزارت امور خارجه به طریق ذیل مقرر می‌دارد:

۱ - موقع ورود به طهران معاون اداره تشریفات وزارت امور خارجه با لباس مشکی و چند اتو میل (به قدر کفايت) بیرون شهر در محلی که قبل از شروع حاضر شده، پس از ورود وزیر مختار و اظهار تبریک از طرف دولت به وزیر مختار و احضار ایشان در اتو میلها جا داده تا سفارت با ایشان همراه خواهد بود.

۲ - پس از ورود وزیر مختار به سفارت رئیس تشریفات وزارت امور خارجه بالباس مشکی به سفارت رفت، از طرف مقام ریاست وزراء و

وزیر امور خارجه تبریک ورود خواهند گفت.

۳- روز سوم در ساعتی که مقرر خواهد شد محاذی تشریفات دربار همایونی با سه عدد کالسکه سلطنتی به سفارت رفته، وزیر مختار و اعضای سفارت به معیت محاذی تشریفات دربار و شخص مهمان دار با یک دسته قزاق که ممکن است بیست نفر با یک صاحب منصب باشد به حضور همایونی شرفیاب شده و اعتبار نامه های خود را تقدیم خواهند نمود و در همان روز بعد از شرفیابی، رسمآ از حضرت اشرف آقای رئیس وزرا و بعد در وزارت امور خارجه از حضرت آقای وزیر امور خارجه ملاقات نموده، عصر آن روز از معزی الیه بازدید خواهند فرموده. در این ملاقات حضرت اشرف آقای رئیس وزرا و حضرات آقای وزیر امور خارجه با لباس مشکی خواهند بود.

شرفیابی وزیر مختار به حضور والاحضرت اقدس ولی عهد تا به حال سابقه نداشته است، ولی عقیده وزارت امور خارجه اینست: در همان روزی که به حضور همایونی شرفیاب می شود، قبل از ملاقات با حضرت اشرف آقای رئیس وزرا به حضور والاحضرت اقدس شرفیابی حاصل نمایند.

عقیده وزارت امور خارجه اینست که در مستهلة دید و بازدید با شاهزادگان عظام و آقایان وزرا و رؤسای ادارات دولتی، بهتر است همان ترتیب معموله بین المللی اختیار شود، یعنی وارد اول دیدن خواهد نمود. از طرف وزیر - انتظام الملک [ محل مهر ]

## ۱۰

[تلگراف وزارت امور خارجه به تلگراف خانه سمنان در مورد ورود رتشیین به سمنان اول ثور ۱۳۰۰. نمره ۵۹۸]  
اداره تلگراف خانه سمنان:

تلگراف ذیل را به محض ورود جناب وزیر مختار روس به نواب والا شاهزاده نادر میرزا که مهمان دار ایشان هستند ابلاغ نمایید:

نمره ۲۵ واصل، روز ورود به طهران و عده همراهان وزیر مختار را از سمنان اطلاع دهد تا به قدر کفايت اتومبيل به استقبال ايشان بپرون شهر فرستاده شود. تشريفات رسمي بعد از ورود به طهران در موقع شرفياين به حضور همایونی به عمل خواهد آمد.

از طرف رئيس اداره تشريفات [امضا]

برستان  
www.parseshan.info

## ۱۱

[يادداشت بدون امضای اداره تشريفات به وزیر امور خارجه نمره ۳۳۱۴/۷۰۰ به تاریخ ۱۷ شعبان / ۷ سورا] مورد ترتیب و چگونگی ملاقات احمدشاه و وزیر مختار شوروی

### يادداشت

وزارت امور خارجه، احتراماً به استحضار خاطر اولیاء سفارت محترمه می‌رساند. چون روز پنج شنبه ۱۹ شهر حال سه ساعت بعد از ظهر برای شرفياين جناب وزير مختار به حضور مقدس اعلى حضرت اقدس همایونی دامت سلطنته وقت مقرر گردیده است، لهذا يك ساعت قبل از وقت معمول، تشريفات سلطنتی با تشريفات لازمه به سفارت محترمه صادر خواهد شد. پس از شرفياين به حضور همایونی، جناب وزير مختار در مراجعت به شهر در عمارت گلستان به حضور والاحضرت ولايتعهد شرفياپ [شده] و بعد در عمارت بادگير از حضرت اشرف آقاي رئيس وزرا دامت شوکته و نيز جناب آقاي وزير امور خارجه در عمارت وزارت امور خارجه ديدن خواهند فرمود.

## ۱۲

[سواد یادداشت اداره تشریفات وزارت امور خارجه به سفارت روسیه شوروی به تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۳۹ / ۶ ثور ۱۳۰۰ نمره عمومی ۳۳۱۴ نمره خصوصی ۷۰۰]  
یادداشت

وزارت امور خارجه به استحضار خاطر اولیای آن سفارت محترمہ می رساند چون روز پنج شنبه ۱۹ شهر جاری سیه ساعت بعد از ظهر برای شرفیابی جناب وزیر مختار به حضور مقدس اعلیٰ حضرت اقدس همایونی دامت سلطنته وقت مقرر گردیده است، لهذا یک ساعت قبل از وقت، معاون تشریفات سلطنتی با تشریفات لازمه به سفارت محترمہ حاضر خواهد شد. پس از شرفیابی به حضور همایونی، جناب وزیر مختار در مراجعت به شهر در عمارت گلستان به حضور والاحضرت ولایت‌الله شرفیاب [شده] و بعد در عمارت بادگیر از حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزرا دامت شوکته و از جناب آقای وزیر امور خارجه در عمارت وزارت امور خارجه دیدن خواهند فرمود.

## ۱۳

[سواد ترجمة نامه لنین به احمدشاه که توسط روشتنی به شاه تقدیم شد].

### اعلیٰ حضرت پادشاه ایران

دولت سوسیالیستی جمهوری متحد ساوی روسیه برای استحکام و توسعه روابط حسنة دوستانه هم‌جواری که خوشبختانه به موجب قرارداد دو ملت آزاد روس و ایران به رضایت طرفین منعقد گردیده سی‌تواین<sup>۲</sup> فندر آرونویچ روشتنی را به سمت نماینده مختار در ایران معین نموده، نظر به حسن کفایت و درایت سی‌تواین روشتنی به مشارالیه دستور مؤکد داده شد که مساعی جميله خود را برای حصول مقاصد

خلل ناپذیر دولت روسیه راجع به ازدیاد رضایت و وداد فی ما بین مملکتین جداً مصروف دارد. جمهوری روسیه مشارالیه را به توجهات عالیه اعلیٰ حضرت همایونی سپرده و تمبا دارد که او را طرف مرحمت و عنایت ملوکانه خود قرار داده، به مقامات و اشخاص لازمه مقرر فرمایند مشارالیه را به این سمت شناخته و در پیشرفت وظایف محوله به او همراهی و مساعدت لازمه را بنمایند.

ریس شورای ملی کمیته‌های دولت جمهوری متحده ساوی روسیه به امر دولت جمهوری این نامه را امضا [کرد] و امر شد به مهر ساویت ممهور شود.

ریس شوراهای کمیته‌های ملی اولیانف (لنین)

## ۱۴

[سود ترجمه سخنان رتشتین در برابر احمدشاه، هنگام تقدیم نامه  
لنین]  
اعلیٰ حضرتا!

پس از تقدیم نامه‌ای که دولتخواه را در ورود به ایران به سمت نمایندگی مختار معرفی می‌کند، اجازه فرماید که چند کلمه هم از طرف خود به عرض رسانم. این جانب از دیپلماتهای متخصص نیستم. یعنی روسیه کارگران و دهاقین به طور کلی هنوز دیپلماتهای مخصوص تربیت ننموده، شاید هم هیچ وقت مهیا نکند. بدین جهت با یک میل مفترطی سمت نمایندگی مختار دولت جمهوری روسیه را در ایران پذیرفت. زیرا سالهای سال دولتخواه به سمت نویسنده اقدامات جدی بر علیه تجاوزات و مظالم امپریالیستی دول عظیمه عموماً نمود. و مخصوصاً نسبت به تجاوزاتی که به موجب توطنه عظیمه ۱۹۰۷ کارکنان غارتگر تزاری بر علیه ایران بی حامی طرح کرده بودند، با قلم خود جداً از استقلال و آزادی ایران دفاع می‌نمود. مخصوصاً بدین سبب دولت جمهوری روسیه برای اجرای سیاست خود نسبت به ایران این افتخار

عالی را به این جانب محول نمود. برای اطمینان اعلیٰ حضرت عرض می‌کند که این دولتخواه سعی خواهد کرد که وظایف خود را نه فقط با نهایت صمیمیت، بلکه با یک عشق فوق العاده انجام دهد. در روسیه کبیر کارگران و دهاقین طوق عبودیت تزاریزم را از گردن خود خارج نموده، به همین واسطه ایران را هم از مخاطراتی که استقلال آن را تهدید می‌نمود مستخلص و آزاد کرد. این بود که دولت جمهوری روسیه در بد و تشکیل تاریخی خود به زیان رفیق ترتسکی کمیس‌خارجه وقت راجع به مظالم و عملیات شرم آور دولت تزاری روس در ایران، انتچار و تغیر خود را اظهار و صداقت گفتار و وعده‌های خود را در قرارداد متعقده با دولت اعلیٰ حضرت همایونی ثابت کرد.

محسنات قرارداد مزبور لازم به شرح نیست و دولتخواه حاضر است جداً به مفهوم همین قرارداد با دولت علیه ایران رفتار نماید. امیدوار است اعلیٰ حضرت همایونی هم نسبت به مقاصد حسنة این دولتخواه بذل مساعدت فرمایند. مستدعی است این دولتخواه را نه فقط مثل نماینده یک مملکت دوست صمیمی تلقی فرموده، بلکه مانند یک نفر طرفدار صمیمی منافع ملل محنت دیده شرق منظور نظر اعتماد خسروانه خود قرار دهند.

## ۱۵

### [امتن بیانات احمدشاه به رتشتین در پاسخ به نامه لنین]

آقای نماینده مختار:

با نهایت خرسندي و مسرت اعتبارنامه‌ای را که مسیو لنین رئیس کمیسراهی ملی برای معرفی شما به سمت نماینده مختار اجتماعی شوروی متحده کل ممالک محروسه روسیه در دربار ما داده‌اند، دریافت می‌نمایم.

احساساتی که در دوره زندگانی ادبی خودنسبت به مملکت ما ابراز داشته و علاقه‌مندی صادقانه‌ای که همواره در مدافعت مصالح و منافع

ایران نشان داده‌اید اسباب امتنان خاطر ما را فراهم ساخته و ما را مطمئن می‌سازد که همان توجه و دقت نظر را در انجام وظیفه بزرگی که به عهده شما محول است، منظور خواهد داشت.

از استقرار رژیم آزادی در روسیه فوق العاده مسرور [بوده] و امیدواریم در آتیه روابط حسن‌های بین دولتين بر یک مبانی مستحکمی استوار گردد و یقین داریم که قضیه اسف‌آور گیلان در نتیجه مساعی و اهتمامات شما هر چه زودتر خاتمه یافته و طوری نخواهد شد که سکته‌ای به روابط ودادیه بین دو ملت وارد آورد.

آرزومندیم که معاهده جدید منعقده بین ایران و دولت شوروی روسیه موجب افتتاح عصر جدیدی در روابط دولتين گردیده و نظر به همین اطمینان خاطر به هیئت دولت خود دستور داده‌ایم که نهایت مساعدت و همراهی را در انجام مأموریت عالیه شما به عمل آورند.

## ۱۶

[نامه لینین به رشتین در مورد مسایل ایران ۱۳ اوت ۱۹۲۱]

[مرداد ۱۳۰۰]

<sup>۸۹</sup> به شودور رشتین:

رفیق رشتین عزیز، نامه ۱۷ / ۲۶ / ۷ [شما دیروز به دستم رسید. به نظر می‌آید که با خط مشی محتاطانه شما در ایران مطابقت کامل دارد. "وجه دیگر" را نشینده‌ام، ولی تصور نمی‌کنم که ملاحظات اصلی شما را نفی کنند. چرا اثری در باب ایران تألیف نمی‌کنید تا همه ما بتوانیم چنین موضوع جالبی را که این گونه بر همه ما پنهان است مورد بررسی قرار دهیم؟

وضع برخی امور در شرق از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. بیش از این نمی‌نویسم، چراکه از طریق جراید از اخبار مطلع خواهی شد.

در حال حاضر در تعطیلات به سر می برم. بیش از حد کار کرده ام و مشغول مداوا می باشم.

امیدوارم که بلگوف هم اکنون نزد شما رسیده باشد. همراه با او [یادداشتی] در مورد الکساندر الکساندرویچ و اروارا الکساندرونا آرماند که همراه او رفته است و از بابت آنها بسیار نگران می باشم نوشته ام. امیدوارم که در ایران مفید واقع گردند و شما بتوانید اندک زمانی را صرف آنها نمایید.

بلهترین آرزوها. لتن  
۱۹۲۱ آوت

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## فهرست اعلام

«الف»

- ابوالقاسم خان پیش خدمت، میرزا:  
۵۸
- اتابک، پارک: ۲۱
- اتحاد، روزنامه: ۱۰۰  
اتر: ۱۶
- اتفاق بین المللی، مجمع: ۹۳، ۹۲
- احسان‌الله‌خان: ۲۴، ۲۳
- احسان‌الله‌خان، جناح: ۲۳
- احمدشاه: دربیش تر صفحات  
ادبیات، دانشکده: ۱۳
- ارامنه: ۴۶
- اروپا: ۱۰، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۶
- ،۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۶، ۶۷
- ،۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۳۴  
اسپانیا: ۴۳

- آبرسف: ۱۴۲
- آدمیت، فریدون: ۸
- آذربایجان: ۱۰۸
- آذربایجان شوروی: ۲۳
- آراسته، نادرمیرزا: ۲۰، ۱۵۱، ۱۵۳
- آرماند، الکساندرونا: ۱۵۹
- آزالین‌کو: ۶۴، ۴۶، ۵۴
- آستارا: ۱۱۵
- آشوراده، جزیره: ۱۷
- آصف‌السلطنه (دولو قاجار)،  
محمدولی خان: ۱۰۵
- آقامیرفقازی: ۱۰۰
- آمریکا، دولت: ۴۸، ۴۷
- آنگلوفیل‌ها: ۱۰۰
- آهی، مجید: ۴۲

- استاندارد اویل: ۱۴۴  
اسکاتلنديارد: ۱۹  
اسلامبول: ۱۰۴، ۱۰  
اسماعيل خان خواجه: ۱۳۹، ۴۹  
ashref: ۱۴۸  
اشعاربهار (جلد يكم)، ديوان: ۲۹  
اصفهان: ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۵  
۱۳۳  
اصفهانيان، كريم: ۴۹  
اعتصاب كارگران راه آهن، كميته: ۲۸  
اعتلاء السلطنه: ۱۱۴  
اعتلاء السلطنه، ميرزا احمدخان:  
۱۱۳  
اعتلاء السلطنه،  
ميرزا عبدالحسين خان: ۱۱۳  
اعلم، مظفر: ۱۲۵  
اعلى حضرت: در بيش تر صفحات  
افتخاري، يوسف: ۳۰  
افزایش نفوذ روس و انگليس در  
ایران عصر قاجار، كتاب: ۱۸  
افغانستان: ۸۳، ۸۳  
افغانستان، سفير: ۸۳  
اكتبر، انقلاب: ۷۶، ۲۸  
امريكا، دولت: ۱۳۸، ۴۶  
أمريكيایی ها: ۴۶  
امورخارجۀ انگلستان، وزارت: ۱۹  
امورخارجۀ ايران، وزارت: ۲۰، ۱۷  
انگليس (انگلستان): ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۱۹  
انزلی، بندر: ۸۲، ۴۲، ۴۵، ۴۸، ۴۸  
انتظام الملک: ۱۵۳، ۱۵۰  
امين خلوت: ۴۸  
امين الملک، فرخ خان: ۱۰۶  
امين الدوّله كاشانى: ۴۸  
امين الدوّله، ميرزاهاشم خان: ۱۰۶  
امين الدوّله، فرخ خان: ۴۸، ۴۸  
امير سليماني قاجار، خاندان: ۱۱۶  
اميركبير، ميرزا تقى خان: ۱۰  
اميرلشکر: ۱۲۰  
اميرمنتظم: ۱۰۰  
اميرموثق: ۱۰  
انگلستان: ۸۳، ۸۳  
انگليس (انگلستان): ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۱۹  
انزلی، بندر: ۸۲، ۴۲، ۴۵، ۴۸، ۴۸  
انتظام الملک: ۱۵۳، ۱۵۰  
امين خلوت: ۴۸  
امين الملک، فرخ خان: ۱۰۶  
امين الدوّله كاشانى: ۴۸  
امين الدوّله، ميرزاهاشم خان: ۱۰۶  
امين الدوّله، فرخ خان: ۴۸  
امير سليماني قاجار، خاندان: ۱۱۶  
اميركبير، ميرزا تقى خان: ۱۰  
اميرلشکر: ۱۲۰  
اميرمنتظم: ۱۰۰  
اميرموthic: ۱۰  
آمورخارجۀ شوروی، كميساريای: ۲۸  
آمورخارجۀ شوروی، وزارت: ۱۷  
آمورخارجۀ شوروی، وزیر: ۱۰۷  
آميراحمدی، سپهبد: ۱۰  
آميرپنجه: ۱۱۱، ۱۱۰  
آميرسليماني قاجار، خاندان: ۱۱۶  
آميركبير، ميرزا تقى خان: ۱۰  
آميرلشکر: ۱۲۰  
آميرمنتظم: ۱۰۰  
آميرموthic: ۱۰  
آمين الدوّله، فرخ خان: ۴۸، ۴۸  
آمين الدوّله، ميرزاهاشم خان: ۱۰۶  
آمين الدوّله كاشانى: ۴۸  
آمين الملک، فرخ خان: ۱۰۶  
آنزلی، بندر: ۸۲، ۴۲، ۴۵، ۴۸، ۴۸  
انگلستان: ۸۳، ۸۳  
انگليس (انگلستان): ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۱۹  
استاندارد اویل: ۱۴۴  
اسکاتلنديارد: ۱۹  
اسلامبول: ۱۰۴، ۱۰  
اسماعيل خان خواجه: ۱۳۹، ۴۹  
ashref: ۱۴۸  
اشعاربهار (جلد يكم)، ديوان: ۲۹  
اصفهان: ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۵  
۱۳۳  
اصفهانيان، كريم: ۴۹  
اعتصاب كارگران راه آهن، كميته: ۲۸  
اعتلاء السلطنه: ۱۱۴  
اعتلاء السلطنه، ميرزا احمدخان:  
۱۱۳  
اعتلاء السلطنه،  
ميرزا عبدالحسين خان: ۱۱۳  
اعلم، مظفر: ۱۲۵  
اعلى حضرت: در بيش تر صفحات  
افتخاري، يوسف: ۳۰  
افزایش نفوذ روس و انگليس در  
ایران عصر قاجار، كتاب: ۱۸  
افغانستان: ۸۳، ۸۳  
افغانستان، سفير: ۸۳  
اكتبر، انقلاب: ۷۶، ۲۸  
امريكا، دولت: ۱۳۸، ۴۶  
أمريكيایی ها: ۴۶  
امورخارجۀ انگلستان، وزارت: ۱۹  
امورخارجۀ اiran، وزارت: ۲۰، ۱۷

## ۱۶۴ / دو سال روابط احمدشاه و سفارت شوروی

- ۹۳، ۹۲، ۸۸، ۸۳، ۵۸، ۴۱، ۲۹  
انگلیس، دولت: ۱۹، ۲۹، ۶۱، ۸۸  
انگلیس، سفارت: ۶۲، ۶۱، ۷۵  
انگلیسی‌ها: ۵۴، ۵۱، ۷۱، ۷۳، ۷۹  
ایران، حکومت: ۱۰۸  
ایران، دولت: ۲۳، ۴۲، ۴۵، ۴۶  
ایران در اسپانیا، سفارت: ۴۳  
ایران در پترزبورگ، سفارت: ۴۸  
ایران در روم، سفارت: ۴۸  
ایرانی‌ها: ۵۹، ۱۱۸، ۸۰، ۷۳، ۱۳۴  
ایرکوتسک: ۲۸  
ایوری، پیتر: ۲۲  
ایران: در بیشتر صفحات  
ایران، ملت: ۲۰، ۱۱۱، ۱۲۸  
بلشویک: ۱۱۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹  
بلشویک‌ها: ۱۸، ۱۹  
بلشویکی، انقلاب: ۱۵  
بندر جز: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷  
بندر گز: ۱۷  
بنی کعب، طایفه: ۱۲۹  
بهار، محمد تقی: ۲۵، ۲۸، ۲۹  
بهبودی، سلیمان: ۱۱۲  
بهجهت آباد، دروازه: ۶۱  
بیات، کاوه: ۱۷، ۳۰، ۳۲  
باج‌گیران: ۲۰  
بادکوبه: ۱۰۴، ۴۳  
بازار تهران: ۵۰  
باطوم: ۱۰۴  
باکو: ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۲۷  
براؤنستان، نیکلا: ۱۵، ۱۶  
بریتانیا: ۱۸، ۱۹، ۲۹  
بریتانیا، سفارت: ۴۳  
بریسکین: ۲۰  
 بصیرالدوله: ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲  
، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۲  
، ۳۵، ۳۸، ۴۲، ۵۶، ۵۲، ۶۹، ۶۴  
، ۷۰، ۷۴، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹  
، ۸۱، ۹۰، ۹۴، ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۳  
، ۱۱۵، ۱۴۴  
بلژیکی‌ها: ۴۲  
بلشویک: ۱۱۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹  
بلشویک‌ها: ۱۸، ۱۹  
بلشویکی، انقلاب: ۱۵  
بندر جز: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷  
بندر گز: ۱۷  
بنی کعب، طایفه: ۱۲۹  
بهار، محمد تقی: ۲۵، ۲۸، ۲۹  
بهبودی، سلیمان: ۱۱۲  
بهجهت آباد، دروازه: ۶۱  
بیات، کاوه: ۱۷، ۳۰، ۳۲  
«ب» ۱۱۹، ۹۴  
انگلیس، سفارت: ۶۲، ۶۱، ۷۵  
انگلیسی‌ها: ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۲  
اولیانف: ۱۵۶  
ایران: در بیشتر صفحات  
ایران، حکومت: ۱۰۸  
ایران، دولت: ۲۳، ۴۲، ۴۵، ۴۶  
ایران در اسپانیا، سفارت: ۴۳  
ایران در پترزبورگ، سفارت: ۴۸  
ایران در روم، سفارت: ۴۸  
ایرانی‌ها: ۵۹، ۱۱۸، ۸۰، ۷۳، ۱۳۴  
ایرکوتسک: ۲۸  
ایوری، پیتر: ۲۲

- |   |   |
|---|---|
| تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران<br>(جلد یکم): ۲۵<br>تاریخ معاصر ایران: ۲۲<br>تایمز لندن: ۲۲<br>تبریز: ۴۵<br>تجارت مرکزی تهران، اتاق: ۲۷<br>ترکستان روسی: ۴۱<br>ترکمانچای، قرارداد: ۱۵۲<br>ترکیه: ۱۱۲، ۱۰، ۱۵۷<br>تروتسکی: ۱۹، ۱۶، ۱۵۷<br>تزاری، دولت: ۱۵<br>تشریفات دربار احمدشاه: ۴۸<br>تشریفات وزارت امور خارجه اداره:<br>۱۵۵، ۱۵۲، ۸۶، ۱۵۴، ۴۷<br>تعرفة گمرکی: ۷۹، ۷۷<br>تعرفة گمرکی اروپایی: ۷۶<br>تفرشی، مجید: ۳۰، ۸<br>تلگراف‌چی‌های ارمنی: ۳۹، ۳۸،<br>۴۰ | بیراکوف: ۲۰<br>بی‌سیم مسکو، روزنامه: ۱۴۲<br>بین‌النهرين: ۲۳<br><br><b>(پ)</b><br>پاکیشف: ۶۴، ۶۵<br>پترزبورگ: ۲۸<br>پراودا: ۲۸<br>پروتکل: ۱۴۸، ۱۰۱<br>پروکومیناژ، مدرسه روسی: ۲۱<br>پست و تلگراف، وزیر: ۱۱۳<br>پسیان، کلتل محمد تقی‌خان: ۲۰،<br>۷۸، ۲۵<br>پنبه: ۷۶<br>پوت (واحد وزن روسی): ۷۶<br>پهلوی، سلطنت: ۴۳<br>پیکان، روزنامه: ۱۰۹ |
| توده، حزب: ۱۱۲<br>توران، ملکه: ۱۱۶<br>تومان ایران: ۷۶<br>تهران: ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۱۷، ۱۶،<br>۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۲۹، ۲۸، ۲۷،<br>۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۸، ۲۰،<br>۱۳۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۱۱۴، ۱۰۶، ۳۰<br>۱۵۲، ۱۵۱  | <b>(ت)</b><br>تاریخ بیست ساله ایران (جلد سوم):<br>۲۹<br>تاریخ بیست ساله ایران (جلد یکم):<br>۲۰<br>تاریخ روابط سیاسی ایران و<br>قدرت‌های بزرگ ۱۹۰۰-۱۹۲۵<br>کتاب: ۲۷  |

## ۱۶۶ / دو سال روابط احمدشاه و سفارت شوروی

تهران، شهرداری: ۱۲  
تیمورتاش، عبدالحسین خان: ۶۵

جنوب، پلیس: ۷۸  
جهانی اول، جنگ: ۴۵

**(ج)**

چایکین، مسیو: ۳۵، ۴۳، ۳۷، ۵۰،  
۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۰،  
۱۴۲، ۱۱۴، ۱۰۳، ۸۲، ۸۰، ۷۹،  
چرونی، <sup>پسر</sup> نادر: ۲۷  
چیچرین: ۲۴، ۱۹  
چین: ۱۰۷

**(ح)**

حاجب‌الدوله: ۱۲  
 حاجبی، فاطمه: ۱۲  
 حاج طرخان: ۱۷  
 حسام‌السلطنه: ۱۱  
 حصن‌الدوله: ۱۴۸  
 حکیم‌اف: ۹۷  
 حکیم‌الملک: ۴۴، ۴۲  
 حکیم‌الممالک قمی، علی‌نقی خان: ۴۳

حمایل سبز: ۹  
 حوت ۱۲۹۹، کودتای: ۱۰، ۹، ۱۳  
 ۳۰، ۱۹

**(خ)**  
 خاطرات دوران سپری شده، کتاب:

**(ج)**

جباخانه، خیابان: ۵۰  
 جرج، لوید: ۲۵  
 جمهوری آلمان، دولت: ۶۰  
 جمهوری روسیه، دولت: ۶۰  
 جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان  
(بنابر گزارش‌های کنسول‌گری  
 انگلیس در مشهد)، کتاب: ۱۸، ۲۰،  
 ۲۲

جنبش میرزا کوچک‌خان، کتاب:  
 ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲  
 جنگ، وزیر: ۱۳  
 جنگ، وزارت: ۹۹، ۹۱، ۵۵، ۴۹،  
 ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،  
 ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲،  
 ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷،  
 ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۴،  
 ۱۳۸، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۲، ۱۴۲،  
 ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۳

جنگ، وزارت: ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۷  
 جنگ انگلستان، وزارت: ۱۹  
 جنگل، نهضت: ۷۸، ۲۵، ۲۳  
 جنگل‌ها: ۲۴، ۲۳

- |  |  |
|--|--|
| دربار: ۷۰<br>دربار، وزارت: ۹، ۱۳۱<br>دربار، وزیر: ۱۳۱، ۱۰۶<br>درب خانه: ۸۶، ۸۴<br>داشتوب: ۱۰۵<br>دموکراسی: ۸<br>دنیا، میال نامه: ۱۶<br>دوشنان تپه، دروازه: ۶۱<br>دوفرانس، هتل: ۶۴<br>دولت، هیأت: ۴۷، ۴۸، ۴۲، ۷۷<br>۱۰۸، ۱۰۲، ۱۰۱، ۷۸<br>دولت سابق، هیأت: ۹۰<br>دوّلو، امیر هوشنج: ۱۰۵<br>دوّلو قاجار: ۱۰۵<br>دهگان، کاوه: ۱۹<br>دیلی نیوز، روزنامه: ۱۸ | ۳۰<br>خاطرات یک مأمور انگلیسی،<br>کتاب: ۱۹<br>خالوقربان: ۳۶<br>خانم باشی: ۱۲<br>خاور دور کمیترن، دبیرخانه: ۲۸<br>خراسان: ۲۰، ۳۸، ۴۱، ۷۸، ۱۰۶،<br>۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲<br>خراسان، انقلاب: ۷۸<br>خراسان، حکومت: ۴۵، ۴۴<br>خراسان، کارگزاری: ۱۵۱، ۱۵۰<br>خزر، بندر: ۸۰<br>خزعل، شیخ: ۱۱۹<br>خزعل، شیخ جابر: ۱۲۹<br>خط آهن: ۱۲۹<br>خلیج فارس، گمرک: ۴۵<br>خوزستان: ۱۱۹<br>خوی: ۱۶ |
| «ذ»<br>ذوقی، ایرج: ۲۷  | (۱۱)<br>دادگستری، وزارت: ۶۵، ۱۱۳<br>دادرور، مهدی: ۱۳<br>داور: ۱۱۱<br>دبیرالممالک فرزانه،<br>میرزا اسماعیل خان: ۴۳<br>دربار: ۷۰   |
| راسکلینکف: ۲۹<br>راه شوسم انزلى و قورو تو: ۴۵، ۴۲<br>رتشتین، تئودور (فئودور) آرتو نویج:<br>۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۰، ۲۲،<br>۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹،<br>۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۶۵، ۷۲،<br>۷۳، ۷۶   | دادگستری، وزیر: ۴۳<br>دادرور، مهدی: ۱۳<br>داور: ۱۱۱<br>دبیرالممالک فرزانه،<br>میرزا اسماعیل خان: ۴۳<br>دربار: ۷۰   |

- ۹۷، ۹۵، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۷  
۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۰  
۱۴۲، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۰، ۱۱۸  
۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۷  
روسیه، سفارت: ۴۰، ۴۴، ۴۳، ۳۷-۴۰  
۷۲-۷۵، ۷۰، ۶۹، ۴۹-۶۶، ۴۷  
۱۱۴-۱۲۰، ۱۱۲، ۱۷۷-۱۰۹  
۱۳۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۳-۱۲۴  
۱۴۰-۱۴۴، ۱۳۶  
۱۵۲-۱۵۵  
روشنی زعفرانلو، قدرت الله: ۴۹  
رئيس التجار دولت شوروی: ۹۷  
رئيس الوزراء: ۲۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹  
۸۹، ۸۶، ۷۸، ۷۴، ۵۵، ۴۰  
۱۴۳، ۱۴۲، ۱۳۵، ۱۲۲، ۱۲۴، ۹۰  
۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱  
رئيس دفتر احمدشاه: ۶۰
- «ز»  
زرگنده: ۳۶، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۱۰۷  
زمانی نیا، مصطفی: ۳۲  
زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه،  
کتاب: ۱۱  
زندگانی من و نگاهی به تاریخ  
معاصر ایران جهان، کتاب: ۱۶، ۴۸
- ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۳  
رشت: ۹۷، ۳۶، ۲۳  
رضاع)، امام: ۲۰  
رضاخان: ۳۱، ۳۰، ۲۶، ۲۵، ۲۴  
۱۳۶، ۱۲۵، ۸۷، ۴۹  
رضازاده لنگرودی، رضا: ۱۸  
رضاشاه: ۹، ۱۰، ۱۳، ۴۸، ۴۳  
۱۲۶، ۱۱۶، ۱۱۲  
رضاقلی خان: ۹  
رفیعی مهرآبادی، محمد: ۲۲، ۱۶  
رقابت روسیه و انگلیس در ایران،  
کتاب: ۱۶
- رگاچف، کلنل بوریس: ۲۵، ۲۳  
رُم: ۹۴، ۹۳، ۹۲  
رُم، دولت: ۹۴، ۹۳، ۹۲  
روددهن: ۱۱۴  
روز سلام: ۸۴  
روس، ملت: ۲۰
- روسها: ۱۱۳، ۱۰۰، ۸۰، ۲۴  
۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۶  
روسی، زبان: ۴۲  
روسیه: ۱۵، ۱۸، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۴۲، ۵۸  
۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۴  
۱۴۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸  
روسیه، دولت: ۳۶، ۴۵، ۴۲، ۴۶  
۵۱، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۷۳  
۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹

- |   |  |
|---|--|
| سلامی، غلامرضا: ۳۲<br>سلیمان بهبودی، خاطرات: ۱۱۲<br>سلیمان میرزا اسکندری: ۶۵، ۱۱۲<br><br>سمنان: ۲۰، ۱۵۳، ۱۵۴<br>سمنان، تلگراف خانه: ۱۵۳<br><br>سوسیالیست های ایران: ۱۴۲، ۱۴۳<br>سوسیالیست های ایران: ۱۱۲<br><br>سویت: ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵<br>سویت، دولت: ۵۹، ۶۴، ۶۵، ۹۲<br><br>سهیلی: ۴۳<br>سبیری: ۲۸<br>سبیریابی کمیته مرکزی حزب<br>کمونیست روسیه، دفتر: ۲۸<br>سبیریکا، نشریه: ۲۸<br>سیدالشهداء: ۸۴<br>سیدضیاء، دولت: ۱۹<br>سینا، بیمارستان: ۱۲ | (ز) ۱۴۹، ۱۴۸<br>ژاندارمری: ۱۴۹، ۱۴۸<br><br>سادت: ۱۴۷<br>ساری: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۷<br>ساعد الدوّله: ۲۴<br>ساعد الملک: ۳۷، ۳۶<br>ساندرز، نایب سرهنگ: ۲۳<br>ساوجبلاغ: ۸۷<br>سپه سalar: ۵۷، ۵۵<br>ستاره ایران، روزنامه: ۲۲<br>سردار اقدس: ۱۲۹<br>سردار انتصار (مظفرالعلم): ۱۲۵<br>سردار جنگل، کتاب: ۲۵<br>سردار سپه: ۱۰، ۲۹، ۲۶، ۲۵، ۲۲، ۲۰،<br>۳۱، ۱۱۱، ۹۹، ۸۷، ۵۴، ۴۹، ۳۶<br>۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۴۲<br>سردار سپه، کابینه: ۱۱۱<br>سردار معظم خراسانی: ۶۵<br>سفارت کبری: ۸۹، ۸۰، ۹۰، ۹۲<br>۹۶<br>سفارت کبری: ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲<br>۹۶<br>سفرنامه فرخ خان امین الدوّله،<br>کتاب: ۴۹<br>سفیر کبیر: ۸۵ |
|---|--|

- |   |   |
|---|---|
| <p>شیخ السفراء: ۸۶</p> <p>شیخ العراقيین زاده: ۱۱۱</p> <p>شیر و خورشید، نشان درجه یک: ۹</p> <p>شیلات: ۴۰، ۳۹، ۳۷</p> <p><b>«ص»</b></p> <p>صاحب بیل اختریار غفاری، میرزا علام حسین: ۱۰۶</p> <p>صاحب قرانیه، قصر: ۹۴، ۳۶، ۳۵</p> <p>۱۱۳، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۱، ۹۸</p> <p>۱۲۴، ۱۲۲، ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴</p> <p>۱۴۱، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۱</p> <p>۱۴۴</p> <p>صاب، میرزا حسین خان: ۲۲</p> <p>صدرالدوله، محمدحسین خان: ۱۱۹</p> <p>صدیق، انوشیروان: ۳۱، ۱۴</p> <p>صدیق، خانوارده: ۳۱</p> <p>صدیق، عیسی: ۲۶، ۱۸، ۸</p> <p>صمصام السلطنه: ۴۲، ۴۱</p> <p><b>«ض»</b></p> <p>ضیاءالدین، سید: ۲۲، ۱۹</p> <p>۱۳۵، ۴۳</p> <p><b>«ط»</b></p> <p>طباطبایی، سیدضیاء: ۱۵۱</p> | <p>شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (جلد سوم)، کتاب: ۲۳</p> <p>شرق دور کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه، دفتر: ۲۸</p> <p>ششم حزب کمونیست، کنگره: ۲۸</p> <p>شمال، نفت: ۷۹</p> <p>شمس العماره: ۹۲</p> <p>شمیران: ۹۲، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۲۰، ۱۱۹</p> <p>شورای ملی، مجلس: ۴۷، ۴۳، ۱۳، ۷۲، ۷۱، ۶۰، ۵۸، ۵۵، ۵۱، ۴۸</p> <p>۱۱۲، ۱۱۰، ۱۰۲، ۷۷، ۷۹، ۷۵</p> <p>شورایی، انقلاب: ۲۴</p> <p>شوری: ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۷</p> <p>شوری، دولت: ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۲۸</p> <p>۸۹، ۹۸، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۸۹، ۹۹</p> <p>۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸</p> <p>شوری، سفارت: ۲۱، ۲۲، ۲۹</p> <p>۷۲، ۱۰۲</p> <p>شوری، سفیر: ۴۲</p> <p>شومیاتسکی، بوریس: ۲۷، ۲۸، ۳۰</p> <p>۸۹، ۶۹، ۹۲، ۹۲، ۸۹</p> <p>شهربانی: ۱۳</p> <p>شهریور بیست، واقعه: ۴۳</p> <p>شیخ الاسلامی، جواد: ۱۸، ۲۵، ۲۲</p> <p>۲۶</p> |
|---|---|

- |   |   |
|---|---|
| <p>عثمانی، سفارت: ۸۵</p> <p>عثمانی، سفیرکبیر: ۸۵، ۸۴، ۸۳</p> <p>عدالملک دادگر، میرزا حسن خان: ۱۱۱، ۱۱۰</p> <p>عدلیه، وزارت: ۶۵</p> <p>عراق: ۱۲۵</p> <p>عشق آباد: ۴۲</p> <p>عشقی، میرزاده: ۲۹</p> <p>عقل اجتماعی و سیاسی در جهان کهن، مقاله: ۸</p> <p>علوم، دانشکده: ۱۳</p> <p>علوم، وزارت: ۴۳</p> <p>علوم اجتماعی دانشگاه مسکو، دانشکده: ۳۰</p> <p>علوم ایران، وزارت: ۴۲</p> <p>عین الدوّله: ۶۵، ۵۵</p> | <p>طباطبایی، سید محمد صادق: ۱۱۲</p> <p>طباطبایی سنگلچی، آیت‌الله سید محمد: ۱۱۲</p> <p>طراق، وزیر: ۴۳</p> <p>طلاء: ۷۶</p> <p>طفوان، روزنامه (جريدة): ۷۳، ۷۲</p> <p>طهران: ۱۳۷، ۱۳۶، ۷۹</p> <p>طهران: ۸۵، ۸۴، ۱۱۵، ۱۱۴، ۹۴</p> <p>طهماسبی: ۱۰</p> <p>ظہیرالاسلام: ۹۹، ۱۳۳، ۱۴۰</p> <p>ظہیرالملک: ۱۴۹، ۱۴۸</p> |
| <p>غ</p> <p>غرب و شوروی در ایران (سی سال رقبت)، کتاب: ۱۸</p> <p>غفاری، حسن علی: ۴۸</p>  | <p>اعشورا: ۱۰۵</p> <p>عالی، دانشسرای: ۱۳</p> <p>عالی کشور، دیوان: ۴۳</p> <p>عباس میرزا: ۳۲</p> <p>عباسی، احمد: ۳۲</p> <p>عبدالحسین خان، میرزا: ۱۰۹، ۱۱۰</p> <p>عبدالوهاب خان، پیش خدمت: ۶۲</p> <p>عثمانی: ۸۳</p> <p>عثمانی، دولت: ۸۵، ۸۴</p>  |
| <p>ف</p> <p>فارس: ۴۳</p> <p>فارس، خلیج: ۴۵</p> <p>فارس، والی: ۱۰۶</p>   | <p>ظ</p>  |

- |                                  |    |
|----------------------------------|----|
| فخرایی، ابراهیم:                 | ۲۵ |
| فرانسه: ۹۶، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۱۳، ۱۰   |    |
| فرانسه، خط:                      | ۴۹ |
| فرانسه، دولت: ۹۴، ۹۳، ۹۲         |    |
| فرج‌الله: ۱۵۰، ۱۴۷               |    |
| فرح آباد: ۴۹، ۵۲، ۵۰، ۶۲، ۶۱، ۶۶ |    |
| فرخیزدی، محمد: ۷۹، ۷۲، ۲۲        |    |
| فرزانه: ۴۳                       |    |
| فرزین: ۶۵                        |    |
| فرنگ: ۱۳۹، ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۲۹         |    |
| فروغی، ذکاء‌الملک: ۴۳، ۲۷        |    |
| فقایلیت‌های کمونیستی در ایران،   |    |
| کتاب: ۱۷                         |    |
| فواید عامه، وزارت: ۱۱۰، ۹        |    |
| فلیپ‌آف، پالکونیک: ۱۴۸           |    |
| فلیپ‌آف، سرهنگ: ۱۷               |    |
| فلیپ‌آف، کلنل: ۱۴۹، ۱۴۷          |    |
| «ق»                              |    |
| قاجار، سلسله: ۱۰۵، ۲۶، ۱۲، ۷     |    |
| قاجار، سلطنت: ۱۰۶                |    |
| قاجاریه: ۱۲۲، ۱۱۲، ۳۱، ۳۰        |    |
| قراول خانه خرابه: ۱۱۶            |    |
| قزاق: ۱۵۳                        |    |
| قزاق‌ها: ۱۱۶، ۱۱۵                |    |
| فزوین: ۲۳                        |    |
| قسمت دیپلماتیک ایران در مسکو:    |    |
| ۵۱                               |    |
| قشون، اداره: ۱۳۶                 |    |
| قصر شیرین: ۴۲                    |    |
| قم: ۱۱۷                          |    |
| قند انگلیسی سفان: ۵۸             |    |
| قند روسي: ۵۸                     |    |
| قندهای انگلیس: ۵۸                |    |
| قوام‌الدوله صدری (معتمد‌خاقان)،  |    |
| میرزا شکرالله خان: ۱۱۹           |    |
| قوام‌السلطنه: ۲۰، ۳۱، ۴۱، ۵۳     |    |
| ۷۷، ۷۶، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۵، ۵۴       |    |
| ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۱۰، ۹۹، ۷۹، ۷۸        |    |
| ۱۳۲، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۲۷          |    |
| ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۶، ۱۲۳               |    |
| قوام‌السلطنه، اصطبل: ۲۰          |    |
| قوام‌السلطنه، کابینه (دولت): ۵۳  |    |
| ۵۴، ۵۶، ۷۲، ۷۱، ۶۵               |    |
| قولرتون: ۴۵                      |    |
| قولروتون: ۴۲                     |    |
| قولره‌تون: ۴۲                    |    |
| کابل: ۲۹                         |    |
| کابینه: ۷۷                       |    |
| کاراخان: ۱۰۷، ۱۷                 |    |

«گ»

- گلستان، عمارت: ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۱
- گمرک و پست کرمانشاه، اداره: ۴۵
- گمرک و مالیه، اداره: ۴۵
- گنجینه سازمان استناد (دفتر یکم): ۱۱۲
- گیلان: ۸۰، ۷۸، ۲۳، ۲۱، ۵۴، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸
- گیلان، اغتشاش: ۱۵۸

«ل»

- لکهارت، سیر بروس: ۱۹، ۱۸
- لنچافسکی، جرج: ۲۹، ۲۷، ۱۸
- لندن: ۲۵، ۱۹
- لنن: ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۴، ۲۳، ۳۷
- لورن، سرپرنسی: ۱۲۶
- لویزان: ۱۲
- بهستان: ۸۸
- لهستان، دولت: ۸۸
- لیانازوف‌ها: ۴۲
- لیبرال انگلیس، حزب: ۱۸
- لیتونیف، ماکسیم: ۱۹
- مازندران: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷

«م»

- کاشان: ۱۱۷
- کalamitsf، ایوان: ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۷
- کامران‌میرزا: ۱۰۵
- کامله‌الوداد: ۹۶، ۹۵، ۹۲
- کجوری، علی‌اکبرخان: ۹
- کراسنویارسک: ۲۸، ۲۷
- کراسین: ۲۵
- کردپلیماتیک، هیأت: ۸۴
- کرزن، لرد: ۸۸، ۲۳
- کردپلیماتیک‌ها، هیأت: ۸۸، ۸۳
- کرمان: ۱۰۶
- کلایو، سیر رابرт: ۱۲۶
- کمونیست باکو، حزب: ۲۴
- کمونیست بریتانیا، حزب: ۱۹
- کمونیست شوروی، حزب: ۲۸
- کمونیست‌های گیلان: ۲۳
- کمونیستی، تبلیغات: ۲۴
- کمیترن: ۲۸
- کوتو (مدرسه زحمت‌کشان شرق): ۳۰
- کوچک‌خان، میرزا: ۲۵، ۲۴، ۲۳
- کودتا: ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹
- کوزنفلد، ژوزف: ۱۳۸
- کیروف: ۲۴

## ۱۷۴ / دو سال روابط احمدشاه و سفارت شوروی

<p>مازندران، حکومت: ۱۴۸، ۱۴۷</p> <p>منارد: ۴۵</p> <p>مساوات، روزنامه: ۱۱۲</p> <p>مساوات، سید محمد رضا: ۶۰، ۱۱۲</p> <p>مستخدمین ارمنی: ۴۸</p> <p>مستشار اعلیٰ امریکا: ۷۹</p> <p>مستوفی، عبدالله: ۲۳</p> <p>مستوفی الممالک: ۷۵، ۷۴، ۷۲، ۷۸، ۸۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۹</p> <p>مستوفی الممالک، کایینه: ۷۵، ۱۰۱، ۹۹، ۸۷، ۷۸</p> <p>مسعود انصاری، عبدالحسین خان:</p> <p>مسکو: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲</p> <p>مسکو، بانک ملتی: ۱۴۸</p> <p>مسکو، دانشگاه: ۳۰</p> <p>مسکو، دولت: ۲۹</p> <p>مشارالملک، میرزا حسن: ۸۷، ۹۹</p> <p>مشاورالممالک (علی قلی خان</p>	<p>۴۸</p> <p>۱۴۹</p> <p>۳۶</p> <p>۶۵</p> <p>۱۸</p> <p>۱۲</p> <p>۱۱۶</p> <p>۱۱۶</p> <p>۱۱۲</p> <p>۴۱</p> <p>۱۱۹</p> <p>۹۲</p> <p>۴۸</p> <p>۴۳، ۴۲</p> <p>۴۹</p> <p>۵۴، ۳۸</p> <p>۱۱</p> <p>۱۲۵</p> <p>۱۱۹</p> <p>۱۵۱</p>
--	---

- منظورالاجداد، محمدحسین: ۳۲  
 مؤسسان اول، مجلس: ۴۳  
 مؤیدخواجی، حسین: ۱۲، ۳۲  
 میرزا صالح، غلامحسین: ۱۸، ۲۲، ۲۳  
 میلسپو، آرتور: ۷۹
- تبرستان**
- (ن) ناصرالدین شاه: ۱۳۴، ۱۳۵  
 ناصری، دوره: ۱۰۶  
 نظام خلوت: ۳۵  
 نامه لنین: ۲۱  
 نایب شرق: ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶  
 ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۲۵، ۱۱۰، ۱۰۷  
 نخجوان: ۸۰  
 نرمان، هرمان: ۲۳، ۱۲۶  
 نشر تاریخ ایران، انتشارات: ۳۲  
 نصرالله‌خان، میرزا: ۱۲۲  
 نصرالدوله: ۶۵، ۱۱۹  
 نصرالسلطنه (نصرت‌مظفری)،  
 شاهزاده حسن‌علی میرزا: ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۰۴  
 نصیردفتر، میرزامحمدعلی: ۱۲۴  
 نظام‌السلطنه: ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۸  
 نظامی انقلابی ارتش پنجم سرخ،  
 شورای: ۲۸  
 نفت شمال، معادن: ۴۶، ۴۷، ۴۸
- انصاری): ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۵۱، ۸۷  
 ۹۳، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۰  
**مشروعطه:** ۴۷  
**مشروعطه، دوره:** ۱۰۶، ۱۱۹  
**مشروعطیت:** ۱۲۵  
**مشهد:** ۲۰، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲  
**مشیرالدوله، میرزا حسین:** ۱۳، ۶۵  
 ۷۶، ۸۹، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹  
 ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴  
**مشیرالدوله، کاینث:** ۱۰۱  
**صدق‌السلطنه، دکتر محمد:** ۶۵  
**معاون‌الدوله:** ۴۸، ۸۶  
**معتصم‌السلطنه:** ۱۵۰، ۲۰  
**معتمد‌خاقان:** ۱۱۹  
**مغولستان:** ۲۸  
**مظفرالدین شاه:** ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۹  
**مظفری، دوره:** ۱۰۶  
**مظفری، نصرت:** ۱۰۳  
**مکنی، حسین:** ۱۱، ۲۷، ۲۸، ۲۹  
**مليون:** ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۳۹  
**ملی‌ها:** ۱۱۳  
**متازالملک:** ۴۲، ۴۴  
**منات (واحد پول روسی):** ۷۶  
**منچستر گاردن، روزنامه:** ۱۸  
**منشور گرگانی، م.ع.:** ۳۰، ۱۷، ۱۶

۱۴۴

نوری اسفندیاری، فتح اللہ: ۲۲

تونیج، نیکو: ۲۰

۱۴۵

»

هروی، خانواده: ۳۱

هروی، افسرالملوک: ۱۲

هروی، دکتر نصرت اللہ: ۱۲، ۱۳

۱۴

هروی، زهرلیندراسلطنه (صدیق):  
۱۲

هروی، علی: ۳۲

هروی، فخرالسلطنه (مؤید

خواجوی): ۱۲

هروی، مرتضی: ۳۲

هروی، مهدی: ۳۲

هروی، مهندس علیاکبر: ۱۲، ۱۳

هزارجریب: ۱۴۷، ۱۴۸

هزار و نهصد و بیست و یک ایران و

شوری، عهدنامه: ۵۱

هزار و نهصد و پنج، انقلاب: ۲۸

هزار و نهصد و نوزده، قرارداد: ۷، ۸

هزار و نهصد و هفده، انقلاب: ۲۸

هزیر، عبدالحسین: ۱۰۹

هنسن، ولیهن: ۴۵، ۴۶

هننسن: ۴۵

۱۴۶

۲۶

والدین، مسیو: ۱۱۰، ۱۰۵-۱۱۳

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳

۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۵

۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲

وثوق الدوله: ۳۸-۴۱، ۷۶، ۱۳۵

وثوق همایون، محمد: ۱۰۹

وزاره، هیأت: ۱۱۶

وزاری جمهوری خلق، شورای: ۲۸

وزیر مختار امریکا: ۱۳۸

وزیر مختار انگلیس: ۱۱۶، ۱۲۶

وزیر مختار روسیه (روس،

شوری): ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶

۷۰، ۴۹-۶۶، ۴۷، ۳۵-۴۳، ۲۸

۱۱۰، ۹۸، ۷۲

۱۳۵، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۱۳-۱۱۷

۱۰۵۴، ۱۰۵۲، ۱۰۵۱، ۱۰۵۰

۱۰۵۶، ۱۰۵۵

وطن، حزب: ۱۱۲

ولادی وستک: ۲۸

ولی عهد ایران: ۲۱، ۱۱۱

۱۱۵-۱۱۷، ۱۳۱، ۱۲۲، ۱۴۰

۱۰۵۴، ۱۰۵۳

یادگار عمر (جلد یکم)، کتاب: ۱۸

- یادگارنامه فخرایی، کتاب: ۱۸  
یاوری، حورا: ۱۸  
یونان: ۸
- پرمخان: ۱۲۵
- یساول یلکین: ۱۴۹، ۱۴۸

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



نفضل و غاليت خداوند متعال

# ماسلطان احمد شاه قاجار

تبستان

www.tabarestan.info

شانه شاه کل مالک ایران

نظر پا س خدمت و مراتب لایقت که از بصیر الداد پسخواست خاصه همایونی معروض فنا



ب تصویب خباب شرف میر حسن جان ایلدوله رئیس وزراء و عالی خاکب مملکتو نیز از

چهارمین

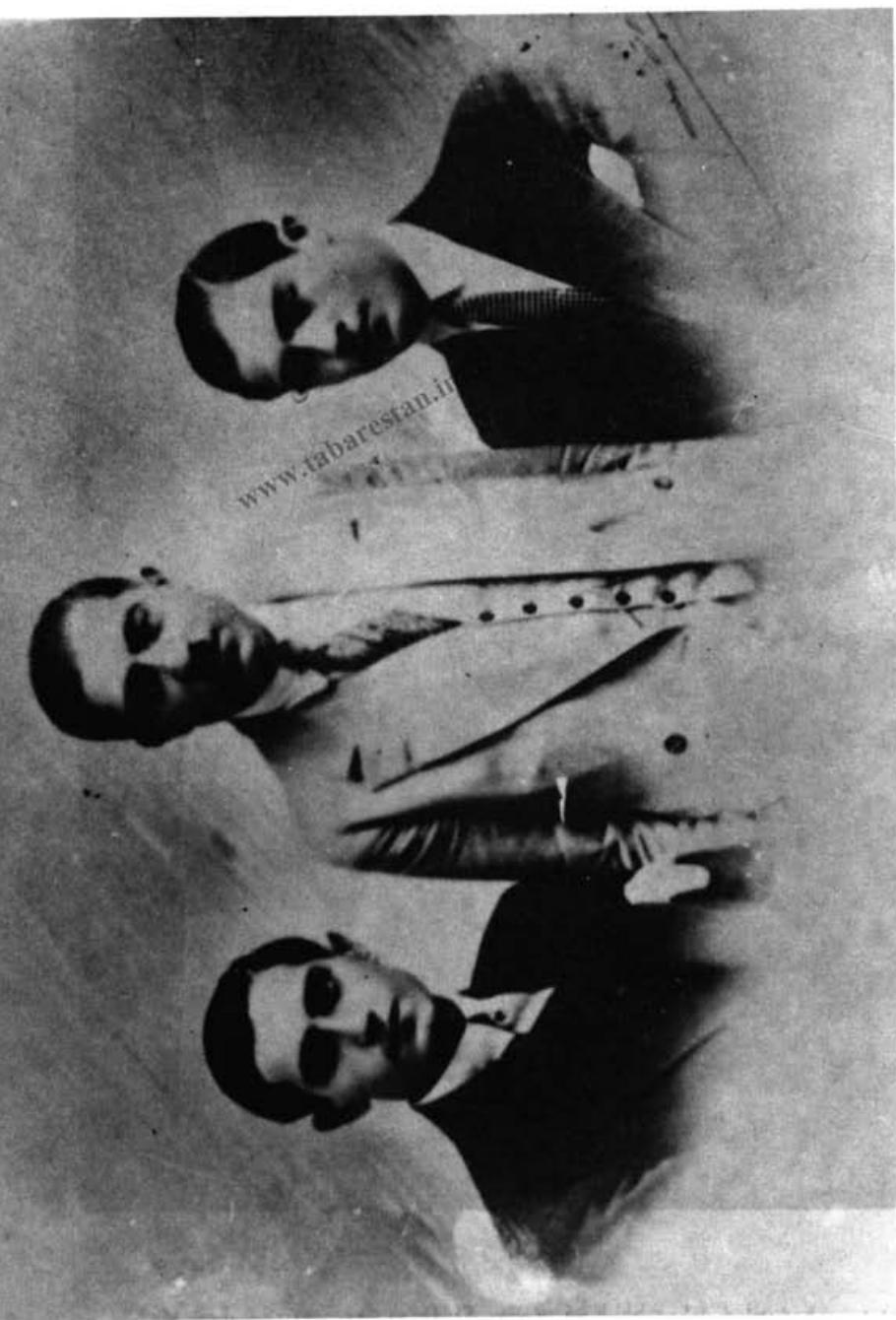
شارالیه را با عطا اشان جعل سرپرستی قرین قهرمان فرمودم تاریخ ۲۴ بهجت حکومی شانی تبریز



بصیرالدوله هروی ۱۲۳۷-۱۲۵۵ خورشیدی.

از راست به سمت  
دکتر صفت الاموری - دکتر عیسی صدقی اعلم - مهندس علی اکبر محمدی، ۹۰، ۳۰ پاریس.

[www.tabarestan.ir](http://www.tabarestan.ir)



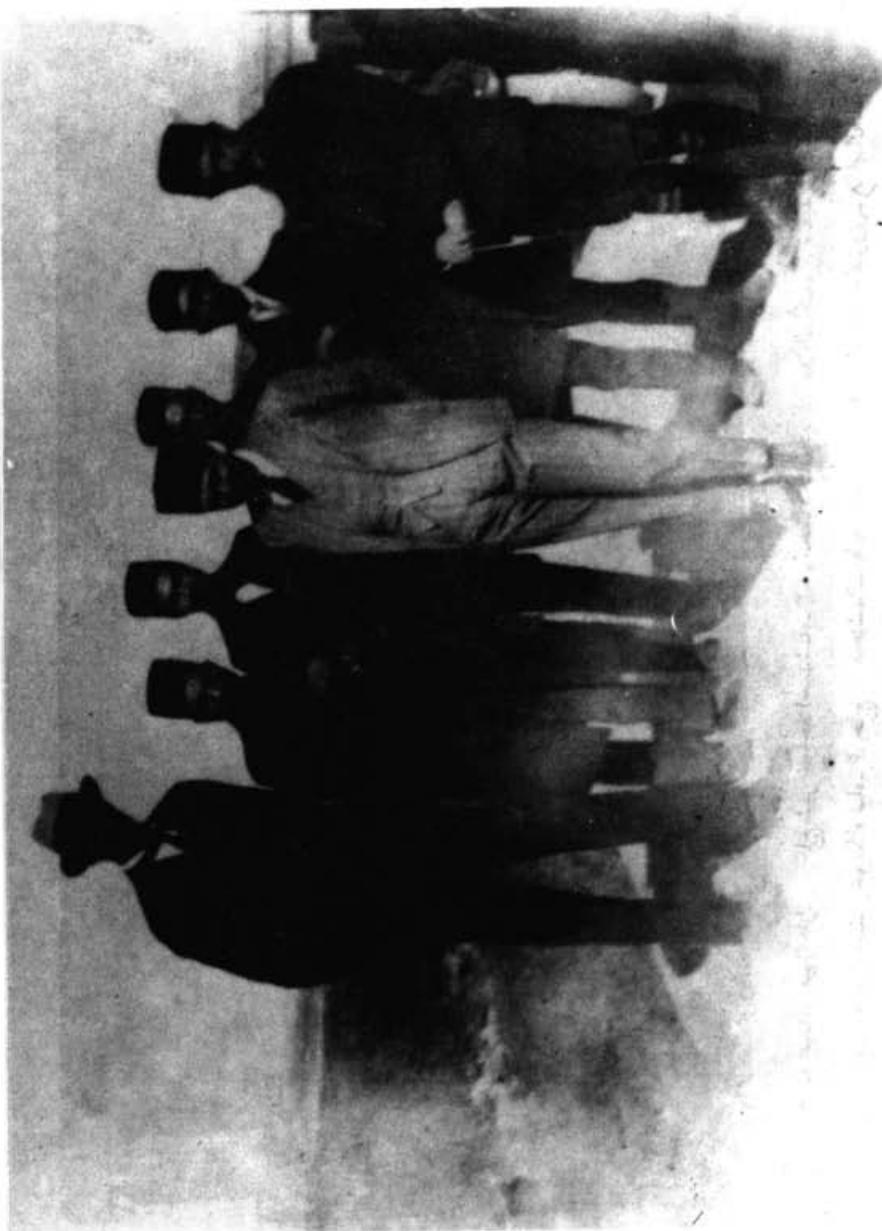


از راست به چپ

ماهرحسار خانم متین - مهندس علی اکبر هروی - فخرالسلطنه مؤید خواجهی همسر و دو

فرزند بصیرالدوله، ۱۳۱۴ خورشیدی.

مظفر الدین شاه، نفر سوم بیهوده‌نشانی ایران، نفر چهارم احمدشاه، نفر پنجم دکتر حسن حکیم الدین طبیب مخصوص احمدشاه.



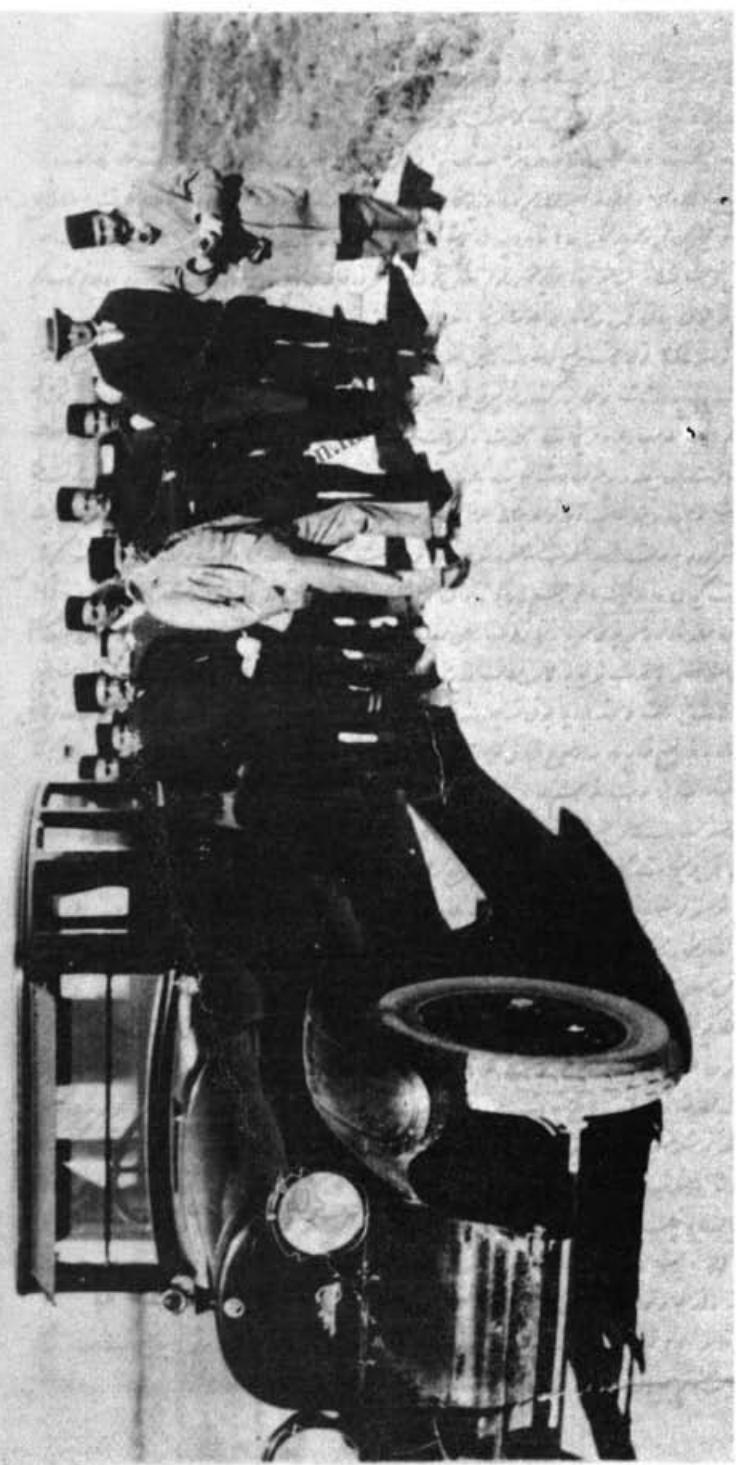
این عکس احتمالاً در ترکیه در سفر دوم احمدشاه به اروپا گرفته شده است از راست به چپ: نفر دوم نصرت‌السلطنه پسر



١. شاهزاده عبد الله ميرزا دارلـ. ٢. حاج شیر خواجه احمدشاهـ. ٣. امیر محمدوندان دیباـ علاءالملکـ. ٤. سعید الدلوه عضو دربارـ. ٥. معین الخلوات رئیس خواکاه شاهـ. ٦. حاج مختار سلطنه استندباریـ. ٧. بصیر الدلوه هردویـ. ٨. اسان الله میرزا جهانبانیـ. ٩. قوام سلطنه نخست وزیرـ. ١٠. نظام الدلوه خواجه نوری وکیل مجلسـ. ١١. احمدشاهـ. ١٢. سردار سپهـ. ١٣. اسدالله میرزا شمس ملک آراـ. ١٤. عبد الله میرزا فرسنگـ. ١٥. محمد حسن میرزا ولیعهدـ. ١٦. مستوفی المسماکـ. ١٧. نصرت سلطنه (نصرت مظفری) عمرو احمدشاهـ. ١٨. مجید الدلوهـ. ١٩. ابو الفضل عضد، عضدالسلطان پسر مظفر الدین شاهـ.

شهر چهارم نصرت‌السلطنه بسر مظفر الدین شاه، نفر پنجم احمدشاه نفر ششم بصیر الدله.

احتمالاً در ترکیه در سفر دوم احمدشاه به اروپا از راست به جنب: نظر او دکتر حسن حکیم الدوله طیب منصوص شاه،



تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

یادداشت‌های حاشیه صفحات،

به خط مرحوم دکتر عیسی صدیق می‌باشد.

نهی و دیگر نهادهای اسلامی در این میان از این دو اتفاقات بحث می‌شوند. از جمله این دو اتفاقات، اتفاقی است که در سال ۱۹۷۰ میلادی در شهر عربستان سعودی رخ داشت. در این اتفاقات، هفت هزار نفر از افراد اسلامی کشته شدند. این اتفاقات از این دلایل می‌باشند:

در پنجمین پیمانه بود که نسخه اولیه برای انتشار در سال ۱۹۷۰ در دست اینجا می باشد. این پیمانه در سال ۱۹۷۲ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۷۴ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۷۶ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۷۸ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۸۰ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۸۲ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۸۴ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۸۶ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۸۸ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۰ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۲ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۴ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۶ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۸ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد. این پیمانه در سال ۱۹۹۹ توسط احمد شفیعی و علی اکبریان در ایران منتشر شد.



بصیرت و قدرت می‌گیرد. همه که پنهان می‌نمایند، دیگر می‌توانند پنهان نگیرند. این می‌تواند میزبانشند باشد. همچنان که از تحقیق جوکار پژوهش  
جهت بحث فردیه آنها می‌دانیم، نزدیکی که در اینجا به آنها در مورد حکایت برخاسته بودیم، این که تقدیر شدید از هر چیزی است که پیشتر از این  
نظام خالق نهاده و در محدوده حیاتی خودش بوده است. این حکایت خوب است. این حکایت دارد. این حکایت در محدوده حیاتی خودش بوده است. این  
که نهاده شده است در اینجا نیست، این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
و زیرا اینها فیض از این اتفاق خود را می‌نمایند در تو مکانی که از اینجا دور نمی‌شوند. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
ظاهر و دلکش در اینجا نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
آنچه در اینجا نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
سرو، پن از آن که در اینجا نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
لهم اخ داشتم که این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
لهم اخ داشتم که این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
لهم اخ داشتم که این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.  
لهم اخ داشتم که این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست. این نهاده شده است در اینجا نیست.



موز خود را سه تا چهار کیلوگرم، گلخانه خود را پنجه میگیرد و در خانه خود نگیرد.

دو هزار و سه هزار کیلوگرم طبق داده های ملیست برای نیاز موفر نموده، جو اس از خود راه در زیرینیت از بزرگترین بودجه های این دهه است که در این دوران از اسلام پس از ایجاد این بروکسیت از خواسته شد تا آنرا تأمین کرد و با توجه به اینکه این بروکسیت از خواسته شده بود تا اینکه از عرضه ایجاد شده باشد

روزت سهشده در آن باشید و در روز بند خود نهاده و دست سیم - میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی  
بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر  
میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر  
فرمایا کہ ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر  
ذوقت تجسس کرنے والے کو دست بند کر دیا گیا۔ میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر  
ذوقت تجسس کرنے والے کو دست بند کر دیا گیا۔ میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر  
ذوقت تجسس کرنے والے کو دست بند کر دیا گیا۔ میں بحث کر کے روک دست پیدا کر کے جوں ملکی بند خود نہ رہ سکتے ہم تھے اسی قدر



تبرستان  
www.tabarestan.info



شیراز



: به

شرح زمان